

خرابِ زمزمه تازه توام عرفی  
که عقل ازین نفس تازه مست می گردد

# کلیّات عرفی شیرازی

جلد سوم

مشمّل بر: رباعیات و مثنویات

براساس نسخه های سراجا و ناظم تبریزی

بکوشش و تصحیح

پرفسور محمدولی الحق انصاری



# انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۲۴۰۶/۳

شماره مسلسل ۴۰۷۰

عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد، ۱۳۹۳ - ۱۳۹۹ ق.

ادبیان

کلیات عرفی شیرازی مشتمل بر قمیده‌ها، ترکیب  
بندها، ترجیع بندها، قطعات براساس نسخه‌های  
ابوالقاسم سراجا اصفهانی و محمدصادق ناظم  
تبریزی/ بکوش و تصحیح محمد ولی‌الحق انصاری -  
تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ،  
۱۳۷۷

۳ ج. جدول - (انتشارات دانشگاه تهران؛  
شماره ۷۴۰۶/۱، ۷۴۰۶/۲، ۷۴۰۶/۳)

ریال: (دوره سه‌جلدی) ISBN 964-03-9315-0

ISBN 964-03-4068-5 (۱ ج.) - ISBN 964-03-4069-3 (۲ ج.) - ISBN 964-03-4070-7 (۳ ج.)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیفا، فهرست‌نویسی  
پیش از انتشار (ع. لاتینی شده: Kolijat-e-Orfie Shirazi).

جلد سوم مشتمل بر رباعیات و مثنویات است.

کتابنامه  
۱ شعر فارسی -- قرن ۱۰ اق. الف سراجا  
اصفهانی، محمدقاسم بن محمدعلی، قرن ۱۱ اق. ب ناظم  
تبریزی، محمدصادق، ۱۳۸۳ ق. ج ولی‌الحق  
انصاری، محمد، مصحح. دانشگاه تهران، موسسه  
انتشارات و چاپ، ه. عنوان.

۸۱/۴۱  
ع ۵۴۹۵  
۱۳۷۷

PIR۶۰۳۱/د۹  
۱۳۷۷

۷۸-۸۲۵

کتابخانه ملی ایران

شماره استاندارد بین‌المللی کتاب ۰-۹۳۱۵-۰۳-۹۶۴ (دوره سه‌جلدی) ISBN 964-03-9315-0 (3Vol.set)

شماره استاندارد بین‌المللی کتاب ۷-۴۰۷۰-۰۳-۹۶۴ (جلد سوم) ISBN 964-03-4070-7 (Vol. 3)

عنوان: کلیات عرفی شیرازی

به‌کوشش و تصحیح: دکتر محمدولی‌الحق انصاری

ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: بهار سال ۱۳۷۸ (چاپ اول)

چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مصحح است.

«کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است»

قیمت دوره سه‌جلدی: ۶۵۰۰۰ ریال

بخش رباعیات

## عرفی شیرازی

عرفی سخن تو هست معیارِ زبان      ز آبِ نفسِ تو سبز گلزار بیان  
طبع تو متاعِ تازگی جمله خرید      پژمرده بود بهارِ زین پس چو خزان





## (۱)

ای کرده زیون ناز<sup>(۱)</sup> شجاع تو مرا  
افکنده به صد رنج<sup>(۲)</sup> نزاع تو مرا  
تا<sup>(۳)</sup> خیزم و آرمت در آغوش اجل  
گشته‌ست به تکلیف وداع تو مرا

## (۲)

چندان که شدم<sup>(۴)</sup> زببخودی مست دعا  
تیری نزدم بر هدف از شست دعا  
باشم<sup>(۵)</sup> ز دعا مانع و از شوق طلب  
بیم<sup>(۶)</sup> است که پر برآورد دست دعا

## (۳)

ای شربت شیخ و شاب در کاسه ما  
وی چشمه آفتاب در کاسه ما  
آن جرعه کشانیم که از سیرابی<sup>(۷)</sup>  
یاقوت شود شراب<sup>(۸)</sup> در کاسه ما

## (۴)

ای رانده ز نسبت حرم طاعت ما  
مردود اجابت صنم طاعت ما  
اسلام نه و کفر نه<sup>(۹)</sup> تاکی<sup>(۱۰)</sup> به عبث  
آلوده کند لوح و قلم طاعت ما

۱-ن ۲۸ = نام؛ ن ۹، ۱۷، = بار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸ = نار

۲-ن ۵ = کُنْج؛ ن ۱، ۲، ۳، ۸، ۱۷، ۲۸ = رنج

۳-ن ۱، ۲، ۵، ۱۷ = تا؛ ن ۳، ۸، ۹، = بر

۴-ن ۱۷ = زببخودی بدم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۲۹ و غیره = شدم زببخودی

۵-ن ۲، ۳، ۴، ۲۸، ۲۹، = یاسم؛ ن ۶، ۱۷ = آهم؛ ن ۱ = آیم؛ ن ۵، ۸، ۹ = باشم

۶-ت ۹ = وقت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ و غیره = بیم

۷-ن ۲۹ = سیردلی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۶، ۸، ۱۷ و غیره = سیرابی

۸-ن ۲ = شراب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = حباب

۹-ن ۲۸ = تو؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۹ = نه

۱۰-ن ۹ = باکی نیست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹ = تاکی به عبث

## (۵)

گلبرگِ برد باد بهاران به کجا<sup>(۱)</sup>      سنبلِ رود<sup>(۲)</sup> از نسیمِ بُستان به کجا<sup>(۳)</sup>  
 ای عارضِ یار من شتابان به کجا<sup>(۴)</sup>      وی زلفِ نگارِ من پریشان به کجا<sup>(۵)</sup>

## (۶)

تا<sup>(۶)</sup> شوقِ تو آورده به کفِ دامنِ ما      در دوستیِ ما شده‌ای دشمنِ ما  
 بی روی تو غیرِ مردن از محنتِ هجر      این مایهٔ زندگی کی آمد فنِ ما

## (۷)

از بندِ غرور می‌گشایم خود را      آن طور که هست می‌نمایم خود را  
 عمری<sup>(۷)</sup> به رعونتِ صفتِ خود کردم      چندی به شکست می‌ستایم خود را

## (۸)

چون بندقِ شایِ اکبرِ ملک‌آرا      زان دستِ گهر نثار شد آتشِ زا  
 از معجزه‌های او شمردم که نمود      فوارهٔ آتش از میانِ دریا

## (ردیف با)

## (۱)

این ناله که در آتشِ خویش است کباب      این گریه که از شیشهٔ<sup>(۸)</sup> غم خورده شراب  
 مرغیست که آتش از هوا می‌گیرد      مستیست که از خمار گیرد می ناب

۱- در نسخهٔ هفدهم ردیف "تا کی" هست

۲- ن ۹ = زده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹، ۱۷ = رود

۳- در نسخهٔ هفدهم ردیف "تا کی" هست

۴- در نسخهٔ هفدهم ردیف "تا کی" هست

۵- در نسخهٔ هفدهم ردیف "تا کی" هست

۶- این رباعی تنها در نسخِ اوّل و پنجم در ذیلِ قطعات یافته شد

۷- ن ۹ = یک عمر رعونت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹ = عمری بر رعونت

۸- ن ۲، ۸ = دل؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸ = غم

## (۲)

ابلیس ز بندم بگشاید<sup>(۱)</sup> یارب  
 سرمایه ایمان نر<sup>(۲)</sup> باید یارب  
 ماییم<sup>(۳)</sup> و هزار داو یک خصل زبون  
 نقشی بمراد ما برآید یارب

## (۳)

شاه اکبر غازی کند از راه صواب  
 در آتش بندق جگر خصم کباب  
 یعنی بنگر که<sup>(۴)</sup> آسمان عظمت  
 بر دیو ممالک فکند تیر شهاب

## (۴)

ای<sup>(۵)</sup> از تو مرا اطاعت غم واجب  
 مجروح ترا دوری مرهم واجب  
 خون جگرم بخور که این می بتو هست  
 در روزه حلال و در محرم واجب

## (۵)

ای عکس لب تو آب را کرده شراب<sup>(۶)</sup>  
 وز روی تو آینه همه یافته آب  
 تا چیره زر بتارکت<sup>(۷)</sup> بنهادی  
 بر چشمه آفتاب دیدیم حباب

## (ردیف تا)

## (۱)

راهی<sup>(۸)</sup> بنما که رهنما مردی نیست  
 صد راه و به هیچ رهگذر گردی نیست

۱- ن ۹، ۱۷، ۲۹ = نگشاید؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸ = بگشاید

۲- ن ۹، ۱۷ = بریاید؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹ = نریاید

۳- ن ۹ = ماییم اسیر دست اهریمن آتش؛ ن ۶ = ماییم و هزار داد یک خصل زبون؛ ن ۱، ۵ = ماییم و هزار و یک دور خصل زبون؛ ن ۲، ۸، ۲۹ = ماییم و هزار داد و یک خصل زبون؛ ن ۱۷ = ماییم و هزار دو یک خصل زبون

۴- ن ۱، ۵، ۱۷ = که (کز درست می نماید)

۵- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد.

۶- ن ۲، ۱۲ = سراب؛ ن ۷، ۸، ۱۳ = شراب

۷- ن ۲ = بتارک؛ ن ۸ = بتارکت

۸- این رباعی در هفت اقلیم و ریاض الشعرا هم یافته شد

با دردِ تو هیچ نسبتم<sup>(۱)</sup> نیست ولی      بی نسبتی<sup>(۲)</sup> دردِ تو کم دردی نیست

## (۲)

شاهها کرمِ تو قلزمِ مَوّاج است      درویشی<sup>(۳)</sup> تو سلطنتِ<sup>(۴)</sup> بی تاج است  
منسوب به عالمِ نزولِ تو بود      آرامگهی که نام او<sup>(۵)</sup> معراج است

## (۳)

آنم که قفای<sup>(۶)</sup> من جبینِ طلب است      هر موی تنم دست گزینِ طلب است  
دستم دست است و کوششم کوشش لیک      دامنِ تو فوقِ آستینِ طلب است

## (۴)

دستی دارم که در گریبان غم است      پایی دارم که وقفِ دامن غم است  
جسمی<sup>(۷)</sup> دارم که باغ و بستان بلاست      جانی دارم که دین و ایمان غم است

## (۵)

هر کس که سرش نه در گریبان فناست<sup>(۸)</sup>      تا گردنش از فرق همه زخمِ<sup>(۹)</sup> جفاست  
زان روی که مافوقِ گریبانِ عدم      آمد شد<sup>(۱۰)</sup> سیلی غم و سنگِ بلاست

۱- هفت اقلیم و ریاض = نسبتی؛ همه نسخه‌های کلیات بشمول ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷ و غیره = نسبتم

۲- ن ۲ = بی‌بستنی؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = بی‌نسبتی

۳- ن ۱۱ = در و لشی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷ = درویشی؛

۴- ن ۹، ۴ = سلطنت؛ ن ۲، ۸ = سکندری؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷ = سکندر

۵- ن ۸ = آن؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۱، ۱۷ = او

۶- ن ۴ = جفا؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، هفت اقلیم و غیره = .....

۷- ن ۳، ۹ = جسمی؛ ن ۲، ۵، ۸ = چشمی

۸- ن ۸ = جفاست؛ ن ۱، ۹، ۳، ۵ = فنا

۹- ن ۸ = خار فناست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹ = زخم جفاست

۱۰- ن ۹ = آمد شدن؛ ن ۱۷، ۱، ۵، ۲۹ = آمد شد؛ ن ۳ = آمد و شد؛ ن ۸ = آمد شد و

## (۶)

از گریه<sup>(۱)</sup> گرم دیده<sup>(۲)</sup> آشناک است      آلوده به خون<sup>(۳)</sup> از تماشا پاک است  
از بسکه شکسته‌ام<sup>(۴)</sup> زبیم تو نگاه      گویی که مرا دیده پُر از خاشاک است

## (۷)

ای آنکه برت سفال و یاقوت یکیست      اعجازِ مسیح و سحرِ هاروت یکیست  
گر معرفتِ روحِ مجرّد داری<sup>(۵)</sup>      زیبِ تن و آرایشِ تابوت یکیست

## (۸)

ای شوقِ لبّت ز صبر من بُرده نبات      تلخ از شکرین تبسمت کامِ نبات  
مشتاقِ لبّت را چو اجل خون ریزد      از تیغِ اجل فرو چکد آبِ نبات

## (۹)

ای کعبه رو این<sup>(۶)</sup> طرف که می‌تازی<sup>(۷)</sup> نیست  
طوفی<sup>(۸)</sup> و خروشی و تگ و تازی نیست  
سرتاسرِ کوچه<sup>(۹)</sup> خراباتِ مغان  
آشفته و مست رو که طنازی نیست

۱- ن ۶ = گریه تلخ؛ ن ۱، ۵، ۹ = گریه گرم؛ ن ۳ = دیده گرم

۲- ن ۲ = دیده‌ام؛ ن ۱، ۵، ۹، ۳، ۲۹ = دیده

۳- ن ۹ = بخاک؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۲۹ = بخون

۴- ن ۲۸ = نکردم؛ ن ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۷، ۲۹ = شکسته‌ام

۵- ن ۱۷ = خواهی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۸، ۹، ۲۲، ۲۳، ۲۹ و غیره = داری

۶- ن ۲ = آن؛ ن ۳، ۸، ۹ و غیره = این

۷- ن ۹ = می‌تازی؛ ن ۴ = پی‌سازی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۸ = پی‌سازی

۸- ن ۲ = طوبی؛ ن ۱، ۳، ۸، ۹ و غیره = طوفی

۹- ن ۲۸ = کوچه مغانست عفتان؛ ن ۹ = کوچه خرابات جهان؛ ن ۱، ۲، ۴، ۸ = کوچه خراباتِ مغان

## (۱۰)

عرفی علم<sup>(۱)</sup> هجر تو افراشتنی است گنجی تو، ولی نقد تو ناداشتنی است  
گر<sup>(۲)</sup> عشق تویی، تخم تو ناکاشتنی است ور حُسن تویی، دل ز تو برداشتنی است

## (۱۱)

عرفی من و دل نه خوب دانیم و نه زشت هم خادم<sup>(۳)</sup> کعبه‌ایم و هم پیر کنشت  
همدوش<sup>(۴)</sup> مصیبتیم و همزاد<sup>(۵)</sup> نشاط همخوابه دوزخیم<sup>(۶)</sup> و همشیره<sup>(۷)</sup> بهشت

## (۱۲)

آن<sup>(۸)</sup> کز نظرش حجابِ صورت برخاست بر<sup>(۹)</sup> جزو و گلش نظر به یک دیده رواست  
گر جوهرِ قطره صاف<sup>(۱۰)</sup> باشد گر در<sup>(۱۱)</sup> در قطره<sup>(۱۲)</sup> چنان محو<sup>(۱۳)</sup> که گویی دریاست

## (۱۳)

عرفی شب<sup>(۱۴)</sup> عید باده عیش افروز<sup>(۱۵)</sup> است می نوش و طرب کن که همین دم روز است

۱- ن ۲۸ = عشق؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷ و غیره = هجر

۲- در نسخه هفدهم مصرعه چهارم مصرعه سوم و مصرعه سوم مصرعه چهارم است

۳- ن ۲۸ = زایر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، و غیره = خادم

۴- ن ۹ = همراز؛ ن ۱، ۳، ۸ = هم دوش؛ ن ۹ = همراز؛

۵- ن ۹ = همدوش خوشی؛ ن ۱، ۵ = همراه نشاط؛ ن ۲، ۳، ۸ = همزاد نشاط

۶- ن ۵ = جنتیم؛ دیگر نسخه‌ها = دوزخیم

۷- ن ۱، ۵ (اصلی)، ۸ = همشیر؛ ن ۳، ۵ (ترمیم)؛ ۹ = هم سیر

۸- در عرفات هم هست

۹- ن ۹ = بر خار و گلشن؛ ن ۱۷، ۲۸ = بر جزو گلشن؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸ عرفات = در جزو گلشن

۱۰- عرفات = پاک؛ دیگر همه نسخ = صاف

۱۱- ن ۱، ۵ = گردو باشد ن ۲، ۳، ۸، ۱۷، ۱۸، عرفات = باشد گردو؛ ن ۹ = باشد دُرد

۱۲- ن ۲، ۳ = بحر؛ ن ۱، ۵، ۹، قطره

۱۳- ن ۹ = بجو؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵ = محو

۱۴- ن ۲، ۳، ۴، ۸ عرفات = شب عید باده عیش افروز؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، هفت اقلیم = شب عید و باده عیش افروز؛ ن ۹ =

شب عید باده بزم افروز

۱۵- ن ۹ = بزم؛ همه نسخ دیگر = عیش

این توبه بسی شکست و از ما<sup>(۱)</sup> نرמיד می نوش که توبه مرغ دست آموز است

## (۱۴)

این عشق که مدح<sup>(۲)</sup> او همین عشق بس است

برقیست که موسیش یکی مُشتِ خس است

نی‌نی، درِ مستی<sup>(۳)</sup> نزنم،<sup>(۴)</sup> گلزار است

کش موسی<sup>(۵)</sup> عمران گِل مشکین نفس است

## (۱۵)

عرفی گله سر مکن که جای گله نیست

توفیق رفیق<sup>(۶)</sup> هر تُنک<sup>(۷)</sup> حوصله نیست

بر<sup>(۸)</sup> هر سرِ گام یوسفی در چاه است

صاحب نظری لیک به هر<sup>(۹)</sup> قافله<sup>(۱۰)</sup> نیست<sup>(۱۱)</sup>

۱- ن ۸ = نرسید؛ ن ۱۱، ۱۷ = برمید؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹ = نرמיד

۲- ن ۹، ۲۹ = مدح وی همین؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = مدح او همین؛ ن ۴ = مدح همین

۳- ن ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = مستی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۲۸، ۲۹ = هستی

۴- ن ۲، ۸ = چه زنم؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹ و غیره = نزنم

۵- ن ۹ = کین؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = کش

۶- ن ۲، ۱۷ = نصیب؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹ و غیره = رفیق

۷- ن ۹ = من بی حوصله؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = هر تُنک حوصله

۸- همیشه بهار = بر هر سرِ گام یوسفی در چاه است؛ ن ۱، ۲، ۵، ۶، ۱۷ = هر جا چاه‌یست یوسفی در وی هست؛ ن ۴، ۸، ۹، ۲۹ = هر چاه که هست یوسفی در وی هست

۹- ن ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۱، ۱۷، ۱۸ = به هر؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۹ = درین

۱۰- ن ۲۸ = مرحله؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹ و غیره = قافله

۱۱- کشن چند اخلاص گوید: "گویند که هر گاه از شیرانه به بند آمد فیضی او را پیش اکبر پادشاه برد - پادشاه بطور تحقیر از زبان برآورد که عرفی همین است - فی‌الغور در جواب گفته پاره همین است و تتمه آن می‌آید - پادشاه ازین سخن حدتِ طبع او را دریافته فرمود که از اشعار خود چیزی بخوان - عرفی این دو بیت خواند.

## (۱۶)

از وصل بتان ما که غمّاز نیافت      انجام کسی ندید و آغاز نیافت  
در دوست شدم محو<sup>(۱)</sup> به حدّی که مرا      هم<sup>(۲)</sup> دوست طلب کرد و نشان باز نیافت

## (۱۷)

آنم<sup>(۳)</sup> که رعیتِ مکینم<sup>(۴)</sup> دهر است      تریاکِ زمانه با خلافم<sup>(۵)</sup> زهر است  
عالم ز ممالکِ جلالم<sup>(۶)</sup> شهر است      دریای محیطِ خندقی<sup>(۷)</sup> زان نهر است

## (۱۸)

عرفی منم آنکه دوزخم<sup>(۸)</sup> بت شکن است      روزم ز هجوم تیرگی شب شکن است  
امسیدم اگر حمله فرمان زایست      تدبیرم اگر سپاه، مطلب شکن است

## (۱۹)

عرفی منم آنکه کوششم بی اثر است      هستم همه عیب<sup>(۹)</sup> و مو بمویم هنر است  
آن عابدِ برهمن سرشتم که مرا      طاعت ز گنه به توبه محتاج تراست

## (۲۰)

عرفی چه زنی طعن<sup>(۱۰)</sup> خرد بر من مست      مردان ننهند رازِ دل بر کفِ دست

۱- ن ۹ = ولی بیخبری؛ دیگر همه نسخ مثل ۱، ۲، ۵، ۸ و غیره = بخدّی که مرا

۲- ن ۹ = هر چند طلب کرد؛ دیگر همه نسخه‌ها = هم دوست طلب کرد

۳- ن ۵، ۱ = آبی؛ ن ۲، ۳، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = آبم

۴- ن ۵، ۱ = مکینت؛ دیگر نسخ = مکینم

۵- ن ۵، ۱ = خلافت؛ ن ۳، ۸، ۹ دیگر نسخ = خلافم

۶- ن ۵، ۱ = جلالت؛ دیگر همه نسخ = جلالم

۷- ن ۱، ۲، ۳، ۵ = خندقی آن شهر؛ خندقی زان نهر

۸- ن ۲۸ = خیز است؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۹ = زانست

۹- ریاض = عیب، موبجویم؛ همه نسخه‌های دیگر = عیب و مو بجویم

۱۰- ن ۸ = بانگ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = طعن



آن نوحه که<sup>(۱)</sup> راه لب نداند<sup>(۲)</sup>، داریم<sup>(۳)</sup> وان<sup>(۴)</sup> گریه که دل بدیده نگذارد<sup>(۵)</sup>، هست

## (۲۱)

عشق آید<sup>(۶)</sup> و گوید که رسولم نام است

وز حسن به امتان صدم پیغام است

حکم است که دین و دل فروشند<sup>(۷)</sup> به درد<sup>(۸)</sup>

وین سهل ترین جمله احکام است

## (۲۲)

راهم ندهد سوی حرم زاهد زشت

رانند<sup>(۹)</sup> ز کنشت راهب نیک سرشت

گر لذت خواریم بدانند<sup>(۱۰)</sup>، از رشک

هم آن<sup>(۱۱)</sup> کشدم به کعبه هم این<sup>(۱۲)</sup> به کنشت<sup>(۱۳)</sup>

۱- ن ۶ = نام؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹، هفت اقلیم = راه

۲- هفت اقلیم = ندارد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۷، ۲۹ و غیره = نداند

۳- ن ۱، ۱۷ = دانیم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۹ و غیره = داریم

۴- ن ۱۷، ۶ = وان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹ = آن

۵- ن ۱۷ = بگذارد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹ و غیره هفت اقلیم

۶- ن ۳، ۴، ۲۹ = آمد و؛ ن ۱۱، ۱۷ = آمده؛ ن ۱، ۲، ۹، ۲۸ = آید و

۷- ن ۱۱ = .....؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = فروشند

۸- ن ۲۸ = همه؛ ن ۹، ۱۷، ۲۹، ۸ و غیره = بدرد

۹- ن ۱، ۵، ۱۷ = وانگه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۲۹ و غیره = راند

۱۰- ن ۹ = بدانند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = بدانند

۱۱- ریاض = این؛ دیگر نسخه ها = آن

۱۲- ریاض = آن؛ دیگر نسخه ها = این

۱۳- در نسخه نهم مدخه چهارمین ریاض بطور بیت: گویم لیبیک چون بگوید کو خشت

## (۲۳)

روزی که قضا مزرعه قسمت کِشت      خاکم ز حرم ببرد و در دیر سرشت  
می خواست که در جواب بنای کنشت      گویم لبیک چون بگوید کو خشت

## (۲۴)

مسجود ملایک<sup>(۱)</sup> دو تن از آب و گل است      ز آدم<sup>(۲)</sup> چو گذشت این<sup>(۳)</sup> نگار چگلت  
گر هست تفاوتی، همین باشد و بس      کان حکم اله بود<sup>(۴)</sup> و این حکم دلست

## (۲۵)

ای حضرتِ \* ..... بنازم<sup>(۵)</sup> رایت      وان<sup>(۶)</sup> طرز سخن فهمی و نظم آرایت  
آن مایه بلندی که با فهم تو بود      صد حیف که دزدیده قید رعنائت

## (۲۶)

آخوند<sup>(۷)</sup> من اندکی ز انصاف کجاست  
دُرِ سخت هست<sup>(۸)</sup> بسی<sup>(۹)</sup>، صاف کجاست  
این بی ادبان از تو سؤالی دارند  
عناقِ فضیلت ترا قاف کجاست

۱- ن ۳۸ = روش؛ ن ۱۷ = که تن از آب و گل؛ ن ۴، ۲۹ و غیره = دو تن از آب و گل؛ ن ۱، ۲، ۸ = دو تن از آب و گل

۲- ن ۹ = که؛ ن ۱، ۳، ۴، ۱۷، ۲۹ = چو

۳- ن ۲۸، ۹ = ریاض = این؛ ن ۱، ۳، ۸ = آن

۴- ن ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = این؛ ن ۱ = این؛ ن ۲، ۸ = ریاض = و این

۵- ن ۵، ۱ = بنازم؛ ن ۴، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بنازم

۶- ن ۲، ۸، ۲۹ = دین؛ ن ۱، ۵، ۸ = وان

۷- ن ۹ = بر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۸، ۲۹ = من

۸- ن ۲۹ = نیست؛ ن ۱، ۳، ۴، ۸، ۶ = هست

۹- ن ۱، ۲، ۳، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = بسی؛ ن ۹ = اگر؛ ن ۸ = بس این

\* در نسخه دستنویس مصحح، کلمه ای است خط خورده و ناخوانا.

## (۲۷)

معموره<sup>(۱)</sup> عقل فضله ویرانی است      سرمایه علم<sup>(۲)</sup> خاکِ بی سامانی<sup>(۳)</sup> است  
بازارچه حیرتِ ما آبادان      کافاده متاع و غایتِ ارزانی است

## (۲۸)

در عیدِ من آنکه لاف سنج سخن است  
خونش<sup>(۴)</sup> هدر است و قاتلش نظم<sup>(۵)</sup> من است  
گوساله سامری اگر<sup>(۶)</sup> بانگ زند  
اعجازِ کلیم<sup>(۷)</sup> نغز<sup>(۸)</sup> دندان شکن است

## (۲۹)

عرفی دلِ من که مستِ جانان منست      از عالمِ قدس آمده مهمانِ منست  
مگذار که پامال شود در ره کفر      رحمی، که جگرگوشه ایمانِ منست

## (۳۰)

دردا که دگر سخن<sup>(۹)</sup> ز فرزاندگی است      چیزی که نه در شمارِ دینوانگی است  
بیگانگیِ عافیتِ ننگی<sup>(۱۰)</sup> بود      اکنون<sup>(۱۱)</sup> برویم نسبتِ همخوانگی است

۱- ن ۴ = معموره عقل فضله ویرانی است؛ ن ۳، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = معموری عقل فضله ویرانی است؛ ن ۱۷ = معموری

عقل فضل را ویرانی است؛ ن ۱ = معموری عقل و فهم را

۲- ن ۲۱ = عقل؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸ = علم

۳- ن ۱، ۵، ۲۸ = خاک بیابانی؛ ن ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = خاک بی سامانی

۴- ن ۹ = خصم پدر است؛ ن ۱، ۸ = خونش هدر است؛ ن ۲، ۳، ۴، ۱۷ = خویش پدر است

۵- ن ۹ = قاتل نظم من؛ ن ۲ = قاتلش شعر من؛ ن ۱، ۸ و غیره = قاتلش نظم من

۶- ن ۹ = که آواز دید؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۷ = اگر بانگ زند

۷- ن ۴، ۱۷ = کلیم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۹ = مسیح

۸- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۷ = نغز؛ ن ۲۸ = مغز؛ ن ۱۱ = نغمه؛ ن ۸، ۹ = سخت

۹- ن ۳، ۸، ۹ = سخن دگر؛ ن ۱، ۴، ۱۱ = دگر سخن؛ ن ۱۷ = اگر سخن

۱۰- ن ۲ = مشتلی؛ ن ۳، ۴، ۸ = تنگی؛ ن ۱، ۹ = تنگی

۱۱- ن ۳، ۴، ۱۷ = برویم ن ۹ = بسویم؛ ن ۲ = بتوانیم؛ ن ۳۸ = در غم و بوی؟

## (۳۱)

دی محتسب آمد و بسی تُند نشست      ماتم زده بود، دادمش شیشه بدست  
 بشکست و نیافت قصدم<sup>(۱)</sup> آن جاهلِ مست      بایست که توبه بشکند، شیشه شکست

## (۳۲)

شیراز که دریای<sup>(۲)</sup> معانی گهر است      یکتا گهرش عرفی صاحب نظر است  
 بس<sup>(۳)</sup> کز دو طرف ماهوشان<sup>(۴)</sup> می‌گذرد      هر کوچه<sup>(۵)</sup> او شبیه<sup>(۶)</sup> شق القمر است

## (۳۳)

صد تلخ شنیدم ز یکی زرق پرست  
 جُرم چه؟<sup>(۷)</sup> همین که دادمش جام<sup>(۸)</sup> بدست  
 دانی که؟ همان محتسبِ گرسنه مست  
 کامروز<sup>(۹)</sup> به لقمه‌اش دهن خواهم بست

## (۳۴)

این لاله<sup>(۱۰)</sup> که با داغِ الست آمده است      پژمرده و سینه چاک و مست آمده است  
 پژمردگی<sup>(۱۱)</sup> رواست کز باغِ ازل      تا شهرِ غمت دست به دست آمده است

۱- ن ۳، ۴، ۹، ۲۸ = .....؛ ن ۸، ۱۷ = قصه من؛ ن ۱ = قدرم

۲- ن ۸، ریاض = معدن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۷، ۲۸، عرفات = دریای

۳- ریاض = از بسکه بتان دو رویه می‌گذرند

۴- ن ۲، ۸ = حوروشان؛ ن ۱، ۴، ۶، ۹ = ماهوشان

۵- ن ۱، ۶ = گوشه؛ ن ۴، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹، عرفات، ریاض = کوچه

۶- ن ۹ = نشان؛ ن ۱، ۲ = شبیه

۷- ن ۱۷ = شیشه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹ و غیره = جام

۸- ن ۹ = که دارمش همین؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸ = همین که دادمش

۹- ن ۱ = امروز؛ ن ۲، ۳، ۸، ۹ و غیره = کامروز

۱۰- ن ۹ = ناله؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸ و غیره = لاله

۱۱- ن ۱ = از داغِ درون دعا به العاس رسان ۱ (حاشیه)، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = پژمردگی رواست کز باغِ ازل

## (۳۵)

عرفی سخت گرچه معما رنگ است      وین زمزمه را بذوق<sup>(۱)</sup> یاران جنگ<sup>(۲)</sup> است  
بخروش<sup>(۳)</sup> که مرغانِ حرم می‌دانند      کین نغمه ناقوس کدام آهنگ است

## (۳۶)

از دیده<sup>(۴)</sup> ما بجُز حیا<sup>(۵)</sup> نتوان یافت      زین آینه جُز نور<sup>(۶)</sup> صفا نتوان یافت  
آلودگی که نورِ عصمت<sup>(۷)</sup> ببرد      در سلسله نگاهِ ما نتوان یافت

## (۳۷)

حسن از طلبِ نگاهِ ما بسته لب<sup>(۸)</sup> است      از اهل<sup>(۹)</sup> ادب دیده گشودن عجب است  
وانگه<sup>(۱۰)</sup> که لبِ حسن تماشا طلب است      آن<sup>(۱۱)</sup> بی ادبی چهره گشائی ادب است

## (۳۸)

عرفی<sup>(۱۲)</sup> سر صفا مسندِ ماست      تعظیمِ گوِ دیرِ مغان معبدِ ماست  
هرگام<sup>(۱۳)</sup> به تیغی سر تسلیم نهیم      سرتاسرِ کوی دوستی مشهدِ ماست

۱- ۸ = ذوقِ یازان؛ ن ۱، ۳، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ذوقِ یاران

۲- ۲ = ننگ؛ ن ۱، ۳، ۹، ۱۷ و غیره = جنگ

۳- ۸ = مخروش؛ ن ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۲۹ = بخروش

۴- ۲۹ = در؛ ن ۱، ۲، ۳، ۶، ۸، ۱۷، ۹ = از

۵- ن ۱ = هیا؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = حیا

۶- ۶ = نور و فیا؛ ن ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۲۸ = نور و صفا؛ ن ۲ = روی صفا؛ ن ۱۷، ۲۹ = نور صفا

۷- ۲۸ = حسرت؛ ن ۱، ۲، ۴، ۹، ۷، ۱۷، ۲۹ و غیره = عصمت

۸- ۸، ۱ = ناپسته لب؛ ن ۱، ۴، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ابسته لب؛ ن ۱۱ = ناتشسته لب؛ ن ۲۳ = ما تشنه لب

۹- ۲۹، ۹، ۱۷، ۲۸ = از؛ ن ۱، ۲، ۳، ۸ = ای

۱۰- ۲۸ = وانکو؛ ن ۱ = از آنکه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = وانگه که

۱۱- ن ۱، ۴، ۲۸ = از بی ادبی چهره گشایی؛ ن ۹ = از بی ادبی چشمه گشادی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۸، ۲۹ = آن بی ادبی چهره گشائی

۱۲- ن ۲، ۲۹، ۸ = صف؛ ن ۴، ۵، ۱۷ و غیره = سر

۱۳- ن ۱، ۱۷، ۸ = هرگاه؛ ن ۱، ۲۹ و غیره = بر گام

## (۳۹)

زین سان که کمانِ شدّت وی بزه است      وز بستنِ یخِ حبابِ رشکِ گره است  
دشمن که ز هیبتِ تو لرزد چه عجب      کشِ علّتِ لرزش به نظر مشتبه است

## (۴۰)

در عالم معنی که نه کوه است و نه دشت      دیدم که ز راهِ قربت<sup>(۱)</sup> اندیشه گذشت  
بانگش زدم<sup>(۲)</sup> و رهش نمودم وز<sup>(۳)</sup> ذوق      صد بار چو آفتاب بر گردم گشت

## (۴۱)

تا در زده‌ام بدامنِ عفو تو دست      تا یافته‌ام عیار<sup>(۴)</sup> تکلیفِ الست  
تقصیرِ عبادتم ندارد<sup>(۵)</sup> نادم      وز طاعتِ کرده‌ام پشیمانی هست

## (۴۲)

با سال و مهم دقیقه<sup>(۶)</sup> و ساعت نیست      با روز و شبم روشنی و ظلمت نیست  
با صحت و رنجم آفت و راحت نیست      عرفی عالمی<sup>(۷)</sup> چو عالمِ وحدت نیست

## (۴۳)

عرفی که همیشه در سلامت رو داشت  
دیدم که عجب حالی<sup>(۸)</sup> ازان بدخو داشت

۱- ن ۳ = قربت؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸ = قرب

۲- ن ۲۸ = زد و؛ ن ۱، ۵ = زدم

۳- ن ۱۷ = در؛ ن ۱، ۵ = دز

۴- ن ۱۷، ۲۸ = غبار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۹ = عیار

۵- ن ۲۸ = چو دار و نادار (نادم؟)؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۳ = ندارد نادم

۶- ن ۲۸ = دقیقه هر ساعت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸ = دقیقه و ساعت

۷- ناآنکه در تمام نسخ مثل ۱، ۲، ۵، ۸ و غیره "عالم" هست ولی "عالمی" مناسب‌تر می‌نماید

۸- ن ۱ = حال؛ ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = حالی؛ ن ۱۱ = جایی

صد بیشه شعله<sup>(۱)</sup> داشت در هر بُن<sup>(۲)</sup> او

صد خوشه ناله<sup>(۳)</sup> بر سر هر مو داشت

#### (۴۴)

اربابِ مفان که رسم<sup>(۴)</sup> شان جود<sup>(۵)</sup> و عطاست

جامی ندهند<sup>(۶)</sup> و این نه آئین سخاست

شکرانه، صافها لب بسته<sup>(۷)</sup> طلب<sup>(۸)</sup>

دُردی ندهند<sup>(۹)</sup> و تشنگانیم<sup>(۱۰)</sup> رواست

#### (۴۵)

آگه نیم از عیش که شهد چه گلوست

راحت نشانم که چه می، وز<sup>(۱۱)</sup> چه سبوست

زخمی دانم که سینه گوید<sup>(۱۲)</sup> عشق است

وین دل که فدای او نمک خورده<sup>(۱۳)</sup> اوست

۱- ن ۱، ۵ = است؛ ن ۲، ۳، ۸ = داخت

۲- ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸ = مو؛ ن ۲، ۶، ۱۷ = موی

۳- ن ۲۸ = ناله درد در هر مو داشت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۷، ۵ = ناله بر سر برموداشت

۴- ن ۹ = بزم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۹، ۲۹ = رسم

۵- ن ۹ = جور عطاست؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۹ = جود و عطاست

۶- ن ۱، ۵، ۸ = کین نه؛ ن ۲، ۳، ۴، ۲۹ = و این نه؛ ن ۹ = و این به

۷- ن ۲۹ = لب بسته؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹ و غیره = لب تشنه

۸- ن ۱، ۸ = لب؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۲۹ = طلب

۹- ن ۱، ۳، ۴ = بدهند؛ ن ۲، ۵، ۹، ۲۹ = ندهند

۱۰- ن ۴، ۹ = تشنگانیم؛ ن ۱، ۳، ۵، ۲، ۲۹ = تشنه گانیم

۱۱- ن ۳، ۴، ۵ = وز؛ ن ۱، ۱۱، ۱۷ = و؛ ن ۲، ۸، ۲۹ = در

۱۲- ن ۱۷ = داند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۲۹ = گوید

۱۳- ن ۸ = نمک خواره؛ ن ۱، ۵، ۹ و غیره = نمک خورده

## (۴۶)

حسن آن باغی که خلد ازو<sup>(۱)</sup> بیرنگ است  
 عشق آن داغی<sup>(۲)</sup> که دوزخش<sup>(۳)</sup> نیرنگ<sup>(۴)</sup> است  
 آن حسن تو داری و ترا نیست شرف  
 وین عشق مرا هست و هنوزم ننگ است

## (۴۷)

دل دشمن شادیست و در کارِ غمست  
 بیماری دل مایهٔ رو زردی ماست  
 از عافیت آسوده و بیمار غمست  
 رو زردی ما بهارِ گلزارِ غمست

## (۴۸)

با معصیت که کرده آئین کنشت  
 دوزخ همه عافیت چو دلسوزی خصم  
 با عاطفتم<sup>(۵)</sup> که می برد آبِ بهشت  
 جنت همه زخم دیده چون عشوۀ زشت

## (۴۹)

دل در هوس<sup>(۶)</sup> وصل تجلی طلب<sup>(۷)</sup> است  
 گفتم که به یأس دل تسلی یابد<sup>(۹)</sup>  
 در پردهٔ صورتست<sup>(۸)</sup> و معنی طلب است  
 فریاد که یأس هم<sup>(۱۰)</sup> تسلی<sup>(۱۱)</sup> طلب است

۱- ن ۵، ۱، ۳، ۲، ۸، ۹ و غیره = ازو

۲- ن ۹ = دامی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۸ و غیره = داغی

۳- ن ۹ = در رُخش؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = دوزخش

۴- ن ۹، ۸ = بیرنگ؛ ن ۱، ۲، ۵ = نیرنگ

۵- ن ۳، ۴، ۱۱، ۳۶ = عاطفت؛ ن ۲۹ = عاطفتم؛ ن ۹ = مرحتش؛ ن ۵، ۱۷ = مرحمت

۶- ن ۴، ۸، ۱۱، ۲۹ = در هوس وصل؛ ن ۳، ۹، ۱۲، ۱۷، ۱ = در طلب وصل؛ ن ۲، ۱۵ = ای دل طلب وصل

۷- ن ۱۷ = تجلی طلب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹ و غیره = تسلی طلب

۸- ن ۸ = صورتی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = صورتست

۹- ن ۹ = جوید؛ ن ۸، ۲۹ = طلبید؛ ن ۱، ۵ = یابد

۱۰- ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۲۹ = نیز؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = هم

۱۱- ن ۳ = لیلی؛ دیگر همه نسخ = تسلی



## (۵۰)

عرفی دلِ ما تا<sup>(۱)</sup> به درِ عشق گریخت      خون گله با شرابِ نسیان<sup>(۲)</sup> آمیخت  
این خون نه به تیغ آشنا شد نه به خاک      این گل نه شکفت از نفسِ باد و نه ریخت<sup>(۳)</sup>

## (۵۱)

مستوری دل<sup>(۴)</sup> طلب که مستی اینجاست      در یوزه گزین<sup>(۵)</sup> که چرب دستی اینجاست  
دست از همه بگسل و در آویز به دوست      یک رنگی نیستی و هستی اینجاست

## (۵۲)

عرفی دلِ پاره پاره و دینِ درست  
مفروش<sup>(۶)</sup> و بیاز<sup>(۷)</sup> هر دو را چابک و چُست<sup>(۸)</sup>  
کز آن گلِ بی طراوت و این گل سُست  
یک قطره گلاب نامد و خار بُرست

## (۵۳)

آنم که به ترکِ دین دلم خرسند است      زَنار به هر موی منش پیوند است  
زد جوش جنون و فاش تر<sup>(۹)</sup> می گویم      در دیر مغان دلم به زلفی بند است

۱- ن ۱، ۲، ۵، ۲۸، ۲۹ = تا بدرِ عشق؛ ن ۱۷ = تا ابد از عشق؛ ن ۹ = ما بدرِ گمِ عشق؛ ن ۸ = تا بدرد عشق

۲- ن ۲ = مستان؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۹ و غیره = نسیان

۳- ن ۹ = از نفسِ ما و بریخت ن ۲، ۴، ۸، ۱۷ = از نفسِ باد و نریخت؛ ن ۳، ۱۱، ۲۹ = از نفسِ باد و بریخت؛ ن ۵ = از نفسِ باد و مریخت؛ ن ۱ = از نفسِ ما....

۴- ن ۱۱ = این؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹ و غیره = دل

۵- ن ۱، ۵، ۹ = طلب؛ ن ۲، ۳، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = گزین

۶- در تمام نسخ "مفروش" است ولی "بفروش" درست تر می نماید

۷- ن ۵ = ساز؛ و همه نسخ دیگر = بیاز

۸- ن ۱، ۵، ۳۶ = چابک دست؛ ن ۳، ۴، ۸ = چابک و چُست

۹- ن ۲، ۸ = راست تر؛ ن ۱، ۵ = و فاش تر

## (۵۴)

چون دید مرا آنکه نهان قاتل ماست      گفت این ز شهیدان<sup>(۱)</sup> کهن زخم<sup>(۲)</sup> وفاست  
بی جان تنی<sup>(۳)</sup> آلوده بخون دید<sup>(۴)</sup> و بگفت      این جامه زراق<sup>(۵)</sup> کدامی رعناست

## (۵۵)

عرفی به حرم فکند<sup>(۶)</sup> ناقوس ز دست<sup>(۷)</sup>      مستانه به جوش آمد و زَنار گُست  
گفتند که مست<sup>(۸)</sup> عهد اسلام نیست<sup>(۹)</sup>      تسبیح ریای زاهدش برد از دست

## (۵۶)

جهدی، که گسستنِ نفس نزدیک است      فریادی کن که دادرس<sup>(۱۰)</sup> نزدیک است  
گر قافله بگذشت، قدم سُست مکن<sup>(۱۱)</sup>      بشتاب که آوازِ جرس نزدیک است

## (۵۷)

باز آنکه فراق جانگداز آمده است      اندیشه مُردنم فراز آمده است  
باز آی که ناچشیده داروی وصال      دردی که نرفته بود<sup>(۱۲)</sup>، باز آمده است

۱- ن ۱، ۵ = ایانه شهیدان؛ ن ۲ = ای ز شهیدان؛ ن ۳، ۴، ۲۸، ۸ = این ز شهیدان

۲- ن ۸ = زخم جفاست؛ ن ۱، ۲، ۳، و غیره = زخم وفاست

۳- ن ۲۸، ۳، ۴ = بیجان تنی؛ ن ۲ = پیچیده تن؛ ن ۱، ۵ = بی جان و تن

۴- ن ۲ = آید و گفت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = دید و بگفت

۵- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸ = زراق؛ ن ۲۸ = زریاف

۶- ن ۱۷، ۲۸ = فکند و ناقوس؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸ = فکند ناقوس و؛ ن ۲ = نکند ناقوس

۷- ن ۱۲ = ز دست؛ ن ۲ = بدست؛ ن ۱، ۳، ۵، ۲۸، ۱۷، ۸ = شکست

۸- ن ۱، ۳، ۵، ۸ = مست؛ ن ۲ = سُست؛ ن ۴، ۲۸ = بست

۹- ن ۲، ۵، ۸ = منست؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸ = نه بست

۱۰- ن ۱، ۵، ۸ = دسترس؛ ن ۲، ۱۷ = دادرس

۱۱- ن ۲ = مگیر؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۴، ۱۷ = مکن

۱۲- ن ۲ = است؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸ = بود

## (۵۸)

یار آمده و در صددِ دلدارِست

من مست<sup>(۱)</sup> و خراب و این شب<sup>(۲)</sup> هشیاریست<sup>(۳)</sup>

بیدار شدی بخت و به خوابم کردی

فریاد که خوابِ توبه از بیداریست

## (۵۹)

گر چشم<sup>(۴)</sup> دلم ز ناله و گریه جداست

زنهار مبر گمانِ راحت که خطاست

گر ناله خموشست دلم در جوش است

گر دیده سراپست، درونم دریاست<sup>(۵)</sup>

## (۶۰)

تا عمر مرا فلک به غم پیموده است

گوشم<sup>(۶)</sup> به فغانِ اهل شیون بوده است

امروز شنیده‌ام ز عرفی بی تو

هایاهائی که چرخ هم نشنوده است

## (۶۱)

دریا<sup>(۷)</sup> غم و دل شکارگاه شیر است

نگشوده نظر دل از تماشا سیر است

چون دیده گشایم که چمن پیکان است

چون سینه گشایم که هوا شمشیر است

۱- ن ۲، ۸ = مستِ شراب؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷ = مست و خراب

۲- ن ۳ = این نه بس؛ ن ۱۷ = این سبب؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = و این شب

۳- ن ۱۱ = صد دشواریست؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = هشیاریست

۴- ن ۲ = از گریه بی غمانه گردیده؛ ن ۸ = از دیده بی غمانه گر گریه؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸ = گر چشم دلم ز ناله و گریه جداست

۵- در نسخ ۱، ۵ این رباعی این طور به شکل جدا گانه درج شده است

از گریه بی غمانه گردیده جداست

می‌گیرم و غرق گریه‌ام، نیک ببین

همچنان در نسخ ۲، ۸ فقط همین یک شکلی رباعی که در بالا ثبت شده است موجود می‌باشد ولی در نسخ ۳، ۴، ۱۷، ۲۸

فقط یک شکل یعنی آن طوری که در متن جا داده شده است می‌باشد

۶- ن ۸ = کو غم؛ ن ۱ = گوشه؛ ن ۳، ۵، ۱۷ = گوشم

۷- ن ۱۷، ۹ = در با غم؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵ = دریا غم

## (۶۲)

در دشتِ محبتِ که سراسر شیر است      هر سو که گریزند، گذر بر شیر است  
جانِ کبکِ شکسته بال و جانان باز است      دل آهوی خردسال و دلبر شیر است

## (۶۳)

یارانِ دگر انگشت‌نما خواهم گشت      مجموعهٔ دردِ بی دوا خواهم گشت  
هم دست به دل نهاده<sup>(۱)</sup> هم دل در دست      از بهر دوا به شهرها خواهم گشت

## (۶۴)

در دیدهٔ تو ز روشنی شرم به است      در سینهٔ تو زجانِ دلِ نرم به است  
پرهیز کن از فسردگی در رو عشق      کز خنده<sup>(۲)</sup> سرد گریهٔ گرم به است

## (۶۵)

گفتم که تلاشِ ناز و نعمتِ عیب است      از خودِ نکنم<sup>(۳)</sup> طلب که منتِ عیب است  
قرض<sup>(۴)</sup> از درِ آفلاسِ برون<sup>(۵)</sup> آمد و گفت      آنجا نرسیده‌ای که همتِ عیب است

## (۶۶)

این شور که آن مضر<sup>(۶)</sup> و این شافی چیست      یک جرعه بس، این دردی و آن صافی چیست  
در هر دو جهان یک درم آن<sup>(۷)</sup> کاه سره      چندین محک<sup>(۸)</sup> و تمیز و صرافِی چیست

۱- ن ۱۷ = نهادم و هم؛ ن ۱، ۳، ۵ = نهاده هم

۲- ن ۱، ۵ = کز خندهٔ سرد گریهٔ گرم به است؛ ن ۳، ۴، ۱۱ = کز گریهٔ سرد خندهٔ گرم به است

۳- ن ۳ = نکنم طاعتِ منت؛ ن ۵ = نکنم طلب که منت؛ ن ۱ = بکنم طلب که منت

۴- ن ۱، ۳، ۱۷ = قرض؛ ن ۵ = قرض

۵- ن ۱، ۳، ۵ = درون آمد و گفت؛ ن ۱۷ = برون آمد و گفت

۶- ن ۳، ۴ = آن مفرد این شافی؛ ن ۱، ۵ = آن مصری و آن شامی

۷- ن ۱، ۳، ۴، ۵ = یک درم آن کاه سرا؛ ن ۱۷ = یک دم آکاه سرد؟

۸- ن ۱۱ = محک تمیز صرافِی؛ ن ۱، ۵ = محک تجربهٔ صرافِی؛ ن ۳، ۴ = محک و تمیز و صرافِی

## (۶۷)

از هجرِ تنت که طمع ازو نسیان یافت      وز<sup>(۱)</sup> وصلِ دلت که جان ازو جانان یافت  
درمان رنجور شد، الم رحلت کرد      صحتِ معمور شد سلامت جان یافت

## (۶۸)

عرفی که خلافِ مردمی<sup>(۲)</sup> بد دانست      نیکو منشی عیش مخلد دانست  
هر چند ز همتِ طلبِ کام نکرد      ایامِ خسیس صرفه خود دانست

## (۶۹)

آن روز که عشق تیغ بیداد گرفت      آتش گردید و راه بر باد گرفت  
هر شیوه که دیوانگیِ عشق نمود      حسن از پی شوخی همه را یاد گرفت

## (۷۰)

عرفی دلِ ما بسکه<sup>(۳)</sup> پریشان نظر است      هر دم هوشش به عشوه‌ای راهبر است  
زنهار به رنگ و بوی دنیا منگر<sup>(۴)</sup>      کین باغچه را شکوفه بی ثمر است

## (۷۱)

نادان به عمارت بدن مشغولست      دانا به کرشمه سخن مشغولست  
صوفی<sup>(۵)</sup> به فریبِ مرد و زن مشغولست      عاشق به هلاکِ خویشتن مشغولست

۱- ن ۱ = از؛ ن ۳ = در؛ ن ۵ = وز

۲- ن ۳، ۲۲ = مردمی؛ ن ۱، ۱۷، ۵ = مردم

۳- ن ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = بسی؛ ن ۱، ۳، ۱۷، ۵ = بسکه

۴- ن ۴، ۹، ۲۹ = مگرو؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸ = منگر؛ ن ۱۱ = یکرد؟

۵- در نسخه ۱۷ مصرعه چهارم مصرعه سوم است و مصرعه سوم مصرعه چهارم؛ در نسخه نهم ترتیب به این طور است: مصرعه سوم بطور مصرع اول؛ مصرعه دوم بطور مصرعه سوم؛ مصرعه اول بطور مصرعه دوم

## (۷۲)

صحرای هوس خارِ تمنا خیز است      زین ره به سفر مرو که غوغاخیز<sup>(۱)</sup> است  
این بادیۀ کفر و تو سوداگر دین      زین مرحله کوچ کن که یغماخیز<sup>(۲)</sup> است

## (۷۳)

وصل تو دوائیست که بیمارش نیست  
حُسن تو متاعیست که بازارش<sup>(۳)</sup> نیست  
عشق<sup>(۴)</sup> تو کمندی<sup>(۵)</sup> که گرفتارش<sup>(۶)</sup> نیست  
حمد تو زیانیست که گرفتارش نیست

## (۷۴)

این<sup>(۷)</sup> داشتنی‌ها همه بگذاشتنی‌ست      جز ذره دردی که نگهداشتنی‌ست  
عرفی علمِ هجرِ تو افراشتنی‌ست      گنجی تو، ولی نقدِ تو برداشتنی‌ست

## (۷۵)

ای آنکه رخت به بزمِ مقصودی نیست      یک روشنی<sup>(۸)</sup> ز شمع بی دودی<sup>(۹)</sup> نیست  
غلمانِ مطلب جزای<sup>(۱۰)</sup> طاعت زنهار      با دوست کن این بیع که بی سودی نیست

۱- ن ۲ = صحرا؛ ن ۱، ۳، ۵ = غوغا

۲- ن ۸ = غوغا؛ ن ۱، ۵، ۲، ۳، ۴ و غیره = یغما؛ ن ۹ = رسوا

۳- ن ۱۷ = بیزارش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹ و غیره = بازارش

۴- ن ۲، ۸، ۲۹ = زلف؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷، عرفات = عشق؛ ن ۹ = شوق

۵- ن ۸ = سمندیست که؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۹ = کمندی

۶- ن ۸ = رفتارش؛ ن ۱، ۵، ۲۹ و غیره = گرفتارش

۷- این رباعی فقط در نسخه اول و پنجم و هفدهم بنظر افتاد اما مصرعه‌های سوم و چهارم آن از مصرعه‌های اول و دوم رباعی دیگر (نمره ۱۰) چندان تفاوتی ندارد. ممکن است که عرفی در مسوده‌ها این را باین دو طور نوشته باشد ولی نتوانست که شکل آخرین رباعی را درست بکند و سراجا بوقت ترتیب این را بطور دو رباعی نوشت.

۸- ن ۱، ۵، ۸ = یک؛ ن ۱، ۳، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = صد

۹- ن ۱، ۵، ۸ = به شمع بی دودی؛ ن ۲، ۳، ۹، ۱۱، ۲۹ = ز شمع بی دودی؛ ن ۱۷ = ز شمع و بی دودی

۱۰- ن ۹ = سزای؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸ = جزای

## (۷۶)

در باغ<sup>(۱)</sup> طبیعت گلِ حاجت خود روست      این دعوی بی نیازی از تنديِ خوست  
این ملکِ معامله است هر جا دستیت      دارد گذری به دامنِ دشمن و دوست

## (۷۷)

آن فتنه<sup>(۲)</sup> که هم دل شکن و هم دلجوست      خون در جگرم ز دستِ پُرکاریِ اوست  
لطفی نکند کزان کنم جلوه به خصم      جوری نکند کزان برم شکوه به دوست

## (۷۸)

این حُقه که هست مخزنِ خاصیت      بسویدنِ دستِ شاه دارد نیت  
گویی ز دعای شاه مستیت که هست      همچون دهنِ بُتان پُر از کیفیت

## (۷۹)

زین سردیِ دی که آب و آتش یخ بست      وز بستنِ یخ جوهر الماس شکست  
زانگونه مسامات هوا بسته که تیر      یابد ز کمان گشاد و نتواند جَست

## (۸۰)

دل با غم و درد آشنا کرده اوست<sup>(۳)</sup>      جان نیز<sup>(۴)</sup> حوالهٔ بلا کرده اوست<sup>(۵)</sup>  
نی از نگاهی که کرده حیران شده ام      حیرانیم از نگاهِ ناکرده اوست<sup>(۶)</sup>

۱- این رباعی فقط در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۲- این رباعی فقط در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۳- ۲۵ = نسبت؛ ن ۱، ۵، ۱۲، ۱۷ = اوست

۴- ۱۷، ۱۲ = جان نیز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = جان ست

۵- ۲۵ = نسبت؛ ن ۱، ۵، ۱۲، ۱۷ = اوست

۶- ۲۵ = نسبت؛ ن ۱، ۵، ۱۲، ۱۷ = اوست

## (۸۱)

از<sup>(۱)</sup> گریه<sup>(۲)</sup> بی غمانه گردیده جداست      زنهار مبر گمان راحت که خطاست  
می‌گیریم و غرقِ گریه‌ام نیک<sup>(۳)</sup> بین      گر دیده سراپست درونم دریاست

## (۸۲)

شاه<sup>(۴)</sup> توئی آن که دولّت لم یزل است      شاه اکبرِ غایتِ خطابِ ازست  
زان بندقت از صدا جهانی را کشت      کین نای مغنیان بزم زحلت

## (۸۳)

شاه اکبر<sup>(۵)</sup> غازی که شه بحر و براست      نورِ دلِ او در دو جهانش اثر است  
در کوه چو آتش جهد از بندقِ او      طور و شجر و نور و کلیمِ دگر است

## (۸۴)

این<sup>(۶)</sup> برق کزان زبانه در روم و ری است      از سینه<sup>(۷)</sup> بندقِ شه نیک پی است  
یا<sup>(۸)</sup> جانِ عدو چو ازدها برده فرو      این شعله آه از<sup>(۹)</sup> جگر جانِ وی است

## (۸۵)

شاهی<sup>(۱۰)</sup> که ستم به عهد او مظلوم است      آوازه او آتش و دشمن موم است

۱- به رباعی نمره ۵۹ رجوع بکنید.

۲- ن ۱، ۲، ۱۲، ۲۵ = گریه؛ ن ۸ = دیده

۳- ن ۸ = اینک بین؛ ن ۱، ۲، ۵ = نیک بین

۴- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۵- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۶- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵ یافته شد

۷- ن ۱ = سینه؛ ن ۵ = پنبه

۸- در هر دو نسخ "یا" هست

۹- ن ۱ = کز؛ ن ۵ = از

۱۰- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد



از شیرِ غضبِ خنجرِ او دندان است      وز فیلِ اجلِ تفنگِ او خرطوم است

## (۸۶)

از<sup>(۱)</sup> بانگیِ تفنگِ شه که طاق افتاده است      آشوبِ درین هفت رواق افتاده است  
با<sup>(۲)</sup> مرگِ مجسم است و اعدا طعمه      کز کثرتِ طعمه در فواق افتاده است

## (۸۷)

بازارِ<sup>(۳)</sup> عبادتِ زر یا رنگین است      گلزارِ ریاضتِ ز صفا رنگین است  
هنگامهٔ عشقِ جاودانِ رنگین باد      کز خونِ شهیدانِ وفا رنگین است

## (۸۸)

عشق آمد<sup>(۴)</sup> و گوید آتشم در جام است      وین باده حلال بر دلِ هر خام است  
هر کس که نشان از دلِ بی زخم<sup>(۵)</sup> آرد      جاوید به خونِ طپیدنش انعام است

## (۸۹)

لب<sup>(۶)</sup> منفعل از فیضِ سرود طلبست      طوقی<sup>(۷)</sup> در دل بسته به قفلِ او بست  
تا حدُّ وصالِ کس نداریم بدل      در بستنِ بزمِ ما نشانِ طربست

۱- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۲- ن ۱ = با؛ ن ۵ = یا

۳- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۴- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۵- ن ۱۷ = بی رحم؛ ن ۱، ۵ = بی زخم

۶- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۷- ن ۵ = خوفی؛ ن ۱ = خونی؛ ن ۱۷ = خون

## (۹۰)

عرفی<sup>(۱)</sup> دلِ من<sup>(۲)</sup> ز بحر ناپرهیز است      وز بادِ من آتشِ سلیمان تیز است  
او مهد به باد ماند و من تخت به آب<sup>(۳)</sup>      کین گردنشان و آن غبار انگیز است

## (۹۱)

در<sup>(۴)</sup> دوزخ اگر مرا همی<sup>(۵)</sup> باید سوخت      زین خوبتر<sup>(۶)</sup> آتشی بیاید<sup>(۷)</sup> افروخت  
یارب تو گران مایه گناهم دانی      این جامه به اندازه من باید دوخت

## (۹۲)

رو<sup>(۸)</sup> زردی دل به نعره کین بیمار است      رنجش به فغان که این ز جان بیزار است  
پیچید به دل عشق و به خلش بنمود      کین از پی علم برهم زُناست

## (۹۳)

در<sup>(۹)</sup> رعشه دلم ز جنبش ابروئیست      شوریده سرم زغمزه جادوئیست  
بیزاری حُسن صد نگاه است بدل      آزادی عشق صد گره بر موئیست

## (۹۴)

در<sup>(۱۰)</sup> عشق که شیوه جنون<sup>(۱۱)</sup> معمول است      هر تیز روی که دل کند مقبول است

۱- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۲- ن ۱ = ما؛ ن ۵، ۱۷ = من

۳- ن ۱۷ = باب؛ ن ۱، ۵ = بر آب

۴- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۵- ن ۱۷، ۱ = مرا همی؛ ن ۵ = همی مرا

۶- ن ۱۷ = خوبتر؛ ن ۱، ۵ = تیزتر

۷- در هر سه نسخه‌ها (نباید) هست ولی (بباید) درست‌تر می‌نماید

۸- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۹- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۱۰- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۲ یافته شد

۱۱- ن ۱ = جنون؛ ن ۵ = چنان

در مجمعِ مستانِ ازل کی گنجد اندازه که از بی‌ادبی معزول است

## (۹۵)

من کشته آن لبم که شورِ جگر است این<sup>(۱)</sup> زهر به ساغرِ دلم زان شکر است  
زنهار که زحمتِ مسیحا مدهید کین کشته شهادتش مسیحا اثر است

## (۹۶)

بود من و دوست آبِ یک جام و سبوست او عینِ منست و هستی من همه اوست  
این<sup>(۲)</sup> رمز نهادِ عشق میداند و حسن کیفیتِ این می نه زما گونه ز دوست

## (۹۷)

عرفی نفسم به دامِ غم حامله است صبحِ طریم به شامِ غم حامله است<sup>(۳)</sup>  
حملش ازلی آمد و زادی ابدی بختم که به ازدحامِ عم حامله است

## (۹۸)

دل در ازل از شرابِ غم جامی داشت در شهرِ عدم به بینخودی نامی داشت<sup>(۴)</sup>  
دل بستگی ما نه زدام<sup>(۵)</sup> فلک است در بیضه تذر و دلِ ما دامی داشت

## (۹۹)

این شال که یادگار صد دوش و تن است آرایش دوش نازکان<sup>(۶)</sup> دکن است<sup>(۷)</sup>

۱- ن ۱، ۱۷ = این؛ ن ۵ = زین

۲- ن ۱ = دین؛ ن ۵ = دین

۳- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۴- تنها در نسخ ۱، ۵ یافته شد

۵- ن ۱ = .....؛ ن ۱ = دام

۶- ن ۱، ۵ = نازکان دکن؛ بیاض ۱۰۹۰ (بانکی‌پور)، بیاض ۵۰/۲۵۳ (علی‌گره)، بیاض ۱۱۹۹ (بانکی‌پور) لعبتانی دکن  
۷- این رباعی در نسخ ۱، ۵ و در یکی از نامه‌های عرفی که در چند بیاض در کتابخانه علی‌گره، دانشگاه تهران، دانشگاه  
عثمانیه حیدرآباد و کتابخانه خدابخش یافته می‌شوند،

بس نازک و باریک و درست آمده است یعنی<sup>(۱)</sup> به صفت پرده تدبیر من است

## (۱۰۰)

عشق آمد و نیستی<sup>(۲)</sup> به یغما برخاست<sup>(۳)</sup> از خرمن<sup>(۴)</sup> دل برقی تمنا برخاست<sup>(۵)</sup>  
دل مـعـرکه بـوقلمونی بـرجـید چشم ز دریچه تماشا برخاست

## (۱۰۱)

در خلوت ما اگر چه غمّازی نیست لبها به ترم است و آوازی نیست<sup>(۶)</sup>  
داریم صد آتشکده و دودی نه صد مرغ درین گلشن و پروازی نیست

## (۱۰۲)

عرفی غم دل طلب که شادی اینجاست معجون شدنت هواس<sup>(۷)</sup>، وادی اینجاست<sup>(۸)</sup>  
از شمع مزار ما چراغی بفروز سرچشمه نور نسامرادی اینجاست

## (۱۰۳)

عرفی دل ما ز جشش سودی نیست این داغش ازان مرهم بهبودی نیست<sup>(۹)</sup>  
آراسته ای بس به تکلف لیکن در باغ تو رنگ و بوی مقصودی نیست

۱- بیاض ۵۰/۲۵۳=گویی؛ دیگر نسخ = یعنی

۲- ن ۱۷ = هستی؛ ن ۱، ۵ = نه

۳- ن ۵ = برخاست؛ ن ۱، ۱۷ = برخاست

۴- ن ۱، ۵ = دل؛ ن ۱۷ = جان

۵- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۶- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۷- ن ۱ = هوای؛ ن ۵، ۱۷ = هواس

۸- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۹- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

## (۱۰۴)

این شال که وصفش نه حدِ تقریر است      آیاتِ رعونتِ مرا تفسیر است<sup>(۱)</sup>  
 نامش نکنی قماشِ کشمیر، کزو      صد رخنه به کارِ مردمِ کشمیر است

## (۱۰۵)

عرفی به دلِ شکسته و دینِ درست      کذبست برو جمله جز آئینِ درست<sup>(۲)</sup>  
 چندان به غلطِ کوش که هنگامِ دعا      صادقِ نفسی بگوید آمینِ درست

## (۱۰۶)

ای آنکه جهان به ذاتِ تو مفتخر است  
 زان جنس<sup>(۳)</sup> که از طراوتش<sup>(۴)</sup> مه کدر است<sup>(۵)</sup>  
 بفرست که مهر از پی خیاطی آن  
 سوزن بکف و رشته به لب منتظر است

## (۱۰۷)

عرفی همه هستی تو مفتونِ دل است      مفهومِ عناصرِ تو مضمونِ دل است<sup>(۶)</sup>  
 خاکست ز شکیبایی و آتش از شوق      بادت ز امید و آبت از خونِ دل است

## (۱۰۸)

امشب شبِ ما سیاه‌تر از شبهاست      غم را ز جهانیان سرِ صحبتِ ماست<sup>(۷)</sup>

۱- این رباعی در نسخ ۱، ۵، ۱۷ و در یک رقعۀ عرفی یافته شد

۲- فقط در نسخ ۱، ۵ یافته شد

۳- ن ۱۷ = جنس؛ ن ۱، ۵ = حسن

۴- ن ۱، ۵ = مه؛ = بر

۵- در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۶- در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۷- تنها در نسخه سوم یافته شد

ای اهلِ جهان به عافیت<sup>(۱)</sup> خواب کنید      کز خونِ دلم دستِ غم امشب به خداست

## (۱۰۹)

چندان به جفا و جور خوی تو شتافت      تا دل ز غمت عنانِ آفت بر تافت<sup>(۲)</sup>  
بودیم اسیرِ آفت از عشق و لیک      آخر دلِ ما ز آفت آسایش یافت

## (۱۱۰)

تا سلیِ غم روی من از شادی تافت<sup>(۳)</sup>      در کنج<sup>(۴)</sup> خرابی دلم آبادی<sup>(۵)</sup> یافت<sup>(۶)</sup>  
دیدند که بر قامتِ ما کوته بود      هر جامه که اطلِس وی استادی بافت<sup>(۷)</sup>

## (۱۱۱)

بازم<sup>(۸)</sup> ز صداع<sup>(۹)</sup> روی راحت زرد است      هنگامه ذوقِ استماعم سرد است  
شرمنده زانوی دلم کین سر و گوش      از درد گران است و گزان از درد است

## (۱۱۲)

تیغ<sup>(۱۰)</sup> تو که روزگارِ اوّل می خست      بهرام به تقریب سکونش می بست  
از بس که هلاکِ دشمنان در سر داشت      چون شاخِ شجر ز کثرتِ میوه شکست

۱- در اصل نسخه (بغایت) است ولی (به عافیت) درست تر می نماید

۲- تنها در نسخ ۱، ۵ تحت قطعات و ابیات قطعات یافته شد

۳- در هر سه نسخ (یافت) بطور ردیف هست

۴- ن ۵ = در کنج؛ ن ۱۷ = و از کنج

۵- در هر سه نسخ (یافت) بطور ردیف هست

۶- در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۷- در هر سه نسخ (یافت) بطور ردیف هست

۸- تنها در نسخ ۱، ۵ = یافته شد

۹- ن ..... = بصداع؛ ن ۵ = به صداع

۱۰- تنها در نسخ ۲، ۷، ۸، ۱۲، ۱۳ و ۲۵ یافته شد

## (۱۱۳)

آلودگی گریه ما از جگر است      آشفته‌گی ناله<sup>(۱)</sup> ما از سحر<sup>(۲)</sup> است  
دل‌تنگی ما بین که به هنگام خروش      یک آه ضعیف مجمل صد اثر است

## (۱۱۴)

ای<sup>(۳)</sup> اهل بهشت بی تو دوران<sup>(۴)</sup> بهشت      حوران ز غم تو ناصبوران بهشت  
..... زان بریدن ز چه روست      سُنبُل طلیده‌اند حوران بهشت

## (۱۱۵)

ای مایه دانش ترا علم زکات      وی خاک رو مظلمت، آب حیات  
تقدیر شمرده جوهر اول را      با نسبت گوهر تو در سلک مآت

## (۱۱۶)

دنیا آمد، گرفت خاقان که مراست      فردوس رسید و برد رضوان که مراست  
دوزخ هشتند به بی غمان، عرفی گفت      سوزش بادا هزار چندان که مراست

## (۱۱۷)

عرفی چه نهی متاع دل بر کف دست      راه نظر کج نظران باید بست  
بر شیشه ما نگر که از بیرون هست      صافی و درست و از درون عین شکست

۱- ن ۸ = قره؛ ن ۲ = ناله

۲- = سحر؛ ن ۸ = سحر

۳- تنها در نسخ ۲، ۷، ۸، ۱۲ یافته شد

۴- در وراست

## ردیف جیم فارسی

(۱)

ناکامی<sup>(۱)</sup> و کام در هوس بودن هیچ      گل بودن هیچ و مشتِ خس بودن هیچ  
بنشین چو رسی به درد کز کوی مراد      بگذشتن هیچ و باز پس بودن هیچ

(۲)

ای مهر<sup>(۲)</sup> تو هیچ و کینِ دشمن هم هیچ      آهنگِ سرود هیچ و شیون هم هیچ  
از هر چه نقاب می‌گشائی هیچ است<sup>(۳)</sup>      عرفی همه هیچ و هیچ گفتن هم هیچ

## ردیف حای مهمله

(۱)

از<sup>(۴)</sup> عشق شراب<sup>(۵)</sup> نیستی جوید روح      زین<sup>(۶)</sup> می‌شکند صراحی توبه نصوح  
آنجا که محیطِ عشق طوفان خیز است      گهوارهٔ اطفال بود کشتی نوح

## ردیف دال

(۱)

جمعی ز کتاب و سخنت می‌جویند      جمعی ز گل و نسترن می‌جویند  
آسوده جماعتی که رُو<sup>(۷)</sup> از دو جهان      برتافته، از خویشنت می‌جویند

۱- تنها در نسخ ۲، ۷، ۸، ۱۲، ۱۳، ۲۵ یافته شد

۲- تنها در نسخه پنجم یافته شد

۳- ن ۲۹ = عشقست؛ دیگر نسخ مثل ۱، ۵، ۸، ۲ و غیره = هیچ است

۴- تنها در نسخ ۱، ۵ یافته شد

۵- ن ۹، ۲۹، ۳۶ = متاع؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸ = شراب

۶- ن ۹ = زن؛ ن ۱، ۵، ۸ = زین

۷- ن ۱ = که از هر دو جهان؛ ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۹ = رُو از دو جهان؛ ن ۱ = رو تافته؛ همه نسخ دیگر = برتافته



## (۲)

در یوزه جُز درون پُر خون فکند  
امید سر از دریچه بیرون نکند

عسفی دلِ ما کیش دگرگون نکند  
سامانِ بهشت اگر درین کوچه<sup>(۱)</sup> نهند

## (۳)

عَمامه شیخی ز سرم<sup>(۴)</sup> بنهادند  
اسلام مرا به کعبه بفرستادند

رفتم بدرِ دیر و درم<sup>(۲)</sup> بگشادند<sup>(۳)</sup>  
تسبیح مرا به گردن بُت بستند

## (۴)

در جام رود می که مشرب نگزد<sup>(۶)</sup>  
غم دست بهم نساید<sup>(۹)</sup> و لب نگزد

مردیم که آه ما دلِ شب نگزد<sup>(۵)</sup>  
مردیم ولی نه زود<sup>(۷)</sup> مردیم و نه شاد<sup>(۸)</sup>

## (۵)

وان کس که عنان سپرد، کارآگه شد  
هر کس که به رِسمانِ ما در چه شد

آن کس که عنان تافت<sup>(۱۰)</sup> ز ما گمره شد  
یوسف بدر آورد<sup>(۱۱)</sup> و زلیخا گردید<sup>(۱۲)</sup>

۱- ن ۹، عرفات = کنند؛ ن ۲، ۸ بکشند؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸ = نهند

۲- ن ۴، ۱۷، ۵ = دیر درم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۹ و غیره = دیر و درم

۳- ن ۱، ۸ = بگشادند؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۲۸ = بگشادند

۴- ن ۲، ۴ = به سرم بنهادند؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۹ = ز سرم بنهادند

۵- ن ۴ = بگزد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = نگزد

۶- ن ۴ = بگزد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = نگزد

۷- ن ۴، ۵، ۱۷، ۱، ۳ = نه زود مردیم و نه شاد؛ ن ۹ = دیر مردیم و نه زود

۸- ن ۹ = زود؛ همه نسخ دیگر = شاد

۹- ن ۲۸ = بساید؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹ و غیره = نساید

۱۰- ن ۹ = تاخت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸ و غیره = تافت

۱۱- ن ۱، ۵ = آورد، زلیخا گردید؛ ن ۳، ۹ = آورد و زلیخا

۱۲- ن ۲۸ = کردند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷ = گردید

## (۶)

آنم که تنم همیشه از جان به بود      آرایش دامنم<sup>(۱)</sup> ز دامان به بود  
اوقاتِ حیاتِ خویش را سنجیدم      هر وقت که در خواب گذشت آن به بود

## (۷)

عرفی چه خروشی که فلان گمره شد      ملزم<sup>(۲)</sup> کنمش که بایدش<sup>(۳)</sup> آگه شد  
چون ما و تو بسیار تمعّصِ کیشان      ملزم نشدند و گفتگو کوتاه شد

## (۸)

دیدم جایی<sup>(۴)</sup> که فتح باب آنجا بود      منزل گه آرام<sup>(۵)</sup> و شتاب آنجا بود  
بار<sup>(۶)</sup> نظر و منع نقاب آنجا بود      خفّاش آنجا و آفتاب آنجا بود

## (۹)

عشق آمد<sup>(۷)</sup> و از مزده غم شادم کرد      وز<sup>(۸)</sup> بسندگی عافیت آزادم کرد  
هر موی مرا به یک جهان درد<sup>(۹)</sup> آراست      چندان که خراب بودم<sup>(۱۰)</sup> آبادم کرد

۱- ن ۵، ۱ = دیدم؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دامنم

۲- ن ۲۸، ۲۹، ۵، ۱ = ملزم کنمش؛ ن ۹ = آگه کنمت؛

۳- ن ۹ = بایدت؛ باقی همه نسخ = بایدش

۴- ن ۹ = جامی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۵، ۲۹ و غیره = جایی

۵- ن ۹ = آرام شباب؛ ن ۵ = آرام و ثبات؛ ن ۱، ۲۹ = آرام و شتاب

۶- ن ۹ = باز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = بار

۷- ن ۵، ۱ = نقاش؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = خفّاش

۸- ن ۹ = عشق آمده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = آمد و

۹- ن ۱۱ = در؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = از؛ ن ۳، ۴، ۸، ۲۸ = وز

۱۰- ن ۱۷ = داد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸ = درد

## (۱۰)

آن کس که لوای عشق بر دوش آید<sup>(۱)</sup>      با نیستی ابد هم آغوش آید<sup>(۲)</sup>  
 گر صور دمنند و گر مسیحا آرند      این کشته نه مستیست که با هوش آید<sup>(۳)</sup>

## (۱۱)

ای عیش<sup>(۴)</sup> به آلاشت آمیخته‌اند      دی غم ز صفای سینهات ریخته‌اند  
 ای عشق عجب درد<sup>(۵)</sup> سرشتی، پیداست      کز آب و گل منت برانگیخته‌اند

## (۱۲)

هر ساغر<sup>(۶)</sup> من که عشق ازو<sup>(۷)</sup> نشأه برد      حد نیست کسی را که به دعوی نگرد  
 هر ته جُرعه خویش اگر<sup>(۸)</sup> بخاک افشانم      دریای محیط ازو<sup>(۹)</sup> به کشتی گذرد

## (۱۳)

گر سنگِ ملامت به دلم نستیزد<sup>(۱۰)</sup>      از هر سر مو چشمه زهر<sup>(۱۱)</sup> انگیزد  
 ریزد می از آن شیشه که بشکست، ولی      گر نشکند<sup>(۱۲)</sup> این شیشه میش می‌ریزد<sup>(۱۳)</sup>

۱- ن ۱، ۴، ۵، ۸ = بود؛ ن ۲، ۹، ۱۷، ۲۹ = بودم

۲- ن ۱، ۴، ۵، ۸ = بود؛ ن ۲، ۹، ۱۷، ۲۹ = بودم

۳- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸ و غیره = آید؛ ن ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = آمد

۴- ن ۹ = عشق؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹ و غیره به عیش

۵- ن ۵، ۱ = در تو؛ ن ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = درد

۶- ن ۱۳، ۲۵ = باده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = ساغر

۷- ن ۱، ۹، ۵، ۲۹ = از و نشأه؛ ن ۳ = ازان نشأه؛ ن ۲۸ = ازو رشک

۸- ن ۱ = خویش را بخاک؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۲۹ = خویش اگر بخاک

۹- ن ۹ = زان؛ ن ۶ = ازان؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹ = ازو

۱۰- ن ۱، ۴، ۵، ۸ = بستیزد؛ ن ۲، ۹، ۱۱، ۲۹ = نستیزد

۱۱- ن ۲، ۹ = زهر؛ ن ۱۱ = آرز؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = راز

۱۲- ن ۱، ۵ = نشکندش شیشه؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹ و غیره = نشکند این شیشه

۱۳- ن ۴ = چون؛ ن ۲۸ = کی؛ ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = می

## (۱۴)

تا رنگِ من از شرابِ <sup>(۱)</sup> رهبان گردید <sup>(۲)</sup> بی‌رنگیم <sup>(۳)</sup> آبروی ایمان گردید <sup>(۴)</sup>  
 صوفی بتِ هستیم به صد پاره شکست دردا که تعلّم پریشان گردید <sup>(۵)</sup>

## (۱۵)

رخسارِ تو باغ را سراسیمه کند بوی تو دماغ را سراسیمه کند  
 پروانه تو چو آید از شوق برقص صد شمع و چراغ را سراسیمه کند

## (۱۶)

وصفِ لبِ یار از لبِ جان برجوشید نوش از لبِ <sup>(۶)</sup> جان جهان جهان برجوشید  
 شکرِ غمِ عشقم از زبان <sup>(۷)</sup> برجوشید بشکافت زبان و زهر از آن برجوشید

## (۱۷)

رفتم به حرم که دردِ ایمان دانند معموره <sup>(۸)</sup> دل زکفر ویران دانند  
 گفتند برد <sup>(۹)</sup> بدیر کاین سنگِ سیاه قدر گهرش صنم تراشان <sup>(۱۰)</sup> دانند

## (۱۸)

ای آهوی فتنه شنبلت را به کمند در دام فریبت <sup>(۱۱)</sup> اهل ایمان در بند

۱-ن ۸=پنهان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸، ۲۹=رهبان

۲-ن ۹، ۱۱، ۱۳، ۲۸=کردند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹=گردید

۳-ن ۴=رنگینیم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹ و غیره=بی‌رنگیم

۴-ن ۹، ۱۱، ۱۳، ۲۸=کردند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹=گردید

۵-ن ۹، ۱۱، ۱۳، ۲۸=کردند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹=گردید

۶-ن ۱، ۲۸، ۲۹=لب آن جان جهان؛ ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹، =لب جان جهان جهان؛ ن ۱۷=لب آن جهان جهان

۷-ن ۳، ۵، ۹، ۲۹=تعمیری؛ ن ۱، ۸=معموری؛ ن ۱۷=معموره؛

۸-ن ۳، ۵، ۹، ۲۹=تعمیری؛ ن ۱، ۸=معموری؛ ن ۱۷=معموره؛

۹-ن ۱=آن لوحه که راه لب نداند دانیم؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹ و غیره=گفتند برد بدیر کین سنگ سیاه

۱۰-ن ۹=صنم پرستان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹=صنم تراشان

۱۱-ن ۲، ۲۹=فریبت؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹=فریبت

بعد از توبه نزد ماست اسلام عزیز نازی<sup>(۱)</sup> که زهم<sup>(۲)</sup> بریزد این<sup>(۳)</sup> شرک بلند

## (۱۹)

در باغ دلم که روضه نعش<sup>(۴)</sup> گوید آبِ طلبست روی چمن<sup>(۵)</sup> می‌شوید  
خرم شجرِ آرزوی وصل<sup>(۶)</sup> ترا صد نامیه<sup>(۷)</sup> از هر ورقی می‌روید

## (۲۰)

خوش آنکه شرابِ همتم<sup>(۸)</sup> مست کند آوازه ام—یَدِ مرا پست کند  
گردست زخم به کام در دستِ دگر شمشیر دهم که قطع آن دست کند

## (۲۱)

عرفی نه مرا حاصل کان می‌باید محصولِ زمین و آسمان می‌باید  
آن کو به قناعت<sup>(۹)</sup> مثل آید<sup>(۱۰)</sup> او را گر هیچ نه گنجِ شایگان می‌باید

---

—رباعی ۱۹ = ریاض؛ ۲۰ = هفت اقلیم؛ ۲۲ = ریاض؛ ۲۴ = ریاض

---

۱- نازی = ۲۹، ۸، ۴، ۲، ۱؛ نازی

۲- بهم = ۲۹؛ ن رخم؛ ۸، ۴، ۳، ۲، ۱ = زهم

۳- ۲۹، ۸، ۴، ۲، ۱ = این؛ ۱ = آن

۴- ۲۸ = نفسی؛ ن ۲۹، ۸، ۴، ۲، ۱ = نعش

۵- ۲۸ = سمن؛ ن ۲۹، ۸، ۴، ۲، ۱ = چمن

۶- ۹ = دیدار مرا؛ ن ۲۹، ۸، ۴، ۲، ۱ = وصل ترا

۷- ۱، ۹ = نامه؛ ن ۲۹، ۸، ۴، ۲، ۱ = نامیه

۸- ۹ = محنتم؛ ن ۲۸، ۱۷، ۸، ۴، ۳، ۲، ۱ = همتم

۹- ۲ = قیامت؛ ن ۱۷، ۹، ۸، ۴، ۳، ۲، ۱ = قناعت؛

۱۰- ۹ = آمد؛ ن ۲۸، ۱۷، ۲۲، ۱۵، ۴، ۱۱، ۸، ۳، ۲، ۱ = آید

## (۲۲)

عرفی لب<sup>(۱)</sup> معنی ام دم از نور<sup>(۲)</sup> زند  
آتش به نهادِ شجر طور زند  
منصور دم بی ادبی می زد و من  
مُریغ ادبم نفمه منصور زند

## (۲۳)

عشق تو خرابات نشین می باشد  
کوی تو بهشتِ عقل و دین می باشد  
در دورِ تو هست<sup>(۳)</sup> جای دل بر کف دست  
در عهد تو جان در آستین می باشد

## (۲۴)

دردا که اجل<sup>(۴)</sup> رسید و درمان نرسید  
توفیق به غور<sup>(۵)</sup> شور بختان نرسید  
مرگ آیتِ یاس خواند در گوش<sup>(۶)</sup> دلم  
کفر آمد و ساخت<sup>(۷)</sup> و تیر و ایمان نرسید

## (۲۵)

از<sup>(۸)</sup> زهرِ ستیزه خوی او می شویند  
از چشمه حُسن روی او می شویند  
از پیچش دل طرّه او می شکنند  
از گریه مشکِ موی او می شویند

## (۲۶)

وقت است که یاران به گلستان ریزند  
گلهای نشاط در گریبان ریزند  
بلبل به هوای باغ بشکست قفس  
این مژده به شاخ و برگ بستان ریزند

۱- ن ۲۸ = نفمه ام؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۷، ۲۹ = معینم؛ ن ۱ = تعیم؟

۲- ن ۱۷ = از دم؛ دیگر همه نسخ بشمول عرفات؛ ن ۱، ۲، ۳، ۹، ۲۹ و غیره = دم از

۳- ن ۳ = جان و دل؛ دیگر همه نسخ بشمول ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = جای دل

۴- ن ۲۸ = رسید درد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۷، ۲۲ = اجل رسید

۵- ن ۱۷ = بعور؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۲، ۳، ۲۲ و غیره = بفور

۶- ن ۲ = گوش؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ و غیره = شهر

۷- ن ۱۱ = آمده ساخت و بر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۷، ۸، ۱۷ = آمد و ساخت و بر؛ ن ۴، ۲۸ = آمد و دیر ساخت

۸- ن ۸ = از آتش محتنه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = از زهر ستیزه

۹- ن ۲، ۳، ۲۹ = وز؛ ن ۱، ۴، ۸، ۱۱ و غیره = از

## (۲۷)

عرفی<sup>(۱)</sup> منم آنکه دوزخم تب<sup>(۲)</sup> شکند      روزم ز هجوم تیرگی شب شکند  
امیدم اگر حمله حرمان زایست      تدبیرم اگر سپاه مطلب شکند

## (۲۸)

اکنون که فسرندگان بر<sup>(۳)</sup> آتش تازند      رندان به شراب خانه‌ها پردازند  
در بستن پیخ چو توبه می<sup>(۴)</sup> شکندند<sup>(۵)</sup>      گر ساغر می ز عهد<sup>(۶)</sup> عاشق سازند

## (۲۹)

بخت تو عروس زهره را زوج آمد<sup>(۷)</sup>      انجم ز عساکرت<sup>(۸)</sup> یکی فوج آمد  
چین بر سر چین نهاده از چیره زر<sup>(۹)</sup>      یا چشمه آفتاب در موج آمد

## (۳۰)

شاهی که فلک هم گهر او<sup>(۱۰)</sup> نشود      سنجیدن او بسمی بازو نشود  
هم سایه او نهند در کفه مگر<sup>(۱۱)</sup>      ورنه دو جهانش همتراز و نشود

۱- این رباعی تنها در نسخ ۱۲، ۲ یافته شد

۲- در ن ۲ (شب) است ولی این (تب) باید

۳- ن ۸، ۲ = در آتش؛ و ن ۱، ۳، ۵ = شکند

۴- ن ۱، ۵ = ۲۸، ۳ = می؛ ن ۳، ۹ = من

۵- ن ۸، ۹ = شکند؛ ن ۲، ۳، ۵ = شکند

۶- ن ۹ = درد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۷ = غیره = عهد

۷- ۲ = آید؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = غیره = آمد

۸- مآثر رحیمی = ز عساکرتو یک فوج؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۹ = ز عساکرت یکی فوج

۹- ن ۱، ۸، ۱۷ = صره زرد؛ ن ۹ = چهره خویش؛ ن ۲، ۵ = چهره زرد؛ ن ۳ = چیره زرد؛ ن ۲۹ = ای چیره زر (با آنکه لفظ

"چیره" به معنای دستار لفظی است متعلق به زبان هندی اما عرفی آن را به همین مفهوم استعمال کرده است مثل لفظ "جگر" بمعنی باد تند که در یک قصیده ای بکار برده)

۱۰- ن ۹ = چو ملک چو گهراد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = فلک هم گهراد

۱۱- ن ۲۸ = در ره کفر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = در کفه مگر

## (۳۱)

عرقی دل و طبع تو بستمکار مباد      نیش توبه سینه<sup>(۱)</sup> ککش کار مباد  
شیرین نشان جلوه کنندت به ضمیر      این چشمه نوش نیست زار مباد

## (۳۲)

آن کس که نه راه نفسم<sup>(۲)</sup> بسته کند      دل راز هجوم<sup>(۳)</sup> داغ<sup>(۴)</sup> گلدسته کند  
بیمازان<sup>(۵)</sup> را دم مسیح است علاج      ای وای بران کش دم<sup>(۶)</sup> او خسته کند

## (۳۳)

شاهان نفسم باغ ثنا خواهد شد      عمر تو گلستان دعا<sup>(۷)</sup> خواهد شد  
خیف از لب آستانه دولت تو      کالوده ببوس لب ما خواهد شد

## (۳۴)

ای ملکی غمت هر چه فراز<sup>(۸)</sup> است و فرود  
وز تیغ تو چاک صبر را جوشن و خود  
آن<sup>(۹)</sup> خالی جبین<sup>(۱۰)</sup> نیست که مشکین فام است  
جای گره زلف تو گردیده کبود

- ۱- ن ۹ = به بسته ککش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = به سینه ککش؛ ن ۱۱ = به سینه کس  
۲- ن ۴، ۱۱، ۲۹ = که ز راه تقسیم؛ ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۹ = که نه راه نفسم؛ ن ۲۸ = که راه نفسم  
۳- ن ۹ = گلزار هجوم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ و غیره = دل راز هجوم  
۴- ن ۳ = ناز؛ دیگر همه نسخ داغ  
۵- ن ۸ = بیمار تروان؛ ۱۷ = بیمارش را؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = بیمارار را  
۶- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸ = بران کش دم او؛ ن ۸، ۲۹ = کسی کش دم او؛ ن ۹ = کس که دمش؛ ن ۱۱ = بران کس دم او  
۷- ن ۳، ۲۸ = دعا؛ ن ۱، ۲، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ و غیره = ثنا؛ ن ۳، ۲۸ = همه نسخه های دیگر و مآثر رحیمی = دعا  
۸- ن ۲۸ = نشیب؛ ن ۱۷ = گزار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹ و غیره = فراز  
۹- ن ۱۷ = آن خالی جبین نیست که مشکین فام است؛ ن ۲۸ = آن خالی سیه نیست که مشکین فام است؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۴  
۱۰- ن ۲۶، ۱۱، ۹ = آن خالی سیه نیست که از لطف جبین  
۱- ن ۱۷ = جبین؛ همه نسخ دیگر = سیه



## (۳۵)

عرفی که قدم<sup>(۱)</sup> در دهن تیشه نهد      از بس<sup>(۲)</sup> غمِ دل بر دلِ غم پیشه نهد  
تا تحتِ ثری فرو شود گرنه<sup>(۳)</sup> مدام      بارِ دل خود بدوشِ اندیشه نهد

## (۳۶)

عرفی که به هرزه گردیم خو می داد      دیدم<sup>(۴)</sup> که عنان به یار<sup>(۵)</sup> خود رو می داد  
از بهرِ دلِ اندیشه تنگی می کرد      تعلیم گشادگی به ابرو می داد

## (۳۷)

بی یادِ لبِ تو خضر دل مرده شود      بی فیضِ رُخت بهشت پژمرده شود<sup>(۶)</sup>  
پژمرده شود دلم ز تأثیرِ غمت      از آتشِ اگر کباب افسرده شود

## (۳۸)

در دیده ز هجر خواب پژمرده شود      دل بی لبث از شراب پژمرده شود  
بی روی تو چون گل از دمِ سرو خزان      از آوِ من آفتاب پژمرده شود

## (۳۹)

گر بخت جنیت کش تحریک شود      گر<sup>(۷)</sup> مهر باین خرابه<sup>(۸)</sup> نزدیک شود

۱- ن ۳ = قدم بر قدم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹، ۱۷ و غیره = قدم در دهن

۲- ن ۱۱ = پس؛ همه نسخه های دیگر = بس

۳- ن ۱، ۵، ۲۹، ۹ = گریه؛ ن ۲، ۴، ۱۱، ۸ = گرنه مدام

۴- ن ۱، ۵ = دیدیم عنان؛ ن ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۱، ۱۷ = دیدم که عنان؛ ن ۲۹ = دیدم که عجب

۵- ن ۲۹ = حالی ازان بدخو؛ ن ۲ = بیار بدخو؛ ن ۱، ۳، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = بیار خود رو

۶- در نسخه نمره ۲۹۴۴ (دانشگاه تهران) نسخه ۲۸ (موزه برطانیه) و بیاض ۱۰۹۰ (بانکی پور) اولین دو مصراع این

رباعی باین طور هست: دل بی رخت از گلاب پژمرده شود      جان بی لبث از شراب پژمرده شود

۷- ن ۱، ۵ = کز؛ ن ۳، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = گر

۸- ن ۱، ۵ = این خزان؛ ن ۸ = این خزان؛ ن ۳، ۴، ۲۹ = این خرابه؛ ن ۲۸ = پاش خانه

زان شمع شود بنوری اندوده شبم<sup>(۱)</sup>      کز پرتوش<sup>(۲)</sup> آفتاب تاریک شود

(۴۰)

شوخی که زخنده چشمه نوش شود      خورشید به سایه‌اش هماغوش شود  
خندید و کرشمه کرد و از خود رفتم      آری، دو شرابه زود بیهوش شود<sup>(۳)</sup>

(۴۱)

رفتم به جنازه یکی تن که فسرد      صد سال ز باغ عیش گل چید و بمرد  
گفتم چه برون بردی ازین باغ<sup>(۴)</sup> و بهار      گفتا دل پُر خون که<sup>(۵)</sup> تو هم خواهی برد

(۴۲)

جمعی به درت گریه و آه آوردند      جمعی همه دیده<sup>(۶)</sup> و نگاه آوردند  
جمعی دیدند خواهش<sup>(۷)</sup> عفو ترا      رفتند و جهان جهان گناه آوردند

(۴۳)

عرفی همه ریو و رنگی<sup>(۸)</sup> و گفت و شنید

سوداگرِ معصیت بدین مایه که دید؟

- رباعی ۴۱ = ریاض؛ رباعی ۴۵ = عرفات

۱- ن ۱، ۵، ۱۷ = اندوده شبم؛ ن ۲، ۳، ۸، ۲۹ = اندوده شبم

۲- در نسخ ۱، ۵، ۲، ۳، ۲۹، و دیگر نسخه‌ها "پرتو آفتاب" هست اما به لحاظ معنی باید "پرتوش" بوده باشد

۳- ن ۲۸ = دو شراب خورده مدهوش شود؛ ن ۸ = دو شرابه زود مدهوش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره = دو شرابه زود بیهوش

۴- ن ۱، ۵، ۸ = باغ بهار؛ ن ۲، ۱۱، ۲۹ = باغ و بهار

۵- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = که تو هم؛ ن ۲، ۲۹ = و تو هم؛ ن ۳ = تو هم

۶- ن ۹ = همه اشک عذر خواه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = همه دیده و نگاه

۷- ن ۹ = لذت؛ همه نسخه‌های دیگر = خواهش

۸- ن ۱۷ = ریو رنگی و گفت و شنید؛ ن ۳، ۴، ۵ = ریو و رنگی و گفت و شنید؛ ن ۱۱ = بود رنگ بی گفت و شنید

زین گونه متاعها که من می بینم

بر بند، که بکشوده<sup>(۱)</sup> نخواهند<sup>(۲)</sup> خرید

## (۴۴)

تا کی برت اظهارِ عدم نتوان کرد

یک مو ز رعونتِ تو کم نتوان کرد

دامنِ بمیانِ بر زده خواهی رفتن

جایی که کلاهِ گوشه بخم نتوان کرد

## (۴۵)

ای آن که زور<sup>(۳)</sup> درسته‌ای<sup>(۴)</sup>، شرمِ باد

فارغ ز بلا نشسته‌ای، شرمِ باد

تو سنگدلی و تهمتِ بی اثری

بر جلوه حسن بسته‌ای، شرمِ باد

## (۴۶)

کی شوقِ تو از دلم به تدبیر شود

تدبیر کجا مانع تقدیر شود

بسیار دلم تنگ مساز از دوری

ترسم ز دلم غمِ تو دلگیر شود

## (۴۷)

گر شرم نه<sup>(۵)</sup> قفلم بزیان اندازد

گفت و شنو از وصال دورم سازد

پروانه که دم نمی زند در بر<sup>(۶)</sup> شمع

می سوزد و کس به او نمی پردازد

۱- ۳، ۲۸ = نگشوده بخوانند؛ ن ۴، ۱۱ = که ناگشوده خوانند؛ ن ۱۷ = بکشود و بخوانند؛ ن ۱ = بکشوده نخواهند؛

ن ۵ = مکشوده نخواهند؟

۲- ۱، ۵، ۱۷، ۲۸ = نخواهند؛ ن ۳ = بخوانند؛ ن ۴ = خواهند

۳- ۱ = نه درد؛ ن ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲، ۴، ۲۹، عرفات = ز درد

۴- ن ۱ = رسته‌ای؛ دیگر همه نسخ = رسته‌ای

۵- ن ۳، ۴، ۹ = نه؛ ن ۵ = ز؛ ن ۱ = تو

۶- ن ۱، ۵ = شب؛ ن ۳، ۴، ۹ = بر

## (۴۸)

آن مست که در شوز و ملالم دارد<sup>(۱)</sup> دیوانه عشق بی زوالم دارد<sup>(۲)</sup>  
 دشنام و تلافی به هم آمیخته است یعنی که تبسمی به حالم دارد<sup>(۳)</sup>

## (۴۹)

با دوست دلی که قرب<sup>(۴)</sup> جانی دارد پیوند به عمر جاودانی دارد  
 با عشق نمیرد دل کس کین آتش خاصیت آب زندگانی دارد

## (۵۰)

بتخانه به حال سجده گاهت گرید خورشید به تشنه لب گیاهت گرید  
 چون گل تو شکفته‌ای و این طرفه که من بینم که ز کفش تا کلاهت گرید

## (۵۱)

ما را که بغوش هر قدم<sup>(۵)</sup> کاری بود<sup>(۶)</sup> تا صومعه پای تیز رفتاری بود<sup>(۷)</sup>  
 در کوچه زهد پای در گل ماندم این خرقة و عمامه عجب باری<sup>(۸)</sup> بود<sup>(۹)</sup>

## (۵۲)

در علم و عمل چو ذوفنون آید مرد آرایش بیرون و درون آید مرد

۱- در نسخه دوم ردیف این رباعی (گردد) هست

۲- در نسخه دوم ردیف این رباعی (گردد) هست

۳- در نسخه دوم ردیف این رباعی (گردد) هست

۴- ن ۹ = قرب؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸ = قید

۵- ن ۲ = زمان؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹، ۲۸ = قدم

۶- در نسخه سوم ردیف این رباعی (هست) است

۷- در نسخه سوم ردیف این رباعی (هست) است

۸- ن ۲، ۳، ۱۷ = باری؛ ن ۱ = یاری؛ ن ۵ = کاری

۹- در نسخه سوم ردیف این رباعی (هست) است

از معرکه<sup>(۱)</sup> بی زخم برون آید مرد      وز پرده کار غرقِ خون آید مرد

(۵۳)

توفیق گذشته گربه ما باز آید      این بختِ عجوز بر سرِ ناز آید  
شاهینِ کرم گر بگشاید پر و بال      بس طایر بشمل که به پرواز آید

(۵۴)

فردا که معاملان<sup>(۲)</sup> هر فن طلبند      حُسنِ عمل از شیخ<sup>(۳)</sup> و برهنِ طلبند  
زانشا<sup>(۴)</sup> که دروده‌ای، جوی نستانند      آنها<sup>(۵)</sup> که نه کشته‌ای، به خرمن طلبند

(۵۵)

عرفی دلِ ما بناکسی<sup>(۶)</sup> خوش دارد      ما را به هزار غم مشوُش دارد  
هر دم که رود ز عمر ما داغِ نویست<sup>(۷)</sup>      روز و شبِ ما مزاجِ آتش دارد

(۵۶)

آنان که طرب شان سوی میخانه کشد      از غم دل شان کینه<sup>(۸)</sup> به پیمانه کشد  
زود آ که بنوش خنده لب باز کنند<sup>(۹)</sup>      وان خنده به گریه‌های مستانه<sup>(۱۰)</sup> کشد

رباعی ۵۴: طبقات اکبری، منتخب التواریخ، عرفات

۱- ن ۳، ۴، ۲۸ = از؛ ن ۱ = در؛ ن ۵ = وز

۲- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۱۱، طبقات منتخب = معاملان؛ عرفات = محاسبان

۳- ن ۳، ۵، ۱۱ = عمل از شیخ؛ ن ۱ = عمل شیخ

۴- ن ۱، ۴، ۵، ۱۷ و غیره = زانشا که؛ منتخب، طبقات = آنها که

۵- منتخب التواریخ و طبقات = وانها که؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۱، ۱۷ = آنها که

۶- ن ۹ = بنا خوشی؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸ = بنا کسی

۷- ن ۱، ۵ = دلپست؛ ن ۳، ۹، ۱۷ = نوی ست

۸- ن ۱۷ = کینه پیمانه؛ ن ۱، ۳، ۵ = کینه به پیمانه

۹- ن ۱۷ = کنید؛ ن ۱، ۳، ۵ = کنند

۱۰- ن ۱ = مردانه؛ ن ۳، ۵ = مستانه

## (۵۷)

وقت است که دل ز هر هوا برخیزد      لب از ره نفرین و دعا برخیزد  
از خلد و جحیم چشم ما بسته شود<sup>(۱)</sup>      از دوش دو کون دست ما برخیزد

## (۵۸)

چون عشق بکام مشتری کار کند      وز<sup>(۲)</sup> جنین غم آرایش بازار کند  
یک جو به هزار جان<sup>(۳)</sup> فروشد از غم<sup>(۴)</sup>      تا ز<sup>(۵)</sup> ارزانی ترا خریدار کند

## (۵۹)

شیرین<sup>(۶)</sup> به وفای کوهکن می نازد      یعقوب به بوی پیرهن می نازد  
داوود به لحن خویشان می نازد      عشق<sup>(۷)</sup> تو بناله‌های من می نازد

## (۶۰)

زینگونه<sup>(۸)</sup> که دل به عقل<sup>(۹)</sup> زشتم طلبد<sup>(۱۰)</sup>

وز بیت حرام در کنشتم<sup>(۱۱)</sup> طلبد<sup>(۱۲)</sup>

۱- ۲۸، ۵، ۳، ۱ = شود؛ ن ۱ = بود

۲- ن ۱، ۳، ۵ = وز؛ ن ۹ = از؛ ن ۱۷ = در

۳- ن ۹ = دل؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷ = جان

۴- ن ۹ = غم تو؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷ = از غم

۵- ن ۵ = تا از زبان تو؛ ن ۱، ۳ = تا ز ارزانی ترا؛ ن ۹، ۱۷ = تا ارزانی ترا

۶- ن ۱۱ = ایوب به صبر خویشان؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۷ = شیرین به وفای کوهکن

۷- ن ۱۱ = این عشق به ناله‌های خویشان؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۷ = عشق تو به ناله‌های من

۸- ن ۲ = زانگونه؛ همه نسخه‌های دیگر = زین‌گونه

۹- ن ۱، ۵، ۱۱، ۲۹ = به عقل؛ ن ۲، ۳، ۸، ۹ = به فعل

۱۰- ن ۲ = دارد؛ همه نسخه‌های دیگر طلبد

۱۱- ن ۱۸ = بهشتم؛ همه نسخه‌های دیگر = کنشتم

۱۲- ن ۲ = دارد؛ همه نسخه‌های دیگر طلبد

بیم است که از ننگ تَرَحَم فردا

دوزخ نپذیرد و بهشت طلبد<sup>(۱)</sup>

(۶۱)

با نقش و نگار عالمت خوش باشد  
آن مُرده که در قبرِ مَنقَش باشد

گیرم که ترا شوخی<sup>(۲)</sup> آتش باشد  
گر معنی هر نقش نیابی<sup>(۳)</sup>، باشی

(۶۲)

کوشید و نفاق صبر معلوم کرد  
دشمن شدمش که از تو محروم کرد

در پنجه خویش درد چون موم کرد  
با آن همه دوستی که با دردم بود

(۶۳)

خونابه شود گر آب زمزم بجشد  
تا<sup>(۵)</sup> تلخی مرگ و عمر باهم بجشد<sup>(۶)</sup>

خضم تو که خون خود دمامد بخشد  
خضم تو حسود<sup>(۴)</sup> باد و جاویدان باد

(۶۴)

صوفی بسرود<sup>(۸)</sup> نغمه زن میرقصد  
پروانه بدونِ خویشتن میرقصد

رند<sup>(۷)</sup> از طربِ دُردی دن میرقصد  
سرو از پی زینت چمن میرقصد

۱-ن ۲ = دارد؛ همه نسخه‌های دیگر طلبد

۲-ن ۱۳، ۲ = شفقت آتش؛ ن ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۲۷ = شوخی آتش؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = شوخی و دانش

۳-ن ۲۹ = بیابی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۸ = نیابی

۴-ن ۲۸ = خسوف؛ ن ۱، ۳، ۱۷ = حسود

۵-ن ۱ = با تلخی مرگ و عمر ماهم؛ ن ۳، ۵ = تا تلخی مرگ و عمر باهم؛ ن ۱۷ = تا تلخی و مرگ و عمر باهم

۶-با آنکه در همه نسخ ردیف این رباعی لفظ (بخشد) یافته شد ولی (بجشد) درست می‌نماید

۷-در نسخ اول و پنجم بترتیب مصرع‌های رباعی به شکلی است که مصراع دوم مصراع چهارم است و مصراع چهارم مصراع دوم اما در نسخ ۳، ۱، ۲۸ به ترتیبی هست که در متن گنجانده شده

۸-ن ۱۷ = سرود و نغمه زن؛ ن ۱، ۳، ۵ = سرود نغمه زن

## (۶۵)

از خامشیم جانِ سخن می‌سوزد      وز بیخودیم یقین و ظن می‌سوزد  
حیرت زهماغوشی من می‌نالد      اندیشه<sup>(۱)</sup> ز آرزوی من می‌سوزد

## (۶۶)

خضمِ تو جز از قهرِ تو مغموم<sup>(۲)</sup> مباد      آثارِ تو چون عهدِ تو معدوم مباد  
چندانکه بگردد فلکِ دایره‌سان      چون دایره‌متهات<sup>(۳)</sup> معلوم مباد

## (۶۷)

ای خواجه چو از<sup>(۴)</sup> تو مرگ جان خواهد برد  
اسبابِ زمانه هم زمان خواهد برد  
پیچیدنِ تن در کفنِ دیبا چیست؟  
نباش کفن، سگ استخوان خواهد برد

## (۶۸)

گر دل بردم<sup>(۵)</sup> عشوه‌نمایی، چه شود؟      یابد دلم از عشق صفایی، چه شود؟  
صد کعبه و سومات آبادان است      معمور شود کلیسایی، چه شود؟

---

رباعی ۶۶ = مآثر رحیمی

۱- ن ۱۷ = اندیشه آرزو؛ ن ۱، ۳، ۵، ۲۸ = اندیشه ز آرزو

۲- ن ۳، مآثر رحیمی = مغموم؛ ن ۱، ۵ = مغموم؛ ن ۲۸ = مسموع؟

۳- مآثر رحیمی = مستهام؛ ن ۱، ۳، ۵، ۲۸ = متتهات

۴- ن ۲، ۵ = ز تو جوهر جان؛ ن ۲، ۳، ۸، ۹، ۲۹ = چو از تو مرگ جان؛ ن ۴ = ای از تو چو مرگ خان و مان

۵- ن ۱، ۸، ۱۱، ۲۷ = بَردم؛ ن = کندم؛ ن ۳ = برده



(۶۹)

عشق آمد<sup>(۱)</sup> و گوید که زبان بگشایند<sup>(۲)</sup>      وز مژده<sup>(۳)</sup> من دل جهان بگشایند<sup>(۴)</sup>  
راحت نه عیانست، منادی بزیند<sup>(۵)</sup>      تا روی نقاب بستگان<sup>(۶)</sup> بگشایند<sup>(۷)</sup>

(۷۰)

دل<sup>(۸)</sup> صید تو گشت و صید نا اهل نبود      افتاده<sup>(۹)</sup> عزیز هست<sup>(۱۰)</sup> پیشت ورنه<sup>(۱۱)</sup>  
لفزیدن پای دل ما سهل نبود

(۷۱)

هر گه لبم از دعا مزین گردد      زان نور چراغ مرده<sup>(۱۲)</sup> روشن گردد  
گویم نشود که دست پیمان کسی      آلوده دست دوست<sup>(۱۳)</sup> و دشمن گردد

(۷۲)

نظم<sup>(۱۴)</sup> تو طبرزد به شراب آمیزد      بر مُرده دلان دم مسبیحا بیزد  
تا چشمه کوثرش بدعوی برخاست<sup>(۱۵)</sup>      صد چشمه تبسم ز لبش می ریزد

۱- ن = ۵، ۱؛ آید؛ ن = ۲، ۳، ۸، ۹، ۲۹ = آمد و؛ ن = ۱۷ = آمده

۲- ن = ۹، ۱۷؛ ن = ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹ = بگشایند

۳- ن = ۹ = مردن؛ ن = ۳ = آمدن؛ ن = ۲، ۳، ۸، ۹، ۲۹ = پژمرده

۴- ن = ۹، ۱۷؛ ن = ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹ = بگشایند

۵- ن = ۱، ۳، ۲۹ = برزند؛ ن = ۲، ۵، ۹، ۱۷ = بزیند

۶- ن = ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = بستگان؛ ن = ۱، ۳، ۱۷ = تشنگان

۷- ن = ۹، ۱۷؛ ن = ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹ = بگشایند

۸- این رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۹- این رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۱۰- ن = ۱ = هست؛ ن = ۵ = نیست

۱۱- ن = ۱۷ = ارنی؛ ن = ۱، ۵ = درنه

۱۲- ن = ۱۷ = مرد؛ ن = ۱، ۵ = هر دو

۱۳- ن = ۱ = دست دوست و دشمن؛ ن = ۵، ۱۷ = دست دوست دشمن

۱۴- تنها در نسخ ۱، ۵ یافته شد

۱۵- ن = ۵، ۱ = برخواست

(۷۳)

نقد<sup>(۱)</sup> سخن از جیبِ کمال تو بود  
مجموعه تازگی خیالِ تو بود  
این لطف و نزاکت که بود نظمِ ترا  
هم با گلی روضه وصالِ تو بود

(۷۴)

بیم<sup>(۲)</sup> است که طبعِ هرزه‌ها بتراشد  
دامانِ خسی بپایِ طوبی پاشد  
خواهم که درین مُشتِ خسِ آتش گیرد  
تا پایِ عروسان چمنِ نخراشد

(۷۵)

عرفی<sup>(۳)</sup> ز چه رو ترا غم سهو بود  
طبعِ تو ببری از المِ سهو بود  
چون در سخنت سهو بیابند<sup>(۴)</sup>، که تو  
سہوت، به حقیقتِ عدمِ سهو بود

(۷۶)

دی<sup>(۵)</sup> از گرما بجامه چرخ کبود  
با نور چنان که مهر<sup>(۶)</sup> از و تیره نمود  
امروز زدم<sup>(۷)</sup> سردی این برد عجوز  
چون شعله نیم مرده<sup>(۸)</sup> آلوده دود<sup>(۹)</sup>

(۷۷)

در<sup>(۱۰)</sup> کعبه که شمع زهد می‌افروزند  
یاران همه دلقِ مغفرت می‌دوزند

۱- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، وجود دارد

۲- تنها در نسخ ۱، ۵ یافته شد

۳- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، وجود دارد

۴- ن ۱۷ = نیابند؛ ن ۱، ۵ = بیابند

۵- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، وجود دارد

۶- ن ۱۷ = ازان؛ ن ۱، ۵

۷- ن ۱۷ = دم سردی و این بُرد؛ ن ۱، ۵ = زدم سردی این بُرد

۸- ن ۱، ۵ = نیم مرده؛ ن ۱۷ = نیم سرد و

۹- در هر سه نسخه با بیت اول این رباعی شکل است ولی این نادرست می‌نماید. مفهوم این بیت نیز روشن نمی‌شود

۱۰- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، وجود دارد

آتشکده را نفعی ازین بهتر نیست      کانجا همه خرقة ریا می‌سوزند

## (۷۸)

هر<sup>(۱)</sup> چند شکست با دلم بستیزد      بیرون ندهد غم که ملامت خیزد  
در شیشه ما می لطیف است، ولی      آن می نه که<sup>(۲)</sup> شیشه شکستن ریزد (کذا)

## (۷۹)

مهر<sup>(۳)</sup> تو بجور جاودانی نشود      شوق تو به منع ناز فانی نشود  
مکشای لب منع که هر موسی را      تسکین طلب به لن ترانی نشود

## (۸۰)

عرفی<sup>(۴)</sup> دل ما ز اصل بر می‌لافتد<sup>(۵)</sup>      غافل که قضا نکته چنین بشکافتد  
هم آنکه ز طویی کندش گهواره      از شعله دوزخش کفن می‌بافتد

## (۸۱)

شهباز<sup>(۶)</sup> دلم ز دست دنیا گیرد      آن صید که خورده بر مسیحا گیرد  
هر برق کرشمه‌ای که در پرده جهد      در خرمن نامحرمی ما گیرد

## (۸۲)

گر<sup>(۷)</sup> کافر و زنار پرستم خوانند      گر رنید خراباتی و مستم خوانند

۱- این رباعی تنها در نسخ ۵، ۱ وجود دارد

۲- ممکن است که قبل (شیشه) "با" یا "از" باشد

۳- این رباعی تنها در نسخ ۵، ۱ وجود دارد

۴- این رباعی تنها در نسخ ۵، ۱ وجود دارد

۵- ن ۱۷ = بر می‌لافتد؛ ن ۱، ۵ = پر می‌لاند

۶- این همه رباعیات تنها در نسخ ۵، ۱، ۸ یافته شد

۷- این همه رباعیات تنها در نسخ ۵، ۱، ۸ یافته شد

گريزان كه مرا چنانكه هستم خوانند

ای وای بر روزگارِ مستوري من

### (۸۳)

در سوختنم سعی تمامی دارد  
ناکامی<sup>(۴)</sup> ماهم انتقامی دارد

دوران<sup>(۱)</sup> به هلاکم اهتمامی دارد  
بی کام<sup>(۲)</sup> دلم بخون نشانند<sup>(۳)</sup> گویا

### (۸۴)

رفتند موخر و مقدم رفتند  
تاریخ آمد که "هر دو با هم رفتند"  
۹۹۷ هجری قمری

امسال<sup>(۵)</sup> دو علامه ز عالم رفتند  
چون هر دو موافقت نمودند بهم

### (۸۵)

صد لخت دلم ز نوکِ مژگان افتاد  
در سلسله نگاهِ ما تیغ افتاد<sup>(۷)</sup>

صد<sup>(۶)</sup> چشمه خون از جگر دیده گشاد  
زان دیده بخون نشست کان غمزه مست

### (۸۶)

از دیرِ مغان همه برهن خیزد  
باغیست کزان تمام سوسن خیزد

از<sup>(۸)</sup> کوی<sup>(۹)</sup> بتان سوخته خرمن خیزد  
زان بسته زبانی که خاموشی ما

۱- این همه رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۸ یافته شد

۲- ن ۱۷؛ دلی؛ ن ۱، ۵ = دلم

۳- ن ۵ = نشانند؛ ن ۱، ۱۷ = نشاید

۴- در هر سه نسخ لفظ (ما) هست ولی (من) مناسب تر می نماید

۵- این رباعی تنها در زبده التواریخ (اثر شیخ نورالحق ابن شیخ عبدالحق دهلوی) یافته شد (نسخه خطی موزه برطانیه) و راجع است به مرگ علامه فتح الله شیرازی و حکیم ابوالفتح گیلانی - عرفی مبتنی فتح الله شیرازی و تربیت یافته حکیم ابوالفتح بود

۶- تنها در نسخ ۱، ۵ یافته شد

۷- در دو مصرعه دوم و چهارم قافیه (افتاد) درست نمی نماید

۸- این همه رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۸ یافته شد

۹- ن ۱ = در کوی؛ ن ۵، ۱۷ = از کوی

## (۸۷)

از<sup>(۱)</sup> عشق جوی بصد جهان می‌ارزد      این<sup>(۲)</sup> مرگ به عمر جاودان می‌ارزد  
زین بادیه زهر که نوشم بادا      یک قطره به صد چشمه جان می‌ارزد

## (۸۸)

مستان<sup>(۳)</sup> وفا دل<sup>(۴)</sup> بفراغی ندهند      جز مژده<sup>(۵)</sup> الماس بداغی ندهند  
رضوان مطلب روضه ما را کین جمع      یک عالم غم به کشت<sup>(۶)</sup> باغی ندهند

## (۸۹)

این<sup>(۷)</sup> باغ که صد زیور و آئین دارد      امسال همه جمالِ پارین دارد  
گل کز دلِ بلبل است خون افشان تر      زالی است که روبه غازه رنگین دارد

## (۹۰)

عرفی<sup>(۸)</sup> چه خوری غم که غنیم از جا شد      مرگ آمد و برد جان و تن رسوا شد  
انگار که این گیاهت از خاک نرست      اکنون که برست، طعمه عتقا شد

## (۹۱)

در شهر<sup>(۹)</sup> محبت که گران جان نرسید      گرد فرحی به هیچ دامان نرسید  
اندیشه به غمخواری هر درد که رفت      زان سوی عدم راند و بدریان نرسید

۱- این همه رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۸ یافته شد

۲- ن ۵، ۱۷ = آن؛ ن ۱ = این

۳- این همه رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۸ یافته شد

۴- ن ۱۷ = ترا؛ ن ۱، ۵ = ترا

۵- ن ۱۷ = مرهم؛ ن ۱، ۵ = مژده

۶- ن ۱۷ = مشت؛ ن ۱، ۵ = کشت

۷- این رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۸- این رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۹- این رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

(۹۲)

مرغ<sup>(۱)</sup> تو به هر چمن ترنم نکند  
وهم تو رو راست روی گم نکند  
هر جا سخن از سحر کلام تو رود  
گوساله سامری تکلم نکند

(۹۳)

گر<sup>(۲)</sup> نام غمی برم دل آواز دهد  
دل برگ وای غم چنین ساز دهد  
بی فایده هرگز نکند وام دلم  
یک غم دهمش هزار غم باز دهد

(۹۴)

تا<sup>(۳)</sup> مرتبه عشق تو عالی نشود  
عرفی دلت از وسوسه خالی نشود  
می سوز بدرد و خو به هجران می کن  
تا نام تو عاشق وصالی نشود

(۹۵)

در<sup>(۴)</sup> سردی یخ بند که لرزد خورشید  
خون بسته شود چون بقم اندر رگ بید  
گلدسته ای از دود و شرر بسته شود  
کاندر کف روزگار ماند جاوید

(۹۶)

زخمی<sup>(۵)</sup> دارم که روی نشتر دارد  
داغی دارم که حسنِ اخگر دارد  
رویی دارم که عشق زانو ورزد  
دستی دارم که دامنِ سر دارد

۱- این رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۲- این رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۳- این رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۴- ن ۱۳، ۵، از؛ ن ۲، ۳، ۴، ۱۱ = در

۵- تنها در نسخ ۲، ۷، ۸، ۱۲، ۱۳، ۲۵ یافته شد

(۹۷)

نور<sup>(۱)</sup> رُخش از روزنِ جان برجوشید  
از پرتو آن کون و مکان برجوشید  
گر<sup>(۲)</sup> بر دلِ سنگ حسنِ او ناخن زد  
صد چشمه نگاهِ خون چکان برجوشید

(۹۸)

امشب<sup>(۳)</sup> که کرشمه چرب دستی می کرد  
عرفی چو لبِ تو می پرستی می کرد  
در کعبه شرابخانه دیدم یعنی<sup>(۴)</sup>  
عصمت زکرشمه تو مستی می کرد

(۹۹)

عرفی<sup>(۵)</sup> آنان که چشمه نور شوند  
اکثر ز رضای دل رنجور شوند  
مشکن دل خستگان که چون زلفِ بتان  
این طایفه از شکست<sup>(۶)</sup> منصور شوند

(۱۰۰)

شوخی<sup>(۷)</sup> که بجلوه نقدِ هستی ببرد  
وز دیبر رواج بُت پرستی ببرد  
چندان نمکش هست که گر عکسِ رُخش  
در جام فتد ز باده مستی ببرد

(۱۰۱)

افسوس<sup>(۸)</sup> که گرمیم زهنگامه نماند  
جُز نقشِ پشیمانیم از خامه نماند<sup>(۹)</sup>

رباعی ۹۸ = ریاض الشعرا رباعی ۱۰۳ = کارنامه فیض (شرح قصاید عرفی از محمد شفیع سنجعلی)

- ۱- این رباعی تنها در نسخ ۸، ۲ یافته شد
- ۲- ۲ ن = کو؛ ن ۸ = گر
- ۳- این رباعی تنها در نسخ ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۷ یافته شد
- ۴- ۲ ن = گفتم؛ ن ۸ = یعنی
- ۵- این رباعی تنها در نسخ ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۲۵ یافته شد
- ۶- ۲ ن = شکست؛ ن ۸ = شکیب
- ۷- این سه رباعیات تنها در نسخه هفدهم یافته شد
- ۸- این سه رباعیات تنها در نسخه هفدهم یافته شد
- ۹- در اصل نسخه (بماند) است اما (نماند) درست می نماید

جامی رقم ثواب در نامه نماند

فریاد که از بسکه نوشتند گناه

(۱۰۲)

چون پرسیدی با تو بگویم چون شد  
چون جوش برآورد زخم بیرون شد

گفتی<sup>(۱)</sup> که چرا سرشک تو گلگون شد  
خونابه سودای تو می پخت دلم

(۱۰۳)

در دستِ زمانه همچو پنج انگشت اند  
ور جمع شوند بر دهن ها مُشت اند

این<sup>(۲)</sup> پنج گهر از صدف یک پُشت اند  
گر فرد شوند در نظر ها علم اند

### ردیف رای مهمله

(۱)

زان شمع بود سینه<sup>(۴)</sup> من غیرتِ طور  
من شعله به سینه دزد<sup>(۶)</sup> او سینه<sup>(۷)</sup> ز نور

پروانه کند زیارتِ نور<sup>(۳)</sup> از دور  
عشقی من و پروانه بهم کی ماند<sup>(۵)</sup>

۱- این سه رباعیات تنها در نسخه هفدهم یافته شد

۲- این رباعی تنها در کارنامه فیض (شرح محمد شفیع سنجعلی) در ضمن شرح این ابیات قصیده ای در منقبت حضرت ختمی مرتبت ص نوشته:

یوسف نفیس مرا ز آسیب اخوان دوردار  
کین حسودان مروت سوز با این بیگناه  
با فریب غول همزادند در راه سلوک  
با فساد گر انبازند در نزدیک چاه  
..... کنایه است از پنج پسر شیخ مبارک که ابوالفضل، ابوالفیض و ابوسعید و ابوالخیر چنانچه عرفی گوید:  
این پنج گهر از صدف یک پُشت اند  
در دست زمانه همچو پنج انگشت اند  
گر فرد شوند در نظر ها علم اند  
ور جمع شوند بر دین ها مُشت اند

۳- ن ۹ = شمع از دور؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۲۹، عرفات = نور از دور؛ ن ۱۱ = نور از نور

۴- ن ۱، ۵ = روشنی؛ شیشه من؛ دیگر همه نسخ بشمول ن ۱۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۲۸، ۲۹ و غیره = سینه من

۵- ن ۱۱ = مانند؛ همه نسخه های دیگر = ماند

۶- ن ۶ = ورزم؛ همه نسخه های دیگر = دزد

۷- ن ۱، ۵ = سینه به نور؛ و دیگر همه نسخ بشمول ن ۲، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = سینه ز نور؛ ن ۳ = شعله نور؛ ن ۳ = شعله سینه؛ همه نسخ دیگر = شعله به سینه



(۲)

ای پُشت تو گرم کرده سنجاب و سمور<sup>(۱)</sup>      یکسان به مذاقِ تو چه شیرین و چه شور  
از جانبِ عشق بانگ بر بانگ<sup>(۲)</sup> تو کر      از جانبِ حُسن عرض بر عرض<sup>(۳)</sup> تو کور

(۳)

عشق آمد و رفت خونچکان در بازار      زهد آمد و کرد اشکِ تزویر نثار  
آن پنبه داغ جُست و این پنبه گوش      زان حبلِ متین تافته<sup>(۴)</sup> شد زین زُئار

(۴)

ای چهره گرمِ خون فشانست گلی تر      وی غرقِ عرق بازگشا کاکلِ تر  
زُلف تو برسمِ باج گیرد هر ماه      از باغِ بهشت صد چمنِ سُنبلِ تر

(۵)

عرفی چه کنی<sup>(۵)</sup> سؤال ازین کُشته زار      کان غمزه ترا چگونه کرده است شکار  
من<sup>(۶)</sup> مستِ محبتم چه دانم که مرا      این سر بود افتاده به خون دستار

(۶)

عشق آید<sup>(۷)</sup> و گوید که رو محنت گیر      داغم به جگر نهد که رو، طاقت گیر

رباعی ۶ = عرفات؛ رباعی ۸ = ریاض الشعرا

- ۱- ن ۲۹، ۹ = شور؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۲۹ = غیره = سمور  
۲- ن ۱، ۳، ۹ = بانگ، تو؛ ن ۲، ۵، ۸، ۲۹ = بانگ و تو  
۳- ن ۱، ۳، ۹، ۸ = عرض، تو؛ ن ۲، ۵، ۲۹ = عرض و تو  
۴- ن ۹ = تافته و این زُئار؛ ن ۲۹، ۱۱، ۲ = یافته شد زین؛ ن ۳، ۵ = تافته شد زین؛ ن ۱ = ساخته شد زین؛ ن ۸ = بافته شد  
زین  
۵- ن ۱، ۹، ۱۱، ۸، ۲۹ = کنی؛ ن ۲ = کنم  
۶- ن ۱۷ = تا؛ ن ۱، ۲، ۳، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = من  
۷- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸ = آید؛ ن ۳، ۴، ۸، ۱۱، ۲۹، ۹، عرفات = آمد

الماس<sup>(۱)</sup> و نمک سوده به زهر آمیزد کین مرهم و آن داغ، کنون لذت گیر

(۷)

عرفی نشوی مقید رنج حضور<sup>(۲)</sup> نی خوبه ملال کن نه عادت به سرور  
زنهار ز شیرینی و تلخی بگریز<sup>(۳)</sup> گر گریه ماتمی و گر خنده سور

(۸)

پرویز کند جلوه<sup>(۴)</sup> به سنجاب و سمور این راه هوس گرفته و آن ره عشق  
فرهاد کفن جوید و می گردد عور آن یک لب یار بوسد این یک لب گور

(۹)

ای<sup>(۵)</sup> دایره روی تو زشتی<sup>(۶)</sup> پرکار روی تو مزاریست، سعادت مدفون  
در معرکه شکلی تو زرشتی<sup>(۷)</sup> به کنار وان هیات<sup>(۸)</sup> بینی ست سر لوح مزار

(۱۰)

ای<sup>(۹)</sup> گشته ز رنج طاعت شب بیمار آن بالش<sup>(۱۱)</sup> نرمت به ته سر بنهند  
گر تکیه کنی یک سر<sup>(۱۰)</sup> مو بر این کار کز خواب شوی<sup>(۱۲)</sup> روز قیامت بیدار

۱- ن ۳، ۴، ۱۱، ۱۷، ۲۹، عرفات = الماس و نمک سوده؛ ن ۹ = الماس نمک ریز بزهر آمیزد؛ ن ۵، ۱ = الماس نمک سوده  
۲- ن ۱۷، ۲۹ = رنج حضور؛ ن ۱، ۲، ۳، ۸، ۹ = غیره = رنج و حضور  
۳- ن ۱، ۵، ۱۷ = بگریز؛ ن ۹ = مگذر؛ ن ۲، ۳، ۸، ۱۱، ۲۹ = بگذر  
۴- ن ۱، ۲، ۵، ۸ = جلوه؛ ریاض = جلوه  
۵- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷، ۲۳، ۲۸ یافته شد  
۶- ن ۱ = زشتی پرکار؛ ن ۵ = ز زشتی پرکار  
۷- ن ۱۷ = شکلی تو زشتی؛ ن ۱، ۵ = شکل تو زرشتی  
۸- ن ۵ = هیئات بینی دست؛ ن ۱ = هیت بیم است  
۹- تنها در نسخ ۱، ۳، ۵، ۱۷ یافته شد  
۱۰- ن ۱، ۵ = جو؛ ن ۱۷، ۳ = مو  
۱۱- ن ۵، ۱ = این؛ ن ۳، ۱۷ = آن  
۱۲- ن ۳ = کنندت بقیامت؛ ن ۵، ۱ = شوی روز قیامت

(۱۱)

از<sup>(۱)</sup> شهر من ارچه تا دیارِ دلبر  
آرد برم از گریه زوی باد سحر  
رفتن نتوان مگر به صد ساله سفر  
ریحانِ بلادِ یار شبنم بر سر

(۱۲)

مژگان نبود به گرد و چشم من زار  
در دیده سیاهی ام نه از مردمک است  
غیره به رو نظاره ام ریخته خار<sup>(۲)</sup>  
جذبِ نگهم ریوده خال از رُخ یار

ردیف زای معجمه

(۱)

ای گلِ زمینِ سوخته خرمین بگریز<sup>(۳)</sup>  
من آتشم آتش تو گلی گل زنهار  
چشم چمنی، ز دودِ گلخن<sup>(۴)</sup> بگریز<sup>(۵)</sup>  
یکرنگی من ببین<sup>(۶)</sup> و از من بگریز

(۲)

ای شوق تو چون حسرتِ دیدار دراز  
توفیقِ تنک مایه<sup>(۷)</sup> چه امداد کند  
وی پای طلبِ کوتاه و رفتار دراز  
فرصت کم و عمر کوتاه و کار دراز

رباعی (۱) = ریاض؛ رباعی (۲) = عرفات

۱- تنها در نسخ ۵، تحت قطعات یافته شد

۲- ن ۱، ۵، ۱۷ = بگریز؛ ن ۹ = مگذر؛ ن ۲، ۸، ۱۱، ۲۹ = بگذر

۳- تنها در نسخه کلیات عرفی (شماره ۵۵۸۱) محفوظ در کتابخانه ملک، تهران یافته شد ن ۱۱، ۲۸ = مگریز؛ ن ۱، ۲، ۳،

۴، ۵، ۸، ۲۹ = بگریز

۴- ن ۱، ۵، ۱۱ = ز دودِ گلخن؛ ن ۲۹ = زود به گلخن؛ ن ۳ = دوده گلخن

۵- تنها در نسخه کلیات عرفی (شماره ۵۵۸۱) محفوظ در کتابخانه ملک، تهران یافته شد ن ۱۱، ۲۸ = مگریز؛ ن ۱، ۲، ۳،

۴، ۵، ۸، ۲۹ = بگریز

۶- ن ۳، ۴، ۵، ۶، ۲۹ = ببین؛ ن ۱، ۹، ۱۱ = ببین

۷- ن ۱، ۵، ۱۰، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹، عرفات = مایه

## (۳)

عرفی که بود مُزوری شعبده‌باز      تسبیح ملک فروش<sup>(۱)</sup> و ناقوس نواز  
 پر سوخته طاووس رعونت پرواز      مجنون رنگی چو حُسنِ لیلی همه ناز

## (۴)

عرفی بکجا رفت دلِ آتش خیز<sup>(۲)</sup>      کو گریه<sup>(۳)</sup> تلخ آه کو ناله تیز  
 بتخانه شد آن کعبه که نامش دل بود      بشکن قلمت<sup>(۴)</sup> ای هوس رنگ‌آمیز

## (۵)

ای عشق به عقل عرفی مست بتاز<sup>(۵)</sup>      ای درد گداختی دلم، هان بگداز  
 ای گریه جگر دوید<sup>(۶)</sup> بر دیده بایست      ای ناله اثر مانده<sup>(۷)</sup> ز دنباله متاز<sup>(۸)</sup>

## (۶)

هر روز ز خانه آن بت مهر<sup>(۹)</sup> افروز      بیرون آید به جلوه عالم سوز  
 منمش نتوانم، آفتاب است آن شوخ      بیرون نتواند که نیاید هر روز

۱- ن ۲، ۴، ۱۷، ۲۹ = فروش، ناقوس؛ ن ۳، ۵، ۸، ۹ = فروش و ناقوس

۲- ن ۱۳ = ریز؛ همه نسخه‌های دیگر = خیز

۳- ن ۱، ۵، ۹، ۲۹، ۱۷، ۲، ۴، ۳، ۲۸ = گریه تلخ آه و کو ناله تیز؛ ن ۸ = گریه آه و کو ناله تیز؛ ن ۱۱ = گریه آه و کو ناله تیز؛ ن ۱۷ = گریه تلخ و آه و کو ناله تیز

۴- ن ۱۷ = قلمم این؛ ن ۹ = قلمت ای؛ ن ۱۱، ۲۹ = قلم این؛

۵- ن ۹، ۲۸ = متاز؛ ن ۳، ۵، ۱۱ = بتاز؛ ن ۱ = بتاز

۶- ن ۱ = ای گریه جگر دیده بر دیده تست؛ ن ۱۱ = ای گریه جگر دریده بر دیده ماهت؛ ن ۹ = ای گریه دویده بدیده ماست؛ ن ۳ = ای گریه جگر دوید بر دیده ماهت

۷- ن ۱، ۵ = اثر مانده ز؛ ن ۹ = اثر مورز؛ ن ۱۱ = اثر ماندز

۸- ن ۱۱ = دنباله راز؛ همه نسخ دیگر = دنباله متاز

۹- ن ۳ = بت؛ ن ۱، ۵، ۴، ۹، ۱۷، ۲۲، ۲۸ = مو

## (۷)

از<sup>(۱)</sup> فتنه خالهایت ای مایه ناز  
می سوزم و عاجزم درین سوز و گداز  
آن زلف نگون چنانکه باید پیوند  
در دیگر زلف و خالها پنهان ساز

## (۸)

نگویمت<sup>(۲)</sup> که سحر با سپیده دم برخیز  
اگر توانی ازین خواب چاشت هم برخیز  
اگر نسیم بهشت قناعت است هوس  
زپیش مزبله معده و شکم برخیز

## (۹)

عرفی<sup>(۳)</sup> دم صبح چهر زی [می] افروز  
میکش قدحی و از خجالت می سوز  
ای ساقی آفتاب چهر از لطف بکن  
با پرتو [می تیره] شب ما را روز

## ردیف السین

## (۱)

رفتم به جنان تا نگرم برگِ هوس  
جوئی عسلی دیدم و صد فوج مگس  
گفتند که تنگ دل نگردي، گفتم  
مرغ چمنِ عشق نرنجد ز قفس

## (۲)

عرفی غمِ دل رسیده، مهجوری بس  
عشق آمد و صد چراغ، بی نوری<sup>(۴)</sup> بس  
از داغ<sup>(۵)</sup> درون دعا به الماس رسان  
کای مرهم ریش خستگان دوری بس

۱- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵ تحت قطعات یافته شد

۲- در نسخ ۱، ۵ بعد از قصاید یافته شد

۳- این رباعی تنها در ن ۱۷ یافته شد

۴- ن ۱ = مستوری؛ ن ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = بی نوری

۵- ن ۲۸ = لبِ نغمه‌ام الماس؛ ن ۳ = درون خبر به الماس؛ ن ۱، ۲، ۱۱، ۲۹ = درون دعا به الماس؛ ن ۹ = درون اثر به

## ردیف شین

(۱)

عرفی به دری رو<sup>(۱)</sup>، دم سردی بفروش  
در یوزه کن و چهره زردی بفروش  
خود را بخر از خویش و به مردی بفروش  
سرتاسر<sup>(۲)</sup> خویش را بدردی بفروش

(۲)

عرفی حسنی فزودی<sup>(۳)</sup> اعزاز منش<sup>(۴)</sup>  
زَنار نبستی<sup>(۵)</sup> به میان برهمنش  
آنرا<sup>(۶)</sup> که شهید غمزه می گشت، کنون  
از جامه کعبه ننگ دارد کفنش

(۳)

ای عشق<sup>(۷)</sup> بیا، مانع آرایش<sup>(۸)</sup> باش  
ای ملک وجود گرم آرایش<sup>(۹)</sup> باش  
خیز<sup>(۱۰)</sup> ای هوس از دیر<sup>(۱۱)</sup> دل و تا دم حشر  
جاروب کش<sup>(۱۲)</sup> مزار آسایش باش

رباعی (۲) = عرفات

۱- ن ۱، ۳، ۵، ۸ = بدری رو؛ ن ۲۹ = بدر آور؛ ن ۴ = بدرود؛ ن ۱۱ = بدرو

۲- ن ۹ = سرمایه خویش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = سرتاسر خویش

۳- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸ = فزود؛ ن ۲۸ (به جای دیگر) = فروشی؛ ن ۴ = فروزی؛ ن ۲، ۳، ۱۳، ۲۹ = عرفات = فزودوی

۴- ن ۲ = عرفی که فزودی اعزاز تنش؛ ن ۲۹ = عرفی که حسن فزودی اعزاز منش؛ دیگر همه نسخ = بطوری که نوشته شد

۵- ن ۱، ۵، ۸ = نه بستی؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸ = به بستی

۶- ن ۱، ۳، ۴، ۲۸، ۲۹ = عرفات = رشکا؛ ن ۹ = آنرا؛ ن ۱۷ = افغان؛ ن ۱، ۵ = زانکه

۷- ن ۱۳ = شمع؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = غیره = عشق

۸- ن ۲۸ = آرایش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = غیره = آرایش

۹- ن ۲۸ = آرایش؛ دیگر همه نسخه ها = آرایش

۱۰- ن ۹ = اجل؛ ن ۱ = هوا؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = هوس؛ ن ۴ = هوش

۱۱- ن ۱، ۵، ۱۷ = دیردل؛ ن ۲، ۳، ۴، ۶ = در دل؛ ن ۱۱ = درد دلم؛ ن ۲۹ = درد دل؛ ن ۹ = در دلی

۱۲- ن ۲۸ = هزار؛ همه نسخه های دیگر = مزار

## (۴)

ای بر تو نثار از لبِ گوهر شکنش      گوش تو بری ز استماع سخنش  
جانست که گردیده<sup>(۲)</sup> ترا پنبه بگوش      باید بدر آوردن و آتش زدنش

## (۵)

شوخی که تمنای دلم بیند<sup>(۳)</sup> فاش      می‌گفت<sup>(۴)</sup> بخوی خویش<sup>(۵)</sup> و می‌کرد تلاش  
ما<sup>(۶)</sup> رنجه کنیم دست و شمشیر ولی      ارزنده زخمِ ما دلی بودی کاش

## (۶)

چشمم ز<sup>(۷)</sup> تماشای جمالِ مهوش      جانم<sup>(۸)</sup> به تمنای نگاری<sup>(۹)</sup> سرکش  
چون خانه<sup>(۱۰)</sup> شاهدان سراسر گلشن      چون نامه عاشقان سراپا آتش

## (۷)

عرفی خجلم ز مردم دور اندیش      کز نوش گرفته‌اند کیفیتِ نیش  
درد لبِ یاران شدم از عیب<sup>(۱۱)</sup> دروغ      منت دارم ز عیبِ نابوده خویش

۱- ن ۲۸، ۸ = شکر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = گوهر؛ ن ۱۱ = کوثر

۲- ن ۱، ۲، ۳، ۱۷، ۲۹، ۵، ۱۱ = پنبه گوش؛ ن ۴، ۸ = پنبه بگوش

۳- ن ۲۸ گوید؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = بیند

۴- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸ = گفت و نجوی؛ ن ۱، ۳، ۸، ۲۹ = گفت بخوی

۵- ن ۳، ۲۸، ۲۹ = خویش و می‌کرد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ و غیره = خویش می‌کرد

۶- ن ۱، ۵ = باز بجه؛ ن ۲، ۳، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = ما رنجه

۷- ن ۴، ۲۸، ۲۹، ۱۱ = ز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۹ = به

۸- ن ۱، ۲، ۸ = به تماشای؛ ن ۳، ۹، ۱۱، ۲۹ = به تمنای

۹- ن ۴، ۲۹، ۱۱ = نگاری؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = نگار

۱۰- ن ۹، ۲۹ = خامه؛ ن ۱۱ = جامه؛ ن ۱، ۲، ۸ = خانه

۱۱- ن ۲ = عیب و دروغ؛ ن ۱، ۳، ۷، ۹، ۸، ۲۹ = عیبِ دروغ

(۸)

عرفی شبی از داغ دلِ دوراندیش      بگریست به های‌های در<sup>(۱)</sup> ظلمتِ خویش  
دادند<sup>(۲)</sup> بکوی تو رهش خضر و مسیح      کز دارِ شفای قدس جو<sup>(۳)</sup> مرهم ریش<sup>(۴)</sup>

(۹)

مختار<sup>(۵)</sup> مشو تا نشوی بیهده کوش      کاه<sup>(۶)</sup> ره باد باش و بار سر و دوش  
ای از بد<sup>(۷)</sup> و نیک آمده در جوش و خروش      گه شکوه طرازی و گهی شکر فروش

(۱۰)

شادی<sup>(۸)</sup> ز دلم خیمه برون می‌زد دوش      چشم<sup>(۹)</sup> ره صد قافله خون می‌زد دوش  
مغز خردم<sup>(۱۰)</sup> جوش جنون می‌زد دوش      غم تکیه بکوه بیستون می‌زد دوش<sup>(۱۱)</sup>

(۱۱)

عرفی<sup>(۱۲)</sup> که عنانِ نفس دارد گهرش      بی‌یاریِ عشق زو بود صد خطرش  
طفلی که عنانِ توسنی در کفِ اوست      محتاجِ ردیف است که گیرد بپرش

۱- ن ۸، ۲۸، ۲۹ = در؛ ن ۱، ۳، ۵ = بر؛ ن ۹ = از

۲- ن ۱، ۵ = زان داد رهش بکوی تو؛ ن ۱ = زان داد رهش بکوی تو؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دادند بکوی تو رهش

۳- ن ۱۷ = چون؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = جو

۴- ن ۸۳، ۱۷، ۲۹ = مرهم خویش؛ ن ۲ = مرهم و ریش؛ ن ۱، ۵ = مرهم ریش

۵- رباعی تنها در نسخ ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۲۲ یافته شد

۶- ن ۱ = کاورده باد باش و بارِ سرو دوش؛ ن ۵ = کاورده باد باش و بارِ سرو دوش؛ ن ۳ = کاهِ ره باد باش و بارِ سرو دوش

۷- ن ۳ = در؛ ن ۱، ۵ = از

۸- رباعی تنها در نسخ ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۲۲، ۲۳، ۳۶ = یافته شد

۹- ن ۱، ۵ = چشم؛ ن ۳، ۱۷ = چشم

۱۰- ن ۱، ۳، ۵ = جوش؛ ن ۱۷ = کیش؟

۱۱- در نسخ ۳، ۱۷ این مصرعه دوم است و مصرعه دوم مصرعه چهارم

۱۲- رباعی تنها در نسخ ۱، ۲، ۳، ۱۷، ۲۲ یافته شد



(۱۲)

چون شاهِ رسل نشست بر منظر<sup>(۱)</sup> عرش      باز آمد و هشت سایه در کشورِ عرش  
این معجزه<sup>(۲)</sup> از رفعت و شان است که او      بر فرش رود سایه بود بر سرِ عرش

(۱۳)

این حقه که هست سرِ بمهر<sup>(۳)</sup> ادبش      گنجینه انبساط آمد لقبش  
تأثیر مفرّحی که دارد بدهان      ترسم که بخنده بشکند مهرِ لبش<sup>(۴)</sup>

(۱۴)

در<sup>(۵)</sup> معرکه شاهِ اکبر اسکندر وش      کاورده بدست بندِ گردن کش  
نوحیست که در مهلکه<sup>(۶)</sup> گمراهان      می جوشد ازش تنور طوفان آتش

(۱۵)

آنم<sup>(۷)</sup> که نبود و نیست در عهدِ غمش      با آن همه ایثار<sup>(۸)</sup> و جفا و کرمش  
شرمنده ز سهو آسمان از لطفش      مجنون گناه خویشتن از ستمش

(۱۶)

تا کی بنهم لبی بخونِ دل خویش      لب تشنه نمانم از برونِ دلِ خویش  
کو عشق که در باز کند تا یک چند      با دوست نشینم بدرِ دبانِ دلِ خویش ؟

۱- ن ۱، ۵، ۹ = منبر؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۱، ۲۹ و غیره = منظر

۲- ن ۱، ۲ = معجزه از رفعت؛ ن ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۹، ۱۱ = معجزه رفعت

۳- ن ۱، ۲، ۱۷ = لب بمهر؛ ن ۱، ۵ = سر بمهر

۴- رباعی تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۷ یافته شد

۵- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۶- ن ۱ = معرکه؛ ن ۵، ۱۷ = مهلکه

۷- رباعی تنها در نسخ ۱، ۵ یافته شد

۸- ن ۵، ۱ = ایثار در جفا؛ تنها در نسخ ۱، ۴، ۵، ۱۷ یافته شد

## (۱۷)

در راه نفاق منزلی بودی کاش      در مزرع فتنه حاصلی بودی کاش  
ما رنجه کنیم دست و شمشیر ولیک<sup>(۱)</sup>      ارزنده زخم ما دلی بودی کاش<sup>(۲)</sup>

## (۱۸)

جام<sup>(۳)</sup> دلی من که خالی است از می هوش      صافی می عشق<sup>(۴)</sup> می زند دردی<sup>(۵)</sup> جوش  
کو غمزه بیداد فن جور فروش      تا مزرع نیش سازد<sup>(۶)</sup> این چشمه نوش

## (۱۹)

دل<sup>(۷)</sup> یارِ نوی گزید و شادم به غمش      کز شهد وفا به است ز هر ستمش  
بگذاشته ام برابرِ یار کهن      رخساره خویشان بزیرِ قدمش

## ردیف طاء

## (۱)

ساقی ز رُخم کرد به گنجینه بسط      بنمود جمالِ می ز آینه بسط  
بط سینه به دریا نهد اما ساقی      دریا نهد از شراب در سینه بط

۱- ن ۴ = ولیک؛ ن ۱، ۵ = ....

۲- مصرع .... چهارم از مصرعهای سوم و چهارم رباعی بر شماره (۵) اختلافی ندارند

۳- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۴- ن ۱ = عشق؛ ن ۵، ۱۷ = شوق

۵- ن ۱، ۵ = درد؛ ن ۱۷ = دردی

۶- ن ۱۷ = آن؛ ن ۱، ۵ = این

۷- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵ در ذیل قطعات یافته شد

## ردیف عین

(۱)

دیرست که مستم<sup>(۱)</sup>، نه مطیع<sup>(۲)</sup> نه مطاع وز<sup>(۳)</sup> آمد و رفتم نه سلام<sup>(۴)</sup> و نه وداع  
در بستکده نادیده بُت افتم به سجود در مصطبه ناخورده می‌آیم<sup>(۵)</sup> به سماع

## ردیف غین

(۱)

امشب که هماغوش بود مرهم [و] داغ عرفی ز شراب وصل تر کرده دماغ  
گر روغن عشرت نفرستد گردون خورشید گدازانم و ریزم به چراغ

## ردیف کاف

(۱)

نی دور زمان به کام و نی<sup>(۶)</sup> سیر فلک نی کیش مغان به ذوق و نی<sup>(۷)</sup> دین<sup>(۸)</sup> ملک  
هیچ<sup>(۹)</sup> است، چشیدیم و نکو سنجیدیم نیک و بد این جهان بی آب<sup>(۱۰)</sup> و نمک

۱- ن ۱، ۲، ۳، ۵ = مستم؛ ن ۸ = هستم

۲- ن ۱، ۲، ۳، ۵ = نه مطیع؛ ن ۸ = نه مطیع و

۳- ن ۷، ۸ = در؛ ن ۱، ۵ = وز

۴- ن ۱، ۲ = نه سلام؛ ن ۲، ۳، ۵، ۸ = نه سلام و

۵- ن ۱، ۵ = افتم؛ ن ۲، ۳، ۸ = آیم

۶- ن ۹ = نه؛ همه نسخ دیگر = نی

۷- ن ۹ = نه؛ همه نسخ دیگر = نی

۸- ن ۱ = کیش؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۹ = دین

۹- ن ۱، ۵ = هیچ است چشیدیم؛ ن ۲۸ = خاموش که چیدیم؛ ن ۲، ۸، ۲۹ = خامش که چشیدیم؛ ن ۳، ۹، ۱۷ = خامش که چشیدم

۱۰- ت ۲۹ = نان و نمک؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۱ = آب و نمک

## (۲)

دی<sup>(۱)</sup> با دل ریشه‌ای آکنده<sup>(۲)</sup> نمک  
شوقم چو قدم ز طور بالاتر زد  
در طور شدم نه دیو هم‌ره نه ملک  
برداشت کلم بانگِ الله<sup>(۳)</sup> و مَعک

## (۳)

آن<sup>(۴)</sup> مغبجه کز وی همه ریشیم و نمک  
بی بهره بماندیم که از<sup>(۵)</sup> دیر مغان  
تا شعله کشید نورِ حسنتش به فلک  
زَنار مسیح برد و ناقوس ملک

## (۴)

ای مَرهم داغِ سینه هر غمناک  
وی عالمی از ناوکِ دردِ تو هلاک  
دردی که شهیدان تو دارند به دل  
بیم است که صد جا بشکافد دل خاک<sup>(۶)</sup>

## (۵)

عرفی تو و شکر این<sup>(۷)</sup> دل آشنای  
ای دشمنِ زندگی و مشتاق<sup>(۸)</sup> هلاک

۱- این هر دو رباعی در نسخه ۲۸ یافته شد اما یک جا مصرعه اول رباعی (۲) با مصرع‌های دوم و سوم و چهارم رباعی (۳) مربوط است و جای دیگر رباعی (۳) بطوری هست که اینجا نقل شد

۲- ن ۱ = بی‌آب و نمک؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = آکنده نمک

۳- ن ۹، ۱۷، ۲۹ = الله مهک؛ ن ۱، ۵، ۸ = الله ملک

۴- این هر دو رباعی در نسخه ۲۸ یافته شد اما یک جا مصرعه اول رباعی (۲) با مصرع‌های دوم و سوم و چهارم رباعی (۳) مربوط است و جای دیگر رباعی (۳) بطوری هست که اینجا نقل شد

۵- ن ۲۸ = در؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره = از

۶- ن ۱، ۲، ۸ = چاک؛ ن ۳ = خاک

۷- ن ۱، ۵ = ای؛ ن ۲، ۳، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = این

۸- ن ۹ = غوغای؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = مشتاق

ای کام امید را فرو شسته بزهر

وی<sup>(۱)</sup> جیبِ مراد را در<sup>(۲)</sup> آتش زده چاک<sup>(۳)</sup>

### (۶)

گه تختِ فلک بر شود<sup>(۵)</sup> گه زیر سمک  
نیک و بد این جهان بی آب و نمک

گه<sup>(۴)</sup> کفر بُتیم و گاه تسبیح ملک  
گر نیک نظر کنی، بدانی مائیم

### (۷)

آید<sup>(۸)</sup> بطوافِ کعبه مقصود، چه باک  
تا تحتِ ثری فرو روم در دلِ خاک

تابوتِ<sup>(۶)</sup> مرا عرفی اگر بعد<sup>(۷)</sup> هلاک  
از بسکه گرانی کشم از بیمِ فراق

### (۸)

صوفی بر ریاضت طلبد قدرِ ملک  
مرهم جوییم، یعنی الماس و نمک

مُنعم<sup>(۹)</sup> ز دعا طنطنه جوید ز فلک  
تا داغ تو داریم، نخواهیم این را

## ردیف لام

### (۱)

بی ناله شکر هم به مگس نیست حلال

بی آه و فغان عشق به کس نیست حلال

۱- ن ۱۱ = این؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = دی؛ ن ۲۹ = دین

۲- ن ۵، ۹ = بر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۱۲، ۱۱ = در

۳- ن ۲ = خاک؛ همه نسخه‌های دیگر = چاک

۴- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۵- ن ۵ = بر شود و گه؛ ن ۱، ۱۷ = شود گه

۶- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۷- در هر سه نسخه با لفظ (بهر) است اما لفظ (بعد) درست می‌نماید

۸- ن ۱، ۱۷ = آمد؛ ن ۵ = آید

۹- تنها در نسخ ۲، ۷، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۲۵ یافته شد

آنکس که ترنمش دلی نخواست<sup>(۱)</sup>      آویزش صوتش به نفس نیست حلال

## (۲)

در<sup>(۲)</sup> دایره ملامتم پا در گِل      غم دل گرد<sup>(۳)</sup>، دل در گله بی حاصل  
هم<sup>(۴)</sup> داغ به دل می‌نهد و دل بر لب      لب شعله بگوش می‌زند گوش به دل

## (۳)

در<sup>(۵)</sup> عرصه رزمگاه محشر تاویل      آن مجمع دیو و آدم و پُشه و فیل  
بندَق به صداست در کف اکبر شاه      با صور<sup>(۶)</sup> قیامت است از اسرافیل

## (۴)

ای<sup>(۷)</sup> عقل ملایک از جمالت زایل      وی زیر زمین تشنگانت<sup>(۸)</sup> مایل  
عارض بنماکز آسمان بارد و جان      در جلوه در آکه از زمین روید دل

## (۵)

مستم<sup>(۹)</sup> کنی<sup>(۱۰)</sup> و نه دُرد بخشی نه زلال      کُشتی، و نه زخم عیش دارم نه ملال  
نی باد و نه آستین، و می‌میرد شمع      ای سامری این<sup>(۱۱)</sup> سحر حلالست حلال

۱- ن ۹ = بکس نیست اثر؛ ن ۱۷، ۵ = نخرشد؛ ن ۱۱ = دل نخواست؛ ن ۱، ۲، ۸ = دلی نخواست

۲- تنها در نسخ ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۲۲، ۲۸، ۳۶ یافته شد

۳- ن ۱، ۵ = غم دل گرد دل در گله بی حاصل؛ ن ۲۸ = غم دل گرد و دل در گله بی حاصل؛ ن ۳ = غم کرد دل دو گله دل بی حاصل؛ ن ۱۷ = غم کرد به دل این گله بی حاصل

۴- ن ۱۷ = غم؛ ن ۱، ۵ = هم

۵- رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۶- ن ۱۷ = پاصور قیامت بکف اسرافیل؛ ن ۱، ۵ = یاصور قیامت است از اسرافیل

۷- رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۸- ن ۱۷ = نشستگانت؛ ن ۱، ۵ = تشنگانت

۹- رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۱۰- ن ۱ = کنم؛ ن ۵، ۱۷ = کنی

۱۱- ن ۱، ۱۷ = این؛ ن ۵ = ای

## (۶)

چون<sup>(۱)</sup> شاهِ همایون اثرِ فرخِ فال      بگزید کمانِ ابروی حورِ مثال  
 ابریشمِ تو ز بهرِ زه تافتن است      در پنجهٔ آفتاب و انگشتِ حلال

## ردیف میم

## (۱)

یارب نفسی ده که ثنا پردازم<sup>(۲)</sup>      وین نغمه آهنگِ سزا<sup>(۳)</sup> پردازم  
 دیباچهٔ علمِ خویش در پیشم نه      کز حمد تو نقش آشنا پردازم

## (۲)

آنم که ز می عمارت هوش کنم      گر هر دو جهان باده شود، نوش کنم  
 کو جامِ محبتی که با این همه ظرف<sup>(۴)</sup>      اندازه خویشتن فراموش کنم

## (۳)

هر صبح<sup>(۵)</sup> چو گل شکفته و خوش کردم      گردد درِ دلهای<sup>(۶)</sup> مشوش کردم  
 چون شام شود باز پریشان و ملول      در خرمنِ خویش افتم و آتش کردم

## (۴)

ای محتسب از من بگذر و ز عملم      من دیرنشین و باده نوش و دغلم  
 بر شیشهٔ من سنگ مینداز، مباد      زو<sup>(۷)</sup> رد شود و بت شکند در بغلم

۱- تنها در نسخ ۲، ۷، ۸، ۱۲، ۱۳ یافته شد

۲- ن ۴ = بردارم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۱۱ = پردازم

۳- ن ۱، ۵، ۸ = دعا؛ ن ۳، ۴، ۹، ۲۸، ..... =

۴- ن ۲۸ = درد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۱۱ = ظرف

۵- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = چو گل شکفته و خوش کردم؛ ن ۹ = چون شاد شوم باز پریشان و ملول

۶- ن ۸ = گرد همه دلها؛ ن ۱، ۵، ۹ = گرد درِ دلها

۷- ن ۱، ۵ = زان رو شود؛ ن ۲، ۳، ۴، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = زور و شود؛ ن ۹ = ناگاه شود

## (۵)

گفتم بملامت<sup>(۱)</sup> برهمن خیزم  
بس<sup>(۲)</sup> فال زدم، مصلحت این بود که من  
گردد ره صد فساد بروی ریزم  
هم شُبْحَه خود بگردنش آویزم

## (۶)

رفتم<sup>(۳)</sup> که نه دلگشای این در بودم  
رفتم ز در<sup>(۴)</sup> تو کز جزا<sup>(۵)</sup> دادن سر  
وز کوبش سر بلای این در بودم  
شرمنده سنگهای این در بودم

## (۷)

عرفی رُخ شیون نخراشی<sup>(۶)</sup>، که شدم  
از همیز نیم سوز آتش کده‌ها  
غافل ز وصیت نباشی، که شدم  
صندوق مزارم بتراشی، که شدم

## (۸)

گل را همه آتش<sup>(۷)</sup> جگر می‌بینم  
یارب چه شراب<sup>(۹)</sup> داده‌ای<sup>(۱۰)</sup> عالم را  
خس را همگی زخم<sup>(۸)</sup> نظر می‌بینم  
کز حالِ خودم<sup>(۱۱)</sup> خراب‌تر می‌بینم

## (۹)

عرفی منم آن که رهبر ایمانم  
آخر به همین راه برآید جانم

۱-ن ۱۷ = ملامت که برهمن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = ملامت برهمن

۲-ن ۱، ۵ = این؛ ن ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بس

۳-ن ۹ = هر چند که در گشای؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = رفتم که ز دلگشای؛ ن ۳، ۸ = رفتم که نه دلگشای

۴-ن ۹ = ز سر تو؛ ن ۱، ۵ = بدر تو؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۹، ۱۱ = زور تو

۵-ن ۱، ۵، ۹ = خبر دادن سر؛ ن ۲، ۳، ۱۱، ۱۷ = از جزا دادن سر؛ ن ۱۱، ۲۹، ۱۱ = کز جزا دادن سر

۶-ن ۴، ۸، ۱۱، ۱۷، ۳۶ = بخراشی؛ ن ۱، ۹، ۲۸ = نخراشی؛ ن ۲۹ = نه تراشی

۷-ن ۳، ۲۸، ۱۱ = آتش به جگر؛ ن ۱، ۲، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = آتش جگر

۸-ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۱، ۹ = همگی زخم نظر؛ ن ۲۹ = نمک زخم نظر

۹-ن ۱۷ = چه شرار؛ ن ۲، ۲، ۳، ۴، ۲۹ و غیره = چه شراب

۱۰-ن ۸ = داده‌ام؛ همه نسخه‌های دیگر = داده‌ای

۱۱-ن ۹ = خودم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۲۹ = خودش



من کشتیم آرم بکران رخت کشان      چندانکه بدریا شکند طوفانم

## (۱۰)

عرفی منم آن که هر <sup>(۱)</sup> قدم <sup>(۲)</sup> دُر سُفتم      گردِ عدم از صورتِ <sup>(۳)</sup> معنی رُفتم  
آن شاعرِ عارفم که در صبحِ ازل      تاریخِ تولّدِ دو عالم گفتم

## (۱۱)

بیمار چو افتاده به مسکن باشم      نومید ز همراه تو گشتن باشم  
هر جا به رخت خیالِ خود بنشانم <sup>(۴)</sup>      تا از بر هر که بگذری من باشم

## (۱۲)

هنگام نمازم که بزرگست علم      جمعی بدر آمدند از دیرِ صنم  
رو تافتم از کعبه که از <sup>(۵)</sup> طاعتِ من

## (۱۳)

که در قدمِ سرو چمن بگذارم <sup>(۶)</sup>      گاهی برِ شمعِ انجمن بگذارم <sup>(۷)</sup>  
یک ذره زمین بی غم <sup>(۸)</sup> او نیست از آن <sup>(۹)</sup>      بگذارم و از گداختن بگذارم <sup>(۱۰)</sup>

۱- ن ۱، ۴، ۸، ۲۸ = در؛ ن ۲، ۳، ۶، ۹، ۱۱، ۲۹ = هر

۲- ن ۶ = عدم؛ ن ۲۸ = سخن؛ ن ۱، ۲، ۸، ۲۹ = قدم

۳- ن ۳، ۴، ۹، ۲۹، ۱۱ = صورتِ معنی؛ ن ۱، ۲ = صورت و معنی

۴- ن ۱۱، ۲۹ = بنشاندم؛ ن ۱، ۲، ۸، ۹ = بنشانم

۵- ن ۱۷ = و از؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۲۹ = که از

۶- ن ۱۱ = بگذارم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۷ = بگذارم

۷- ن ۱۱ = بگذارم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۷ = بگذارم

۸- ن ۸، ۲ = ذره من؛ ن ۱، ۳، ۸، ۱۷، ۱۱ = ذره ز من؛ ن ۹ = ذره زغم

۹- ن ۹ = دران؛ ن ۱، ۲، ۳، ۸، ۱۱، ۱۷ = ازان

۱۰- ن ۱۱ = بگذارم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۷ = بگذارم

## (۱۴)

بازت جم و کی ز اهلِ حسد<sup>(۱)</sup> می بینم  
زین آمدن و رفتن طوفان خیزت<sup>(۲)</sup>  
و آهنگِ حسودان به لحد می بینم  
دریای محیط<sup>(۳)</sup> و جزر و مد می بینم

## (۱۵)

از<sup>(۴)</sup> عرصه رزم گاه<sup>(۵)</sup> پُر لاف تریم<sup>(۶)</sup>  
با اینهمه خود را ز ملک<sup>(۹)</sup> به دانیم  
وز سینه<sup>(۷)</sup> اهل رزم ناصاف تریم<sup>(۸)</sup>  
وز اهلِ زمانه ما بانصاف تریم<sup>(۱۰)</sup>

## (۱۶)

من عرفی مست دل پریشان توام  
با خویش ادب زیاده<sup>(۱۲)</sup> ورزم که بتو  
زین رنجه مشو که گرد<sup>(۱۱)</sup> دامن توام  
زانرو<sup>(۱۳)</sup> که تو از منی و من زانِ توام

## (۱۷)

خورشید که هست چشمه لعلی فام  
در مطلع صبح می رود تا در<sup>(۱۴)</sup> شام

رباعی ۱۶ = ریاض، عرفات

۱- ن ۱۱ = حد؛ ن ۱، ۸، ۹ = حسد

۲- ن ۱۱، ۸ = حیرت؛ ن ۱، ۳، ۹ = خیزت

۳- ن ۱ = محیط و جزر و مد؛ ن ۱، ۳، ۹، ۱۱ = محیط جزر و مد

۴- ن ۱، ۲۸ = در؛ ن ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = از

۵- ن ۹ = روزگار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ = رزم گاه؛ ن ۱۷ = به رزم گاه

۶- ن ۱۱ = زنم؛ همه نسخ دیگر = تریم

۷- ن ۱، ۵ = اهل راز؛ ن ۲، ۳، ۱۷ = اهل رزم؛ ن ۸ = بزم؛ ن ۹ = اهل کینه

۸- ن ۱۱ = زنم؛ همه نسخ دیگر = تریم

۹- ن ۹ = فلک؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷ = ملک

۱۰- ن ۱۱ = زنم؛ همه نسخ دیگر = تریم

۱۱- ن ۱، ۵ = بخار؛ ن ۳، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، عرفات، ریاض = گرد

۱۲- ن ۲۸ = ریا ورزم؛ ن ۱۷ = زیاده دارم؛ ن ۲، ۳، ۸، ۹، ۲۹، ریاض، عرفات = زیاده ورزم

۱۳- ن ۸ = زیر؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۲، ۲۸، ۲۹، عرفات، ریاض = زان رو

۱۴- ن ۱، ۵ = در؛ ن ۳، ۴، ۱۱ = بر؛ ن ۸ = دم

یک قطره شرابِ ماست کز بعدِ صبح / آید به تهِ پیاله از گوشهٔ جام

## (۱۸)

کو تلخ میی که دل ببویش ندهم<sup>(۱)</sup> / صد تشنه لبی، سری بسویش ندهم<sup>(۲)</sup>  
در کیشِ مغان نه صادقم گر ساقی / یک جرعه دهد صد آبرویش ندهم<sup>(۳)</sup>

## (۱۹)

عمریست که با اهل ریا می‌گردم / گردِ درِ کعبه بی صفا می‌گردم  
تا کی نرسم به منزلی در ره دین / یاران همه همتی، که وا می‌گردم

## (۲۰)

دل را به شکنجهٔ بلا بخشیدم / جان را به حلاوتِ رضا بخشیدم  
مقصودِ دو عالم به دعا بخشیدم / بخشیدهٔ صنع<sup>(۴)</sup> جمله وا بخشیدم

## (۲۱)

مست آمدم، آن به که بمستی میرم / بی بهره ز گرم و سرد هستی میرم  
من کز عملِ نیک ندارم یک جو / گر توبه کنم به تنگدستی میرم

## (۲۲)

ما با دلِ شوریده صفت خوش داریم / دایم دلِ خویش را مشویش داریم  
پروانه به شب گرم و بروز افسرده‌ست / ما در شب و روز طبعِ آتش داریم

۱- ن ۱، ۲، ۵ = بدهم؛ ن ۳، ۴، ۱۷ = ندهم

۲- ن ۱، ۲، ۵ = بدهم؛ ن ۳، ۴، ۱۷ = ندهم

۳- ن ۱، ۲، ۵ = بدهم؛ ن ۳، ۴، ۱۷ = ندهم

۴- ن ۱، ۳، ۵، ۲۸ = ضع

## (۲۳)

ما<sup>(۱)</sup> جیب فلک بدست<sup>(۲)</sup> و کوتاه دستیم      در شادی نیستیم و در غم هستیم  
بی جاذبه در شتاب و بی شعله کباب      بی زمزمه در سماع و بی می مستیم

## (۲۴)

ما خاک‌نشین و شوکت کی داریم      در نوحه‌گری زمزمه نی داریم  
در نشاء هوش مستی می داریم      دیوانگی بهار دردی داریم

## (۲۵)

ما<sup>(۳)</sup> جرعه کش سلوک و ساقی ماییم      معیارِ نفاق<sup>(۴)</sup> و بی نفاقی ماییم  
هشدار و ملفز کز بدو نیک سلوک      نابود شونده ما و باقی ماییم

## (۲۶)

ما<sup>(۵)</sup> از می دوستداری می مستیم      وز حسرت بی خماری می مستیم  
می ما و پیاله ما و ساقی هم ما      وز شکوه ناگواری می مستیم

## (۲۷)

ماییم که بی ساقی و بی می مستیم  
در گوشه<sup>(۶)</sup> فقر و مجلس کی مستیم

۱- ن ۵، ۱؛ یا ۳= ما (این رباعی تنها در نسخ ۱، ۳، ۵، ۲۲، ۲۸ یافته شد)

۲- ن ۳= بدست و کوتاه دستیم؛ ن ۱، ۵= بدست کوتاه و ستیم

۳- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۲۲، ۲۸ یافته شد

۴- ن ۱، ۵= نفاق بی نفاقی؛ ن ۱۷= نفاق و بی نفاقی

۵- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۲۲ یافته شد

۶- ن ۹= کوچه؛ ن ۱، ۵، ۱۷ و غیره= گوشه

در عیش بهار<sup>(۱)</sup> و ماتمِ وی<sup>(۲)</sup> مستیم

مستیم<sup>(۳)</sup> و عیان نیست که تا کی مستیم<sup>(۴)</sup>

## (۲۸)

ما عجز<sup>(۵)</sup> به جاهِ<sup>(۶)</sup> کِیبادی ندهیم  
گنجینه شادی مگشایید<sup>(۸)</sup>، که ما

محکومی غم<sup>(۷)</sup> به خود مرادی ندهیم  
خاکِ ره غم به خونِ شادی ندهیم

## (۲۹)

ای هجر بگو با دلِ پُر خون چه کنم؟  
من بودم و همدمی که می داد دلم

با دردِ نوی که کردی افزون<sup>(۹)</sup> چه کنم؟  
آن هم بتو نامزد شد، اکنون چه کنم؟

## (۳۰)

ناقوسِ محبت به درنگ آوردم  
با این دلِ گمراه چه سازم، چه کنم

خوش مذهب و ملتی به چنگ آوردم  
هفتاد و دو فرقه را به تنگ<sup>(۱۰)</sup> آوردم

## (۳۱)

یارب بَرِ عفوت به پناه آمده‌ام

سر تا بقدم غرق گناه آمده‌ام

۱- ن ۱، ۱۷، ۲۸ = عیش بهار؛ ن ۵ = عیش و بهار

۲- ن ۵، ۱ = موسمِ وی؛ ن ۹ = ماتمِ وی

۳- ن ۱ = مستیم، عیان نیست؛ ن ۵، ۹ = مستیم و عیان نیست

۴- این رباعی در نسخ ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۳ یافته شد.

۵- ن ۱۱ = محقر؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۲۹ = عجز

۶- ن ۲، ۲۹، ۹ = تاج؛ ن ۳، ۴، ۵، ۱۱، ۲۲، = جاه

۷- ن ۹ = را؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۱، ۲۹ = غم

۸- ن ۲، ۲۹، ۱۱ = بگشایید؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹ و غیره = مگشایید

۹- ن ۹ = اکنون؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = افزون

۱۰- ن ۱۷ = نن؛ ن ۱، ۵، ۱۱ = تنگ

چشمی<sup>(۱)</sup> نه کرم ببخش کز غایت<sup>(۲)</sup> شوق

بی دیده به امید نگاه آمده‌ام

### (۳۲)

در زاویه رضا نشستم، رستم  
هر موی کند صدا که رستم، رستم

عرفی صف مدعا شکستم، رفتم  
اینک ز وجودم<sup>(۳)</sup> به هزاران زنجیر<sup>(۴)</sup>

### (۳۳)

که مضطرب از بیم جحیمت بینم  
بازیچه دست هر نعیمت<sup>(۶)</sup> بینم

گاهی هوس افروز نعیمت بینم  
با دوست در آویز<sup>(۵)</sup> و بیاسا، تا چند

### (۳۴)

بیم است که تا روز جزا شکوه کنم  
مرهم دگری نداشت تا شکوه کنم

گر زانکه<sup>(۷)</sup> ز یار بی وفا شکوه کنم  
یک شکوه به صد زخم روا بود ولی

### (۳۵)

وز آو منست چهره نیلی غم  
حیف است بروی چون منی سیلی غم

از بهر منست راه صد میلی غم  
از سیلی غم ناله کنم! شرم باد

۱- ن ۹ = چشم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۲، ۱۱، ۱۵، ۲۹ و غیره = چشمی

۲- ن ۹ = حرص؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۱ = شوق

۳- ن ۶ = بوجودم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۸، ریاض، ۲۹ = ز وجودم

۴- ن ۲۸ = انواع؛ ن ۱، ۳، ۵، ۶، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = زنجیر

۵- ن ۹ = بیامیز؛ ن ۱۱ = بیاویز؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = در آویز

۶- ن ۱، ۲، ۵، ۱۱، ۲۹ = تسیت؛ ن ۹ = نیمت

۷- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

(۳۶)

زان<sup>(۱)</sup> مطربِ بزم<sup>(۲)</sup> تو زند دست بهم  
 کز باغِ زمانه رم کند طایرِ غم  
 نی‌نی، غلطم که دستهای مطرب  
 از شادیِ نغمه بوسه گیرند بهم

(۳۷)

هر مایه که در جیب امید آمد و بیم  
 کردند بهم حُسن و محبّت تقسیم  
 پروانه اگر ز خویش بیرون آید  
 از شعله نسوزد و بمیرد ز نسیم

(۳۸)

ما<sup>(۳)</sup> بر تو ز جانِ خود فزون می‌لرزیم  
 بهر تو بفربِ وطن می‌ورزیم  
 اما تو ز ما یاد نمی‌آری هیچ  
 گاهی بفربِ نامه‌ای می‌ارزیم

(۳۹)

طاووس<sup>(۴)</sup> هوس به گنج باغی گشتیم  
 مرهم طلبدیم و بداغی گشتیم

۱- این رباعی تنها در نسخه ۱، ۵، ۱۷ و کارنامه فیض و بیاض باسطی یافته شد - در ضمن شرح بیتِ زیرین شفیع سنجعلی در کارنامه فیض نوشته است:

یوسف نفس مرا ز آسیب افزون دور دار  
 کین حسودانِ مروّت سوز با این بیگنا  
 «روزی پادشاه بزم جشنی آراسته بود و با ابوالفیض فرمود که چیزی بر حسبِ حال بگو - چون طبعش یاری نکرد، رخصت خواست که از خانه بجهتِ خاطر گفته آرم - منظور شد. در اثنای راه با عرفی ملاقات شد. عرفی گفت که از اضطراب تو در چنین روز جشن چنان معلوم می‌شود که پادشاه فرمایشِ حسبِ حال کرده باشد - گفت نعم - عرفی گفت من می‌فروشم - گفت خریداری می‌کنم به پنج صره از برای صله گذرانیم - عرفی پنج هزار دو پیه گرفته حواله ... نمود و گفت:

زان مطرب ببرم می‌زد دست بهم  
 کز باغِ زمانه رم کنی طایرِ غم  
 ننی طلاطم که دست‌های مطرب  
 از شادیِ نغمه بوسه گیرند بهم  
 ابوالفیض شادان برگشت و بیاد شاه رسید - پادشاه فرمود مگر از بازار خریدی که باین سرعت برگردیدی - گفت کرامتِ گردید - گفت او را در دیوان خاص بملازمت خواهی آورد - ابوالفیض بابرادران و غیره مشورت کرد که ملازمتِ او مصلحت نیست.... کینه و حسد آنها در دلِ عرفی جا گرفته ماند» (کارنامه فیض نسخه خطی نویسنده)

۲- ن ۱، ۵، ۱۷ = مطربِ بزم تو زند؛ بیاض باسطی = مطرب مجلس؛ کارنامه = مطرب ببرم نی می‌زد

۳- تنها در نسخ ۱، ۵ = یافته شد

۴- تنها در نسخ ۱، ۵ = یافته شد

دل عشق خرید و عقل بفروخت به هیچ      سیمرخ گرفتیم و چو زاغی گشتیم

(۴۰)

در<sup>(۱)</sup> بارکشی ز جمله پُر لاف تریم      در<sup>(۲)</sup> فقر بداده‌ها بانصاف تریم  
با ما همه همچو دردی باده و ما      یا جمله ز صافِ دوستی صاف تریم

(۴۱)

عرفی<sup>(۳)</sup> همه فریاد و فغان آمده‌ایم      پرشور ببازارِ جهان آمده‌ایم  
ناکام و سیاه‌بخت و دلریش و خراب      آن طور که بایست چنان آمده‌ایم

(۴۲)

این<sup>(۴)</sup> مه که طلوع کرده از بُرجِ<sup>(۵)</sup> قدم      با زیر امارت<sup>(۶)</sup> زده بر اوج علم  
بُرهانِ امارت<sup>(۷)</sup> اینکه سالِ مولود      می‌رست<sup>(۸)</sup> نتیجهٔ سلاطین<sup>(۹)</sup> عجم

(۴۳)

این<sup>(۱۰)</sup> شال که داده صد کتان را الزام<sup>(۱۱)</sup>      رنگ از رُخِ زرد من گرفته‌ست بوام

رباعی ۴۱ = ریاض الشعرا، نتایج الافکار

۱- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷، ۲۲، ۲۸ یافته شد

۲- ن ۱۷ = وز؛ ن ۱، ۵ = در

۳- تنها در نسخه‌های ریاض الشعرا، و نتایج الافکار یافته شد

۴- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۵- ن ۱۷ = برج؛ ن ۱، ۵ = زیر

۶- ن ۵ = عمارت؛ ن ۱، ۱۷ = امارت

۷- ن ۵ = عمارت؛ ن ۱، ۱۷ = امارت

۸- ن ۱، ۵ = میرست و نتیجه؛ ن ۱۷ = میرست نتیجه

۹- اگر این تاریخ بیت اعدادش ۷۴۱ برمی‌آید و این عهد عرفی نبود - پس این رباعی مردود می‌نماید

۱۰- ن ۲۸؛ بیاض ۸۰۸۰۶ = این؛ بیاض ۱۹۹۵، بیاض ۱۰۹۰ = آن

۱۱- بیاض ۱۹۹۵، بیاض ۸۰۸۰۶ = الزام؛ بیاض ۱۰۹۰ = آلام



تاگونه زعفران<sup>(۱)</sup> به وی نسبت جست<sup>(۲)</sup> در خنده زدن لب و دهان است تمام<sup>(۳)</sup>

### ردیف نون

#### (۱)

در<sup>(۴)</sup> دیر من و شیخ معظم صنعان  
از بوالعجبی‌های محبت یک چند  
دادیم دل و دین ببر<sup>(۵)</sup> مغ‌بچگان  
او خوک چران آمد و من غول چران

#### (۲)

تا<sup>(۶)</sup> از درِ محتکده دل‌ریشان<sup>(۷)</sup>  
از هر طرف طعن<sup>(۹)</sup> و ملامت زده صف  
افتاده رهم به کوی راحت<sup>(۸)</sup> کیشان  
چون حاشیه کلام سهواندیشان

#### (۳)

عرفی منم و من سخن آرای جهان  
گر زانکه قبول<sup>(۱۰)</sup> کس نباشد سخنم  
در معرکه با خویشتم در جولان  
اینک من و اینک وی<sup>(۱۱)</sup> و اینک میدان

۱- بیاض ۱۹۹۵ = زدی؛ بیاض ۱۰۹۰ = بروی؛ ن ۲۸ = برو؛ بیاض ۸۰۸۰۶ = بآن

۲- بیاض ۸۰۸۰۶؛ ن ۲۸، بیاض ۱۰۹۰؛ بیاض ۱۹۹۵

۳- این رباعی تنها در ن ۲۸ و در بیاض؛ ۸۰۸۰۶، ۱۰۹۰، ۱۹۹۵ بین رقعات عرفی یافته شد

۴- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۵- ن ۱۷ = بغم؛ ن ۱، ۵ = ببر

۶- ن ۱۳ = ما؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۲۹ = تا

۷- ن ۲۸ = غم؛ همه نسخه‌های دیگر = دل

۸- ن ۳، ۴، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = راحت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹ = محنت

۹- ن ۴، ۹ = طعن و ملامت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸، ۲۹ = طعن ملامت

۱۰- ن ۱، ۳، ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = قبول نیست معدومی را؛ قبول کس نباشد سخنم

۱۱- ن ۹ = اینک‌تر؛ ن ۱۷ = من اینک؛ ن ۲۹ = اینک وی؛ ن ۲۹ = اینک وی و؛ ن ۱، ۳، ۴ = اینک من و

## (۴)

ای مایه حسن پاکبازها بین      وی<sup>(۱)</sup> دشمن دوست جانگذازیها بین  
تو حسن<sup>(۲)</sup> به من ده و محبت بستان      وانگه روش دوست نوازیها بین

## (۵)

صبحی که ز مرغوله مرغان حزین      در طایس فلک بود سراسیمه طنین  
کردیم دعایی و هم آواز شدند<sup>(۳)</sup>      آیین<sup>(۴)</sup> مسیح و عطسه روح امین

## (۶)

ای حسن تو در صفا چو آیین من      آیین من مدار تیره از کینه من  
از بسکه ز خشم آتشین خوی شدی      خوی تو کباب<sup>(۵)</sup> تر شد از سینه من

## (۷)

ای<sup>(۶)</sup> نغمه گداز سینه بسته<sup>(۷)</sup> لبان      تأثیر طراز ناله بی طلبان<sup>(۸)</sup>  
گوشی می‌دار<sup>(۹)</sup> کاین خروشان<sup>(۱۰)</sup> طلبست      در سینه خاموشی<sup>(۱۱)</sup> ما بی ادبان

رباعی ۴ = گنج سخن، ریاض الشعرا، عرفات العاشعین

۱- ن ۱، ۲، ۲۹ = ای؛ ن ۳، ۴، ۵، ۱۷ = وی

۲- گنج سخن = عشق؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۷، ۲۹، ریاض، عرفات = حُسن

۳- ن ۹ = شدیم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۱ = شدند

۴- ن ۹، ۱۷، ۱۱ = آئین؛ ن ۱، ۲، ۵، ۲۸ = آمین

۵- ن ۱۷ = پاک تر؛ ۱ = کتاب بر؛ ن ۲، ۳، ۵، ۹، ۲۹ = کباب تر

۶- ۱ = این؛ ن ۲، ۳، ۵، ۲۹ و غیره = ای

۷- ن ۴، ۱۷، ۲۸ = سینه تشنه لبان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۲۹ = سینه بسته لبان؛ ن ۹ = بسته بسته لبان

۸- ن ۵ = بی ادبان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = بی طلبان

۹- ن ۲۹ = گوش می‌دار این؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۸ = گوش می‌دار ای؛ ن ۳، ۴ = گوش می‌دار ای؛ ن ۹ = گوش می‌دار کین؛ ن

۱۱ = گو می‌دار خرد نشان

۱۰- ن ۱، ۲، ۸، ۱۱ = طلب؛ ن ۳، ۴، ۹، ۲۹ = طلبست؛ ن ۱، ۵ = طلب

۱۱- ن ۲۸ = خاموش بی ادبان؛ ن ۳، ۵، ۹، ۲۹ = خاموشی ما بی ادبان؛ ن ۱۱ = خاموشی تا بی ادبان

## (۸)

ای حُسن بیا کرشمه‌ای با دین کن      وی عشق مزار<sup>(۱)</sup> عقل را آئین کن  
ای تیغِ بلا سینه<sup>(۲)</sup> جانم بنواز      وی سیلی غم روی دلم رنگین<sup>(۳)</sup> کن

## (۹)

رفتن به دل عاشق و سنگ آوردن      عاشق ز دیارِ نام و ننگ آوردن  
از گلشنِ قدس آب<sup>(۴)</sup> و رنگ آوردن      آید ز توجز مرا بتنگ آوردن

## (۱۰)

ای حسن تو از دیدهٔ ادراکِ نهان  
وی گوش ندیده از حدیث<sup>(۵)</sup> تو نشان  
هم<sup>(۶)</sup> دیده گشاده‌ای<sup>(۷)</sup> و هم لب، چه عطاست  
با دیدهٔ بی‌نگاه و با گوش گران

## (۱۱)

در خلدِ برین میوهٔ طوبی بودن      در سینهٔ مجنون غمِ لیلی بودن  
در آینه عکس روی سلمی بودن      آنسان نبود که اهل معنی بودن

## (۱۲)

بر<sup>(۸)</sup> من چه نهی ای فلک این دردِ نهان      کامی ندهی تا رود این از پیِ آن

۱- ن ۹ = بیا هزار عقل آئین کن؛ ن ۱۱ = مزار عقل بی آئین کن؛ ن ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۱ = مزار عقل را آئین کن

۲- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۱، ۴، ۲۸، ۲۹، ۹ = سینهٔ جانم؛ ن ۱۷ = سینه و جانم

۳- ن ۱ = سنگین؛ ن ۲، ۵، ۹، ۱۱، ۲۹ = رنگین کن

۴- ن ۲۹ = نام و ننگ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷ = آب و رنگ؛ ن ۹ = آب و ننگ

۵- ن ۱، ۴، ۱۷ = سروش؛ ن ۲، ۳، ۹، ۱۱، ۲۹ = حدیث

۶- ن ۹ = از؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۹ = هم

۷- ن ۳ = گشاده‌ایم و هم لب؛ ن ۲، ۴، ۹، ۱۱، ۲۹ = گشادهٔ و هم لب؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = گشاده است و هم لب

۸- تنها در ن ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

در هیچ گناه نیست زنه‌ار امان

تقصیرم اگر زندگی است، اینک جان

### (۱۳)

دودِ دلِ دشمنش به روزن برسان

ای<sup>(۱)</sup> بندق شه آتش خرمن برسان

پیغامِ اجل بگوش دشمن برسان

آن نعره<sup>(۲)</sup> که دانی ز دلِ گرم برآر

### (۱۴)

وان دشمنِ فرعون وش اینجاست ببین

این<sup>(۳)</sup> عرصه بزمِ شاهِ والاست ببین

موسی و عصا و ید بیضاست، ببین

اکبر شه و بندق به کفش تو رخشان

### (۱۵)

تا<sup>(۴)</sup> باز گشودم کمر نامه‌رسان

بوسیدنِ نامه را بهم بسته میان

پیشانیِ نامه خون چکان<sup>(۵)</sup> گشت و هنوز

لب تشنگی بوسه بود شعله فشان

### (۱۶)

ز آب<sup>(۷)</sup> نفس تو سبز گلزارِ بیان<sup>(۸)</sup>

عرفی<sup>(۶)</sup> سخنِ تو هست معیارِ زبان

پژمرده بود بهارِ زین پس چو خزان

طبعِ تو متاعِ تازگی جمله خرید

۱- فقط در ن ۱، ۵ = یافته شد

۲- ن ۱ = ناله؛ ن ۵ = نعره

۳- فقط در ن ۱، ۵ = یافته شد

۴- تنها در ن ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۵- ن ۱۷ = فشان؛ ن ۱، ۵ = چکان

۶- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۷- ن ۱۷ = آب و نفس تو؛ ن ۱، ۵ = آبِ نفس تو

۸- ن ۱ = جهان؛ ن ۵، ۱۷ بیان

## (۱۷)

ای<sup>(۱)</sup> عشق تو مایه جنونِ دلِ من  
حُسنِ رُخ تو ریخته خونِ دلِ من  
من دانه و دل درد وصالِ چون است  
کس را چه خبر ز اندرونِ دلِ من

## (۱۸)

ای<sup>(۲)</sup> بوالهوس آتشی به هر حاصل زن  
از بحر<sup>(۳)</sup> فساد و خیمه ساحل<sup>(۴)</sup> زن  
بی چاکِ دل است چاک بر جامه حرام  
این زخم که بر جامه زنی بر دل زن

## (۱۹)

همت<sup>(۵)</sup> چه بود؟ به نیستی افزودن  
بر روی مرادِ نفس در نگشودن  
حاتم بصفّت گدا بود، کز گریه  
یک شیوه بود حریصِ همتِ بودن

## (۲۰)

ای مرگ مرا ز یار شرمنده مکن  
نومیدم ازان گوهرِ ارزنده مکن  
یار آید و جان رود، خدایا نفسی  
مهلت ده، و در قیامت زنده مکن

## ردیف واو

## (۱)

منصور کجاست تا بگویم دین گو

از شرع رسوم کو، از عشق آئین کو

رباعی (۲۰) = آتشکده، مجمع‌العضی رباعی ۲ (ردیف واو) = هفت اقلیم، آتشکده، نتائج‌الافکار مجمع‌العضی

۱- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۲- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۳- ن ۱ = بحر؛ ن ۵، ۱۷ = بهر

۴- ن ۵ = خیمه ساحل؛ ن ۱، ۱۷ = خیمه بر ساحل

۵- این رباعی تنها در نسخه سوم یافته شد

دلخسته و عاشقی اناالحق چه نواست<sup>(۱)</sup>

معشوق<sup>(۲)</sup> تویی، حوصله کو تمکین کو

(۲)

ای زلف عروس شادمانی<sup>(۳)</sup> شبِ تو  
انباشته هجران ز نمک داغِ دلم  
آرایشِ بزم بیغمی مشربِ تو  
امانه ازان نمک که دارد لبِ تو

(۳)

عرفی دم نزعست<sup>(۴)</sup> و همان مستی تو  
فرداست که دوست نقدِ فردوس بکف  
آخر به<sup>(۵)</sup> چه مایه بار بریستی تو؟  
جوای متاع است و تهی دستی تو

(۴)

حشمت طلبی؟ زمزمه کوس شنو  
جوینده حالتی و مستی و سماع  
دستان شنوی، قصه کاووس شنو  
از دیر مغان نغمه ناقوس شنو

(۵)

عرفی به کمندِ عقل پا بستی تو  
بویی نشنیده خونِ دل می ریزی  
معراجِ محبتِ مطلب<sup>(۶)</sup>، پستی تو  
رو، جام و قدح مجوکه بدمستی تو

۱- ن ۹ = چه وراست؛ ن ۱۱، ۲، ۳، ۵ = چه نواست

۲- ن ۹ = معشوق تویی حوصله کو تمکین کو؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۴، ۸، ۱۷، ۲۸ = معشوق تویی حوصله کو تمکین کو

۳- آتشکده = شادمان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، نتایج الافکار = شادمانی

۴- ن ۱، ۳، ۶، ۲۹ = است، همان؛ ن ۲، ۴، ۹، نتایج؛ انیس = است و همان

۵- ن ۹ = یارب؛ ن ۱ = آیا؛ ن ۲، ۳، ۶، ۴، ۲۹، ۱۱ = آخر

۶- ن ۱، ۵، ۲۸ = طلبی؛ ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷ = مطلب

## (۶)

گردون<sup>(۱)</sup> که فراز تختِ کیوانی ازو      کی باورم آید که پریشانی<sup>(۲)</sup> ازو<sup>(۳)</sup>  
داد و ستد جود<sup>(۴)</sup> تو می خواست که تو<sup>(۵)</sup>      شادی دهی و ملال بستانی ازو

## (۷)

خیز ای دلِ ریش و دست<sup>(۶)</sup> کوبان می رو      گریان و شکسته و پریشان می رو  
مرهم چه نهی بر قدمت، قافله رفت      گو ریش فزون شو<sup>(۷)</sup> آنچه بتوان می رو

## (۸)

عرفی همه کس بخود گرایند نه تو      مردم همه خویش را ستایند نه تو  
آنان که یگانه جهانّت خوانند      بر عزّت خویش می فزایند نه تو

## (۹)

ای کینه عاشق بسرِ توشه تو      بی بهره ز تخمِ مردمی خوشه تو  
با من نکند که ناگهان واسوزم      نازی که تو می کنی جگر گوشه تو

۱- ن ۲۵ = گردون که فراز تخت کیوانی ازو؛ ن ۱۳ = گردون که فراز بخت کیوانی ازو؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹، ۱۱ = گردون که  
ملال بخش افزانی ازو؛ ن ۹ = گردون که ملال بخش ارزانی ازو  
۲- ن ۹ = پشیمانی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۱، ۲۹ و غیره = پریشانی  
۳- در نسخه نهم ردیف (از دست) است  
۴- ن ۹ = سود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = جود  
۵- ن ۱، ۵ = دلم؛ ن ۲، ۳، ۴، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = که تو  
۶- ن ۹ = دوست گویان؛ ن ۱۱ = دوست کوبان؛ ن ۱، ۵ = دست کوبان؛ ن ۲، ۲۹ = درست کوبان  
۷- ن ۹ = فزون آنچه که؛ ن ۲ = فزون شو آنچه بتوان؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۱۱ = فزون شو آنچه نتوان می رو؛ ن ۵ = فزون شو  
آنچه بتوان می رو؟

## ردیف های هوز

(۱)

آنسانکه غم تو برگزیدند همه      در کوی شهادت آرمیدند همه  
در معرکه دو کون فتح از عشق است      با آنکه سپاه او شهیداند همه

(۲)

در عرصه عشق تنگ میدانی به      از<sup>(۱)</sup> گفت و شنود سکوت<sup>(۲)</sup> و حیرانی به  
بلبل نشوی در چمنش<sup>(۳)</sup> فاخته شو      یک نفمگی از هزار دستانی به

(۳)

رضوانم گفت کام در دیش بده  
کام دلم از عافیت خویش بده  
این طویی و جوی شیر و این<sup>(۴)</sup> حور و قصور  
بستان و زد دل یک سرِ موریش بده

(۴)

از سردی دی باد صبا یخ بسته      تا عرش برین لب<sup>(۵)</sup> ز دعا یخ بسته  
مشکل که سبوی<sup>(۶)</sup> آسمان بشکافد<sup>(۷)</sup>      زینسان که درو جرم هوا یخ بسته

رباعی (۱) (ردیف های هوز): ریاض آرزو / صائب رباعی ۳ (ردیف وار) = انیس، آتشکده، مجمع الفصی، نتایج الافکار

۱- ن ۱، ۹، ۵، ۱۱، ۴، ۶ = از؛ ن ۳، ۲۹ = وز

۲- ن ۱ = شکوه و حیرانی؛ ن ۱۱ = سکوت حیرانی؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۲۸، ۲۹ = سکوت و حیرانی

۳- ن ۱، ۳، ۴، ۱۱ = چمنش؛ ن ۲، ۲۹ = چمنی؛ ن ۹ = چمن و

۴- ن ۱، ۵، ۱۷، ۱ = آن؛ ن ۳ = این

۵- ن ۲، ۴، ۱۷ = ز لب دعا؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹

۶- ن ۱ = سبوی؛ ن ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۱ = سبوی

۷- ن ۹ = شق نشود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۱، ۲۸ = بشکافد



(۵)

گر دلبر دنیا ز ندم ره ناگاه

همچون سگ<sup>(۱)</sup> حرصش فگنم کُشته براه

چون<sup>(۲)</sup> رشته به انگشت بیپچم حشمش<sup>(۳)</sup>

گر شاهدِ چشم<sup>(۴)</sup> تو فریبد به نگاه<sup>(۵)</sup>

(۶)

شو<sup>(۶)</sup> جام منی<sup>(۷)</sup> وامه سرکش مان زه

دستِ ز سر زلفِ مشوَش مان زه

از روی مهی چو عالمی روشنِ او

مهتا و خشی بود لبی خوش مان زه

(۷)

دل<sup>(۸)</sup> بی لبت از شراب شد بیگانه

وز لذتِ خون ناب شد بیگانه

از بسکه شیم دراز شد دامنِ صبح

با پنجهٔ آفتاب شد بیگانه

(۸)

تا طبع من از شراب شد بیگانه

مستی ز شرابِ ناب شد بیگانه

زان لحظه که روشنای عصمت گشتیم

از معصیت اجتناب شد بیگانه

رباعی ۱۰ = نتایج الافکار

۱- ن ۸ = چو مزیش افکنم کشته براه؛ ن ۵ = همچون سگ حرصش فکنم کشته آه؛ ن ۳، ۹، ۱ = همچون سگ حرصش فکنم کشته براه

۲- ن ۹ = چون؛ ن ۱، ۳، ۵ = چون

۳- ن ۲۸ = چمنش؛ ن ۱، ۳، ۹ = چشمش؛ ن ۵ = حشمش؟

۴- ن ۱، ۵ = گر شاهد چنیم؟ ن ۳ = گر گوشهٔ چشم تو؛ ن ۲۸ = گر شاهدِ چشم تو؛ ن ۹ = هیچ کس را نفریبد به نگاه

۵- ن ۳، ۹، ۲۸ = به نگاه؛ ن ۱، ۵ = ناگاه

۶- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵ یافته شد و در زبان ..... می باشد

۷- ن ۵ = منی؛ ن ۱ = می

۸- تنها در نسخهٔ دوم یافته شد

## (۹)

با<sup>(۱)</sup> حُسنِ تو حور عین به زشتی شهره  
وز نعمتِ وصلِ تو ملک بی بهره  
در پای تو خلخالِ طلا دانی چیست  
در چشمهٔ آفتاب ساقِ زهره

## (۱۰)

عرفی<sup>(۲)</sup> دم پیرست قدم دیده بنه  
هر گام که می‌نهی، پسندیده بنه  
از عینکِ شیشه هیچ نگشاید، هیچ  
لختی ز دلی تراش و بر دیده بنه

## (۱۱)

در فصل بهار چون شد این مرحومه  
از زهرِ هـ لاهلِ فنا مسمومه<sup>(۳)</sup>  
تاریخِ وفاتش طلبیدم، دل گفتم  
زهرِ منشیِ صالحهٔ معصومه =  $\frac{۹۸۸}{۲۵۱+۱۳۴+۳۹۰+۲۱۳}$  هجری قمری

## ردیف یای

## (۱)

عرفی دلِ خود را به چه خوش داشته‌ای  
گر این دو سه بیت<sup>(۴)</sup> است که بگذاشته‌ای  
بگذاشته<sup>(۵)</sup> از تو هم درین نشأه جداست<sup>(۶)</sup>  
برداشتی بایدت چه برداشته‌ای<sup>(۷)</sup>

۱- تنها در نسخ ۲، ۷ یافته شد

۲- تنها در نتایج‌الافکار یافته شد

۳- تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد (از سال وفات پیداست که قبل از ورود عرفی نه هند گفته شده بود - این هم می‌نماید که این ازان اشعار هست که شامل دیوان بودند که گم شده بود و سراجا آن را باز یافت)

۴- ن ۳، ۴ = حرف؛ ن ۱، ۲، ۹، ۲۸، ۱۷ = بیت

۵- ن ۹ = بگذشته از توام؛ ن ۱، ۱۱ = بگذاشته از تو هم؛ ن ۳ = بگذاشته هم از تو

۶- ن ۹ = چراست؛ ن ۱، ۲، ۴، ۳ = جداست

۷- ن ۱ = بگذاشته‌ای؛ ن ۳، ۴، ۹، ۱۱ = برداشته‌ای

## (۲)

ای ساکنِ دل که شمع بالین شده‌ای      وی راحتِ جان که آفت دین شده‌ای  
آشفته دلی دادم<sup>(۱)</sup> و بودی<sup>(۲)</sup> خوشحال      جان می‌دهم اکنون زچه غمگین شده‌ای

## (۳)

خاکم بدهن چند پریشان گویی      رویم<sup>(۳)</sup> بی آب، تابکی ده<sup>(۴)</sup> رویی  
کافر گشتیم و این تنگ اسلامان      طعنی<sup>(۵)</sup> نزدند با همه بدخویی

## (۴)

از گریه تلخ بی اثر هیچ مگوی      از مرغِ دعای بسته پر هیچ مگوی<sup>(۶)</sup>  
از دردِ گران بی دوا هیچ مپرس      از ظلمِ طبیبِ بی خبر هیچ مگوی

## (۵)

عرفی تو کجا به عشق<sup>(۸)</sup> همخانه شوی      کو دل که به سعی مست و دیوانه شوی  
پروانه<sup>(۹)</sup> نمی‌شود مگس لیک بسوز      تا تهمتِ شیوهٔ پروانه شوی

رباعی ۵ = هفت اقلیم

۱- ن ۱، ۵، ۹ = دادم؛ ن ۲، ۴، ۶، ۱۷ = دارم

۲- ن ۱، ۲، ۵، ۱۷ = بودی؛ ن ۹ = بودم

۳- ن ۳، ۱۱ = پی؛ ن ۱، ۴، ۵ = بی

۴- ن ۹ = بی‌رویی؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵ = ده رویی

۵- ن ۹ = طعنم نزنید؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۱، ۱۷ = طعنی نزدند

۶- ن ۱، ۵، ۹ = وز؛ ن ۱، ۳ = از

۷- درن ۳ ردیف این رباعی لفظ (مگو) هست

۸- ن ۴ = فسق؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹، هفت اقلیم = عشق

۹- ن ۱ = مگس نمی‌شود؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ هفت اقلیم = نمی‌شود مگس؛ ن ۲۸ = نمی‌شود مگس

(۶)

عرفی در معرفت گشودن تا کی؟

خود گفتن<sup>(۱)</sup> و هم خود نشنودن<sup>(۲)</sup> تا کی؟بیدار<sup>(۳)</sup> دلان را دل<sup>(۴)</sup> شبها روز است

تو روز ندیده‌ای، غنودن تا کی؟

(۷)

تا کس ز تو و تو از کسی نخروشی

باید که ز عرفی این سخن بنیوشی

شهدی ندهی که حظلی بستانی<sup>(۵)</sup>دردی<sup>(۶)</sup> نخری که مرحمی نفروشی

(۸)

کی ملک<sup>(۷)</sup> دلم پذیرد آبادی<sup>(۸)</sup> کی؟کی زین غم و درد یابم<sup>(۹)</sup> آزادی<sup>(۱۰)</sup> کی؟گفتی انگار<sup>(۱۱)</sup> کاندترین دور نه‌ایپس<sup>(۱۲)</sup> دوره من کی رسد<sup>(۱۳)</sup> و شادی کی؟

۱- ن ۹ = گفتن و خود هم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = گفتن و هم خود

۲- ن ۲، ۴، ۱۸، ۲۹ = بشنودن؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۷ = نشنودن

۳- ن ۴، ۹، ۱۱ = بیدار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵ = بیدرد

۴- ن ۹ = همه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷

۵- ن ۱۷، ۱۱ = بستانی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۲۹ = نستانی

۶- ن ۲۸ = نه‌دهی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = نخری

۷- ن ۱، ۲ = مرغ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = غیره = ملک

۸- ن ۶، ۲۸ = .....؛ ن ۵، ۹ = آبادی

۹- ن ۱، ۵ = یابد؛ ن ۲، ۳، ۴، ۲۹ = یابم

۱۰- ن ۱، ۲، ۶ = آبادی؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۲۹ = آزادی

۱۱- ن ۹ = که تو شاد اهل این دوره؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = انگار کاندترین دور؛ ن ۲ = انگار کاندترین دیر؛ ن ۶ = انگار کاندترین

دوره

۱۲- ن ۲، ۳، ۴، ۹، ۲۹ = پس دوره من؛ ن ۱، ۵ = ره دور بیست

۱۳- ن ۱، ۵ = رسد شادی؛ ن ۲، ۶، ۸، ۲۹ = رسد و شادی

## (۹)

آزرده نیم که سرگران می‌گذری      بیگانه<sup>(۱)</sup> بگفت دشمنان می‌گذری  
با<sup>(۲)</sup> دل بنگر چگونه آمیخته‌ای      بنگر که چسان درون<sup>(۳)</sup> جان می‌گذری

## (۱۰)

شادم<sup>(۴)</sup> که درون دل نهان می‌گذری      که در دل و گه درون جان می‌گذری  
بر صفحه دل شرح<sup>(۵)</sup> تمنای ترا      چندان که نویسم تو بر آن می‌گذری

## (۱۱)

ای آنکه به سنگ فرق<sup>(۶)</sup> دشمن شکنی  
بر تارک<sup>(۷)</sup> خویش گلفشان چون چمنی  
با خویش چنان باش که با دشمن خویش<sup>(۸)</sup>  
با دشمن خود چنانکه با خویشنتی

## (۱۲)

تا عهد یگانگی به عرفی بستی      از مهر به هر ذره او پیوستی  
از نیستیش چه غم که از هستی او      هر مو که شود نیست تو با او<sup>(۹)</sup> هستی

رباعی ۱۱ = ریاض، گنج سخن، عرفات؛ رباعی ۱۲ = ریاض

- ۱- ن ۲، ۲ = ۲۹، گه در دل و گه درون جان می‌گذری؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = بیگانه بگفت دشمنان می‌گذری  
۲- ن ۱، ۸، ۳، ۱۱، ۱۷ = بادل بنگر چگونه آمیخته‌ای؛ ن ۲، ۲۹ = بر صفحه دل شرح مختای ترا  
۳- ن ۸ = میان ما؛ ن ۱، ۹، ۱۱، ۳ = درون جان  
۴- در نسخه ۸ مصرعه ثانی بطور مصرعه اول و مصرعه اول بطور مصرعه ثانی است - در نسخ ۱، ۳، ۱۹ بطوری هست که نوشته شده  
۵- ن ۹ = حرف؛ ن ۱، ۳ = شرح  
۶- ریاض، گنج سخن = فرق؛ ن ۶ = خویش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۲۸، عرفات = جور  
۷- عرفات = بارگه خویش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ریاض، گنج سخن = بر تارک خویش  
۸- ن ۱، ۶، ۹ = خود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۷ = خویش  
۹- ن ۱، ۹ = با او؛ ن ۲، ۳، ۴، ۱۷ = با آن

## (۱۳)

با دوست یکی شو که جهان سیر تویی

در کعبه تویی بجلوه، در دیر تویی

وحدت که دوست را بود محرم<sup>(۱)</sup> دوست

گر دوست نه‌ای، نه محرمی، غیر تویی

## (۱۴)

گلبرگ برد باد بهاران تا کی

سنبل رود از نسیم بستان تا کی

ای عارض یار من شتابان تا کی

وی زلف نگار من پریشان تا کی<sup>(۲)</sup>

## (۱۵)

عرفی<sup>(۳)</sup> گل علم را نگیری به خسی

در بادیه عشق بجناب جرسی

میراث هزاران خرد گرسنه جسم

شک نیست که جاودان نماند<sup>(۴)</sup> به کسی

## (۱۶)

کردیم بسی کوشش و کردند<sup>(۵)</sup> بسی

بر غایت مطلب نبود دسترسی<sup>(۶)</sup>

وانرا<sup>(۷)</sup> که تمام هوش بانگ جرسی

وانرا که همه شتاب گروه<sup>(۸)</sup> فرسی

۱- ن ۱، ۵ = که محرم هم اوست؛ ن ۳ = که محرم هم دوست؛ ن ۹ = محرم را دوست؛ ن ۲ = که بود محرم دوست؛ ن ۲۹

= را بود محرم دوست

۲- تنها در ن ۲ یافته شد

۳- ن ۱، ۵، ۱۷ = عزرا تو نگیری ن ۲، ۴، ۲۲ = گل علم را نگیری ن ۱۱ = گل باغ را نگیری

۴- ن ۱، ۴ = بماند؛ ن ۱، ۳، ۱۷، ۱۱ = نماند

۵- ن ۱۱ = گردیده؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷ = کردند

۶- ن ۵ = دست کسی؛ ن ۱، ۳، ۴، ۱۷، ۱۱

۷- ن ۱، ۳، ۴، ۱۱ = آنرا؛ ن ۱۷ = وانرا

۸- ن ۱، ۳، ۵ = کرده؛ ن ۴، ۱۱ = گرد؛ ن ۱۷ = گردد

(۱۷)

از<sup>(۱)</sup> بسکه رُخی<sup>(۲)</sup> به عشق لایق داری  
وز<sup>(۳)</sup> بس دلی با عشق موافق داری  
جُز آینه را رُخِ نَنمایی و هَنوز  
صد رشک به چشم و دل عاشق داری

(۱۸)

ای<sup>(۴)</sup> نزد تو کسبِ علم را آسانی  
در ورطهٔ حیرت و نه در حیرانی<sup>(۵)</sup>  
زَنهار به علمِ همگی جهلِ مناز  
نابُرده ز علمِ لدنی<sup>(۶)</sup> نادانی

(۱۹)

ای<sup>(۷)</sup> باغِ بهشت بر سر افشانِ خاکی<sup>(۸)</sup>  
تا کی خواهی بیغمی و بیباکی  
در یوزه کن از باغِ دل ماکه در آن  
صد شعله در آغوش کشد خاشاکی

(۲۰)

عرفی<sup>(۹)</sup> بزبان ناس و بدلِ نسناسی  
فخرِ خرد و ننگِ عوامِ الناسی  
سر رشته ز دست رفته و گمره و مست  
یعنی که سراسیمه‌تر از وسواسی

رباعی ۲۲ = مآثر رحیمی

۱- این رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۲- ن ۱، ۵ = رُفت؛ ن ۱۷ = رُخی

۳- ن ۱، ۵ = از؛ ن ۱۷ = وز

۴- این رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

۵- ن ۱، ۵ = آسانی؛ ن ۱۷ = حیرانی

۶- ن ۱۷ = لذت؛ ن ۱، ۵ = لدنی

۷- این رباعی تنها در نسخ ۱، ۵ یافته شد

۸- ن ۵ = خاکی؛ ن ۱ = تا کی

۹- این رباعیات تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷ یافته شد

## (۲۱)

خوش آنکه به مستی<sup>(۱)</sup> و دل خوشنودی      باشم به طواف کعبه مقصودی  
در دیده چو میلِ سرمه آلوده کشم      هرجا نگرم گناه دردآلودی

## (۲۲)

این طُرفه<sup>(۲)</sup> نکاتِ سحری و اعجازی      چون گشت مکمل به رقم<sup>(۳)</sup> پردازی  
مجموعه طرازِ قدس تاریخش یافت       $\frac{\text{اول دیوان عرفی شیرازی}^{(۴)}}{۵۳۸+۳۶۰+۷۱+۳۷} = ۹۹۶ \text{ هـ ق}$

## رباعیات مشکوک یا مردود

## (۴۰۱)

دوشینه<sup>(۵)</sup> که بُرد بُرد بر دوشم بود      زانو چو عروس نو در آغوشم بود  
پوشیدنی‌ای نداشتم غیر از چشم      چیزی که بزیر سر نهم، گوشم بود

## (۴۰۲)

آمد<sup>(۶)</sup> بوجود از شهنشاو زمان

نیکو خلفی چو ماو تابان (کذا)

تاریخ ز نام و لقبش گفت بمن

$\frac{\text{شهرزاده سلیم شاه سلطان جهان}}{۵۹+۱۵۰+۳۰۶+۱۴۰+۳۲۲} = ۹۷۷ \text{ هـ ق}$

۱- ن ۱ = به مستی و بادل خوشنودی (لفظ "با" مصرع را ناموزون می‌سازد)؛ ن ۵ = شبی و بادل خوشنودی

۲- ن ۱۲، ۱۳ = دُرُج؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = غیره = طُرفه

۳- ن ۸ = از رقم؛ ن ۱، ۵، ۱۷، مآثر رحیمی = برقم

۴- احاد این مصرع تاریخ با عدد قصیده (۲۶)، عشرات با عدد غزل (۲۷۰) و مات (۷۰۰) با ابیاتِ قطعه و رباعی موافق است

۵- علامه شبلی نعمانی در اثرِ خود شعر العجم این رباعی را به عرفی نسبت داده است و مولانا محمد حسین آزاد در سخنرانِ پارس آن را به حکیم ناصر خسرو منسوب کرده است ولی آن نه در نسخه‌ای از کلیات عرفی یا جنگی یافته شد نه در دیوان حکیم ناصر خسرو وجود دارد ندانیم که علامه شبلی آن را کجا یافت پس این را مشکوک باید گفت.

۶- عرفی به هندوستان و سنه ۹۹۲ آمده بود پس نمی‌توانست که تاریخ بوقت پیدایش شاهزاده سلیم بگوید (در سال ۹۷۷ عرفی خودش فقط چهارده ساله بود) ولی ممکن است که بعد از درود در فتح بورسیکری این تاریخ گفته باشد - این رباعی تنها در نسخ ۳ و ۲۸ یافته شد - این رباعی را مشکوک باید شمرد.



(۴۰۳)

ای<sup>(۱)</sup> زامدنت خاطرِ عالم خشنود

در مقدم تو گشت زیانها همه سود

تاریخ ولادت تو در باغ جهان

$$\text{زیب گل و گلزار جهان خواهد بود} = \frac{۱۰۲۰}{۱۹ + ۵۰ + ۶ + ۲۵۸ + ۵۹ + ۶۱۶ + ۱۲} \text{ هج}$$

(۴۰۴)

المئة لله<sup>(۲)</sup> که ز لطف سبحان آمد خلفی بخانه شاه جهانچون کرد زمانه فخر از آمدنش تاریخ ولادت طلب از "فخر جهان" =  $\frac{۹۳۹}{۵۹ + ۸۸۰}$ 

(۴۰۵)

چون<sup>(۳)</sup> کیر همیشه سرنگونت بینم آکنده دهن به گه چو کونت بینم

چون خایه ز هر دری برونست بینم چون کس گو حیض غرق خونت بینم



۱- این رباعی هم تنها در نسخ ۳ و ۲۸ یافته شد - از اعداد مصرع چهارم پیداست که این تاریخ پیدایش کسی است که در سنه ۱۰۲۰ بعرضه عالم پا نهاد - زیرا که عرفی در سنه ۹۹۹ مرد، این رباعی مال او نمی تواند پس این را از کلام مردود عرفی باید شمرد.

۲- این رباعی هم تنها در نسخ ۳، ۲۸ یافته شد و این را هم از کلام مردود عرفی باید شمرد در سنه ۹۳۹ تاریخ پیدایش اکبر همی نمی تواند شد زیرا که او در سنه ۹۳۹ چشم به جهان گشوده بود و عرفی خود در سنه ۹۶۳ به جهان

۳- این رباعی تنها در جنگ شماره ۴۳۱۳، محفوظ در کتابخانه مرکزی، دانشگاه تهران یافته شد - ممکن است که گفته عرفی باشد و چون این کلام فحش است در کلیاتش جا نیافت - این را کلام مشکوک باید شمرد.

## بخش مثنویات

زند عرفی صلاّی خوش کلامی      چه خوابی بر سرِ خاکِ نظامی

نظامی با عروسِ نظم پیوست      ولی من دادمش مهری که او بست

---

## ساقی نامه

نهالِست کلکم بهشتی سرشت      که رضوانش فرزندی طوبی نوشت  
هر آن میوه کزوی بجویی نشان      سر شاخِ وی ریزد در دهان

## ساقی نامه

بیا<sup>(۱)</sup> عرفی افسانه را پَر بسوز  
 نفس را مرنجان<sup>(۳)</sup> به عیب کسان  
 اگر دوختی لب، تویی گنجِ حلم<sup>(۴)</sup>  
 ازل تا ابد گر شود طعنه زار  
 مثال این بود گر مثل زان زنند  
 جهان را چه بیم از مکافاتِ کس  
 به تشریحِ این غیبِ دانِ کهن  
 یکی خنده مست بعد از دو جام  
 بیا ساقی از ما جدایی مکن  
 ببوی می افسانه کردیم گم  
 که آسوده گردیم ازین فتنه زار  
 بیا<sup>(۷)</sup> تا سحر و افسون کنیم  
 بیا ساقی آن کوثرِ شعله خیز  
 بلغزان<sup>(۹)</sup> دلم را قدم در سراب  
 می<sup>(۱۱)</sup> و دلبر آیند جوشان بهم

بخاموشی<sup>(۲)</sup> این نغمه تر بسوز  
 که افسانه اینجاست کوه زبان  
 وگرنه زدی خاک در چشم علم  
 بچینند و ریزند بر روزگار  
 که برگِ گلی را به شیطان زنند  
 کجا شعله اندیشد از نیشِ خَس  
 نفس را مرنجان، بگویم چه کن  
 فرو ریز بر بند لب، والسلام  
 به بیگانگان آشنایی مکن  
 دو جامی عطا کن ز سر<sup>(۵)</sup> جوشِ خُم  
 بخندیم مستانه بر<sup>(۶)</sup> روزگار  
 شبِ جمعه از هفته بیرون کنیم  
 ز دریا<sup>(۸)</sup> بیاور به کشتی بریز  
 که در ورطه جوشش و اضطراب<sup>(۱۰)</sup>  
 دو دریا فروشد طوفان بهم

۱- اشعار از اوّل تا هفدهم تنها در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷ و میخانه (چاپ تهران) یافته شد

۲- ن ۱۷ = ز خاموشی؛ ن ۱، ۲، ۸ = بخاموشی

۳- ن ۱ = ز عیب جهان؛ ن ۵، ۸ = به عیب جهان؛ ن ۱۷ = به عیب کسان

۴- ن ۱ = علم؛ ن ۵، ۸ = حلم

۵- ن ۱۷ = سر جوش؛ ن ۱، ۵، ۸ = سرپوش (در میخانه این بیت موجود نیست)

۶- م ۱، ۵، ۸، ۱۷ = بر روزگار؛ میخانه = بر روی یار

۷- در نسخه دوم این بین بعد از بیت ۸۰ یافته شد

۸- ن ۸ = بدریا بیاور؛ ن ۱، ۵ = ز دریا بیاور؛ میخانه = بیا در بدریا؛ ن ۱۷ = بدریا بیاور و

۹- ن ۸، میخانه = بلغزان؛ ن ۱۷ = بلرزان (در نسخه ۱، ۵ نیافته شد

۱۰- در نسخه ۱۷ این بیت بعد از بیت ۱۲ (که دران نسخه بعد از بین ۸۵ هست) یافته شد و پس آن بیت ۱۴ هست

۱۱- ن ۱ = من؛ ن ۱، ۵ = می

که با نغمه بوسلیک و حجاز  
دمی لاله‌وش کاسه بازی کنیم  
پس از آرزوی دل ما مـرنج  
ز جام تو بوسی طلب می‌کنیم  
صلاحیت<sup>(۶)</sup> آموز<sup>(۷)</sup> و اسلام سوز  
که خمیازه گیرد ره صومعه  
ز مستی به باغ بهشت رسان  
خوشا<sup>(۹)</sup> من که هستم<sup>(۱۰)</sup> قیامت ز پی<sup>(۱۱)</sup>  
به خم<sup>(۱۲)</sup> دست و ساغر نگون‌سار کن  
بده صبح را غوطه در آفتاب  
که تاب شبستان ندارد بصیر  
بخندان لبم را به آب حیات  
شراباً طهوراً بنامش نوشت  
جگر<sup>(۱۶)</sup> تشنگان را هدایت کنم

بده ساقی آن مست هنگامه ساز  
برقصیم و هنگامه سازی کنیم  
بیا<sup>(۱)</sup> ساقی این<sup>(۲)</sup> تشنگی را بسنج  
که مستیم و ترکی ادب می‌کنیم  
بیا<sup>(۳)</sup> ساقی آن باده<sup>(۴)</sup> جام<sup>(۵)</sup> سوز  
برقص<sup>(۸)</sup> از پی بُرقع و مقنعه  
بیا ساقی آبی به کشتم رسان  
که گویم پس از شکر مستی و می  
بیا ساقی اندیشه کار کن  
به می در زن<sup>(۱۳)</sup> این پیکر سیم ناب<sup>(۱۴)</sup>  
بیا ساقی از راه علقم بگیر  
بده گوهر<sup>(۱۵)</sup> لعلی سومات  
بیا ساقی آن می که حور بهشت  
به من ده که تفسیر آیت کنم

۱- در نسخ ۲، ۳، ۹ و میخانه (چاپ لاهور) ازین شعر ساقی‌نامه آغاز می‌شود

۲- ن ۲، ۹ = آن؛ ن ۱، ۵، ۸ = این

۳- در نسخ ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = بیا؛ ن ۹ = بده

۴- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = شاهد؛ ن ۹ = باده

۵- میخانه (لاهور و تهران) = خام؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۹، ۲ = جام

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۲، ۳، ۱۷ = صلاحیت؛ ن ۹ = صلاحیت

۷- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = آشوب؛ ن ۹ = آموز

۸- ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = برقص از پی برقع؛ میخانه (تهران) = برقص آر پی برقع

۹- ن ۱، ۵، ۲ = خوشا من؛ ن ۳، ۱۷، میخانه (لاهور تهران) = خوشامی؛ ن ۹ = خوش آن دم

۱۰- ن ۹ = بینم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷ = هستم

۱۱- ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = ز پی؛ ن ۲ = زدی؛ ن ۱ = زنی

۱۲- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = به خم؛ ن ۱ = زخم؛ ن ۹ = بز

۱۳- ن ۱ = ای؛ ن ۵، ۸ و غیره = این

۱۴- ن ۹ = تاب؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ و غیره = ناب

۱۵- میخانه (لاهور و تهران) = گوهر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۹ = کوثر

۱۶- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = بوی؛ ن ۹ = زوی؛ میخانه (تهران و لاهور) = جگر

برانگیز ابری کش از فیض<sup>(۱)</sup> عام  
 برانید<sup>(۲)</sup> از آرایش آن و این  
 بده، تا بریزم به دیر و حرم  
 زهم جذبِ دلها گدایی کنند  
 که روی دو عالم از آن<sup>(۵)</sup> یافت آب  
 در آغاز بینم سرانجامِ دل  
 ببر تا سر<sup>(۷)</sup> کوچه می فروش  
 بسازد خراباتی از خشتِ خم  
 که بر لعلِ عیسی زند آفتاب  
 نسیمِ یمن را کنم شهر بند  
 هم از وی شکفته شوم هم ملول  
 چو بیخود شوم، بر دماغم فشان<sup>(۱۱)</sup>  
 میندیش ازین عصمتِ بی ثبات  
 شکسته پدید آمده چون دلم  
 که بر تارکِ تو به ساغر<sup>(۱۴)</sup> شکست

بیا ساقی از لَجّه شیشه نام  
 گهر سنجِ کفر و علمدارِ دین  
 بیا ساقی آن آبروی کرم  
 بهم<sup>(۳)</sup> کفر و دین آشنایی کنند  
 بیا<sup>(۴)</sup> ساقی آن چشمه آفتاب  
 بده تا بشویم درو<sup>(۶)</sup> بامِ دل  
 بیا ساقی آن مست را جرعه نوش  
 که چون کعبه<sup>(۸)</sup> در بیخودی کرده گم  
 بیا ساقی آن مشک پرور گلاب  
 به من ده که در<sup>(۹)</sup> مغزِ جانِ نژند  
 نسیمی که سوزد دماغِ رسول  
 به کامِ دل<sup>(۱۰)</sup> داغِ داغم فشان  
 بیا<sup>(۱۲)</sup> ساقی آن آبروی حیات  
 که پیمان عصمت در آب و گِلَم  
 بیا ساقی آن آتشین خوی<sup>(۱۳)</sup> مست

۱- ن ۱۷ = جام؛ ن ۱، ۵، ۸ = جام

۲- ن ۵ = برانید؛ ن ۱ = برانید

۳- ن ۹ = کزان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = بهم

۴- در ن ۱۷ این بیت از بیت ۸۵ هست

۵- ن ۹، ۵ = ازو؛ ن ۱، ۲، ۸ = ازان

۶- ن ۹ = برد؛ ن ۲، ۵، ۸ = در و بام

۷- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸ = سر؛ ن ۱۷ = در؛ میخانه = سر

۸- ن ۳ = در سجده گردید؛ ن ۱، ۵، ۸ = در بیخودی کرده؛ ن ۱۷، میخانه = در سجده کرده

۹- ن ۱۷ = از؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸ = در

۱۰- ن ۹ = دل و جان داغم فشان؛ ن ۲ = دل داغدارم رسان؛ ن ۱، ۵، ۸ = دل و جان داغم فشان

۱۱- ن ۹ = دل و جان داغم فشان؛ ن ۲ = دل داغدارم رسان؛ ن ۱، ۵، ۸ = دل و جان داغم فشان

۱۲- در ن ۹ مصرعه ثانی مصرع اولی و مصرع اولی مصرع ثانیست این بیت و بیت بعدی تنها در ن ۱۷ موجود است

۱۳- ن ۸ = جوی؛ ن ۱، ۵ و غیره = خوی

۱۴- ن ۹ = دل؛ ن ۱، ۵، ۸، ۳، ۱۷ = ساغر

به من ده که آرم به دیر مغان  
 بیا ساقی آن عافیت را کلید  
 به من ده که رنجور و دلخسته‌ام  
 بیا ساقی آن شمع قندیلِ روح  
 به من ده که با وی کنم سیرِ دل  
 بیا ساقی آن مست فیروزِ جنگ  
 بده تا در آرم قدم در رکاب  
 بیا ساقی آن دلفریبِ نصوح  
 بمن ده که در عقدِ خویش آرمش  
 بیا ساقی آن شیرامِ الفرح  
 که طفلیست هر موی<sup>(۵)</sup> من گریه ناگ  
 بیا ساقی آن چشمه زهر خند  
 به من ده که کاود لبِ شادیم  
 بیا ساقی آن شیشه صاف دوش  
 بیار<sup>(۸)</sup> و بده ساغرم<sup>(۹)</sup> متصل  
 بیا ساقی آن جام می نه<sup>(۱۰)</sup> بدست  
 بر آراز چه شیشه باروت را  
 بیا<sup>(۱۱)</sup> ساقی آن دره التاج لعل

عروسانِ ناموس را موکشان  
 کزو مومیایی به صحت رسید<sup>(۱)</sup>  
 به هر موی دردی<sup>(۲)</sup> فرو بستم  
 که روشن ترش کرده طوفانِ نوح  
 شود روشنم کعبه<sup>(۳)</sup> در دیرِ دل  
 که شَم را نهد در دهانِ پلنگ  
 به فتراک بندم سرِ آفتاب  
 که همشیر لعل است و همزادِ روح  
 دو صد بوسه نقد پیش آرمش  
 بدوش<sup>(۴)</sup> و لبالب کن از وی قدح  
 لبِ هر یک از تشنگی چاک چاک  
 که تلخیش ریزد حلاوت به قند  
 تبسم بجوشد ز<sup>(۶)</sup> قنادیم<sup>(۷)</sup>  
 که نیمی ازو مانده رفتم ز هوش  
 کز اندیشه آن دو نیمست دل  
 پری را به شیشه مکن دیو بست  
 که سحرش کند تشنه یاقوت را  
 که بخشیده<sup>(۱۲)</sup> رنگش به گل تاج لعل

۱-ن ۹= که فتاح روح است و قفل امید؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲، ۳، ۱۷= کزان مومیایی بصحت رسید

۲-ن ۱۷= بهر سوی در وی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹= به هر موی دردی

۳-ن ۱۱، ۵، ۸، ۳= کعبه و دیر؛ ن ۲، ۹= کعبه در دیر

۴-میخانه (لاهور)= بدورت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷= بدوش و؛ میخانه (تهران)= به دوری

۵-ن ۱، ۵= که؛ ن ۹= ز؛ ن ۱۷= به

۶-ن ۱، ۵= که؛ ن ۹= ز؛ ن ۱۷= به

۷-ن ۵، ۸، ۹، میخانه (لاهور)، ۱۱= قنادیم؛ ن ۲، ۱= فتادیم؛ میخانه (تهران)= قصادیم

۸-ن ۱، ۵= بیاز؛ ن ۸، ۱۷= بیاور؛ ن ۹، میخانه (تهران) و لاهور= بیا و

۹-میخانه (تهران)= ساغرم متصل؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲، ۳، ۱۷= ساغر

۱۰-ن ۲= ز دست؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸= بدست

۱۱-با آنکه در تمام نسخ لفظ اول این بیت (بیا) است ولی لفظ (بده) درست و مناسب می باشد

که سیراب سازم لبِ خامه<sup>(۱۳)</sup> را  
 بده<sup>(۱۵)</sup> ساقی آن باطل السحرِ هوش  
 که در جنگی<sup>(۱۷)</sup> فرعونِ نفسِ غنیم<sup>(۱۸)</sup>  
 بده<sup>(۲۰)</sup> ساقی آن لعلیِ سومات  
 که<sup>(۲۱)</sup> پیمانِ عصمت در آب و گلم  
 بیا ساقی آن شمعِ فانوسِ عشق  
 بده<sup>(۲۳)</sup> تا برقص آورم جانِ<sup>(۲۴)</sup> مست  
 بیا ساقی آن خون بر من حلال  
 به من ده که هستم سفالین گهر  
 بیا ساقی آن آتشِ بیقرار  
 بیفشان<sup>(۲۷)</sup> درین سینه غمزده<sup>(۲۸)</sup>  
 بیفروز<sup>(۲۹)</sup> در کعبه آتشکده

- ۱۲- ن ۹ = بخشید؛ ن ۵ = بخشیده؛ ن ۳ = بخشند؛ ن ۱ = بخشنده  
 ۱۳- ن ۹ = ام؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = را  
 ۱۴- ن ۹ = ام؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = را  
 ۱۵- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = بده؛ ن ۹، میخانه (لاهور، تهران) = بیا  
 ۱۶- ۱۷ = سامری کرد یک جرعه نوش؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۹ = سامری گشته تلخابه نوش؛ میخانه (تهران) = سامری گشته  
 ماوای گوش؛ ن ۲ = سامری گشته بتخانه گوش  
 ۱۷- ن ۳ = جنگ؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹ = چنگ  
 ۱۸- ن ۲ = لئیم؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = میخانه = غنیم  
 ۱۹- ن ۱۷ = موی ریزم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹ = موی ریزم  
 ۲۰- در نسخ ۲، ۳ این ابیات بعد از شعر ۲۱ یافته شد و در نسخه ۹ و میخانه وجود ندارد  
 ۲۱- در نسخ ۲، ۳ این ابیات بعد از شعر ۲۱ یافته شد و در نسخه ۹ و میخانه وجود ندارد  
 ۲۲- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = عشق؛ میخانه (تهران، لاهور) = دل  
 ۲۳- در میخانه (لاهور) ساقی نامه به این ترتیب به اختتام می رسد  
 ۲۴- ن ۹ = جام؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = جان  
 ۲۵- ن ۲ = ز یاقوت و از لعل سیراب تر؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = نه یاقوت از لعل سیراب تر  
 ۲۶- ن ۹ = خم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = می  
 ۲۷- ۱۷، ۸، ۵ = بیفشان درین؛ ن ۱، ۳ = بیفشان برین = برین؛ ن ۹ = بیفشان در  
 ۲۸- ن ۹ = غمگده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = غمزه  
 ۲۹- ن ۹ = برافروز؛ ن ۱، ۵، ۸ و غیره = بیفروز



بنده تا کشم پرده<sup>(۱)</sup> از کفر و دین  
 بسی آبروی مغان ریخته  
 که بر جانِ ماتم نهد داغ عیش  
 صد آرایش آرد بدستار<sup>(۲)</sup> من  
 فشاننده آستین<sup>(۳)</sup> در سماع  
 سر<sup>(۵)</sup> و آستین مست و غلطان شود  
 ز نامحرمان پاک ساز انجمن  
 بروب از ره آتشم خار و خس  
 به من ده که چون بر دل آید سوار  
 به عقلی جهانگیر بازی کند  
 بیار<sup>(۸)</sup> و دمدام به کامم بریز  
 شود شعله فواره سلسیل<sup>(۱۰)</sup>

بیا ساقی آن جرعه آتشین  
 که اسلام آشوبی انگیزته  
 بیا ساقی آن لاله باغ عیش  
 به من ده که رنگین شود کارِ من  
 بیا ساقی آن با خرد در نزاع  
 بمن ده که \* ..... بفرمان<sup>(۴)</sup> شود  
 بیا ساقی آن بزم<sup>(۶)</sup> در هم شکن  
 انالحق نمی گنجدم در نفس  
 بیا ساقی آن فتنه روزگار  
 به مغز<sup>(۷)</sup> دلم ترکازی کند  
 بیا ساقی آن کوثر موج خیز  
 که<sup>(۹)</sup> گلگشت آتش کنم چون خلیل

بجوشید و داغش به دلها چکید

هر<sup>(۱۱)</sup> آن لاله کز باغ خُم<sup>(۱۲)</sup> بردمید

۱- میخانه (تهران) = دست؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = پرده

۲- ۲ = ز دستار؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹ و غیره = بدستار

۳- ۱۷ = آستین در سماع؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸ = آستین سماع

۴- ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷ = به فرمان؛ ن ۲، ۹ = به قربان

۵- ۵ = برد؛ ن ۱، ۲ = سرو؛ ن ۹ = سرود؟

۶- ۸ = مست؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹ = بزم

۷- ۹ = ملک؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، میخانه (تهران) = مغز

۸- ۱، ۳، ۵ = بیار و؛ ن ۸، ۹، ۱۷، میخانه = بیاور

۹- ۱ = ز؛ ن ۳، ۵، ۹ = که

۱۰- ساقی نامه در نسخ ۹ به اینجا به اختتام می رسد - در ن ۳ هم بخش اشعار مسلسل ساقی به این بیت پایان می رسد ولی بعد از چند ابیات اشعار دیگر ساقی نامه هم یافته می شوند.

\* در نسخه دستنویس مصحح کلمه خوانا نیست.

۱۱- ازین بین بخش دیگر همین ساقی نامه آغاز می شود و اشعار از شماره ۸۶ تا ۹۷ تنها در میخانه و نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷ یافته شد

۱۲- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = خُم؛ میخانه (تهران) = او

گشاده است اینک در باغِ دل  
 دو صد پرده درد و غم پاره کن  
 اگر ساغرِ دل پذیرد شکست  
 درین لاله‌زارِ بهشتی هوا  
 بود آستین<sup>(۱)</sup> تشنه خمرِ دوست  
 مگر یار من دست زد در شراب  
 چو از جوش خُم رشحه بیرون جهد  
 زبانی ز جوشِ وی آموختم  
 به خاری که از خم به مغزم دوید  
 دلم را چنان مست و مدهوش کرد  
 چنان مست خیز و ز لب نوش نوش  
 ز بس چیده<sup>(۳)</sup> هر سو بصد آب و تاب  
 تو گفתי دران بزمِ همدوش عرش  
 طراوت چکان چون هوای بهشت  
 ز<sup>(۴)</sup> آمد شد طایرِ نوش نوش  
 ز افشاندنِ دستِ برنا و پیر  
 گریبان مستان چو<sup>(۷)</sup> دل چاک چاک  
 لبِ نغمه سنجانِ داوود لحن  
 مجوش ای خضرِ ترکِ ابرام کن

در آگرنه‌ای بسته آب و گل  
 به مغز دلم تاز و نظاره کن  
 نمی‌ریزد از وی شراب الست  
 ورق ریـزد و داغ ماند بجا  
 که صد می‌کده دستِ موسی دروست  
 که پُر شد خُم از پنجه آفتاب  
 دو صد ماهِ نخشب بگردون جهد  
 که از وی زبانِ سخن<sup>(۲)</sup> سوختم  
 وزان مغز جوشید و بر دل چکید  
 که خونش چکیدن فراموش کرد  
 که آفتان و خیزان رود تا بگوش  
 قدح‌های می چون مه و آفتاب  
 همه بالِ طاووس گردیده فرش  
 چو خونِ شهیدان حلاوت سرشت  
 لبالب ز<sup>(۵)</sup> پرواز گلزار پوش<sup>(۶)</sup>  
 چو گهواره میخانه جنبش پذیر  
 ز موجِ سماع آستین رعشه ناک<sup>(۸)</sup>  
 ترنم فشان گشته بر طاق و صحن  
 به انصاف در یوزة جام کن

۱- ن ۱، ۵، ۸ = بود آستین خم تشنه دوست؛ ن ۱۷ = بود آستین خم پشته دوست؛ میخانه (تهران) = بود آستین تشنه خردوست

۲- ن ۸ = هوس؛ ن ۱، ۵، ۱۷، میخانه = سخن

۳- ن ۱، ۵ = خنده؛ ن ۳، ۸، ۱۷ = چیده

۴- ن ۳، ۷ = ز؛ ن ۱، ۵، ۸ = بر

۵- ن ۳ = چو؛ ن ۱، ۵، ۸ = ز

۶- ن ۵، ۱۷ = گلزار کوش؛ ن ۱، ۳ = گلزار پوش

۷- ن ۱ = گل؛ ن ۵، ۸، ۱۷، میخانه (تهران) = دل

۸- در نسخه سوم مصرع اول بطور مصرع ثانی و مصرع ثانی بطور مصرع اول است

نه آبِ حیات است، لای خُم است  
 که آوازِ ناقوس<sup>(۱)</sup> و جوشِ می است  
 که ماء العنب شمع قندیل اوست  
 که از دُرد و صافِ خُمَش ریختند<sup>(۳)</sup>  
 که از پنبه لای خُم رشته‌اند  
 گهر سنج تسبیح جوشِ می است  
 مه و مهر در محفلش زهره باد  
 صفا در صفا چون بهشتِ جمال<sup>(۶)</sup>  
 دمش نافه پرداز<sup>(۷)</sup> نافِ اُمید  
 که از گریه لذتِ بری جُرحه نوش  
 که ظرفم ز خونِ جگر پُرتر است  
 لبالب ز شیرِ نشاط و سرور  
 به گهواره و دوش در یوزه‌ایم  
 که این جامه کوتاه به قدّ وی است  
 که زودم ز لب تشنگی ده نجات  
 که آتش زدی در من از نام<sup>(۱۰)</sup> می  
 نه مستان قلم نیست معذور دار  
 به دل گشت حکم ثواب و گناه

که آن وقفِ رندان پای خم است  
 به دیری سجودم پی‌اندربی است  
 از آن کعبه دل طالبِ آب‌روست  
 ز عشق بُتی کفرم<sup>(۲)</sup> انگیختند  
 میانم به زُناری آغشته‌اند  
 مصلای ایمان بدوشِ می<sup>(۴)</sup> است  
 مصلّا به تر دامنی شهره باد  
 صباحی مبارک چو عقد<sup>(۵)</sup> وصال  
 هوایش فرح را چو باغ نوید  
 صراحی دمام برآرد خروش  
 خوشا من که چشمم به فرقِ سر است  
 بود شیشه باده پستانِ حور  
 ازان جملگی طفلِ یک روزه‌ایم  
 مگر جام سیمین محیطِ می است  
 بگردِ سرش گشت آبِ حیات  
 مگو زهد<sup>(۸)</sup> و زرق و بکش<sup>(۹)</sup> جامِ می  
 بد و نیک از افعال ما دور دار  
 از آن دم که مستی غلط کرده راه

۱- ن ۱، ۵، ۸ = ناقوس و جوش؛ ن ۱۷، میخانه (تهران) = ناقوس جوش

۲- ن ۱ = کفر؛ ن ۵، ۸ = کفرم

۳- در میخانه (تهران) ساقی‌نامه مولانا عرفی به این بیت اختتام پذیرد

۴- ن ۸ = وی؛ ن ۱، ۵ = می

۵- ن ۱۷ = عهد؛ ن ۱، ۵، ۸ = عقد

۶- ن ۱، ۸ = جمال؛ ن ۵ = کمال

۷- ن ۸ = نافه‌پرداز چو ناف؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = نافه‌پردازِ ناف

۸- ن ۱۷ = زهد و زرق؛ ن ۱، ۵، ۸ = رز

۹- ن ۱۷ = بکش؛ ن ۱، ۵، ۸ = مکش

۱۰- با آن که در ن ۵، ۸ نافیّه مصراع دوم (جام) و در ن ۱ = (خام) است اما لفظ (نام) مناسب‌تر می‌نماید

ردای رعـونت بیفکن ز دوش  
 چو تردامنی غلظه زن در شراب  
 که گوید به گوشت سرود شراب  
 شرابی به فیض آتش نام و ننگ  
 شرابی<sup>(۲)</sup> چو خونِ جگر تلخ و گرم  
 همه آبِ ناموس و رنگِ حیا  
 شرابی توانگرتر از کیمیا  
 ببین<sup>(۴)</sup> صورتِ مستی از جوهرش  
 چو عکسش به اشیا<sup>(۶)</sup> شود نور پاش  
 گلابِ گلِ بوستانِ خلیل  
 به فیضِ بهار و به حُسنِ چمن  
 نسیمش دماغِ صفت سوخته  
 نسیمش معطر کند مغزِ هوش  
 اگر یاسمین گیرد از وی چراغ  
 کزین پس بود لاله دشنام من  
 شکن گیرد از موجِ او<sup>(۸)</sup> زلفِ حور  
 دو صد ره گذارند<sup>(۹)</sup> اگر آفتاب  
 لبم خشک و چشمم تر و دل فگار

سبـو نه بدوش و مُصـلاً<sup>(۱)</sup> فروش  
 چو خونابه جوشان بگیرد کباب  
 ثوابِ گناه و گناهِ ثواب  
 کبابی بـلذت چو دلهای تنگ  
 فروزنده روی خوبان چو شرم  
 همه مدعا چون قبولِ دعا  
 کبابی جگر سوزتر از دعا<sup>(۳)</sup>  
 که مرآة<sup>(۵)</sup> معنی بود گوهرش  
 ز کافور یاقوت بر می تراش  
 خویِ چهره فطرت جبرئیل  
 تر و گرم چون میوه طبعِ من  
 بیوش خرد مغز بر دوخته  
 ز نامش فروزان شود<sup>(۷)</sup> روی گوش  
 منادی زند لاله در دشت و باغ  
 بود سایه یاسمین نامِ من  
 ثمر چینه از باغِ وی نخلِ طور  
 چنین کی شود صاف کامل نقاب  
 سخن کوتاه افتاده ام در خُمار

۱- ن ۵ = دوش مصلاً؛ ن ۱، ۸ = دوش و مصلاً

۲- در ۸ مصراع ثانی بیت ۱۲۵ مصراع ثانی بیت ۱۲۶ هست و مصراع ثانی بین ۱۲۶ به مصراع اول بین ۱۷۵ مربوط

هر

۳- اشعار ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳ در ۸ وجود ندارد

۴- ن ۱۷ = ببین؛ ن ۱، ۵، ۸ = مبین

۵- ن ۸ = سرِ آبِ منی؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = که مرآة منی

۶- ن ۵ = ایشان؛ ن ۱، ۸، ۱۷ = اخیا

۷- ن ۱، ۸ = روی و گوش؛ ن ۵، ۱۷ = روی گوش

۸- ن ۱۷ = او؛ ن ۱، ۵، ۸ = آن

۹- ن ۱، ۸ = گذارند؛ ن ۵ = گذازند

مغنی خروشی که دل مُرده‌ایم  
 پُر از خونِ ذوق است شریانِ چنگ  
 به اسلام پیوندها داشتیم  
 شراب آمد<sup>(۳)</sup> و دست بردی نمود  
 ز من باده مستی گدائی کند  
 ندانم زمستی که روز حساب  
 اگر بر منست آتش آرای من  
 مغنی، بسی راحت آلوده‌ایم  
 ز دودِ جگر آتشی برافروز  
 کرم‌های<sup>(۵)</sup> ساقی پی‌اندازی است  
 بزَن نغمهٔ عندلِبِ بهشت  
 بیا ای مغنی به صوت ملیح  
 بدم خفتگانِ عرب را نفس  
 مغنی دل و دیده بس بی نم<sup>(۶)</sup> است  
 بجو زخمه و چشمه انگیز باش  
 من از عشق زادم، ز من عشق زاد  
 من و عشق سور و عزای همیم  
 اگر من نباشم به عشق آشنا  
 دگر عشق را من نباشم حبيب  
 خیال بلندی بقدر مهیست  
 نهالِیست کلکم بهشتی سرشت

گل باغ عیشیم و پژمرده‌ایم  
 رگش<sup>(۱)</sup> می‌جهد نیش زن بیدرنگ  
 به هر موز وی بندها<sup>(۲)</sup> داشتیم  
 که زنجیرش از بند تیرم گشود  
 که با چشم یار آشنایی کند  
 مکافات بر من بود<sup>(۴)</sup> یا شراب  
 وگر بر شراب است، ای وای من  
 خروشی برآور، که آسوده‌ایم  
 بجز وجد و حالت سراسر بسوز  
 مغنی نوایی، که جوش می است  
 که دندانم انگشتِ حسرت بهشت  
 لب شیشه بگشا بگو کای مسیح  
 که داری سماعی ز لیلی هوس  
 گلِ داغِ دل تشنهٔ شبنم است  
 بکاویدنِ دل چو غم تیز باش  
 از این حرف انگشتها دور باد  
 دو مرآتِ جوهرنمای همیم  
 شرابی شمارش زمستی جُدا  
 کبابیش دان، از نمک بی‌نصیب  
 کمند افکنی بر فلک کوتاهی ست  
 که رضوانش فرزندِ طوبی نوشت

۱- ن ۱، ۸ = رگش؛ ن ۵ = زکس

۲- ن ۱ = ما؛ ن ۱، ۸ = ها

۳- ن ۱۷ = آمده؛ ن ۱، ۵ = آمده

۴- ن ۱ = با؛ ن ۵، ۸، ۱۷ = یا

۵- در نسخ ۱، ۵، ۸ مصراع اول مصراع ثانی است و مصراع ثانی مصراع اول در ن ۱۷ بطوری هست که نوشته

۶- ن ۱ = یم؛ ن ۵، ۸، ۱۷ = نم

سر شاخ وی ریزد در دهان  
 ز باد مسیحا قدم لغز<sup>(۲)</sup> او  
 بود خنده‌اش آتش گل چکان  
 شکستی به ملک سلیمان رسد  
 به هر موی از خود وصیت کنم  
 نسیم فنا می‌وزد، الوداع  
 که اینک بهم در شکست این کنشت<sup>(۴)</sup>  
 دگر وعده در قالب خشت زن  
 ره کاخ درویش<sup>(۵)</sup> گیرید پیش  
 که بر کاخ درویش<sup>(۷)</sup> افتد کمند  
 گدا پیشگی پادشاهی بود  
 که پرورده عنقا بزرگوار  
 برین دعویم هست همت گواه  
 کمر بند من شعله بندگیست  
 بقا رخنه کشتی نوح ماست  
 بجوشد به من گوهر گهرها  
 تذرو (م) دهد پا و طاووس بال  
 زند تکیه بر دیده آفتاب  
 که صد کیمیا شد گدای مسم

هر آن میوه کز وی بجویی نشان  
 ز آب خضر شیرۀ مغز<sup>(۱)</sup> او  
 بود گریه‌اش خون بلبل چکان  
 اگر پای موری بدامان رسد  
 چو اندیشه در کنه شمت کنم  
 که ای ذره‌های پریشان سماع  
 بگیرید<sup>(۳)</sup> دنباله خاک و خشت  
 خلل یاب شد قالب تنگی من  
 ره قصر جم پیش گیرید پیش  
 بلی، بخت<sup>(۶)</sup> آن خشت باشد بلند  
 شهی زیر دست گدایی بود  
 هما سایه بردار گو از سرم  
 به ملک قناعت منم پادشاه  
 کلاه من از خاک افکند گiest  
 فنا لمعه آتش روح ماست  
 چو<sup>(۸)</sup> کاهم که شبنم صفت برگیا  
 چو<sup>(۹)</sup> زاغم که در بوستان جمال  
 چو خفاش مستم که هنگام خواب  
 من آن زند دُردی کش مُفلسم

۱- ن ۱، ۵ = مغز داد؛ ن ۱۷ = مغز او

۲- ن ۱۷ = لغز او؛ ن ۱، ۵ = لغز داد

۳- ن ۱ = بگیرند؛ ن ۵ = بگیرید

۴- ن ۱ = شکست؛ کنشت

۵- ن ۱، ۸ = درویش گیرید؛ ن ۵ = درویش گیرید

۶- ن ۱، ۸، ۵ = بخت؛ ن ۱۷ = گشت

۷- ن ۱، ۸ = درویش؛ ن ۵، ۱۷ = درویش

۸- در هر چهار نسخ (چه) است اما حقیقتاً این (چو) باشد

۹- ن ۱، ۵ = چه زاغم؛ ن ۸ = چو زاغم

بـبافـم ز مـژگانِ خـفـاش دـام  
اگر گلبن راحتی خوش بخند  
اگر<sup>(۱)</sup> نخلِ عشقی چمن بر فروز  
فغان، کین چمن جای پرواز نیست  
ز بس تنگیِ کوچه روزگار  
قفس تنگ و مرغم به نشو و نماست  
چو من کس مبادا گرفتارِ دل  
بجوشم که از دیده جیحون جهد  
دلا<sup>(۳)</sup> تا یکی بگروی بی هراس  
به فتوی به رمزِ ملامت زبان  
ز بی شرم زخمی مخور بر جگر  
مرا هم به زهر است پرورده نیش  
ز طعنِ کسان بسته دارم زبان  
بریزید خون من ای مرد و زن

که طاووسِ خورشید گیرد چو شام  
چو غنچه کمر در شکفتن ببند  
ز آتش بروی و ز کوثر بسوز؟  
مصافِ یکی کبک و شهباز نیست  
مرا دوش شد<sup>(۲)</sup> از دو جانب فگار  
قفس بشکنم خود شکستن خطاست  
سر از طشت می جویم و پا ز گل  
بنالم کزان شعله بیرون جهد  
برین طعنه‌های نصیحت<sup>(۴)</sup> لباس  
کشی تیغ بر فرق افتادگان  
که شمشیر در دست داری نه سر  
ولی شرم دارم ز کردار خویش  
مکافات خود جویم از آسمان<sup>(۵)</sup>  
عزا از شما و شهادت ز من

---

۱- ن ۱ = تو از؛ ن ۵، ۸ = اگر

۲- با آنکه در نسخ ۱، ۵، ۸ (سیر از دو جانب) و در نسخه ۱۷ (شیراز دو جانب) آمده است اما (شد از دو جانب) درست تر می نماید.

۳- ن ۱ = الا؛ ن ۵، ۸ = دلا

۴- ن ۱، ۵، ۸ = طبیعت؛ ن ۱۷ = نصیحت

۵- ن ۱، ۵، ۸ = آسمان؛ ن ۱۷ = دوستان

## خسرو شیرین

«نه خویشاوندِ فرهادم نه مزدور  
 نه خسرو را ز لالا زادگانم  
 نه بوسی خواهم از شیرین نه آغوش  
 ز عرضِ حسنِ شیرین بی‌نیازم  
 ازینها در گذر اسرارجو باش  
 که بی روغن چراغش را دهم نور  
 که بر وی تیزتر باشد زیانم  
 که طوبی خوانمش یا چشمهٔ نوش  
 رسد بر خسرو فرهاد نازم  
 به عشق آویز و رمز آموزِ او باش»

### خسرو شیرین<sup>(۱)</sup>

۱- در نسخه‌های مختلف کلیاتِ عرفی نام این مثنوی بطور مختلف یافته شد مثلاً در نسخهٔ چاپی ایران (ن ۹) و ن ۲ اسم این مثنوی شیرین و فرهاد است - در ن ۴ که قدیم‌ترین نسخهٔ کلیات است اسمش خسرو شیرین است و در ن ۱۷ اسم این مثنوی فرهاد و شیرین است - بر بنای ن ۴ در نسخهٔ موجوده این مثنوی با اسم خسرو شیرین موسوم کرده می‌شود



خداوندا دلم بی نور تنگ است  
 دلم را غوطه ده در چشمه نور  
 وگر زین ناسزا دل عار داری  
 دلی ده چون محبت پاکدامان  
 دلی، مرهم گداز<sup>(۲)</sup>، آرام نشناس  
 دلی ریشی که وقت کاوش نیش  
 برافروز<sup>(۳)</sup> آتشی در سینه من  
 در آن آتش فگن جان مرا فرش  
 برونم ز آتش دل دار در تب  
 در آن بحر لبالب آتش تیز  
 که هنگام هجوم موج در موج  
 بپوشان چهره ام را خلعت زرد  
 چه شربت؟ آب کوثر اُمّت او  
 بیارا شهر دل را تحت تا فوق  
 مزاج کام ده ناکامیم را  
 هر آن محنت که عشق از وی گریزد  
 ملامت را انیس داغ من کن  
 دماغم را به جامی تازه گردان

دلی<sup>(۱)</sup> من سنگ و کوه طور سنگ است  
 تجلی کن که موسی هست در طور  
 کرم بسیار و دل بسیار داری  
 ولی پاکیزه گوهرتر ز ایمان  
 لبش مست مکیدنهای الماس  
 نه او از نیش، نیش از وی شود ریش  
 که سوزد راحت دیرینه من  
 ولیکن شو<sup>(۴)</sup> پناه فرش تا عرش  
 درون<sup>(۵)</sup> بحری کن از آتش لبالب  
 چنان طوفان بیتابی برانگیز  
 حسیضش<sup>(۶)</sup> مضطرب تر باشد از اوج  
 بنوشان سینه ام را شربت درد  
 گلو سوز محبت لذت او  
 به گوناگون متاع لذت<sup>(۷)</sup> و ذوق  
 بلند آوازه کن خوش نامیم را  
 بفرما، تا به جانم در<sup>(۸)</sup> ستیزد  
 شهادت را نسیم باغ من کن  
 لبم را دشمن خمیازه گردان

۱- ۲۴، بیاض اعظم گره = دلم سنگ است و کوه طور سنگ است؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دل من سنگ و کوه طور سنگ است

۲- ۹ ن = گذار؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = گداز؛

۳- ۸ ن = در؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، بیاض ۱/۴۹ = بر

۴- ۱۷ ن = پناه از فرش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = پناه فرش

۵- ۴ ن = درون کن ز آتش هجرم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = درون

۶- ن ..... =

۷- ۱، ۵، ۸، ۹ = لذت ذوق؛ ن ۳ = لذت و ذوق

۸- ۴، ۹، ۲۸ = بر؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = در

جبین معرفت گلرنگ سازد  
 گهر جُستم<sup>(۴)</sup>، خرف بُردم به صد رنج  
 همی بوسد<sup>(۶)</sup> در گنجینه راز  
 وگرنه مستم، اینک در شکستم  
 به لیلی آشنا کن محلم را  
 چو شوقم گرم رفتاری درآموز<sup>(۷)</sup>  
 که با صد گنجِ معنی تنگ دستم  
 بود صد چشمه معنی در تراوش  
 کش از گر می شود آتش عرقناک<sup>(۱۰)</sup>  
 بده گنجی کزان<sup>(۱۱)</sup> بهتر فشانم  
 به انصاف آشنا کن حاسدم را  
 می<sup>(۱۳)</sup> آرام سوز<sup>(۱۴)</sup> و درد نامی  
 فغانِ نوش نوش از غم برآید

بده صافی که چون بر<sup>(۱)</sup> مغز تازد  
 هوس را بسکه بگشادم<sup>(۲)</sup> در<sup>(۳)</sup> گنج  
 کنون<sup>(۵)</sup> عمریست کین طبع ادب ساز  
 کلید گنجِ معنی ده به دستم  
 جواهر سنجِ معنی کن دلم را  
 چو عظم شمعِ بیداری برافروز  
 چنان از حیرتِ گنه تو مستم  
 ضمیری<sup>(۸)</sup> ده کزو بی رنج کاوش  
 زبانی ده به گفتن گرم<sup>(۹)</sup> و چالاک  
 دُرِ یکدانه گر کمتر فشانم  
 روایی ده متاعِ کاسدم را  
 کرامت<sup>(۱۲)</sup> کن به عرفی چند جامی  
 که چون لب جُرعه سنجِ ساغر آید

۱- ن ۴ = در مغز؛ ن ۲۹ = بر فرق؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۷ = بر مغز

۲- ن ۱۷، ۹، ۴ = بگشادم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۳، ۲۴، ۲۹ = بگشایم

۳- ن ۵، ۱ = سرِ گنج؛ ن ۲، ۳، ۸، ۹ و غیره = سر

۴- ن ۸ = چینم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۷ و غیره = جستم

۵- ن ۲ = چنان؛ دیگر همه نسخ = کنون

۶- ن ۲ = پوشد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷ و غیره = جستم

۷- در بیاض اعظم گره مصرع اول مصرع ثانی است و مصرع ثانی مصرع اول

۸- در بیاض این شعر باین طور است: ضمیری ده کزو بی کاوش رنج کزو هر دم تراوش عالمِ گنج

۹- ن ۱۷ = جُست؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹، بیاض = گرم

۱۰- ن ۲۴، ۳ = غضبناک؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، بیاض و غیره = عرقناک

۱۱- ن ۱۷، بیاض = بهتر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۲۴، ۲۹ = به بر؛ ن ۲۸ = تا بر

۱۲- ن ۲ = به عرفی کن کرامت؛ ن ۱، ۸، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۹، بیاض و غیره = کرامت کن به عرفی

۱۳- ن ۱۷ = همی؛ همه نسخه های دیگر = می

۱۴- ن ۲۸، ۵، ۱، ۳ = آرام سوز و درد نامی؛ ن ۹، ۲۴، ۲۹، ۱۷ = آرام سوز درد نامی؛ بیاض = آرام سوز و درد یا می

بنام آن حکیم مصلحت کار  
 قدم لرزانِ عقلِ پیش<sup>(۱)</sup> بردار  
 که در صہبا ز بدمستان نہفتم  
 جواهر از فرو<sup>(۲)</sup> دستان نہفتم  
 دهد آبی بہ عقلِ ہمت<sup>(۳)</sup> آموز  
 کہ گردد تشنگی را گورافروز  
 گہش لب در<sup>(۴)</sup> تسلسل برگشاید<sup>(۵)</sup>  
 کہ چون دیوانگان زنجیر خاید  
 گہ از دورش در اندازد بہ گرداب  
 گہی بر موج درد افشانند اسباب  
 بہ ہر سویش دواند مستِ لیلی  
 نہ لیلی را بیابد، نی تسلی  
 ہمہ ناز و ہمہ چشم و ہمہ گوش  
 فزاید ہر قدم صد<sup>(۶)</sup> چشمہ نوش  
 چنان از حیرتش آخر کند مست  
 کہ با لیلی ست گویی دست بر دست  
 بنام<sup>(۷)</sup> آن برون<sup>(۸)</sup> سوز درون سنج  
 گشاد آموز مفتح در گنج

۱- ن ۲۹ = عقل پیش رفتار؛ ن ۹ = بہ پیش عقل بردار؛ ن ۱۷ = عقل از پیش بردار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۴، ۲۸، بیاض = عقل پیش بردار

۲- ن ۹ = تہی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ و غیرہ = فرد

۳- ن ۵، ۲۸، ۲۹ = حکمت؛ ہمہ نسخہ ہای دیگر = ہمت

۴- ن ۴، ۲۴ = بر؛ دیگر نسخ = در

۵- ن ۴، ۲۸ = می؛ دیگر نسخ = بر

۶- ن ۲۴ = در چشمہ گوش؛ ن ۲۸ = صد چشمہ ہوش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ و غیرہ = صد چشمہ نوش

۷- ن ۲۹ = بناوان؟

۸- ن ۳ = درون سوز و برون سنج؛ ن ۲ = درون سنج برون سنج؛ ن ۲۹ = درون سوز بردن سنج؛ ن ۸، ۱۷ = گھر سوز

درون سنج؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۲۸ = برون سوز درون سنج

دهد آنکه لبی بس خشک و خاموش  
 که هان ای تشنه اینک جرعه‌ای<sup>(۱)</sup> نوش  
 بنوش این می که صاف<sup>(۲)</sup> از آب و رنگ است  
 بنوش<sup>(۳)</sup> این جرعه<sup>(۴)</sup> کش کونین تنگ است  
 دهد زانسان به دستش برگی<sup>(۵)</sup> مستی  
 که جوید در انال‌الحق پیش دستی  
 ببنام آن طیب<sup>(۶)</sup> راحت‌افروز  
 دل بیگانگان<sup>(۷)</sup> را صحت آموز  
 که یابد خسته جان<sup>(۸)</sup> نامحرمی را  
 به جان لرزان ببیند<sup>(۹)</sup> بی‌غمی را  
 بررغبت آبروی گل ستاند  
 برو<sup>(۱۰)</sup> سوش که ای آسودگی<sup>(۱۱)</sup> سنج  
 انیس عافیت، بیگانه، رنج  
 بنوش<sup>(۱۲)</sup> این شربت آسایش انجام  
 حلاوت باد، بستان و بیاشام

- ۱- ن ۳، ۲۸، ۲۹ = جرعه نوش؛ ن ۹ = جرعه می نوش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، بیاض = چشمه نوش  
 ۲- ن ۲۹ = صافی زاب در نجست؛ ن ۲۸ = صاف آب و رنگ است؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، بیاض = صاف از آب و رنگ است  
 ۳- بیاض = منوش این؛ ن ۲، ۲۹ = بنوش آن؛ ن ۴، ۲۸ = هوس را؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۴ = بنوش این  
 ۴- ن ۵، ۲۴ (اصلاح) = جرعه کش کونین تنگ است؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۴، ۲۸ = مشرب کونین تنگ است  
 ۵- ن ۲۹ = مرگ هستی؛ ن ۳، ۱۷، ۲۸ = برگ مستی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، بیاض = برگ هستی  
 ۶- ن ۲۹ = طبیعت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، بیاض = طیب  
 ۷- ن ۲۸ = راحت؛ ن ۱، ۵ = عصمت؛ ن ۸، ۹، بیاض = صحبت؛ ن ۳، ۵ (اصلاح)، ۱۷، ۲۹ = صحت؛  
 ۸- ن ۱۷ = جان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸، ۲۹ و غیره = چون  
 ۹- ن ۲۹ = بماند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، بیاض = به بیند  
 ۱۰- ن ۲۸ = بهر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = برو  
 ۱۱- ن ۲۹ = آسوده دل؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره = آسودگی  
 ۱۲- ن ۲۹ = آسوده دل؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره = آسودگی

چنان راحت بکامش در نشاند  
 که در بیدردی جاوید ماند  
 بنام<sup>(۱)</sup> آن حسیب آشناسنج  
 که در آرایش معموره رنج  
 بسود الماس و در خونِ جگر شست  
 نمک هم<sup>(۲)</sup> سود و صافِ زهر را جست  
 هر آن دارو که حکمِ نیشتر داشت  
 بهم بسرشت و آنگه بانگ برداشت  
 که ای لب تشنه<sup>(۳)</sup> ناسوری داغ  
 همه آرایش و معموری داغ<sup>(۴)</sup>  
 به صد جان می فروشم نیم مرهم  
 درآور هیچگاه کوجه غم  
 بیا، ارزان شمار این مرهم ریش  
 وگرهم<sup>(۵)</sup> رایگان باید<sup>(۶)</sup> بیا پیش  
 چنان مجروح را مرهم رساند  
 که زخمش تا ابد ناسور ماند  
 بنام آن حکیم معصیت سوز  
 گنه را بی طلب آمرزش افروز<sup>(۷)</sup>  
 که با این مایه<sup>(۸)</sup> نافرمانی ما  
 متاع<sup>(۹)</sup> ناصواب افشانی ما

۱- اشعار ۴۸، ۴۹، ۵۰ در نسخ ۳، ۲۴ نیافته شد

۲- ن ۳، ۲۴ = را؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = هم

۳- ن ۲۹ = تشنه لب؛ همه نسخ دیگر = لب تشنه

۴- ن ۲۸، بیاض = باغ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره = داغ

۵- ن ۳، ۲۴ = را؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = هم

۶- ن ۱۷ = خواهی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۲۸ و غیره = باید

۷- ۱۷، بیاض = آموز؛ همه نسخ کلیات = افروز

۸- ن ۱، ۵ = پایه؛ ن ۲، ۱۷، ۲۹ و غیره = مایه

ادب را دست بریستن به شهوت

حیا را ره ندادن در نصیحت

سواد از دیده معنی زدودن

به مژگان صورت<sup>(۱۰)</sup> از برق گشودن

تهی دل بودن از رنجی که دانی<sup>(۱۱)</sup>

طلب ناکردن از گنجی که دانی

عنان بیوفایی نرم کردن

به هر<sup>(۱۲)</sup> بیگانه‌ای دل گرم کردن<sup>(۱۳)</sup>

ببازچه مجاز آراستنها

ازو مجز او بزاری<sup>(۱۴)</sup> خواستنها

گسستن سبجه و زئار بستن

صنم گفتن وزو خامش نشستن

به ناشایستگی طی کردن ایام

ندیدن باز و طی کردن دگرگام

بدین<sup>(۱۵)</sup> اعمال و زینها<sup>(۱۶)</sup> تازه تر هم

که در<sup>(۱۷)</sup> طبعست و می‌زاید دگر هم

عنایت را عنان از ما نتابد

به دنبال مراد ما شتابد

۹- ن ۲، ۲۹ = گناه ظاهر و پنهانی ما؛ بیاض = متاع معصیت افشانی ما؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸ = متاع ناصواب افشانی ما

۱۰- ن ۱۷ = صورت از برق؛ بیاض = برق از معنی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = برق صورت

۱۱- ن ۸، بیاض = داری؛ ن ۱، ۳، ۴، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۵ (درست شده) = که دانی؛ ن ۱، ۵ (اصل) = گرانی

۱۲- ن ۲ = بهر بیگانه دل را؛ ن ۱، ۳، ۵ = به هر بیگانه‌ای دل گرم

۱۳- در ن ۹، اشعار از ۴۴ تا ۶۲ موجود نیست

۱۴- بیاض اعظم گره = صورت؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹ = زاری

۱۵- ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = باین؛ ن ۳، ۱۷، ۲۴ = بدین

۱۶- ن ۴ = اعمال زینها؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، بیاض، ۱۷، ۲۴، ۲۸ = اعمال و زینها؛ ن ۲۸ = ز آنها

۱۷- ن ۱ = گر؛ ن ۳، ۵ و غیره = در

به حدی کامران سازد طلب را  
 که<sup>(۱)</sup> نگشاییم بهر کام لب را  
 بنوعی تحفه امید گیرد  
 چنان جنس طلب را در مزار<sup>(۲)</sup> است  
 که گویی ما و او را یک مراد است  
 تعالی الله زهی گنج سعادت<sup>(۳)</sup>  
 زهی بحر گهرسنج عنایت  
 شمار جوود او کردن نشاید  
 مگر هم علم او با این<sup>(۴)</sup> برآید  
 درین ره معرفت را عجز<sup>(۵)</sup> مونس  
 به گمراهی علم و هم مهندس<sup>(۶)</sup>

زبان را مرغِ دستانِ سنجِ دل کرد  
 ترنم<sup>(۷)</sup> را بنام<sup>(۸)</sup> او بحل<sup>(۹)</sup> کرد  
 خرد را کاوش مغز<sup>(۱۰)</sup> سخن داد  
 وز آن<sup>(۱۱)</sup> هر چشمه‌ای سر<sup>(۱۲)</sup> زد به من داد

---

۱- ن ۲، ۳، ۲۴، ۲۹ = که بخشد گنج معنی بی ادب را؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = که نگشاییم بهر کام لب را  
 ۲- ن ۳، ۴، ۲۴، ۲۹ = را در مزار است؛ ن ۵، ۱۷ = را در مراد است؛ ن ۱ = آور مراد است  
 ۳- ن ۱، ۲، ۵ = سعادت؛ ن ۲۸ = عطایت؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۹ = عنایت  
 ۴- ن ۱، ۲۹، ۲۹ = با او؛ ن ۱، ۵ = با این؛ ن ۲۸ = باطن  
 ۵- ن ۲۹ = عجز و مونس؛ ن ۱، ۳، ۵، ۲۸ = عجز مونس  
 ۶- در همه نسخ مثل ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، بیاض و غیره مصراع به همین طور است که نوشته شد  
 ۷- ن ۵ = ملالت؛ ن ۲۸، ۲۹ = ملامت؛ ن ۱، ۲، ۹ = ترنم  
 ۸- ن ۲۹ = بخون دل؛ ن ۲۸، ۵ = بخون او؛ ن ۱، ۲، ۳، ۹ = بنام او  
 ۹- ن ۲۸ = بهل؛ ن ۱، ۵، ۸، بیاض = سچل؛ ن ۴، ۹، ۲۹ = بحل  
 ۱۰- ن ۸ = مرغ؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷ = مغز  
 ۱۱- ن ۱، ۵، ۸ = وزان؛ ن ۱۷ = وزد

عنایت کرد گنجِ بندگی نام  
 در او سرمایه آغاز و انجام  
 بهشتی باد و عالم سرو آزاد  
 بمزد هیچ یعنی بندگی داد  
 محبت را کلید گنج دل کرد  
 ملامت را بخون او بحل کرد  
 براحت ریخت برگ کوهی را  
 بخون عشق پرور آگهی را  
 ز روی عشق چشم عافیت دوخت  
 خرابی را عمارت ها درآموخت  
 گلی از شاخِ فطرت<sup>(۱۳)</sup> برنیارد<sup>(۱۴)</sup>  
 که حیرت نقشی از وی بر ندارد  
 مینه انگشت رد بر نقش دیوار  
 که آنجا جلوه‌ای هم<sup>(۱۵)</sup> بود در کار  
 گر از وی جلوه در کارش نبود  
 که او را چهره هستی گشودی  
 قناعت کن برین بُرهان و تن زن  
 فضولی را مده زنده دامن  
 بیا عرفی لب آلوده در بند  
 به دستانی که می‌سنجی، فروخند  
 نوای عندلیب نیست هیئات  
 مسنج این نفقه در باغ مناجات

۱۲- ۲۸ = سر ذوالمنن؛ ن ۱۷ = هر چشمه‌ای سرزد بمن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸ = بر چشمه سر برزد بمن

۱۳- ن ۱، ۲، ۵، ۱۷ = همت؛ ن ۴، ۹، ۲۸، ۲۹ = فطرت؛ ن ۳، ۲۴ = نصرت

۱۴- ۲ = نیارد

۱۵- ن ۱۷ = بود است؛ ن ۲۹ = هم بوده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۹، ۲۴، ۲۸ = هم بود



زبان را باز دار از تیغ راتی  
 بس است این ترکازی<sup>(۱)</sup> بر معانی  
 وگر تلخی کند شور سیه مست  
 عنان بیخودی مگذار<sup>(۲)</sup> از دست  
 زمین<sup>(۳)</sup> معذرت می‌بوس و می‌تاز  
 که بخشاید مگر داننده راز  
 سمنده معنیت در زیرین باد  
 دو عالم گوه‌رت در آستین باد

بنام آن که نتوانم ستودش  
 نه<sup>(۵)</sup> گر حمدش کنم اسباب آن هست  
 خرد<sup>(۶)</sup> زهر از شکر شناس حمدش  
 زبان<sup>(۸)</sup> گستاخ و دل مشتاق و من مست  
 ولی حمدش<sup>(۹)</sup> به حدی گفتگو نیست  
 نیارم دم زدن در شکر جودش<sup>(۴)</sup>  
 نه گر خاموش گردم تاب آن هست  
 دل<sup>(۷)</sup> اندیشه در وسواس حمدش  
 به حمدش گر درآیم، معذرت هست  
 بگفتن هر چه گنجد، حمد<sup>(۱۰)</sup> او نیست

۱- ن ۱، ۲، ۵، ۳، ۲۹ = بر؛ ن ۱۷، ۲۸، ۸ = در

۲- ن ۴ = بگذار؛ ن ۲، ۳، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = مگذار؛ ن ۱، ۵، ۹ = نگذار

۳- ن ۹ = زبان معذرت می‌بوس و میتاز؛ ن ۲، ۳، ۸، ۱۷، ۲۹ = زمین معذرت می‌بوس و می‌تاز؛ ن ۲۸ = زمین را معذرت می‌سوز و می‌ساز

۴- این بخش مثنوی در نسخه غلام حسین جواهری (ن ۹) موجود نیست.

۵- ن ۲، ۱ = و؛ ن ۴، ۵، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹، و غیره = نه

۶- ن ۲۸ = خرد را از شکر شناس حمدش؛ ن ۱، ۵، ۲، ۱۷ = خرد زهر از شکر شناس حمدش؛ ن ۸ = خرد زهر از شکر شناس مهرش؛ ن ۲۹ = خرد زهر از شکر شناس حمدش

۷- ن ۲، ۲۹، ۲۸ = ولی؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = دل

۸- ن ۱، ۳، ۵، ۲۸، ۲۹ = زبان مشتاق و دل گستاخ؛ ن ۲، ۱۷ = زبان گستاخ و من مشتاق

۹- ن ۸ = مهرش؛ همه نسخ دیگر = حمدش

۱۰- ن ۵ = حد آن؛ ن ۱ = گنجد حد آن؛ ن ۲ = گوید حد آن؛ ن ۲۹ = گوید حمدا؛ ن ۱۷ = گنجد جداد؛ ن ۲۸ = کند

حمدا؟

شناسایی نخست آنگه ستایش  
مگر اندیشه کاین لافش حرام است  
بجیب اندر بتی دارد قیاسی  
ملایم گر شدی ز نثار بستی  
چنان کاندیشه<sup>(۴)</sup> داند، کی توانست  
بُت اندیشه افلاطون فریبد  
که از اندیشه ابلیسی نزیاید<sup>(۶)</sup>  
مقیّد<sup>(۸)</sup> خود کجا مطلق شناسد  
اگر<sup>(۱۰)</sup> گوید خرد، شرمنده اوست  
بدستان ندیمان هم ترازوست<sup>(۱۱)</sup>  
سخن ز اندازه<sup>(۱۲)</sup> او می تراود  
ستود<sup>(۱۴)</sup> آن<sup>(۱۵)</sup> را و بریزدان<sup>(۱۶)</sup> پسندید

بلی، این<sup>(۱)</sup> عقده را نبود گشایش  
که گوید کین<sup>(۲)</sup> بضاعت خود کدام است  
چو زد<sup>(۳)</sup> اندیشه لاف حق شناسی  
گرش دندان شکستی بت شکستی  
بسا کس بُت‌گری در دهر دانست  
بت آذر عوامِ دون فریبد  
به تفتیشی دل آبستن نباید<sup>(۵)</sup>  
چنین سر فتنه‌ای<sup>(۷)</sup> چون حق شناسد  
جز این معنی که جز<sup>(۹)</sup> او بنده اوست  
جز این معنی که گوید هر چه هست، اوست  
خرد هر چند مغز خویش کاود  
هر آن معنی که در خود نقش آن<sup>(۱۳)</sup> دید

۱- ن ۸ = آن؛ همه دیگر نسخ = آن

۲- ن ۲۸ = اگر گوید بضاعت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = که گوید کان بضاعت؛ ن ۲، ۳، ۲۴ = که گوید کین بضاعت؛ ن ۲۹ = که گوید این بضاعت

۳- ن ۱۷ = خورد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸، ۲۹ و غیره = چو زد

۴- ن ۸، ۲ = اندیشه؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره = کاندیشه؛ ن ۳، ۲۴ = کاندیشد و اندک

۵- ن ۱ = به هر تفتیش دل بستن نباید؛ ن ۳ = به تفتیشی دل آبستن نباید؛ ن ۵ = به هر تفتیش دل بستن نباید؛ ن ۲، ۴، ۲۴، ۲۹ = به تفتیشی دل آبستن نباید؛ ن ۸، ۱۷ = به تفتیشی دل آبستن نباید

۶- بمناسبت مصرع اولی و شعر پیشین (بزیاید) درست می‌نماید ولی در نسخه‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹ (نزیاید) هست

۷- ن ۸ = سر فتنه را؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = سر فتنه‌ای

۸- ن ۲، ۲۸ = بقیه؛ همه نسخ دیگر مقیّد

۹- ن ۵ = که و آخر؛ ن ۱ = که آخر؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = که جز او

۱۰- ن ۲، ۵، ۲۹ = اگر گوید خرد؛ ن ۱ = و گر گوید خرد؛ ن ۲۸ = اگر گوید جز او

۱۱- در ن ۸ این مصراع از مصرعِ اوّل بیتِ پیشین مربوط است - بطور دو ابیات مختلف این اشعار تنها در نسخ ۱، ۵، ۱۷، ۲۹ یافته شد

۱۲- ن ۱ = اندیشه او؛ ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = ز اندازه او؛ ن ۸ = ز اندازه خود

۱۳- ن ۲ = او؛ دیگر همه نسخ = آن

۱۴- ن ۳ = شنود؛ همه نسخ دیگر = ستود

۱۵- ن ۵، ۱ = او را؛ ن ۴، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = آن را

۱۶- ن ۸ = یزدان را پرستید؛ ن ۲۴ = و برتر زان پسندید؛ ن ۱۷ = و بر اینرو پسند؛ ن ۴ = به میزان دلپسندید؛ ن ۵، ۲۸، ۲۹

کمالاتی که نامش بر زبانهاست<sup>(۱)</sup> گمان دارد که ایزد را همانهاست  
 گهی علمش ستاید گاه حکمت گهی از خشم گوید، گه<sup>(۲)</sup> ز رحمت  
 به حصر اندر کشد او صاف حق را پس آنگه نکته سنج آید سبق را  
 زهی جاهل، زهی ابله، زهی مست که بی اندازه را اندازه بر بست  
 به علم ار گنجد<sup>(۳)</sup> او را کش بسنجد نشد حل این معمّا، حل همین است  
 بیا عرفی در<sup>(۵)</sup> افسانه دربند<sup>(۶)</sup> چه گفתי، هر چه گفתי کوتاهی داشت  
 زبان در کام<sup>(۸)</sup> کش دل در ندامت به خاموشی فرو شو تا قیامت

ایا بخت<sup>(۹)</sup> سخن از خواب برخیز چو نخل<sup>(۱۰)</sup> طبع من شاداب برخیز  
 زند عرفی صلاّی خوش کلامی چه خوابی بر سر خاک نظامی  
 زد اینک تخت گویایی به شیراز<sup>(۱۱)</sup> سبک برخیز و خواب آلوده می تاز  
 بخواب آلودگی کن طی فرسنگ که وقت از چشم مالیدن شود تنگ

ادامه باورقی از صفحه قبل

= و بریزدان پسندید

۱- ۸ = زبان است؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = زبانهاست

۲- ۷، ۸، ۲۹ = گه ز رحمت؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸ = گاه رحمت

۳- ۵، ۲۹، ۱۷ = او را کس نه سنجد؛ ۴ = او را کس به سنجد؛ ۲۸ = او را هم نه سنجد؛ ۸ = آن را کس نه سنجد؛ ن

۱، ۳ = او را کس نه سنجد؛ ۲ = او را کس به گنجد

۴- اکبر اله آبادی در اردو گوید: ذهن من جوهر گیالاتها کیو تکر هوا؟ جو سمجد من آگیا پوده خدا کیو تکر هوا؟

۵- ۸ = لب از افسانه؛ همه نسخه های دیگر = در افسانه

۶- ۱، ۲۸ = برند؛ ن ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره = دربند

۷- ۴، ۲۸، ۲۹ = که سنجدی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷ = می سنجی

۸- ۳، ۲۴ = زمان در کام خود کش در ندامت؛ ۸ = زبان در کام در کش زین ندامت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = زبان در

کام کش دل در ندامت

۹- ۲ = بخت؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بخت

۱۰- ۳، ۲۴ = بریس طبع؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نخل طبع

۱۱- ازین بین آشکار می شود که این مثنوی عرفی پیش از آمدن به هند در شیراز آغاز کرده و یا سروده بوده است

که این معنی صواب و رفتن<sup>(۱)</sup> اولیست  
 ترا از گنجینه تا شیراز راه است  
 بکش قبرِ نظامی را در آغوش  
 زیارت نامه‌ای پستان ز خاکش  
 توان ره یافتن زین ارمغانی  
 ترا بنمایم آن گنجینه راز  
 منم<sup>(۳)</sup> کین نغمه بر خود می‌سرایم  
 دل من دادمش مهری که او بست  
 طلاقش گر دهم، داغی ندارم

مگو این بوسه گاه اهل معنیست  
 کنون درگاهِ عرفی بوسه گاه است  
 بیا، دلق و داع انداز بر دوش  
 طلب<sup>(۲)</sup> کن همتی از روح پاکش  
 که نزد آن شهنشاہ معانی  
 چگویم، کاورم در گنجینه شیراز  
 بگویم فاش و برقع برگشایم  
 نظامی با عروس نظم پیوست  
 گذشت ایامِ حُسنش در کنارم

که حاجت داشت بر هر یک نظامی  
 که نوشش بر مسیحا می‌زند نیش  
 که یکسر شبچراغم جوید از گنج  
 ز<sup>(۷)</sup> دریا جز بگوهر در نسازد  
 صفا از<sup>(۸)</sup> کعبه جوید نی<sup>(۹)</sup> مقرنس  
 ز طوبی میوه نارس نگیرد

دو منظوم<sup>(۴)</sup> بود در خوش کلامی  
 یکی هم<sup>(۵)</sup> آنکه ماند این نسخه در پیش  
 یکی این<sup>(۶)</sup> گوهر افروز گهرسنج  
 گرش دریا و هم، لب تر نسازد  
 سهیل از آسمان بیند نه اطلس  
 ابایی<sup>(۱۰)</sup> نیم‌پخت از کس نگیرد

۱- ن ۹ = رفت؛ ن ۲۸ = قبل؟؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹ = رفتن

۲- ن ۹ = طلب کن همت پاک از مفاکش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = طلب کن همتی از روح پاکش

۳- ن ۲ = کیم کاین؛ دیگر همه نسخ = منم کین

۴- ن ۲، ۲۹ = دو منظوم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۹ = منظوم

۵- ن ۲، ۸ = او هم که؛ ن ۳، ۸، ۲۸ = هم او که؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۹ = هم آن که

۶- ن ۲، ۹ = آن؛ ن ۱، ۲، ۵، ۲۸، ۱۷، ۲۹ = این

مجمع‌الضی = ۱۵۹ و اشعار ما بعد

۷- ن ۸ = به؛ دیگر همه نسخ = ز

۸- ن ۲ = در؛ دیگر نسخ مثل ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۹ و غیره = از

۹- ن ۹ = بی؛ ن ۵ = نی مقرنس؛ ن ۱ = نی ز مقرس؛ ن ۸ = می ز مقدس؛ ن ۲۸، ۲۹ = نه مقرس

۱۰- ن ۲۹ = ربانی؟؛ ن ۸ = عنایت؛ ن ۱، ۵، ۲۴، ۲۸ = ابایی

هر<sup>(۱)</sup> آن لفظی که بر معنی کند زور  
 بر آن معنی<sup>(۴)</sup> که لفظ<sup>(۵)</sup> او سقیم است  
 گلی<sup>(۷)</sup> کز خارِ دامانش دریده‌ست  
 نزاکت تا بدین غایت ولی حلم  
 گهر<sup>(۱۱)</sup> جوید ولی از معدنِ خاص  
 اگر سحبانِ خشن<sup>(۱۲)</sup> آرد ببازار  
 وگر عرفی به مستی نغمه‌ سنجد

نسنجد<sup>(۲)</sup> گر سلیمان گفت وگر<sup>(۳)</sup> مور  
 ببخشاید<sup>(۶)</sup> اگر دُرِ یتیم است  
 صبا گر داده از دستش پریده‌ست<sup>(۸)</sup>  
 بدین<sup>(۹)</sup> حد نیست کز<sup>(۱۰)</sup> جاهل خرد علم  
 خزف ریزد ولی از دستِ غَوَاص  
 به دیبا سنجد و گردد خریدار  
 زخجلت دادنِ بلبل نرنجد

نه خویشاوند فرهادم نه مزدور  
 نه خسرو را ز لالا<sup>(۱۳)</sup> زادگانم  
 نه بوسی خواهم از شیرین نه آغوش  
 ز عرَضِ حسنِ شیرین بی‌نیازم  
 از ینها درگذر، اسرارجو باش  
 که بی‌روغن چراغش را دهم نور  
 که بروی<sup>(۱۴)</sup> تیزتر باشد زبانم<sup>(۱۵)</sup>  
 که طوبی خوانمش یا چشمه‌نوش  
 رسد بر خسرو فرهاد نازم  
 به عشق آویز و رمزآموز او باش

۱- ن= ۸ هر آن؛ ن= ۵، ۱ بران؛ ن= ۲، ۳، ۹، ۲۴، ۲۹ گران؛ ن= ۲۸ کزان

۲- ن= ۵، ۱ نه گنجد؛ ن= ۲، ۳، ۸، ۲۴، ۲۹ نه‌سنجد

۳- ن= ۳، ۹، ۲۴، ۲۹ وگر؛ ن= ۸ ور؛ ن= ۱، ۵ کو؛ ن= ۲۸ گر

۴- ن= ۱، ۵، ۲۴، ۲۹ بران معنی؛ ن= ۸ مرآن معنی؛ ن= ۹ هر آن معنی؛ ن= ۲۸ هر آن لفظی

۵- ن= ۲۸ که از معنی؛ ن= ۱، ۲، ۳، ۹، ۲۹ که لفظ او

۶- ن= ۱، ۳، ۵ ببخشاید؛ ن= ۲، ۸، ۹ نه‌بخشاید

۷- ن= ۱، ۵ کو؛ ن= ۸ گر؛ ن= ۲، ۳، ۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹ کز

۸- ن= ۱، ۲۸، ۱ برید؛ ن= ۳، ۹ پرید؛ ن= ۵، ۲۹ برید؛ (در نسخ مختلف قافیه مصراع دوم این بیت (برید) و یا (برید) آمده اما در هر دو صورت معنای مطلوبی ازان برون نمی‌آید)

۹- ن= ۱، ۵، ۸ بدان حد نیست؛ ن= ۲ بدین حد نیست؛ ن= ۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹ بدین حد نیز؛ ن= ۲۸ بدان صد نیز؟

۱۰- ن= ۳، ۲۸ گر؛ ن= ۱، ۵، ۸، ۲۹ کز

۱۱- ن= ۱، ۵، ۱ گر؛ ن= ۲، ۳، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ و غیره = گهر

۱۲- ن= ۳ حشیش؛ ن= ۱، ۵، ۸، ۲۹ خشن

۱۳- ن= ۹ ز شیرین دایگانم؛ ن= ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ ز لاله زادگانم

۱۴- ن= ۸ که تَر ویرتر باشد؛ ن= ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ که بروی تیزتر باشد

۱۵- ن= ۸، ۱۷، ۱۹ زبانم؛ ن= ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ عنانم

نگویم<sup>(۱)</sup> داستان عشق فرهاد  
 نه زان دست این قلم را کرده‌ام تیز  
 اگر آن نامه رازش ناگشاده‌ست  
 تو<sup>(۲)</sup> گرز آن دست این دستان کنی گوش  
 و گرزان و الهی<sup>(۳)</sup> بر قول<sup>(۴)</sup> و دستان  
 صد افلاطون نشان<sup>(۵)</sup> از گوش تا دل  
 سراسر رمز<sup>(۶)</sup> عشق است این ترانه  
 کسی کو<sup>(۷)</sup> یافت کین دریای راز است  
 کسی کو گفت<sup>(۸)</sup> کین بازیچه رنگ است  
 کس از این نکته کر<sup>(۹)</sup> دانش فزون است  
 که مستان را سروری می‌دهم یاد  
 که سنجم نامه شیرین و پرویز  
 ترازوی قیامت ایستاده‌ست  
 فرامش کردنی زنهار می‌نوش  
 که گردی هوشیار از رمز<sup>(۱۰)</sup> مستان  
 که با این رمز<sup>(۱۱)</sup> گردد آشنا دل  
 همه بلبل پَرَد زین آشیانه  
 بگوش او<sup>(۱۲)</sup> گهر را چشم باز است  
 زبان عشق با گوشش به جنگ است  
 نداند عشق، می‌داند که چون است

۱- ن ۹، ۲۴ = نگویم؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۲۹ = نگویم؛ ن ۱۷ = بگویم؟

۲- ن ۱، ۵ = وگر؛ ن ۲، ۳، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = تو گر

۳- ن ۱۷ = واره‌ی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹ = واله‌ی؛ ن ۲۸ = ابله‌ی

۴- ن ۲۹، ۸ = قولِ مستان؛ ن ۲، ۱۷ = قول و دستان؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۸ = قولِ دستان

۵- ن ۸ = مردِ دستان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = رمزِ مستان

۶- ن ۸ = سینه تا دل؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = گوش تا دل

۷- ن ۸ = راز؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸، ۱۷، ۲۹ = رمز

۸- ن ۹ = سبتر؛ ن ۸ = راه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = رمز

۹- ن ۱، ۵ = کان؛ ن ۳، ۸، ۲۸، ۲۹ = کو

۱۰- ن ۱، ۵ = آن؛ ن ۳، ۸ = کو

۱۱- ن ۱۷، ۹، ۲۹ = یافت؛ ن ۱، ۸، ۲۳، ۲۸ = گفت (در نسخ ۲۹، ۹ شعر پیشین نیافته شد و در ۵ شعر موجوده نیست

ولی در چند نسخ دیگر مثل ن ۱، ۲۸، ۳۸ هر دو اشعار وجود دارد)

مجمع‌الفسی = ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵؛ آتشکده = ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۷۵،

۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵

۱۲- ن ۱، ۹، ۲۴ = گر؛ ن ۲، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = کر

صباحی دلگشا، چون خنده<sup>(۱)</sup> حور  
 تـتـق میـبست ابرِ نوبهاران  
 شکم<sup>(۳)</sup> بر سرو سودی ابر سیراب  
 زمین طناز و گردون خشمگین بود  
 عروسی در<sup>(۶)</sup> عروسی دشت در<sup>(۷)</sup> دشت  
 صبا مشاطگی می کرد و می گشت  
 گلش را خوی<sup>(۸)</sup> شبنم کرده سیراب  
 ز شوخی نرگش با خواب در جنگ  
 گهی در خواب و گه بیدار بودی  
 صبا بوی گلش دادی ره آورد  
 شکر خوابِ صبحش تلخ می کرد

۱- ن ۱۷، ۲۴، ۲۸ = طره؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = خنده

۲- ن ۳ = باران؛ همه نسخه های دیگر = یاران

۳- ن ۹ = چمن برابر سودی سرو سیراب؛ ن ۱ = شکم برابر سودی ابر سیراب؛ ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = شکم بر سرو سودی ابر سیراب

۴- ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۹ = آن؛ ن ۷ = او؛ ن ۱، ۳، ۲۴ = این

۵- ن ۳، ۲۴ = آن و ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = این

۶- ن ۱، ۵ = با؛ ن ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = در

۷- ن ۹، ۲۹، ۲۸، ۱۷، ۴ = در درو دشت؛ ن ۱، ۳، ۵، ۲۴ = دشت در دشت؛ ن ۲ = دشت را دشت

۸- ن ۱۷ = خوی شبنم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = آتشکد، مجمع الفصحا = خوی ز شبنم؛ ن ۴، ۲۸ = شبنم خوی

نسیم باغ گفتی در دماغش

مقیم تا برم در صحنِ باغش

گلی در گلشن آرم مست و چالاک

که هر گل صد گریبان را زند چاک

ز بوی گل درآمدِ عطر<sup>(۱)</sup> در تاب

به یک عطسه تهی شد چشمش از خواب

بیاض چشم<sup>(۲)</sup> گلگون، چهره پُر نور

سراپا همچو چشم خویش مخمور

ز نرگس دور کرد آشفته سنبل

هوای ابر دید و نکهتِ گل

زیاد<sup>(۳)</sup> جلوه گلهای سیراب

به بیداری چمن می دید در خواب

به دل گفتا که هنگام صبح است

نسیم باغ و می<sup>(۴)</sup> معجونِ روح است

هوای ابر و بیم آفتاب است

همانا ترکِ آرایش صواب<sup>(۵)</sup> است

اگر بی سرمه ماند چشم غم نیست

تماشای چمن از سرمه کم نیست

مرا آیینه امروز آبِ جو است

گل و نرگس بجای چشم و رویست

صبا از شانهِ به در موشکاف است

پریشانی خود اندر زلف کاف است

۱- ن ۹ = عطر؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = عطسه

۲- ن ۱۷ = دیده؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۸ = چشم

۳- ن ۸ = زنا را آن جلوه گلهای؛ ن ۳، ۵، ۱۷، ۲۸ = ز باد جلوه گلهای؛ ن ۱ = ز یاد جلوه گلهای

۴- ن ۱، ۵ = گل؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، مجمع الفصحا = می؛ آتشکده = و می

۵- ن ۲ = ثواب؛ ن ۱، ۳، ۲۸، ۲۹ و غیره = صواب



عبیر امروز در جییم<sup>(۱)</sup> نگنجد

وگر گنجد، نسیم گل برنجد

فرامش کرد عمداً شستن روی

که در گلزار شوید بر لبِ جوی

ز جام و شیشه سامانِ طرب کرد

نقاب افکند و گلگون<sup>(۲)</sup> را طلب کرد

دوانیدند گلگون پیشِ راهش

ندیدند آشنایی<sup>(۳)</sup> در نگاهش

نهان بودش چراغی زیرِ دامن

بدل کردند گلگون را به توسن

چنان چابک بران بنشست و بشتافت

که دستش را عنان در نیم ره یافت

پرستارانِ خواب آلوده مخمور

پریشان رو<sup>(۴)</sup>، گهی نزدیک و گه دور

چنین<sup>(۵)</sup> رفتند تا نزدیکِ باغی

هنوز آگه نه از عطرش<sup>(۶)</sup> دماغی

۱- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = جییم؛ ن ۳، ۴، ۲۴ = چشم

۲- ن ۳، ۸، ۲۴ = گلگون؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، آتشکده، مجمع الفصحا = مرکب

۳- ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = در؛ ن ۳، ۱۷، ۲۴ = با

۴- ن ۹ = زن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹، مجمع الفصحا = رو؛ ن ۴، ۱۷، آتشکده = ره

مجمع الفصحا و آتشکده = اشعار ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰ آتشکده = ۱۹۵، ۱۹۶

۵- ن ۸ = چنان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۲۸، ۲۹ و غیره = چنین

۶- ن ۹ = بویش؛ ن ۱، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = عطرش

نمودی از برون دیوار گلشن

برنگِ جامهٔ فانوس روشن<sup>(۱)</sup>

بهشتی خالی از چشم و زبان هم

تماشایی در<sup>(۲)</sup> و نه باغبان هم

درون آمد چو شمع در شبستان

دمی استاد بر درگاهِ بستان

رسوم حاجبی و دیده بانی

همی آراست رمزی و بیانی<sup>(۳)</sup>

نشاند آن جا کنیزانِ قصب پوش

ترش رو کرده چندین چشمهٔ نوش

بگفتا<sup>(۴)</sup> این حرمگاه است نی باغ

نه اینجا بار<sup>(۵)</sup> طاووس است و نی زاغ

اگر حور آید، این دروازه بسته است<sup>(۶)</sup>

بگویدش<sup>(۷)</sup> کلید او شکسته است

گر آید باغبان، گوید می سوز

که در باغ آتش افتاده است امروز

خیال من گر آید آشنا نیست

وگر در بشکند، چون او خجل کیست

۱- ن ۸ = توسن؛ ن ۲۹ = برتن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۲۸، ۱۷ = روشن

۲- ن ۴، ۸ = تماشای درون باغبان هم؛ ن ۱۷، ۲۴ = تماشایی در و نه باغبان هم؛ ن ۱، ۵ = تماشایی دران نه باغبان هم؛ ن

۱۸ = تماشا و درون باغبان هم؛ تماشایی درون به باغبان هم

۳- ن ۲۸ = همی آراسته رمزی نهانی؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۲۹ = همی آراست رمزی و بیانی؛ ن ۸ = همی آراست رمزی در

زبانی؛ ن ۴، ۱۷، ۲۴ = همی آراست رمزی و زبانی

۴- آتشکدهٔ مجمع الفصحا = بگفت این جا؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ و غیره = بگفتا این

۵- ن ۱ = یار؛ ن ۵، ۸، ۲۹ و غیره = بار

۶- آتشکده، مجمع الفصحا = بسته؛ همه نسخ کلیات و غیره = بست

۷- ن ۴، ۸، ۹، ۲۸ = بگوید در؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹، مجمع الفصحا، آتشکده = بگویدش

نسیم از در در آید نی ز دیوار  
 چو<sup>(۱)</sup> آید خلوتی باشد نه طرار  
 وگر بیرون شتابد بادِ غماز  
 گر آید نامه آور مرغی از شاه  
 وگر از بیستون پیغام آید  
 چو لعش سیر گشت<sup>(۲)</sup> از درفشانی  
 روش داد آنچنان سروِ روان را  
 که از رشک زمین گشت آسمان را  
 حذر ز آسیبِ ننگ و نام می کرد  
 گران می رفت و استشمام<sup>(۳)</sup> میکرد  
 دلش از بندِ نامحرم رها شد  
 نقاب از روی خود چون کرد مهجور  
 گذشت از تارک سرو<sup>(۴)</sup> چمن نور  
 ز حُسن<sup>(۵)</sup> انباشت<sup>(۶)</sup> صحن<sup>(۷)</sup> بوستان را  
 حلاوت داد لحنِ بلبلان را

۱- ن ۲۹، آتشکده = گر؛ دیگر همه نسخ = چو

۲- ن ۲۹، آتشکده، مجمع الفصحا = شد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ و غیره = گشت

۳- ن ۱۷ = و نازش نام؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۹ = استشمام؛ ن ۲۸ = استفهام

۴- ن ۱۷ = سرو سی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = سرو چمن

۵- ن ۲، ۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = رُحش؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷ = ز حُسن

۶- ن ۸، ۲۹ = آراست؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸ = انباشت

۷- ن ۸، ۱۷ = صحن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = سرو

چنان گلشن<sup>(۱)</sup> ز حُسنش بهره‌ور شد  
 که رنگِ گل شکست<sup>(۲)</sup> و تازه‌تر شد  
 ز شکر خنده آن لعلِ شاداب<sup>(۳)</sup>  
 تبسم در دهانِ غنچه شد آب  
 به شوخی گرم شد چشمِ سیاهش  
 برآمد گردِ هر برگِ نگاهش  
 به هر سو جلوه‌گرز آن<sup>(۴)</sup> چشمِ غماز<sup>(۵)</sup>  
 خیابان در خیابان عشوه و ناز  
 شمال آمد به استقبالِ بویش  
 ولی در راه مانند از بیم خویش  
 صبا در زلفِ سنبُل شانه بگذاشت  
 دويد و برگِ گل از راه برداشت  
 هوا بروی<sup>(۶)</sup> عبیری کز<sup>(۷)</sup> چمن ریخت<sup>(۸)</sup>  
 نخستش<sup>(۹)</sup> از<sup>(۱۰)</sup> حریر یاسمن بیخت  
 به هر دستی که می‌افشانند برگل  
 محبت را بدل می‌کرد بلبل

۱- ۸ = بستان؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = گلشن

۲- ۸ ن ۹ = شکفت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = شکست

۳- ۸ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = شاداب؛ ن ۲، ۸، ۱۷ = سیراب

۴- ۳ گرزین؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = گرزان؛ ن ۲۸ = وان؛ ن ۹ = کردان

۵- ۲۸ = طناز؛ ن ۱، ۲، ۳، ۸، ۱۷، ۲۹، ۹ و غیره = غماز

۶- ۸ = بوی؛ ن ۲۸، ۲۹، ۱، ۵، ۲، و غیره = بروی

۷- ۲۴ = گر؛ ن ۸ = در؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = کز

۸- ۲۸، ۴ = بیخت؛ ن ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = ریخت

۹- ۴ = به جنبش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نخستین

۱۰- ۳، ۲۴ = در؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = از

آتشکده: اشعار ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۰، ۲۲۴؛ آتشکده، مجمع‌الفصی = ۲۱۹

بهر سو می‌چمید آن رشک طویی  
 نهالی<sup>(۱)</sup> می‌شکست از اوج<sup>(۲)</sup> خوبی<sup>(۳)</sup>  
 صبا تا دیدی<sup>(۴)</sup> او را در چمیدن<sup>(۵)</sup>  
 نیارستی به شاخ گل وزیدن  
 چو داد آن ماه داد دلستانانی  
 یکایک عاشقان بوستانی  
 سرودندی به معشوقان آگاه  
 کنایت<sup>(۶)</sup> گونه‌ای از مهر<sup>(۷)</sup> آن ماه  
 به سرو این نغمه قمری<sup>(۸)</sup> داشت در کار  
 که بلبل را به گل زین پس چه بازار<sup>(۹)</sup>  
 به گل این پرده کردی بلبل آهنگ  
 صنم می‌رفت و گل‌های بهاری  
 ز مُرغان چمن در شرمساری  
 چو خوانندی فاخته فرهاد می‌جست<sup>(۱۰)</sup>  
 به هر سویش<sup>(۱۱)</sup> کشیدی همچو مستان  
 نشاطِ خوبی و گشتِ گلستان

- 
- ۱- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۲۸ = نهالی؛ ن ۸ = بهایی؛ ن ۹ = نهانی  
 ۲- ن ۸ = نرخ؛ ن ۱۷، ۲۹ = اوج؛ ن ۱، ۴، ۵، ۲۴، ۲۸، ۹ = موج  
 ۳- ن ۹ = چوبی؛ ن ۵ = خوبی؟؛ ن ۱، ۴، ۲، ۳، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = خوبی  
 ۴- ن ۸ = می‌دید؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = تا دیدی؛ ن ۲، ۹، ۲۸ = تا دید  
 ۵- ن ۱۷ = خمیدن؛ همه نسخه‌های دیگر = چیدن  
 ۶- ن ۱، ۲۹ = کنایت؛ ن ۵، ۸، ۹ = کنایت  
 ۷- ن ۸ = از بهر آن شاه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹ = از مهر آن ماه؛ ن ۲۸ = از بهر آن ماه  
 ۸- ن ۲۸ = مهری؛ ن ۹ = بلبل؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۲۹ و غیره = قمری  
 ۹- ن ۹ = آزار؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۲۸ = بازار  
 ۱۰- ن ۹ = مسمیت؟؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = می‌جست  
 ۱۱- ن ۲۹ = سوی؛ همه نسخ دیگر = سویش

تعالی اللّٰه چه خرّم گلستانی

ز وی<sup>(۱)</sup> فردوس را هر دم زیانی<sup>(۲)</sup>

چنان پُر میوه جیبِ شاخسارش

که گل ناکرده بوگر در بهارش

سراسر نافِ آهو بید مشکش

چکانی<sup>(۳)</sup> بر زمین از تاک<sup>(۴)</sup> خشکش

بـنوعی سنبُلش مفرور و فتّان

که تمثیلش<sup>(۵)</sup> بـزُلفِ حور نتوان

درختانِ جسته شوخ<sup>(۶)</sup> از جامهٔ خواب

تر و خوی کرده و سرسبز و شاداب

چنانِ سالخورده و سر و نوخیز

ز هم نشناختی بینندهٔ تیز

ز آب<sup>(۷)</sup> و سبزه سنبُل رفته در تاب<sup>(۸)</sup>

ز بوی گل بنفشه گشته در تاب<sup>(۹)</sup>

هوا ساقی و خار و گل قدح نوش

چکاوک نغمه زن دیوار و در<sup>(۱۰)</sup> گوش

فغانِ زاغ در بلبل اثر داشت

نواى بلبلان ذوق<sup>(۱۱)</sup> دگر داشت

۱- ن ۱، ۱۷، ۹ = ازو؛ ن ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = زدی

۲- ن ۲، ۸، ۹ = نشانی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = زیانی

۳- ن ۹ = ز می مستی فزاتر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = چکان می بر زمین از

۴- ن ۲۴ = شاخ؛ همه نسخ دیگر = تاک

۵- ن ۸ = تشبیهش؛ دیگر همه نسخ = تمثیلش

۶- ن ۸ = مست؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = شوخ

۷- ن ۲، ۳، ۴، ۲۹ = آب سبزه؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۲۸، آتشکده = آب و سبزه؛ ن ۹ = روی سبزه

۸- ن ۸ = در خواب؛ ن ۱ = پر تاب؛ ن ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، آتشکده = در تاب

۹- ن ۸ = گشته در تاب؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = جسته از خواب

۱۰- ن ۵، ۲۹ = دیوار و در گوش؛ ن ۱، ۲۸ = دیوار در گوش؛ ن ۹ = دیوار در نوش

۱۱- ن ۱، ۱۷، ۲۸ = ذوق؛ ن ۴، ۵، ۲۹ = ذوقی

به آب از سایه گل آتش سپرده<sup>(۱)</sup>  
 سمندر غوطه‌ها در آب خورده  
 چو لحنِ عندلیب آید<sup>(۲)</sup> به رامش  
 شمال از پای خود دزدد خرامش  
 صبا کز فیضِ نرگس شد شرابی  
 گزد<sup>(۳)</sup> هر دم لبش در نیم خوابی  
 به حُسنِ سرو واله شد چنان گل  
 که صوتِ فاخته جوید ز بلبل  
 سراسیمه تذر و از حُسنِ شمشاد  
 ز سرو افتاده در دامانِ صیّاد  
 چمن در دست گویی جامِ جم داشت  
 که هر نقشی<sup>(۴)</sup> که بود از بیش و کم داشت  
 ز خود رو سبزه تا پرورده نسرین  
 همه تمثالِ خسرو بود و شیرین

تو گفتی<sup>(۵)</sup> باغِ مانی<sup>(۶)</sup> در رحم داشت  
 که شکلی نطفه‌ها زین<sup>(۷)</sup> معنی برداشت

۱- ن ۸ = فشرده؛ ن ۲ = گرفته؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = سپرده؛ ن ۲۸ = برده

۲- ن ۸ = آمد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸، ۲۹ = آید

۳- ن ۱، ۵ = گزان؛ ن ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۲۹ = گزد؛ ن ۲۸ = کزو

۴- ن ۸، ۲۸، ۲۹، ۹ = هر نقشی که بود؛ ن ۱، ۵ = هر نقشی بُود

آتش‌کده: ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۶۵؛ مجمع‌الفصحا و آتشکده: ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱

۵- ن ۸، ۲۹ = گویی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸ = گفتی

۶- ن ۹، ۲۸، ۲۹ = باغبانی؛ ن ۱ = باغ معنی؛ ن ۴، ۵، ۸، ۱۷ = باغِ مانی

۷- ن ۱۷ = زین معنی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸، ۲۹ = زین‌گونه

که از بازپچه‌های آسمانی  
گشاد<sup>(۱)</sup> آن در که محکم‌تر کند باز  
ز طراران شاه از در درون جست  
که در<sup>(۵)</sup> دم یک چمن<sup>(۶)</sup> گل رنگ در باخت  
جبینها زرد و بر دیوارها پُشت  
همه حیرت زده چون نقش دیوار  
نه شاید کوچه بیگانگی یافت  
پذیرندش که ایمن زهره کیست  
گاهی بفروختند و گه خریدند  
به منع آشنا بیگانه<sup>(۸)</sup> رانند  
در آید<sup>(۱۰)</sup> آشنای رانده بی خواست  
ولی فرمانبران را ره نه<sup>(۱۲)</sup> این است  
عنان<sup>(۱۴)</sup> جنبان ما فرمان مولی ست<sup>(۱۵)</sup>  
که نازی روکش رغبت نماید

صنم دلشاد از آن عیش نهانی  
فضولی از کنیزان غلط‌ساز  
که<sup>(۲)</sup> ناگه فیلسوفی نامه در دست  
سمومی<sup>(۳)</sup> از در<sup>(۴)</sup> گلشن درون تاخت  
نفسها سرد و بر لبها سرانگشت  
کنیزان سیه‌بخت اندرین کار  
نه بتوان آشنایی را عنان تافت  
ز در بیرون کنندش ایمنی<sup>(۷)</sup> نیست  
متاع مصلحت صدرنگ چیدند  
یکی گفت این جماعت ریز دانند  
چو تنهایی به عشرت<sup>(۹)</sup> خلوت آراست  
یکی گفت این قیاس<sup>(۱۱)</sup> دلنشین است  
اگر دانیم کاین<sup>(۱۳)</sup> اندیشه اولی ست  
یکی گفتم زحُسن این شیوه آید

۱- ن ۸، ۲۹، آتشکده = گشود؛ ن ۵، ۱، ۹، ۱۷، ۲۸ = گشاد

۲- ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = به؛ ن ۱۷ = که

۳- ن ۱۷ = بنوعی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۲۴، ۲۹ = سمومی؛ ن ۲۸ = بکوی

۴- ن ۲۹ = ناگه از؛ دیگر نسخ = از در

۵- ن ۸، ۹ = ناگه؛ ن ۲۸ = دورم؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = دردم

۶- ن ۸ = یک جهان؛ و همه نسخ دیگر = یک چمن

۷- ن ۲۸ = ابلهی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۹ = ایمنی

۸- ن ۲۹ = زانند؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸، ۹ = رانند

۹- ن ۱۷، ۲۸ = بخلوت عشرت آراست؛ ن ۱، ۲، ۲۴ = به عشرت خانه آراست؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = به عشرت خلوت آراست

۱۰- در همه نسخ به همین طور است

۱۱- ن ۹ = تمنا؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = قیاس

۱۲- ن ۳ = به؛ همه نسخ دیگر = نه

۱۳- ن ۸، ۱۷ = این؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۲۹ = کین

۱۴- ن ۲ = عتانی حسن؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = عتانی جنبان

۱۵- ن ۲۸ = اوست؛ دیگر همه نسخ = اولی ست



ز رغبت پیش<sup>(۲)</sup> خواهد<sup>(۳)</sup> رنج<sup>(۴)</sup> بازو  
اگر خواهد، وگرنه رنجشی هست  
که جان بر کف گذارد، دل بر<sup>(۶)</sup> آتش  
گواراتر که<sup>(۷)</sup> راحت کیش بودن  
پذیرفتم زدم سرپنجه با شیر  
بدستی جان، بدستی طرف دامن  
شکستی رنگ رویش رفته رفته  
که می آید کنیزی نا<sup>(۹)</sup> بهنگام  
دلش گفتا من<sup>(۱۱)</sup> آگاهم، ز من پرس  
چو پیش آمد، به حکم غمزه پرسید  
که ای صبح قیامت از رخت چاشت<sup>(۱۴)</sup>  
نسیمت تاج گیر<sup>(۱۵)</sup> مغز شاهان

ولی آن<sup>(۱)</sup> دم که بر دارد ترازو  
یکی گفتا که حُسن است این و سرمست  
سیاوش همتی باید ستم کش<sup>(۵)</sup>  
یکی گفت از مروت ریش بودن  
ز خشم و ناز تا دشنام و شمیر  
زد<sup>(۸)</sup> این دستان و دردم شد خرامان  
گزیدی لب گهی از خود نهفته  
بدید از دور شمشاد گل اندام  
به لعلش غمزه<sup>(۱۰)</sup> گفت از آمدن پرس  
لبش زین<sup>(۱۲)</sup> گفتگو در پوست خندید  
کنیزی<sup>(۱۳)</sup> شیردل آواز برداشت  
حریمت قبله گاه کج کلاهان

۱- ن ۵ = آن که که؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۲۹ = آن دم که

۲- ن ۲، ۳، ۲۴ = پیش؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = پیش

۳- ن ۱۷، ۲۹ = سنجید؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = خواهد

۴- ن ۱۷ = زور؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = رنج

۵- ن ۱۷، ۲۹ = ستم کش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۴ = ستم چس

۶- ن ۱۷، ۲۹ = در؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۴، ۲۹، ۲۸ = بر

۷- ن ۱۷ = ز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = که

۸- آتشکده = در آخر شد یکی ز ایشان؛ مجمع الفصحا = هم آخر شد یکی ز آنان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = زد این  
دستان و دردم شد

۹- ن ۲ = تا؛ ن ۱، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = نا

۱۰- آتشکده، مجمع الفصحا = خنده؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = غمزه

۱۱- ن ۸ = که؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره = من

۱۲- ن ۸ = در؛ دیگر همه نسخ = زین

مجمع الفصحا، آتشکده: شعر ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳

۱۳- ن ۱، ۵، ۲۹ و غیره = کنیز؛ ن ۹ = کنیزی

۱۴- ن ۱، ۵ = خاست؛ ن ۱، ۳، ۸، ۹، ۲۹ = چاشت

۱۵- ن ۲۹، ۴ = باج گیر مغز شاهان؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۴، ۲۸ = تاج گیر مغز شاهان؛ ن ۱۷ = مغز گیر تاج شاهان؛ ن ۹ = باج خواه مغز شاهان

بـدستش نـامه سـربسته شاه  
بـیارد<sup>(۲)</sup> نـامه شاه تـنک دل  
گرفت از موی<sup>(۳)</sup> مویش فتنه پرداز  
که یک یک تار زلف از هم جدا شد  
نسیم اندر دماغش دود می‌گشت  
نگاهش<sup>(۷)</sup> بر لب چشم سیه مست<sup>(۸)</sup>  
به تمکین<sup>(۱۰)</sup> سر همین جنباند و می‌گفت  
اگر با شاه نی، با دیگری هست  
نگردد آن<sup>(۱۱)</sup> سفارش‌ها فراموش

همین<sup>(۱)</sup> دم گرم‌رویی آمد از راه  
اگر فرمان دهد ماه سبک‌دل  
چو بشنید این سخن طاووس طناز  
چنان رنگش برآشف<sup>(۴)</sup> و زجا<sup>(۵)</sup> شد  
ز خشمش<sup>(۶)</sup> باغ زهرآلود می‌گشت  
سیاست نیم‌کش تیغ و سبک‌دست  
ضمیرش در<sup>(۹)</sup> صداندیشه می‌سفت  
به شاه این شوخ چشمان را سری هست  
وگرنه هر کرا دل باشد و هوش

مگو<sup>(۱۲)</sup> سهوست، کو<sup>(۱۳)</sup> سهوی عجب کرد  
بیا، دست تحمّل گیر و می سیر  
دگر بتوان<sup>(۱۴)</sup> طلب کن آن خجل را؟  
گلستان را به حُسن جلوه آراست

عتابش گفت می‌باید ادب کرد  
کرم گفتش پرستار است نی غیر  
حوالت کن به عفو یک تنگدل را  
پذیرفت این سخن وز جای برخاست

۱- آتشکده = کنیزی گفت پیکری؛ ت ۱، ۳، ۵، ۲۸، ۲۹ = همین دم گرم رونی؛ ن ۷، ۸ = همین دم ره نوردی

۲- ۲ = نیارد؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره = بیارد

۳- در همه نسخ (مویه مویش) است اما (موی مویش) درست‌تر می‌نماید

۴- ۸ = بگردید؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = برآشف

۵- ۲۴، ۳ = رها؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = زجا

۶- ۲۹ = خشمش؛ ن ۱، و غیره = چشمش

۷- ۸ = نگاهش تیز بر چشم سیه بست؛ ن ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = نگاهش بر لب چشم سیه مست؛ ن ۱، ۲، ۴ =

نگاهش بر لب و چشم سیه مست

۸- ۱۷، ۸ = بست؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۹ = مست

۹- ۲۴، ۵ = در صدف؛ ن ۱، ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = در صدف

۱۰- مجمع الفصحا = بیک تن؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = به تمکین

۱۱- ۲۹، ۹ = آن؛ ن ۲ = این؛ ن ۱، ۵ = زان

۱۲- ۲، ۳، ۸، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۹ = مگو؛ ن ۱، ۵، ۹ = مگر؛ ن ۲۸ = بکی

۱۳- ۸ = گو؛ ن ۵، ۹، ۲۹ = کین؛ ن ۲ = کای؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۲۴، ۲۸ = کان

۱۴- ۲۸ = نتوان؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = بتوان

دماغش تر<sup>(۲)</sup> شد از جانانه خویش  
 گنهگار از پی قاصد فرستاد  
 که از صهبا کند خالی سبویی  
 تو گویی بیستون را دید در خواب  
 به تکلیف آمدش امید فرهاد  
 که عزم<sup>(۴)</sup> راه در طبعش<sup>(۵)</sup> کند تیز  
 که ساغر در میان دست و لب سوخت  
 هزار اندیشه در هم جلوه گر شد  
 که بازش داشتی عصمت<sup>(۶)</sup> ز پرواز  
 که عفت<sup>(۸)</sup> ز هر دانستی نه تریاک<sup>(۹)</sup>  
 که از شوق لبش پیمان به گذاشت  
 نه آشامیدی و نه<sup>(۱۰)</sup> باز دادی  
 بروی دل در حیرت گشادند  
 چه رفت آخر که اندوه از طرب زاد  
 دماغش بوی نساحرم شنیده ست  
 نیاشامیده جامش می پرد هوش  
 بزیر چشم با همدوش<sup>(۱۲)</sup> می گفت

چو از<sup>(۱)</sup> رفتار طاووسانه خویش  
 گذر بر عفو<sup>(۳)</sup> ناز آمیزش افتاد  
 به سردی تکیه زد بر طرف جویی  
 در افتاد از جمالش عکس در آب  
 هوای بیستونش در سر افتاد  
 یکی ساغر ز ساقی خواست لبریز  
 ولی یساغ شهباز زانسان برافروخت  
 خیال بیستونش مختصر شد  
 گهش زانسان گزیدی بیم طنّاز  
 گهی شوقش چنان می کرد بیباک<sup>(۷)</sup>  
 چنان اندیشه از می غافلش ساخت  
 گرفتگی جام و لختی ایستادی  
 پرستاران نشاط از سر نهادند  
 که این اندیشه یارب<sup>(۱۱)</sup> از چه رو داد  
 صبا گستاخ بر رویش وزیده ست  
 نوایی کرده است از مُرغکی گوش  
 چنین هر کس دُر نابود می سفت

۱- ن ۸ = در؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره = از

۲- ن ۲۴، ۳ = بُر شد؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = تر شد

۳- ن ۹، ۵ = نا آمیزش؛ ن ۲۴، ۳ = از آمیزش؛ ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ناز آمیزش

۴- ن ۱۷ = حزم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = عزم

۵- ن ۹ = راه طبعش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = راه در طبعش

۶- ن ۱۷ = عصمت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۴، ۲۹ = عفت؛

۷- ن ۱۷ = غمناک؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۴، ۲۹ = بیباک

۸- ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۲۹ = نه؛ ن ۳، ۵، ۲۴ = ز؛ ن ۱۷ = به

۹- در نسخه ۲۸، اشعار از ۲۵۹ تا ۲۸۷ نیافته شد

۱۰- ن ۱۷، ۲۹ = نه؛ ن ۱، ۴، ۵، ۲۸ = نی

۱۱- ن ۱، ۴، ۵، ۱۷ = آیا؛ ن ۲، ۳، ۴، ۸، ۲۴، ۲۹ = یارب

۱۲- ن ۲، ۱۹ = همسایه؛ ن ۲۸ = هم با دوش؛ ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷ = با همدوش

که ناگه بانگ توسن زد نگاهش      دوانیدند آهو تگ به راهش  
به توسن جست و توسن قطره زن شد      چمن گلخن شد و گلخن چمن شد

بنام رازدارِ مست و <sup>(۱)</sup> مستور

عمل پیمای مِشتی خاکیِ مغرور <sup>(۲)</sup>

تَباه اندیشه سازِ عیبِ جویان

تَهی مغزی دِه نابود <sup>(۳)</sup> گویان

روان بـخشنده حـوّا و آدم

عیان سازنده بُهتانِ مریم

چو صلح اندیش خواهد دشمنان را

کلید دل کند کذب <sup>(۴)</sup> زبان را

چو خواهد دوستان را گرمِ پرخاش

نماید <sup>(۵)</sup> نقشِ صدق از تهمتِ فاش

بلی بر لوح شاه این نقش بسته‌ست

که شه طرفِ کله را بر شکسته‌ست

به آهو می‌نماید ناخن شیر

زیانش می‌برد ناموسِ شمشیر

نه ز آن جوشم که تهمت کرد دشمن

زبان بنهاد بر گل خار و سوسن

۱- ن ۱، ۲۸، ۲۹ = مست و مستور؛ ن ۲ = هست و مستور؛ ن ۵ = مست مستور

۲- ن ۲ = معذور؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مغرور

۳- ن ۳، ۸، ۲۴ = نابوده؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نابود

۴- ن ۸ = قفل؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸، ۲۹ و غیره = کذب

۵- ن ۳ = که آید؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = نماید

آتشکدهٔ مجمع‌الفصحّا: اشعار ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۱۷؛ آتشکده: ۳۱۰، ۳۲۰

سخن در<sup>(۱)</sup> ساده لوحی‌های شاه است

وگر نه خار ره بر من گیاه<sup>(۲)</sup> است

خوشا یاری که دل آینه<sup>(۳)</sup> اوست

نه<sup>(۴)</sup> سنجد کس<sup>(۵)</sup> به قول دشمن و دوست

وگر سنجد، ادب<sup>(۶)</sup> را جا گذارد

به کس ننویسد<sup>(۷)</sup> آن عیبی که دارد

مزن طعن<sup>(۸)</sup> که رفتی پیش فرهاد

که نارم<sup>(۹)</sup> از صفاهان و شکر یاد

نرفتم تا ز طعن<sup>(۱۰)</sup> آشفته باشم

وگر گویی<sup>(۱۱)</sup> که رفتم، رفته<sup>(۱۲)</sup> باشم

نه آن کبک که اندیشم ز شهباز

نه آن مرغم که بنشینم ز پرواز

کسی کوهر<sup>(۱۳)</sup> نفس جانی<sup>(۱۴)</sup> کشد<sup>(۱۵)</sup> پیش

نه بر من، بر خیال<sup>(۱۶)</sup> من زند نیش

۱- ن ۳، ۲۴ = از؛ ن ۸ = بر؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹، ۲۸ = در

۲- ن ۳ = گناه؛ ن ۲۹ = گواه؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = گیاه

۳- ن ۲۸ = آویزه؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = آینه

۴- ن ۱۷ = به سنجد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ و غیره = نه سنجد

۵- ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = کس؛ ن ۱۷ = کذب؛ ن ۲، ۳، ۴، ۲۸ = کش

۶- ن ۱، ۲، ۳، ۵ = ادب را جان؛ ن ۲۴، ۲۹ = ادب را جا؛ ن ۸ = ادب بر جا؛ ن ۲۸ = ادب را چاک دارد

۷- ن ۱، ۲، ۵، ۸ = ننویسد؛ ن ۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = بنویسد

۸- ن ۱، ۲، ۳ = طعن؛ ن ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = طعنم

۹- ن ۲، ۲۹، آتشکده = دارم؛ ن ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، مجمع‌القصی = نارم؛ ن ۱، ۳، ۲۴ = نازم

۱۰- ن ۱، ۳، ۲۴ = باز طعن؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، مجمع‌القصی = تاز طعن

۱۱- ن ۱، ۵ = گفتی؛ ن ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، مجمع‌القصی، آتشکده = گویی

۱۲- ن ۱، ۳، ۲۴ = فتنه؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، مجمع‌القصی، آتشکده = رفته

۱۳- ن ۲۴ = کوهر؛ همه نسخ دیگر مثل ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = کوهر

گر<sup>(۱۷)</sup> از آغوش من مجنون نباشد

چرا گرد ره گلگون نباشد

چو بینم خسته‌ای کز غم هلاک است

مروّت<sup>(۱۸)</sup> را بپرسم این چه بای<sup>(۱۹)</sup> است

مسیحا تا تواند لب گشودن

نشاید<sup>(۲۰)</sup> ریش<sup>(۲۱)</sup> را ناسور بودن

گلوی تشنه تر کردن نه عیب است

تو دانی کاین نه جای شک<sup>(۲۲)</sup> و ریب است

چه می‌گویم نه هنگام دوروئیست

چه<sup>(۲۳)</sup> جای طنز، جای راست گوئیست

نه شه<sup>(۲۴)</sup> کاذب، نه شیرین بیستون رو

خداوندا<sup>(۲۵)</sup> که بست این تهمتِ نو<sup>(۲۶)</sup>

لبم زانرو برین تهمت بخندد<sup>(۲۷)</sup>

که دشمن تهمتِ دیگر نبندد

۱۴- ن ۲۹ = جایی؛ ن ۱۷ = ؟؟؟؟؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۸ = جانی

۱۵- ن ۴ = کند؛ همه نسخه‌های دیگر = کشد

۱۶- ن ۳، ۱۷، ۲۴، ۲۸ = بر خیالم کش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = بر خیال من

۱۷- ن ۲۸ = اگر زاغوش من؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، و غیره = گر از آغوش من

۱۸- ن ۳، ۲۳ = مرا و را که نپرسم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸ = مروّت را بپرسم؛ ن ۱۷، ۲۹ = مروّت را نپرسم؛ ن ۲۸ = مروّت را بترسم

۱۹- ن ۱۷، ۲۹ = بای؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۲۸ = خاک؛ ن ۳، ۲۴ = حال؟

۲۰- ن ۱۷ = نه شاید؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = نه ز

۲۱- ن ۸ = خسته؛ همه نسخ دیگر = ریش

۲۲- ن ۲ = تنگ و زیب؛ دیگر همه نسخ = شک و ریب

۲۳- ن ۲، ۲۹ = چه؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = نه

۲۴- ن ۸ = او؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = شه

۲۵- مجمع‌الفصحی = خداوندا؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = خداوندا

۲۶- آتشکده = از نو؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷ و غیره = نو

۲۷- ن ۲، ۵، ۱۷، ۲۴، ۲۹ = بخندد؛ ن ۱، ۴، ۸ = نخندد

کسی را کز<sup>(۱)</sup> لب این افسانه‌زاد است

جزای لب دهد دندان و داد است

پس<sup>(۲)</sup> از این نغمه‌های گوش<sup>(۳)</sup> پیوند

نوازان شد به خشم انگیز سوگند

به شاهی کش وفا تعویذ<sup>(۴)</sup> بازوست

به درویشی که شاهش همتر<sup>(۵)</sup> ازوست<sup>(۶)</sup>

به نوش طعنه زن یعنی لب شاه

به جوش حُسن من یعنی شب<sup>(۷)</sup> ماه

به مکتوبی که ناز<sup>(۸)</sup> او را ادب کرد

به مضمونی کزو<sup>(۹)</sup> ناموس تب کرد

به نازی کز عتاب شاه کم نیست

به حلمی<sup>(۱۰)</sup> کش علامت در عدم نیست

بخوبی من که دانی فتنه کیشش

به عهد من که<sup>(۱۱)</sup> خوانی عهد خویشش؟

۱- ن ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = کز؛ ن ۳، ۲۴ = کبر

۲- ن ۵ = پس؛ ن ۱۷، ۹ و غیره = پس

۳- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = گوش؛ ن ۲، ۳، ۲۴ = نوش

۴- ن ۸ = تعویذ جان است؛ ن ۱، ۹، ۴، ۲، ۱۷، ۲۹ = تعویذ باز دست

۵- ن ۸ = هم عنان است؛ همه دیگر نسخه‌ها = هم تراز دست

۶- اشعار از شماره ۲۸۳ تا ۳۲۵ در نسخه نهم جا ندارند

۷- ن ۴ = شب ماه؛ ن ۱، ۸ = تب؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = بت ماه

۸- ن ۱، ۵ = تازان واء؛ ن ۴ = باز او واء؛ ن ۱، ۲، ۳، ۸، ۱۷، ۲۹ = ناز او را

۹- ن ۱، ۵ = کزان؛ همه نسخ دیگر = کزو

۱۰- ن ۸، ۹ = حکمی؛ ن ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره = حلمی؛ ن ۴ = علم

۱۱- ن ۲، ۱۷، ۲۹ = دانی؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸ = خوانی

به آهویی که جستش<sup>(۱)</sup> بام قصر است

به بانویی که شهر آشوب عصر است

به شیری کز هوس در دام آهوست

به شهبازی که دست آموز تیهوست

به یاقوتی که جان داروی شاه است

به باروتی که<sup>(۲)</sup> نرگس دانش چاه است

به آن آهو که عفت هست<sup>(۳)</sup> مشکش

به آن کوثر که تهمت کرد خشکش

به ناموسی که بر شیرین و بال است

به طاووسی که پایش رشک بال است

به شمع کش سخن با آفتاب است

به فانوسی که یک نامش<sup>(۴)</sup> نقاب است

به تشویشی که با من هم سرشت است

به اندوهی که از من در بهشت است

به گیسویی که دانی چند تار است

به مژگانی که بینی در چه کار است

به حُسن من که شهر<sup>(۵)</sup> آشنایست

به عشق من که صیدش روستایی<sup>(۶)</sup> ست

به<sup>(۷)</sup> جام من که بی خسرو نگونست

به چشم من که بی او<sup>(۸)</sup> غرق خونست

۱- ن ۸، ۱۷ = جستش؛ ن ۱، ۲، ۵ = حشش؛ ن ۴ = جنبش؛ ن ۳، ۲۴ = جنبش

۲- ن ۸ = دانش راز چاه است؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹ = که نرگس دانش چاه است

۳- ن ۱، ۳، ۸، ۲۴ = بست؛ ن ۱، ۲، ۱۷، ۲۹ = هست

۴- ن ۸ = رنکش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = نامش

۵- ن ۱ = شهرت؛ همه نسخ دیگر = شهر

۶- ن ۴ = روستائی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = روشنائی

۷- ن ۳، ۴، ۱۷، ۲۴ = جام هر که؛ ن ۸ = جام می که؛ ن ۱، ۲، ۵، ۲۹، آتشکده = من که

۸- ن ۸ = بچشم هر که بی او؛ ن ۲، آتشکده = بچشم من که بی او؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = بچشم هر که بی من



بوصلي من كه محتاج سراغ است  
 بياد من كه مجبوب دماغ است  
 بدین روی ز چشم كوهكن دور؟  
 به محرومی كه گر میرد، شهید است  
 به سوگندی كه با دل بر (۴) زبان است  
 به بهتانی كه سنگ راه صلح است  
 كه تا مالید فرهاد آستین را  
 نه گلگون از شرف بر خویش بالید (۵)  
 همانا نسبت با آن (۷) غم اندیش  
 اگر باشاهم (۹) این نسبت نبودی  
 كجا با من در ثهمت گشودی

۱- ن ۳ = به مجذوبی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = به محزونی

۲- ن ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = یاد ماش؛ ن ۱ = باد ماش

۳- ن ۳، ۲۴ = تا؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = با

۴- ن ۵ = با دل یا زبان است؛ ن ۳، ۸، ۲۹ = با دل بر زبان؛ ن ۱ = با دل با زبان است

آتشكده: شعر ۳۴۱؛ آتشكده، مجمع الفصحا = ۳۵۳، ۳۵۲

۵- ن ۱ = نالید؛ ن ۲، ۳، ۵، ۲۹، ۹ = بالید

۶- ن ۲ = كه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = نه

۷- ن ۲ = او؛ ن ۱، ۳، ۸، ۱۷، ۲۹ و غیره = آن

۸- ن ۱، ۲، ۵ = شد؛ ن ۴، ۲۹ = هشه

۹- ن ۹ = باشد هم؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۹ و غیره = باشاهم

همایی<sup>(۱)</sup> چون تو باید بال گستر  
 که در ظلّش در<sup>(۲)</sup> آرد چون منی سر  
 سحابی چون تو باید سایه انداز  
 بلی،<sup>(۴)</sup> بسیار باهم مهربان اند  
 نباشند<sup>(۶)</sup> از رهم خوشدل<sup>(۷)</sup> ببوی  
 نماند دوستی را آب‌رویی  
 و گری یادآورند<sup>(۸)</sup> از دست<sup>(۹)</sup> و آغوش  
 ز ناموسم به کف<sup>(۱۲)</sup> چندین مثال است  
 چنان تهمت کزان حنظل شود قند  
 کجا باور کند شاو خردمند  
 ولی شاهان دلِ طنّاز دارند  
 که با معشوق میلِ ناز دارند

۱-۲ = همایی بال گستر چون تو باید؛ چو در ظلّش سری چو من در آید؛ دیگر همه نسخ = بطوری که نوشته شد

۲-۱ = ۹، ۵، ۱، ۴، ۱۷، ۸، ۲۹ = در

۳-۱۷ = آرد؛ ۵ = زاید؛ ۱، ۷، ۴، ۸، ۲۹ = آید

۴-۹ = بسی؛ ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = بلی

۵-۸، ۱ = بدانند؛ ۲، ۳، ۹، ۵، ۲۹ = غیره = ندانند

۶-۲۴، ۳ = نباشید؛ ۹، ۱۷ = نباشند؛ ۱، ۵، ۲۹ = نباشد

۷-۴ = چون خوش ببوی؛ ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۴، ۲۹ = خوشدل ببوی

۸-۲۹ = آورد؛ ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷ = آورد

۹-۸ = بوس؛ ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۹ = دست

۱۰-۱۷ = نباید؛ ۱، ۴، ۵، ۲۹ = بیاید

۱۱-۸ = از دل؛ ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = اول

۱۲-۹ = ز کف؛ ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = بکف

۱۳-۲۴، ۳ = فرهاد؛ ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = فرهادت

چو رسم شه بود جوری که دیدیم<sup>(۱)</sup>

کشیدن عیب کس نبود، کشیدیم<sup>(۲)</sup>

چو طی شد نامه رو از گفتگو تافت

به پیش نامه برافکند و رو تافت

به عهدی کان<sup>(۳)</sup> دغا<sup>(۴)</sup> راند آن غلط باز

کجا بودم که باشه گویم این راز

که در سوگند داد صدق داده‌ست

نه بر گلگون بتوسن زین نهاده‌ست

غلط گویم، کجا لب می‌گشودم

به کج بازیش صد ره می‌نمودم

بنام آن که بار دل گران کرد

دعا را محرم رازِ نهان کرد

دعایی کافکند در سینه‌ها فرش

به یک جنبش پرد از سینه تا عرش

هر آن مطلب که در عالم نگنجید<sup>(۵)</sup>

به یک لفظِ دعا گنجاند<sup>(۶)</sup> و بخشید

چو باز آمد به<sup>(۷)</sup> توحیدِ خداوند

دعا را با تعرض داد پیوند

لب ما را دعای شه در آموخت

بجیب هر دعا صد مدعا دوخت<sup>(۸)</sup>

که گوش شاه بر<sup>(۹)</sup> پیغام ما باد

لبش آمادۀ الزام ما باد

صلاح کار بادش نازِ شاهی<sup>(۱۰)</sup>

مبادش خارخار عذر خواهی

نگون باد آن قذح کز زهر پر ساخت

فراموشش مباد آنها که پرداخت

۱- ن ۱، ۴، ۸، ۲۹ = دیدم؛ ن ۵، ۱۷، ۲۴ = دیدیم

۲- ن ۴، ۸ = کشیدیم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۲۹، ۲۴ = کشیدم

۳- ن ۳، ۲، ۲۹ = کین؛ ن ۱، ۵، ۸ = کان

۴- ن ۹ = غلط راند آن دعا باز؛ ن ۱، ۵، ۳ = دعا راند آن غلط باز؛ ن ۲۹ = دعا راندن غلط باز؛ ن ۸ = دعا راند غلط باز؛ ن ۲ = دعا خواندند غلط باز

۵- ن ۲، ۴، ۵، ۲۹ = گنجید؛ ن ۳، ۱۷، ۸، ۲۴، ۲۹ = گنجید

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۳، ۱۷، ۲۹، ۹ = گنجاند و بخشید؛ ن ۲، ۴ = گنجاند و گنجید

۷- ن ۴، ۹، ۱۷ = ز؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۴، ۲۹ = به

۸- ن ۲۹ = سوخت؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۹ = دوخت

۹- ن ۴، ۱۷ = بر؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۴، ۲۹ = با

۱۰- ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۴، ۲۹ = ناز

مبادا نادم <sup>(۱)</sup> از اندیشه خام	جوابی <sup>(۲)</sup> زو دهادش وقت الزام
دبستانش تهی باد از بد اندیش	میاموزاد بد عهدی جز از خویش
رسولش <sup>(۳)</sup> را <sup>(۴)</sup> برین در بار بادا	پیامش خواهش <sup>(۵)</sup> دیدار بادا
دو روزه دوریش دایم مبادا	نگاهش پیش ازین صایم مبادا
نگیرید <sup>(۶)</sup> آتش نازش به هر خام	مبادا صید او را رخنه در دام
شکار آموزش در آب و گل باد	همه صیدش چو شیرین ساده دل باد
لبش خامش مبادا از جوابم	ولی <sup>(۷)</sup> شوقش مگیراد <sup>(۸)</sup> از عتابم <sup>(۹)</sup>
شبش محتاج شمع کس مبادا	شراب طاقتش نارس مبادا
گل آزار کم چیناد از عشق	همه آسودگی بنیاد از عشق
دلش خوش باد تا <sup>(۱۰)</sup> بی ما نشنید	شکر <sup>(۱۱)</sup> را باز <sup>(۱۲)</sup> با <sup>(۱۳)</sup> تلخی <sup>(۱۴)</sup> نبیند
اگر داند ز ما بر تافتن روی	نه <sup>(۱۵)</sup> لغزادش قدم دیگر درین کوی <sup>(۱۶)</sup>

- ۱- ن، ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = مبادا نادم از؛ ن، ۴، ۲۴ = مبادا نام از؛ ن، ۸ = مبادا نام او؛ ن، ۲ = مباد ایام از
- ۲- ن، ۴ = جواب او دهادش؛ ن، ۵، ۱۷، ۲۹ = جوابی رو دهادش؛ ن، ۲، ۱ = جوابی زود بادش؛ ن، ۸، ۹، ۲۷ = جوابی زود بادش
- ۳- در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷ این بیت بطوری هست که نوشته شد. در نسخ ۲، ۳، ۴، ۲۴ مصرع اول بین مصرع ثانیت و مصرع ثانی مصرع اول - در دیگر نسخ مثل ن، ۹، ۲۹ این بیت موجود نیست.
- ۴- ن، ۳، ۸ = خواهش دیدار بادا؛ ن، ۱، ۲، ۵ = را برین دربار
- ۵- ن، ۹ = درویش؛ ن، ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷ = دوریش؛ ن، ۲۹ = روزیش
- ۶- .....
- ۷- .....
- ۸- ن، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = مگیراد
- ۹- ن، ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = تقابم؛ ن، ۴ = کتابم
- ۱۰- ن، ۲ = با هامون نشیناد؛ ن، ۲۹ = تا بی ما نشیناد؛ ن، ۱، ۴، ۹، ۲۷ = نشنید
- ۱۱- ن، ۹ = ز؛ ن، ۴، ۵، ۱۷، ۲۹ = را
- ۱۲- ن، ۱، ۴، ۵، ۹، ۲۹ = باد؛ ن، ۳، ۱۷، ۲۴ = باز
- ۱۳- ن، ۱۷ = با؛ ن، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۹، ۲۹، ۸ = تا
- ۱۴- ن، ۲۹ = با تلخی نه بیناد؛ ن، ۱۷ = با تلخی نه بیند؛ ن، ۱، ۴، ۸ = تا تلخی نه بیند؛ ن، ۲ = تلخی تا نه بیناد
- ۱۵- ن، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = نه لغزادش؛ ن، ۱ = بلغزادش؛ ن، ۴ = میفرادش؟
- ۱۶- ن، ۴ = درین سوی؛ ن، ۸، ۲۹ = درین کوی؛ ن، ۱، ۲، ۵ = دران کوی

رموزش جمله بد عهدی او باد  
 مبادا گم خیالش از دماغم  
 ز خوی<sup>(۲)</sup> ناز کانش دل مگیراد  
 مبادا کامران هم مطلب او  
 دلش خالی مباد از درد یاری<sup>(۵)</sup>  
 کم از شیرین مبادا<sup>(۶)</sup> کش برد دل  
 نکو خواهش صلاح اندیش ما باد  
 گوارا باد عهد تازه بستن  
 قبولش باد اگر چه<sup>(۹)</sup> قهرناک است  
 ز شیرین تلخ گویی نگذرا<sup>(۱۲)</sup> ناد  
 به پیش نامه سرافکند<sup>(۱۴)</sup> و برخاست<sup>(۱۵)</sup>  
 برد، پیغام ما غیر از دعا نیست

ندیم بزمگاهش رمز<sup>(۱)</sup> گو باد  
 شبستانش مبادا بسی چراغم  
 تمنّایش به ناکامی نمیراد  
 مبیناد<sup>(۳)</sup> آفت دندان لب او  
 اگر با درد ما خوش نیست<sup>(۴)</sup> باری  
 ز شیرین گر بصد جان وافر و دل  
 بد اندیشش اسیر نیش مبادا  
 فرامش<sup>(۷)</sup> باد ذوق دل شکستن  
 دعای ما که شهدی<sup>(۸)</sup> زهرناک است  
 صلاح<sup>(۱۰)</sup> خویش در تلخی مداناد<sup>(۱۱)</sup>  
 چو این مکتوب سر<sup>(۱۳)</sup> درگم بیاراست  
 که راز ما به مکتوب آشنا نیست

صنم بر می تراشید از یکی سنگ

یکی کفر آزمای دانش آهنگ

- 
- ۱- ن ۹ = رزم گو باد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = رمز گو باد  
 ۲- ن ۳، ۲۴ = جوی ناز کانش؟ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = خوی ناز کانش  
 ۳- ن ۵، ۹ = نه بیناد؛ ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۷، ۲۹ = بیناد  
 ۴- ن ۱، ۲۹ = یادی؛ ن ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = باری  
 ۵- ن ۲۹ = باری؛ ن ۵، ۸، ۱۷، ۹، و غیره = یاری  
 ۶- ن ۳، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۹ = مباد آن کش برد دل؛ ن ۱، ۵، ۸ = مبادا کش برد دل  
 ۷- ن ۲، ۲۹ = حرامش؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۴ = فرامش  
 ۸- ن ۱، ۲، ۹ = شهدی؛ ن ۲۹ = شهدی  
 ۹- ن ۸ = گراد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = اگر چه  
 ۱۰- ن ۴ = صلاحی  
 ۱۱- ن ۱، ۵ = پداناد؛ ن ۳، ۲۹ = مداناد؛ ن ۸ = نداناد؛ ن ۹ = مبیناد  
 ۱۲- ن ۹ = بگذرای باد؛ ن ۳، ۸ = نگذرا ناد؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = بگذراناد  
 ۱۳- را شیرین تر آراست؛ ن ۱، ۵، ۹ = سردر گوهر آراست؛ ن ۲، ۹ = بیاراست  
 ۱۴- ن ۳ = سرافکند؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۹ = برافکند  
 ۱۵- ن ۱، ۵، ۹ = برخواست؛ ن ۴، ۲۹ = برخاست

عجب دارم اگر نادم نباشی  
 که بروی گنج فرصت می فشانی  
 صفای جبهه<sup>(۱)</sup> می بخشد سجودش  
 ازو<sup>(۲)</sup> آفاق را نور است در نور  
 نشانهای خداوند جهان است  
 خداوند جهان بر می تراشی  
 تسلی می تراشم نی خداوند  
 بدان باید دواپی آزمودن  
 انیس خلوت ناکامی است این  
 نمایم تشنه را گه گه سرابی  
 مجازش<sup>(۵)</sup> خود چرا<sup>(۶)</sup> نبود خریدار  
 که کوهی دارد و مو<sup>(۷)</sup> می شکافد

یکی گفتش ازین هیکل تراشی  
 کدام است این متاع رایگانی  
 بگفتا آنکه محتاجم به جودش  
 چراغ سومناب است آتش طور  
 بگفت این گفتگوی زیرکان است  
 زهی نادان<sup>(۳)</sup> و ابله کان تو باشی  
 بگفتا می ندانی حنظل از قند  
 عجب دردیست بی آرام بودن  
 دواي درد بی آرامی است این  
 چو نتوانم بدست آوردن<sup>(۴)</sup> آبی  
 حقیقت را چو هست این جنس در کار  
 بلی، فرهاد هم زین شیوه لافد

### گرامی چهره پردازِ معانی

چنین زد آستین بر نقش مانی

که چون فرزانه فرهاد غم اندیش

به لوح سنگ زد نقش دل خویش

۱- ن ۸ = چهره؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹ = جبهه

۲- ن ۱۷ = ازو آفاق را نور است در نور؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۴، ۲۹، ۲۸ = بود زو شش جهت را نور در نور

۳- ن ۱، ۵ = زهی نادان ابله کو تو؛ ن ۱۷، ۲۹ = زهی نادان ابله کان تو؛ ن ۳، ۴، ۸، ۹ = زهی نادان و ابله کان تو؛ ن ۲۸ = زهر نادان و ابله کایتو

۴- ن ۱، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹ = آورد؛ ن ۴، ۸، ۱۷ = آوردن

۵- ن ۹ = بکاوش؛ ن ۱، ۲، ۵ = مزاجش؛ ن ۳، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = حجازش

۶- ن ۲ = را نبودی جز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۲۸، ۹ = خود چرا نبود

۷- ن ۱۷ = موی شکافد؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۲۴، ۲۹ = مو می شکافد

جهان عار از<sup>(۱)</sup> نگارستانِ چین کرد

فلک صد نوبت<sup>(۲)</sup> آهنگ زمین کرد

چنان طوفانی افتاد اندرین<sup>(۳)</sup> فرش

که می زد موج شهرت سینه<sup>(۴)</sup> بر عرش

که باور داشت با<sup>(۵)</sup> آن ناز و تمکین

که برتابد جهان از حسن<sup>(۶)</sup> شیرین

به شه گفتند نزدیکیانِ درگاه

که تاجِ عرش بادا سایه شاه

مراد هر دو کونت ره نشین باد

هلاک دشمنت در آستین باد

شنیدستیم رازی از زیانها

که ناگفتن<sup>(۷)</sup> به شه دارد زیانها

چنین گویند کاندلر سنگِ خارا

چنان بنگاشت فرهاد آن دل آرا

که بروی هجر<sup>(۸)</sup> شیرین

ندارد غم گرش ناید به تحسین

چنان بنگاشت<sup>(۹)</sup> بروجه دلخواه

که از آینه مستغنی شد آن ماه

۱- ۲۸ = جهانرا عار از کافرستان؟؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، و غیره = جهان عار از نگارستانِ چین

۲- ۲ = بار؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نوبت

۳- ۳، ۲۴ = از ته فرش؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = اندرین فرش

۴- ۲، ۴، ۲۹ = سینه ها؛ ن ۲۸، ۹، ۳، ۵، ۸، ۱ و غیره = بر

۵- ۹ = آن حسن تمکین؛ ن ۸ = آن حسن و تمکین؛ ن ۲۸، ۱۷، ۵، ۳، ۱ و غیره = آن ناز و تمکین

۶- ۲۸ = جهان شیرین؛ ن ۹ = عنای شور شیرین؛ ن ۵، ۱، ۲۹، ۱۷، .....

۷- ۹ = که واگوش به شه؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = که ناگفتن به شه

۸- ۱، ۵، ۲۸ = آمد؛ ن ۸، ۹، ۲۹ = آید

۹- ۲ = چنان بنگاشت او بر وجه؛ ن ۱، ۵ = چنان بنگاشت بر حسب؛ ن ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = چنان بنگاشت بر وجه

چو بشنید این سخن، گشت از جهان سیر  
 زیانش برق شد، گفتار شمشیر  
 بگفت: آن کز دماغِ جهل زاید  
 بدین بیهودگی ژاژی نخواهد  
 شوند از می چو سرخوش<sup>(۱)</sup> جرعه نوشان<sup>(۲)</sup>  
 کنند اوصافِ می، نی می فروشان  
 نه میخوار از شراب افکن خراب است  
 شراب از اوست، مستی از شراب است  
 نکو بنگاشته‌ها<sup>(۳)</sup> صنعت اوست  
 اگر تمثالِ شیرین است، نیکوست  
 گر<sup>(۴)</sup> آن صورت که او سازد به تیشه  
 بر هر نوعش<sup>(۵)</sup> که بنگارد به منقار  
 نه زان خوشتر قلم نقشی برآرد<sup>(۶)</sup>  
 نه زشت<sup>(۸)</sup> آید<sup>(۹)</sup> گرش<sup>(۱۰)</sup> دشمن نگارد<sup>(۱۱)</sup>

۱- ن ۲۴ = بیخود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = سرخوش

۲- ن ۱ = باده؛ ن ۲۸ = ماش؟؛ ن ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۹، ۹ = جرعه

۳- ن ۴ = نکو بنگاشتنها؛ ن ۱۷، ۸، ۹ = نکو بنگاشتن کین؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۲۸، ۲۹ = نکو بنگاشتن کی

۴- ن ۲۴ = بیخود؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = سرخوش

۵- ن ۲، ۳، ۱۷، ۲۴ = نه بیند؛ ن ۱، ۸، ۵، ۲۸، ۲۹ = به بیند

۶- ن ۲، ۲۹، ۲۸ = نوعی؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۴ = نوعش

۷- ن ۲۹ = نگارد؛ ن ۲۸، ۹، ۸، ۳، ۱ و غیره = برآرد

۸- ن ۸ = که؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۲۸، ۱۷، ۲۹ = نه؛ ن ۳ = به

۹- ن ۹ = آرد؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ و غیره = آید

۱۰- ن ۹ = هر آن نقشی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = گرش دشمن

۱۱- ن ۱۷، ۲۸ = بکارد؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۲۹ = نگارد



گر<sup>(۱)</sup> آن صورت شکر بر لوح انگار  
نگارد هم، خودش گردد پرستار  
حسود<sup>(۲)</sup> آن چهره گر صدره گشاید  
گر<sup>(۳)</sup> آید زشت تر، نیکوتر آید  
خیال او کنون<sup>(۴)</sup> کز من رمیدوست  
غیوری همچو من زشتش ندیده ست  
اگر فرهاد، اگر مانی نگارد  
مثالی اوست<sup>(۵)</sup> حُسنِ<sup>(۶)</sup> خویش دارد  
کسی از<sup>(۹)</sup> پرده بیرون آورد دوست<sup>(۱۰)</sup>  
ز عشق ار بهره<sup>(۱۱)</sup> در بودی و غیرت<sup>(۱۲)</sup>  
وگر بستی بحکم صنعت<sup>(۱۳)</sup> خویش  
فرو هشتی نقابی<sup>(۱۴)</sup> هم فرا پیش

۱- ن ۲۸ = کز؛ دیگر همه نسخ = گر

۲- ن ۵، ۹، ۲۸ = حسودان؛ ن ۱، ۴، ۲۹ = حسود آن

۳- ن ۸ = اگر چه زشت تر؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = که آید زشت تر؛ ن ۹، ۲۸ = گر آید

۴- ن ۲، ۹، ۲۹ = گهی؛ ن ۳، ۲۴ = کنی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = کنون

۵- ن ۲۹ = دوست؛ ن ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۷، ۲۸ = و غیره = اوست

۶- ن ۸ = قدر؛ همه نسخ دیگر = حُسن

۷- ن ۲۹ = بلی؛ همه نسخه های دیگر مثل ۱، ۳، ۲، ۵، ۱۷، ۲۸ = ولی

۸- ن ۱، ۴، ۵، ۲۸ = مغز؛ ن ۲، ۳، ۸، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۹ = مغزش

۹- ن ۱، ۵، ۱۷ = از؛ ن ۴، ۹، ۲۸، ۲۹ = کز

۱۰- در نسخه ۸ بیت ۴۱۷ بعد از این بیت بطور زیر یافته شد:

مگر بنگاشتش کین صنعت اوست

اگر تمثال شیرین نیست، نیکوست

۱۱- ن ۴ = بهره اش؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بهره ور

۱۲- ن ۹ = و عبرت؛ ن ۵، ۸، ۱۳ = و غیرت؛ ن ۲، ۲۸، ۲۹ = ز غیرت

۱۳- ن ۹ = شهرت؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = صنعت

۱۴- ن ۹ = فرو بستی نقابی؛ ن ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸ = فرو هشتی نقابی؛ ن ۲۹ = فرو هشتی نقابم

چو بر کس<sup>(۱)</sup> بختِ بد فیروز گردد

هنرمندیش عیب آموز گردد

ز عشقِ ار طینتِ او داشتی رنگ

به دل بستی مثال او نه بر سنگ

چه می‌گویم<sup>(۲)</sup> مثالِ او کدام است

بران<sup>(۳)</sup> بازیچه این تهمت حرام است<sup>(۴)</sup>

چنان<sup>(۵)</sup> شیر<sup>(۶)</sup> افکنی هم شوخ و هم سنگ

مثالش کی<sup>(۷)</sup> بماند خشک بر سنگ

کجا تـمثال او ماند ز رفتار

کجا خورشید گردد نقشِ دیوار

مثالی گر<sup>(۸)</sup> شبیه او کشیدی

پرو بالش ز<sup>(۹)</sup> شوخی بر دمیدی

کسی کانرا<sup>(۱۰)</sup> مثالِ او کند نام

زبان<sup>(۱۱)</sup>ش را وداع اوئی ست باکام

۱- ن ۳، ۸، ۱۷، ۲۴ = نرگس؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹ = برکس

۲- ن ۳، ۲۴ = گوید؛ ن ۲ = گوئی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = گویم

۳- ن ۱، ۵ = بر من؛ ن ۴، ۹، ۲۹، ۲۸ = بران؛ ن ۲، ۸ = پرو

۴- در نسخ ۸، ۲۸، ۲۹ این بیت طوری که نوشته شد یافته می‌شود ولی در نسخ ۱، ۵ مصرع اولی بطور مصرع ثانی و مصرع ثانی بطور مصرع اولی هست

۵- در ن ۲ مصرع اول بطور مصرع دوم و مصرع دوم بطور مصرع اول نیست

۶- ن ۲، ۲۹ = مرد؛ ن ۱۷ = شود؛ ن ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۲۸ = شیر

۷- ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = بماند؛ ن ۴، ۱۷، ۲۸ = نماید

۸- ن ۳، ۸، ۹، ۲۴ = کز؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = گر (شبیه او کشیدی)؛ ن ۲۸ = او شبه گر بر کشیدی

۹- ن ۲، ۴ = بشوخی؛ ن ۱، ۳، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ز شوخی

۱۰- ن ۱، ۵، ۸، ۹ = کورا؛ ن ۲، ۳، ۴، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۲۹ = کانرا

۱۱- ن ۹ = بود از قربِ او مهجور و ناکام؛ ن ۴، ۲۹ = زبان<sup>(۱۱)</sup>ش را وداع اوئی ست باکام؛ ن ۲۸ = زبان<sup>(۱۱)</sup>ش را وداع اوئی هست ادامه پاورقی در صفحه بعد

کسی را کز زبان این هرزه خیزد

اگر من خون نریزم، عشق ریزد

تمت فرهاد و شیرین مولانا عرفی شیرازی

پایان

بهر تو آهسته بگویم، بیا

زمزمه انجمن کبریا

مثنوی

مجمع الالبکار

---

ادامه پاورقی از صفحه قبل

در کام؛ ن ۱۷ = زبانش را وداع اولی ست با کام؛ ن ۸ = زبانش را وداع اولی ست از کام؛ ن ۱، ۵ = زبانش را وداع اولی ست در کام

می شمرم نغمه مستانه را  
رنگ نوی می دهم افسانه را

مجمع الابدکار

بسم الله الرحمن الرحيم	موج نخست است ز بحر قدیم
تا برم این <sup>(۱)</sup> تحفه به تکمیل عرش	زان <sup>(۲)</sup> کنم آرایش قندیل عرش
به که بنام صمد بی نیاز	نامه نواز آیم و عنوان طراز
از اثر او صمدیك رفیع	بر گهر او احدیث وسیع
رنگ <sup>(۳)</sup> رز جامه اصحاب <sup>(۴)</sup> شید	دام <sup>(۵)</sup> نه عابد <sup>(۶)</sup> دل مُرده صید

۱- ن ۲، ۲۹ = نامه؛ ن ۹ = نکته؛ ۸، ۱۷، ۲۸ = تحفه

۲- ن ۱، ۹، ۲۹ = زان؛ ن ۲، ۸، ۱۱، ۲۸ = زو

۳- ن ۲ = رهگذر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹ = رنگ رز

۴- ن ۹ = ارباب؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = اصحاب

۵- ن ۸ = نام؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دام

۶- ن ۲، ۲۹ = گم کرده صید؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸ = دل مرده صید؛ ن ۱۱ = دل کرده صید

غازه فروش سر<sup>(۱)</sup> بازار شرم  
 زهر<sup>(۲)</sup> چکان مژه دلبران  
 شیر<sup>(۳)</sup> گشاینده<sup>(۴)</sup> پستان صبح  
 زمزمه کاو<sup>(۵)</sup> لب ناقوس دل  
 زیور آوازه<sup>(۶)</sup> ناقوسیان  
 آستین<sup>(۷)</sup> افشان نسیم صبا  
 جوهر آیین حوری و شان  
 انجمن آرای حریم سماع  
 بر نفس گرم ترخم فشان  
 بال گشای فلک<sup>(۸)</sup> اندر صعود  
 سرمه کش عبهر زین قلدح  
 راه نماننده آییندگان  
 شمع مه افروز شبستان شب  
 آبله ریز ته دلهای گرم  
 حسن فزاینده عصمت و ران  
 یاسمن افشان<sup>(۹)</sup> گریبان صبح  
 داغ فروز دم طاووس دل  
 زینت<sup>(۱۰)</sup> و آرایش طاووسیان  
 آشتی انگیز اثر بادعا  
 جرعه پیمانه معنی کشان<sup>(۱۱)</sup>  
 نوحه طراز لب<sup>(۱۲)</sup> گرم وداع  
 وز<sup>(۱۳)</sup> اثر گریه تبسم چکان<sup>(۱۴)</sup>  
 ناصیه سای ملک<sup>(۱۵)</sup> اندر سجود  
 وسمه نه<sup>(۱۶)</sup> ابروی قوس<sup>(۱۷)</sup> قزح  
 مایه<sup>(۱۸)</sup> دوهستی پابندگان  
 شیر سحر دوش ز پستان شب

- ۱- ن ۲۸ = رُخ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = سر  
 ۲- ن ۹ = زخم؛ ن ۲۹ = زهره؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷ = زهر  
 ۳- ن ۹ = شهر؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = شیر  
 ۴- ن ۲۹ = کشاینده زیستان؛ ن ۹ = گشاینده بستان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = گشاینده پستان  
 ۵- ن ۱، ۵، ۲۹ = افروز؛ ن ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = افشان  
 ۶- ن ۵ = گاه؛ همه نسخ دیگر = کاو  
 ۷- ن ۸ = آویره؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۹ = آوازه  
 ۸- ن ۱، ۵ = زینت آرایش؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱ = چشمه آرایش؛ ن ۱۷ = زینت و آرایش  
 ۹- ن ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = آستی؛ ن ۱، ۲، ۸، ۲۸ = آستین  
 ۱۰- ن ۱۷ = دُردی کشان؛ ن ۲، ۲۹ = پیمان کشان؛ ن ۴ = معنی و شان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۴ = معنی کشان  
 ۱۱- ن ۲، ۲۹ = دم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = لب  
 ۱۲- ن ۲۸ = بر؛ همه نسخ دیگر = وز  
 ۱۳- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹ = کنان؛ ن ۷، ۸، ۹، ۲۸ = چکان  
 ۱۴- ن ۱، ۵، ۸ = ملک؛ ن ۹، ۲۸، ۱۹ = فلک  
 ۱۵- ن ۱، ۵، ۸ = فلک؛ ن ۲، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ملک  
 ۱۶- ن ۲۹ = گر؛ همه نسخ دیگر = نه  
 ۱۷- ن ۱، ۴، ۲۸، ۲۹ = قوس ترم  
 ۱۸- ن ۱، ۵ = مایه دوهستی؛ ن ۴، ۹، ۲۹ = مایه هستی ده؛ ن ۱۷ = پایه هستی ده

لوح عمل سازِ ورع پیشگان	نامه <sup>(۱)</sup> براندازِ جزع پیشگان
شمع فروزِ حرمِ احترام	نامه سوزِ چمنِ انتقام
بر شفقِ گریه عطارد شمار	بر ورقِ دیده تماشا <sup>(۲)</sup> نگار
تاب ده رشته کوتاؤ عمر	تابه عدم رفته خس از راهِ عمر
صورِ دمی داده بیادِ بهار	نقش <sup>(۳)</sup> کشی کرده خزان را شمار <sup>(۴)</sup>
مُبرغِ شکیبایی ازو سینه تنگ	چهرهٔ بیماری ازو <sup>(۵)</sup> نیم رنگ
گوهرِ دل شسته به دریای خون <sup>(۶)</sup>	نور اثر داده به دود <sup>(۷)</sup> درون
کرده مساحت <sup>(۸)</sup> به دراع <sup>(۹)</sup> صفات	بقلمون مزرعهٔ کاینات
بسوسه نگیرد ز دماغِ سمن <sup>(۱۰)</sup>	کش نفس <sup>(۱۱)</sup> او ندمد در دهن <sup>(۱۲)</sup>
جل <sup>(۱۳)</sup> جلّاله علم شأنِ اوست	عمّ نواله مگسِ خوانِ اوست
برده دل از حُسن، چه یغماست این	گوهر خود زاده چه دریاست این
خاک نشینِ درِ او بندگی	مردۀ بیماریِ او زندگی
ببندگی از داغِ قبولش نگار	گردنِ آزادی از و طوقِ دار
بسکه بود تشنهٔ عفو و عطا	دست نیارد بررهٔ سهوِ ما

۱- ن ۱ = باز؛ ن ۲، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = نامه

۲- ن ۲۸ = تماشا گذار؛ ن ۹ = عطارد نگار؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = تماشا نگار

۳- ن ۲، ۹، ۱۷ = نعش؛ ن ۲۸ = نفس کشی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲۹ = نقش

۴- ن ۱، ۵ = شمار؛ ن ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = شمار

۵- ن ۹ = خیره؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نیم

۶- ن ۹ = دریای جان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دریای خون

۷- ن ۹ = داده به او و دمان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = داده به دودِ درون

۸- ن ۹ = مصاحب؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مساحت

۹- ن ۹ = بر زاغ؟؛ ن ۲، ۱، ۸، ۱۷ = ذراع؛ ن ۵، ۲۸، ۲۹ = زراع

۱۰- ن ۱، ۵، ۹، ۲۸ = سخن؛ ن ۲، ۸، ۱۱، ۲۹ = سمن

۱۱- ن ۹ = سخن او؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نفس او

۱۲- ن ۱، ۵ = سخن؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = دهن

۱۳- در نسخ ۱، ۵ نیافته شد

دیرو حرم دوش به دوش آورد  
 نغمه ناقوس خروشان ازوست  
 لغزش مستانه دهد سهو را  
 ناطقه را راز فروشی دهد  
 سامعه را نغمه<sup>(۳)</sup> پرست آورد  
 تلخ کنند میوه ناموس را  
 تانزد این حله<sup>(۵)</sup> الوان<sup>(۵)</sup> رقم  
 چون به عدم مایه حکمت شمرد  
 زندگی از وی عدم مرده را  
 حلقی<sup>(۷)</sup> عدم را رگ شریان گشود  
 عشوه شیرین به کمان آورد  
 غمزه که شمشیر بدست از وی است  
 دایگی<sup>(۱۰)</sup> حسن دهد ناز را  
 عقل به جاسوسی راز آورد  
 روشنی سینه علم<sup>(۱۲)</sup> از وی است

سبحه و زُئار<sup>(۱)</sup> به جوش آورد  
 سینه هر زمزمه جوشان ازوست  
 چشمه افسوس کند<sup>(۲)</sup> لهو را  
 قفل کری را به خموشی دهد  
 باصره فانوس<sup>(۴)</sup> بدست آورد  
 دست گزان آورد افسوس را  
 بود برهنه عدم اندر عدم  
 حله<sup>(۶)</sup> فروشی به عدم زار برد  
 تازگی<sup>(۶)</sup> از وی دل پژمرده را  
 دلقی<sup>(۸)</sup> الم را کفنی دل نمود<sup>(۸)</sup>  
 وز دل فرهاد نشان آورد  
 بر اثر<sup>(۹)</sup> سینه مست از وی است  
 زمزمه<sup>(۱۱)</sup> آرا کنند آواز را  
 جهل ز دانش به گداز آورد  
 مایه آرایش<sup>(۱۳)</sup> علم<sup>(۱۴)</sup> از وی است

۱- ن ۹ = زئار؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ناقوس

۲- ن ۲۸، ۹ = دهد؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = کند

۳- ن ۹ = نغمه بدست؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نغمه پرست

۴- ن ۹ = فانوس پرست؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = فانوس بدست

۵- ن ۱، ۵، ۹، ۱۱ = حله ایوان؛ ن ۲۸ = حله در ایوان؛ ن ۸، ۲۹ = حله الوان

۶- ن ۲۸، ۹ = نازگی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = تازگی

۷- ن ۱، ۲۸، ۵ = حلق؛ ن ۸، ۱۷ = خلق (در نسخ ۹، ۱۱، ۲۹ نیست)

۸- در ن ۲۸ ابیات از شماره ۴۲ تا ۹۹ نیافته شد

۹- ن ۱۱ = بر اثر از سینه مست؛ ن ۹ = بر اثر نرگس مست؛ ن ۸، ۵، ۲۹ = بر اثر سینه مست؛ ن ۱ = بر اثر شیشه مست

۱۰- ن ۲۸ = آینه؛ همه نسخه های دیگر = دایگی (در ن ۲۸ این بیت بعد از بیت ۳۸ هست)

۱۱- ن ۱۱، ۹، ۲، ۲۹ = نغمگی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = زمزمه آراکند؛ ن ۲۸ = رم کند از رشته

۱۲- ن ۲۸ = علم از دست؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = سینه علم از وی است

۱۳- ن ۲، ۹، ۲۸، ۲۹ = آرایش؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = آرامش

۱۴- ن ۲۸ = حلم؛ ن ۲۹ = علم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = حلم

مرهم ناسور به تعلیم داد  
 دست وجود همه بر بسته بود  
 جنبش نبض عدم آغاز شد  
 دست مآثر<sup>(۳)</sup> ز حنا<sup>(۴)</sup> باز کرد  
 آیت<sup>(۵)</sup> تصویر برآمد به فال  
 شهر عدم را صنم آباد کرد  
 آهوی معنیش به فتراک بست  
 ذوق تجمل به دل<sup>(۷)</sup> خاک داد  
 چهره رنگین به سفیداب شست  
 عجز به دروازه<sup>(۸)</sup> ثانی نشاند  
 بر قید اندازه برید اعتدال  
 بوس<sup>(۱۰)</sup> زمین خودش انعام کرد  
 درد دل افشانند بروی دعا  
 بسته ز خمیازه دهان امید  
 حوصله را صافگه حلم<sup>(۱۴)</sup> کرد

ناصیه عقل به تعلیم داد  
 تاز عنا<sup>(۱)</sup> راه اثر بسته بود  
 چون در جودش به اثر باز شد  
 طوبی حکمت ثمرانداز کرد<sup>(۲)</sup>  
 مصحف معنی بگشود از جمال  
 بانگ عروسان عدم<sup>(۶)</sup> زاد کرد  
 زیور صورت بکف خاک بست  
 کوشش اندیشه به افلاک داد  
 روی شب از چشمه مهتاب شست  
 ناز به درگاه جوانی نشاند  
 رنگ رز<sup>(۹)</sup> عذر نمود انفعال  
 ناصیه را لوح ادب نام کرد  
 نور عمل داد به شمع صفا  
 داد به آوازه<sup>(۱۱)</sup> شراب نوید  
 هاضمه<sup>(۱۲)</sup> را نامزد<sup>(۱۳)</sup> علم کرد

۱- ن ۸، ۵، ۲، ۱ = تاز عنا؛ ن ۱۷، ۲۹ = ناز عتا؛ ن ۱۱ = تاز عقارات

۲- ن ۱۷ = گشت؛ همه نسخ دیگر = کرد

۳- ن ۴ = موثر؛ ن ۱۱ = تاثر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۹ = مآثر

۴- ن ۵، ۲۹، ۱۱ = حنا؛ ن ۹ = حیا

۵- ن ۹ = سورة الشمس؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = آیت تصویر

۶- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = عدم زاد؛ ن ۹ = چمن زاد؛ ن ۲۹ = عدم زاده

۷- ن ۹ = بکف؛ ن ۱، ۱۱، ۲۹، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = به دل

۸- ن ۹ = بدریوزه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = بدروازه

۹- ن ۸ = عزم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = عذر

۱۰- ن ۱، ۵ = نوش زمین بوس؛ ن ۸، ۹، ۲۵ = بوس زمین خودش

۱۱- ن ۱، ۵ = آواز؛ ن ۲، ۸، ۹، ۲۹ = آوازه

۱۲- ن ۵، ۸ = حاضمه؛ ن ۱، ۲، ۹ = هاضمه

۱۳- ن ۹، ۲۹ = علم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱ = حلم

۱۴- ن ۹ = حلم؛ ن ۱، ۲۹، ۵ = علم



چشمه کوش ز تبسم گشاد  
 تخم کرشمه به صنم زار<sup>(۲)</sup> کشت  
 گریه به دل ریخت که برچین خروش  
 آب گل از نغمه بلبل چکاند  
 چاشنی نغمه به آهنگ داد  
 عشق به معماری دلها نشانند  
 کای زیرون<sup>(۵)</sup> رانده درون برشتاب<sup>(۶)</sup>  
 کای ز برون مانده<sup>(۷)</sup> بین عکس راز  
 سایه حسنی بنما آفتاب  
 کوز گهر می طلبد آب و رنگ  
 سینه او هودج لیلی نمود  
 صید مجازی به گوزنان گرو  
 آنچه گرفتگی به زلیخا بریز  
 کودلش از ما به تو آورد روی  
 می نشکاید که نه<sup>(۸)</sup> کاود دلی  
 دست تماشایی یوسف برد  
 تا شود از دیدن بیگانه دور  
 کز الم غیر پذیرد<sup>(۱۱)</sup> شکست

غرفة معنی ز تکلم گشاد  
 دانه غم در دل افکار<sup>(۱)</sup> کشت  
 خنده بلب داد که بردار نوش<sup>(۳)</sup>  
 خون چمن بر ورق گل فشاند  
 زمزمه غم به دل تنگ داد  
 حسن به آرایش سودا نشانند  
 خلوتی آراست برون از حجاب<sup>(۴)</sup>  
 آیینه‌ای داد به دست حجاز  
 گفت به شیرین که بر افکن نقاب  
 پنجه فرهاد بهل زیر سنگ  
 چشمه شوق از دل مجنون گشود  
 راند به صحرای جنونش که رو  
 دامن یوسف بمیان زد که خیز  
 بینش یعقوب ز حرمان بشوی  
 نور وی آرایش هر محفل  
 غیرت<sup>(۹)</sup> حسنش چو بجوش آورد  
 دیده یعقوب بشوید ز نور  
 تیشه زند بر سر<sup>(۱۰)</sup> فرهاد مست

۱- ن ۱۱، ۹ = (نسخه‌های چاپی) = افکار؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = افکار / اچگامه؟

۲- ن ۹ = صنم زار؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = صنم زار

۳- ن ۱، ۵، ۸ = گوش؛ ن ۱، ۲، ۹، ۱۱، ۲۹ = نوش

۴- ن ۹ = حساب؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = حجاب

۵- ن ۱۷ = برون رفته؛ ن ۸ = درون رانده؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = برون رانده

۶- ن ۸ = درد ترشتاب؛ ن ۲۹ = درد هر شب؛ ن ۵ = درون .....؛ ن ۱۱ = درون برشتاب؛ ن ۹ = سایه حسنی به نماز

آفتاب

۷- ن ۱، ۵ = رانده؛ ن ۱۱، ۲۹، ۱۷ = مانده؛ ن ۲ = ماند و

۸- ن ۸ = کارد؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = نه کاود

۹- ن ۱۷ = عزت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = غیرت

۱۰- ن ۹ = دل؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = سر

وانکه برود<sup>(۱۳)</sup> زالم بدرود  
 زهرِ ملامت به زلیخا چشاند  
 چشمه خون کرده عطا کین دل است  
 عشق به دل داده که این رنج تست  
 عین<sup>(۱۷)</sup> وجود است چه<sup>(۱۸)</sup> معنیست این  
 ذره وشی کو که نماید شمار  
 بوقلمون رنگ دهد برگ و بر  
 این همه در بند دو رنگی چراست  
 خار و گل از یک شجر آید برون  
 نور به یک جامه درونست<sup>(۲۱)</sup> و دود  
 گه ز چه بدر آید و گاهی هلال  
 گاه شود مست و گه آید به هوش  
 گه کندش نغمه ناقوس مست  
 از غم و شادی بهم آمیخته  
 باد مسیح و نفیس واپسین

هر که الم دوست بدو بگردد<sup>(۱۲)</sup>  
 دشنه غم بر<sup>(۱۴)</sup> دل یعقوب راند  
 عقل بهم برزده کین جاهل<sup>(۱۵)</sup> است  
 سینه به غم داده که این گنج تست  
 چشمه جود است چه<sup>(۱۶)</sup> مولیست این  
 زین متفرق شده مشتی<sup>(۱۹)</sup> غبار  
 گرچه درین باغ پریشان ثمر  
 صاحب بستان ز تلون جداست  
 از<sup>(۲۰)</sup> چه درین باغچه چند و چون  
 بهر چه در مشعل گاه شهود  
 مه ز چه آغشته<sup>(۲۲)</sup> به نقص و کمال  
 از چه<sup>(۲۳)</sup> دل جرعه دیدار نوش  
 گه رودش بر اثر سبحة دست  
 بهر چه هر دل که برانگیخته  
 کرده زیک چشمه تراوش<sup>(۲۴)</sup> گزین

۱۱-ن ۸، ۵، ۱ = ندیده؛ ن ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = پذیرد

۱۲-ن ۸، ۲۹ = برو بگردد؛ ن ۱۷ = بدو گردد؛ ن ۹ = باد بگردد؛ ن ۱، ۵ = برو بگذرد؛ ن ۱۱ = بگیرد بگرد

۱۳-ن ۱۱ = زانکه نروید زالم غیر درد؛ ن ۹ = وانکه براو زالم بگذرد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = وانکه بردید زالم بدرود

۱۴-ن ۸ = بر؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷ = در (در نسخ ۲، ۹، ۲۹ بیت شامل مثنوی نیست)

۱۵-ن ۱۱ = حامل؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹ = جاهل

۱۶-ن ۹ = چو؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = چه

۱۷-ن ۲۹ = عیش؛ همه نسخ دیگر = عین

۱۸-ن ۹ = چو مولی است؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۱، ۲۹ = چه معنی است

۱۹-ن ۱۱ = مست؛ ن ۱۷، ۲، ۵، ۲۹ = مشتی؛ ن ۱، ۹ = مُشَبَّ

۲۰-ن ۲، ۹، ۱۷، ۲۹ = گرچه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱ = از چه

۲۱-ن ۱۱ = درونست دود؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = درونست و دود

۲۲-ن ۹ = از؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۹ = به؛ ن ۱۱ = فقیص؟

۲۳-ن ۹ = از ته دل جرعه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = از چه دل جرعه

۲۴-ن ۹ = طراوت؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = تراوش

گاه لب از نوحه کنند خونچکان  
 گاه شود جلوه گر از طورِ ناز  
 گاه دهد از مستی وحدت سرور  
 حکمت این<sup>(۱)</sup> رنگ رزیه‌های نفز  
 شاهدِ حال<sup>(۳)</sup> است که این رنگ و بو<sup>(۴)</sup>  
 باغِ وی آلوده نیرنگ نی<sup>(۵)</sup>  
 برگِ تلون به میان هیچ نیست  
 باغ وصالش که تمنا کند  
 از<sup>(۶)</sup> روش این راه نشانی ندید  
 وهم در آمد<sup>(۷)</sup> که نشیند برین  
 سرمه کش دیده ما اعمی است  
 عقل که در وادی<sup>(۸)</sup> برهان شناخت  
 رهبر<sup>(۱۰)</sup> ما، راه صوابش گم<sup>(۱۱)</sup> است  
 پای طلب سود<sup>(۱۳)</sup> در<sup>(۱۴)</sup> اوّل قدم

که ز ترنم گلِ شادی فشان  
 بیدلی انگیزد و عجز و نیاز  
 شاهدهی آموزد و ناز و غرور  
 کاید ازو بوی بهشتم به مغز<sup>(۲)</sup>  
 در چمنِ ماست نه در باغِ او  
 در چمنش آب نه و رنگ نی  
 فصلِ بهار است، خزان هیچ نیست  
 دیده که دارد که تماشا کند؟  
 سایه دسستی و عنانی ندید  
 تیره شدش دیده نابود بین  
 دیده همان در طلبِ سلمی است  
 رو<sup>(۹)</sup> به حرم داشت ولی دیر یافت  
 چهره<sup>(۱۲)</sup> نگویم که نقابش گم است  
 وه که نزد برتر ازین کس علم<sup>(۱۵)</sup>

۱- ن ۹ = ازین؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = این

۲- ورق دارای اشعار از شماره ۴۲ تا ۹۸ در نسخه ۲۸ موجود نیست

۳- ن ۹ = حالی است؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = حال است

۴- ن ۹، ۲۹ = بوی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸ = بو

۵- ن ۹، ۱۱ = نی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = نه (در نسخه ۲۸ بیت موجود نیست)

۶- ن ۵ = آروزش؛ ن ۱ = از روحش؛ ن ۲، ۸، ۹، ۲۹ = از روش

۷- ن ۲۸ = نیارد؛ ن ۱، ۵ = در آید؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۹، ۹ = درآمد

۸- ن ۹ = حیرت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = برهان

۹- ن ۱۱، ۲۹ = ره؛ ن ۱، ۹، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = رو

۱۰- ن ۱۷ = راهبر راه صوابش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = رهبر ما راه صوابش

۱۱- ن ۹ = یکبست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = کم است

۱۲- ن ۱۷ = خیره چگویم؛ ن ۱۱ = چهره بگویم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = چهره نگویم؛ ن ۲۸ = چهره بگویم؟

۱۳- ن ۹ = سوده؛ دیگر همه نسخ = سود

۱۴- ن ۸ = ز اول؛ همه نسخ دیگر = در اول؛ ن ۲۸ = در اندر

۱۵- ن ۹، ۲۸ = قدم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = علم

دستِ کسی حلقه<sup>(۱)</sup> برین در زند  
 معرفتش زیـنَتِ بیرونِ در  
 طفلِ محبّت که حرم زادِ اوست  
 حُسنِ که وی را بود آینه دار  
 حوصله و صل دلارام نیست  
 ماکه و اندازه دیدارِ دوست  
 کوه دل اندازه نعمت شناس  
 شمعِ طلب بر نفروزم به  
 دست بدامانِ طلب چون زخم  
 من کیم اندازه من هیچ نیست  
 گـر<sup>(۲)</sup> بمیان آوردم رو سپید  
 در کنند از راهِ عتابم دلیل<sup>(۳)</sup>  
 عرفی اگر بلبل اگر زاغ اوست  
 کوه علم نیستی برتر زند  
 نقش و نگاریست به خونِ جگر  
 هم بدرونِ نعمت<sup>(۴)</sup> دیدارِ جوست  
 دیده ولی صورتِ آینه دار  
 باده باندازه نه و جام نیست  
 حُسن تماشا و تماشایی اوست  
 تا طلبم نعمت و دارم سپاس  
 در تبِ امید بسوزیم<sup>(۵)</sup>، به  
 ور بزخم، لافِ ادب<sup>(۶)</sup> چون زخم  
 در عدم آوازه من هیچ نیست  
 بر در فردوس نویسم امید  
 شعله<sup>(۷)</sup> نپوشم نچشم<sup>(۸)</sup> سلسبیل  
 نغمه توحیدزنِ باغ اوست

### در ستایش آفریدگار

ای همه عین<sup>(۱۰)</sup> از تو و پاک از همه  
 چشمه هستی دو عالم تویی  
 نغمه طرازِ چمن<sup>(۱۱)</sup> وحدت است  
 نقدِ وجود از تو و خاک از همه  
 من که اناالحق زخم آن هم تویی  
 زیورِ شبه تو محالیت است

۱- ن ۲۹ = حلقه بر در زند؛ ن ۲۸ = طعنه برین در نزد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = حلقه برین در زند

۲- ن ۱، ۵ = نعمت همزاد دست؛ ن ۸، ۱۱، ۲۹ = نعمت دیدارِ جوست؛ ن ۹ = نغمه دیدارِ اوست

۳- ن ۲، ۹ = دیده و دل صورت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دیده ولی صورت؛ ن ۱۱ = دیده بی صورت

۴- ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = نه سوزیم؛ ن ۲، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = بسوزیم

۵- ن ۵ = منی؛ ن ۱، ۲، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = ادب؛ ن ۱ = طلب

۶- ن ۹ = در؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = گر

۷- ن ۱، ۸، ۱۱ = ذلیل؛ ن ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دلیل

۸- ن ۹ = نپوشم؛ ن ۱۱، ۵، ۲۹، ۲۸ = بنوشم؛ ن ۲ = نپوشم

۹- ن ۲، ۸، ۱۷ = نه خم؛ ن ۱، ۹، ۲۹ = نچشم؛ ن ۲۸ = نجس؛ ن ۱۱ = نچشم

۱۰- ن ۱، ۹، ۱۱، ۲۸ = عین؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = عین از تو

۱۱- ن ۸، ۲۹ = طراز از چمن؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۱، ۲۸ = طراز چمن

در بر هستی تو هستی مجاز  
ذات تو مفتونِ اثرهای تو  
حسنِ تو در جلوه فروشی علم  
صورت از آوازه جود تو مست  
از تو بود روز و شب الفت گرای  
قصرِ بهار از تو معنیر اساس  
نیلی زلفِ تو پذیرد شکست  
طبعِ تحمّل ز تو آرام گیر  
عقلِ ببازارِ تو کاسد متاع  
طبعِ سرود<sup>(۴)</sup> از تو نبرد انتعاش  
نرگسِ شهلاست ز جام تو مست  
دستِ بلا از تو گراید بخون  
شاهدِ ایمان ز تو بس روسپید  
کیسه<sup>(۵)</sup> بری را به طمع<sup>(۶)</sup> داده‌ای  
سینه حصارِ غم دل کرده‌ای  
رهبرِ کوی تو عبودیت است  
بودی اگر همچو تویی در وجود  
حسن<sup>(۸)</sup> عبودیت مشت<sup>(۹)</sup> خیال

دیده علمِ تو به کنه تو باز  
علم تو حیرانِ تماشای تو  
حیرت<sup>(۱)</sup> از آن دیده نماید<sup>(۲)</sup> بهم  
معنی از اوصافِ تو کوتاه‌دست  
عنبر و کافور بهم<sup>(۳)</sup> دوش سای  
شاهدِ باغ از تو معطر لباس  
لعلی لب را تو دهی رنگِ بست  
گوش تغافل ز تو زنبق پذیر  
عشق بیزمِ تو پریشان سماع  
سینه شیون ز تو جوید خراش  
طرفِ کله زان به رعونت شکست  
روی حیا از تو بود لاله‌گون  
کفرِ سیه‌رو ز تو مستِ امید  
خشک لبی را به درج داده‌ای  
می‌کشدم درد<sup>(۷)</sup> و بحل کرده‌ای  
تاجِ صفاتِ تو الوهیت است  
پیش تو بردی به عبادت سجود  
کس<sup>(۱۰)</sup> چه شمارد بدرِ ذوالجلال

۱- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱ = عرفی ازان؛ ن ۱۷ = حیرت ازین؛ ن ۲۸، ۲۹ = حیرت ازان

۲- ن ۲۸ = روی نماید؛ ن ۱۷ = بهمانده لبم؛ ن ۱۱ = دیده نماند؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = دیده نماید

۳- ن ۹ = مهم؛ همه نسخه‌های دیگر = بهم

۴- ن ۱۱ = سزو؛ ن ۱۷، ۲۸ = سرور؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = سرود (در ن ۹ شعر نیست)

۵- ن ۱۱ = کینه بری؛ ن ۸ = کیسه بری؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = کیسه بری

۶- ن ۱۱ = بطمع؛ همه نسخ دیگر بشمول ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بطمع

۷- ن ۹ = عقل؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = درد

۸- ن ۲۸ = جنس؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۹ = حُسن

۹- ن ۱۱ = مشت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مشت

۱۰- ن ۹ = کز؛ همه نسخه‌های دیگر = کس

یا مچشان<sup>(۲)</sup> چاشنی بندگی  
 لطف حرام<sup>(۳)</sup> است و سیاست حرام  
 باز بر اسبابِ عمل<sup>(۴)</sup> را به علم  
 باز<sup>(۵)</sup> به صلب<sup>(۶)</sup> عدمش کن نهان  
 سرد<sup>(۸)</sup> کن آهنگِ شش آوازه را  
 مرغِ اثرشان عدم آوازدار  
 شمعِ شفق شعشعه<sup>(۹)</sup> بر آب زن  
 سینۀ دستورِ فلک بر شکاف  
 دستِ شفق نیز بشوی از حنا<sup>(۱۲)</sup>  
 وین قدحِ شیر برافکن<sup>(۱۳)</sup> زبام  
 شعله قلم کن به سر تیغِ باد  
 مُهرِ فنا بر لبِ ایجاد نه  
 چهره روح از عرقِ تن بشوی  
 رائحه گل ز صبا و استان  
 در رو وحدت روشِ ناز گیر  
 کای تو سزاوارِ بهشتی و بس

یا قدری مایه<sup>(۱)</sup> ارزندگی  
 وه که برین طایفه ناتمام  
 کون و مکان طی کن و بگذار حلم  
 آنچه به آن حامله است آسمان  
 زرد<sup>(۷)</sup> کن این نه چمن تازه را  
 هفت تذرو از طیران بازدار  
 سنگ برین شیشه سیماب زن  
 دشنه بهرام بر آر از غلاف  
 انجمنِ مهر<sup>(۱۰)</sup> بروب از ضیا<sup>(۱۱)</sup>  
 آینه صبح فرو بر به شام  
 تیرِ فنا را ز کمان ده گشاد  
 شمعِ مسیحا برو باد نه  
 نقش نمود از ورقِ ظن بشوی  
 برگِ اجابت ز دعا و استان  
 جلوه معنی ز صور بازگیر  
 تا کند این زمزمه هر مشیتِ خس

۱-ن ۱۷ = پایه ارزندگی؛ ن ۲، ۵، ۸، ۲۹ = مایه ارزندگی؛ ن ۱، ۹، ۱۱، ۲۸ = مایه ارزندگی

۲-ن ۹ = بشان (بچشان؟)؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مچشان

۳-ن ۲۸، ۹ = حلال؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۱۱ = حرام

۴-ن ۲۸ = علم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹، ۹ = عمل

۵-ن ۱۷ = باکه؛ همه نسخ دیگر = باز

۶-ن ۱، ۵، ۸، ۲ = نصیب؛ ن ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بصلب

۷-ن ۲۸ = زرد کن این چمن؛ دیگر همه نسخ بطوریکه نوشته شد

۸-ن ۱، ۵، ۸ = شست؛ ن ۹، ۱۱، ۲۹ = سرد؛ ن ۲۸ = نیست کن آواز

۹-ن ۲۹، ۲۸ = بر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۱۱ = در

۱۰-ن ۹ = دهر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مهر

۱۱-ن ۱، ۲، ۹، ۱۱ = مباد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ضیا

۱۲-ن ۹ = حنا؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = حنا؛ ن ۲۸ = صبا

۱۳-ن ۱۱، ۱۷، ۲۹ = درافکن؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۸ = برافکن

هستی و ارزنده هستی تویی  
 برگِ رضا برده<sup>(۲)</sup> زیستانِ تو<sup>(۳)</sup>  
 نیازِ ترا هم ز تو شاید نیاز  
 جلوه بخود کن که ترا هم تو بس  
 نامزدِ ردّ و قبولِ تو ایسم  
 هر چه دهی<sup>(۵)</sup> مایه صد منت است  
 نورِ تو در سینه ایمان ما  
 کبکِ دلش زخمی شهباز تو  
 درد پذیرنده ناسور باد

مستی و کیفیتِ مستی تویی  
 ای<sup>(۱)</sup> همه لب تشنه فرمانِ تو  
 حسنِ ترا بر تو حلالست ناز<sup>(۴)</sup>  
 در حرمِ رازِ تو محرم تو بس  
 شاد نشینانِ ملولِ تو ایسم  
 زهرِ غم و شهیدِ طربِ نعمت است  
 منتِ جاویدِ تو بر جانِ ما  
 سینه<sup>(۶)</sup> عرفی حرمِ رازِ تو<sup>(۷)</sup>  
 مرهم<sup>(۸)</sup> ازین زخمِ کهن دور باد

### در حمد حق سبحانه و تعالی

وی تو به غمخواری و آسوده ما  
 عفو<sup>(۹)</sup> تو مشاطه عصیان طراز  
 حلمِ تو بنشاند غضبِ را ز راه<sup>(۱۰)</sup>  
 گر همه نیک است بپوشان زما  
 بندگی از نسبتِ ما شرمسار  
 حوصله ضامن این شرم ده  
 هم گنهم نیست ثمر هم ثواب<sup>(۱۱)</sup>

ای تو به آمرزش و آلوده ما  
 رحمتِ تو کعبه طاعت نواز  
 لطفِ تو دلالِ متاع گناه  
 منفعلم از عملِ ناسزا  
 راستیِ ما ز ریا شرمسار  
 تا ابد از معصیت آرم ده  
 بگذر ازین معصیت بی حساب

۱- ن ۱، ۱، ۲۸، ۵، ای همه؛ ن ۸، ۲۸ = این همه؛ ن ۹ = ما همه

۲- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = برده؛ ن ۹ = بسته

۳- ترتیب اشعار از بیت ۱۶۱ تا ۱۶۴ مطابق نسخ ۵، ۱ هست - در دیگر نسخ قدری اختلاف هست

۴- ن ۱۱ = باز؛ ن ۲۹، ۲۸، ۱۷، ۵، ۲، ۱ = ناز (در نسخه نهم این شعر نیست)

۵- ن ۲۸ = رسد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۹، ۱۷، ۲۹ = دهی

۶- در نسخه ۲۸ اشعار مابعد تا شعر بر صفحه وجود ندارد - برگ افتاده است

۷- ن ۱۷ = تست؛ ن ۹ = لوست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، آتشکده = تو

۸- ن ۹ = مرهمش از زخمِ کهن؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۱۱ = مرهم این زخمِ کهن

۹- ن ۹ = عدل؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = عفو

۱۰- ن ۸، ۱۱ = پناه؛ ن ۹، ۲۹ = پناه؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = ز راه

۱۱- ن ۸، ۱۱، ۲۹ = ثواب؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = صواب (در ن ۹ شعر نیست)

به که نباشم به ترازوی تو<sup>(۲)</sup>  
 تا بگشایم<sup>(۳)</sup> لب خواهش فشان  
 سیر نگردند ز احسانِ تو  
 برتر از آن<sup>(۴)</sup> نیز عنانم بده  
 گرد مرا در رو تسلیم ریز  
 چون بچشم، فهمِ حلاوت ببخش  
 راه به خلوتگه رازم بده  
 شیفته و مست برون آورم<sup>(۵)</sup>

من که و رنجاندن<sup>(۱)</sup> بازوی تو  
 در کرم می‌زندم در دهان  
 چشم و دلم<sup>(۲)</sup> گرسنه چشمان تو  
 آنچه بآن می‌سزم<sup>(۳)</sup> آنم بده  
 صاف امیدم به لب بیم ریز  
 کام مرا شهید عبادت ببخش  
 شهر جبریل نیازم بده  
 در حرم عشق درون آورم<sup>(۴)</sup>

دست بدست آوریش<sup>(۱۰)</sup> در وجود  
 گوشه دستارِ رضایش بده  
 غش کند اندیشه امید و بیم  
 مستی جاوید بزاید<sup>(۱۳)</sup> ز هوش  
 برگ و بر مزرعه‌های امید  
 بی‌اثر باد طلب موج زار  
 تا نزند نغمه‌ای دور از ادب

این گلی پژمرده که از<sup>(۹)</sup> باغِ جود  
 رایحه عطرِ وفایش بده  
 تا بدماغی که رساند<sup>(۱۱)</sup> نسیم  
 نشأه<sup>(۱۲)</sup> توحید در آید به جوش  
 ای تو نوازنده بدستِ نوید  
 بحر عطای تو جواهر شمار  
 منع لبم کن ز سرود طلب

۱- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = رنجاندن؛ ن ۱۱ = برنجاندن؛ ن ۹ = و سنجیدن

۲- ن ۹، ۲۹ = عدل؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱ = تو

۳- ن ۱، ۵، ۸ = نگشایم؛ ن ۲، ۹، ۱۱، ۲۹ = بگشایم

۴- ن ۹ = دلم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = دل

۵- ن ۲۹ = در؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = می‌سزم

۶- ن ۲۹، ۱۱، ۹، ۵، ۸ = از آن؛ ن ۱ = ازین

۷- ن ۱، ۵ = آمدم؛ ن ۹، ۱۱، ۲۹، ۲، ۸ = آورم

۸- ن ۱، ۵ = آمدم؛ ن ۹، ۱۱، ۲۹، ۲، ۸ = آورم

۹- ن ۱۱، ۹ = در؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = از

۱۰- ن ۹ = آورم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹، ۲، ۸ = آوریش

۱۱- ن ۱۱ = ما بدماغی که رسانم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = تا بدماغی که رساند

۱۲- ن ۱۷ = چشمه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = نشأه

۱۳- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = بزیاد ز هوش؛ ن ۹ = برآرد خروش؛ ن ۱۱ = برآید ز هوش



خواهشَم آموخته‌ای چون کنم	تا طلبم وای که دل خون کنم
حرفِ ادب سوز نگویم <sup>(۴)</sup> ، به	از <sup>(۱)</sup> نفس این نغمه <sup>(۲)</sup> بشویم <sup>(۳)</sup> ، به
بال و پر مرغِ دعا بشکنیم	طَرهٔ خواهش به رضا بشکنیم <sup>(۵)</sup>
عهدِ طلب بشکن و دل گرم دار	عرفی ازین نغمه زنی شرم دار
تخمِ تمنا چه نشانیم ما	مصلحتِ کار چه دانیم ما
تا کند اندیشه‌ای از بهر زیست	آدمی، <sup>(۶)</sup> هیچ تر از هیچ کیست <sup>(۷)</sup>
بر اثرِ آن زدی اکنون قدم	دیدِی اگر مصلحتی در عدم
معنیِ این بندگی آزادی است	شادم از و گر غم و گر شادی است
او بکند هر چه پسندیده است	مصلحتِ ما دگری دیده است

### در مدح مالکِ قابِ قوسین

ذوقِ فروش غمِ جاوید ما	ای طلبِ چشمهٔ اُمید ما
وز طلبِ گنج نیاسوده‌ایم	گنج طلب زیر قدم سوده‌ایم
هر طلبی <sup>(۱۰)</sup> غالیه سای ادب <sup>(۱۱)</sup>	هر <sup>(۸)</sup> نفسی چشم <sup>(۹)</sup> گشای طلب
ورنه که داند به توره یافتن	نیست ادب روی زره تافتن
دستِ عدم کی در هستی گشود	ما عدم و ذاتِ تو عینِ وجود
گوهری از هیچ برآورده‌ای	از عدم آرایش ما کرده‌ای

۱- ن ۹ = با؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = از

۲- ن ۱۱ = نیز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = نغمه

۳- ن ۱، ۵ = به شویم نه؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = بشویم به

۴- ن ۱، ۵ = بگوئیم نه؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۱۱، ۲۹ = نگوئیم به

۵- ن ۱، ۵، ۲۹ = نشکنیم؛ ن ۲، ۸ = بشکنیم؛ ن ۱۱، ۱۷ = بشکنم

۶- ن ۸ = آدمی از هیچ؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = آدمی بهیچ

۷- ن ۱۱، ۲۹ = نیست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = کیست

۸- ن ۹ = بر نفسم؛ ن ۲، ۲۹ = هم نفس؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷ = هم نفسم؛ ن ۸ = هم طلبم

۹- ن ۱، ۲، ۵، ۸ = چشم گشای؛ ن ۱۱ = چشم گشاد؛ ن ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = چشمه گشای

۱۰- ن ۱، ۵، ۱۱ = هم طلبم؛ ن ۱، ۹ = هر طلبم؛ ن ۲۹ = هم طلب

۱۱- ن ۱، ۲، ۵، ۸ = غالیه سای ادب؛ ن ۱۱ = غالیه سازِ ادب؛ ن ۹ = غالیه سای طلب

وای بر آن<sup>(۱)</sup> دانه که بی جوهر است  
 نغمه زن<sup>(۲)</sup> یأس برون بین<sup>(۳)</sup> بود  
 نسبت گنج از نی<sup>(۴)</sup> نیست کم  
 در غم آرایش این گوهر است  
 زیب ده این گهر بی بهاست  
 خنده زند بر گهر آفتاب  
 برق مستوره نسبت بسوز  
 ضعف تن و قوت روحم بده  
 سایه سیمرغ کنم آشکار  
 پا<sup>(۹)</sup> ز گرانیم نجند<sup>(۱۰)</sup> ز جای  
 گردد از آن تحت ثری منزل  
 از<sup>(۱۳)</sup> همه سونور وی افتد برون  
 از طیرانم نتوان داشت باز  
 شهر جبریل شود کام من<sup>(۱۵)</sup>

سود و زیان زین گهر آن سوتر است  
 نی غلط، این نغمه نه آیین بود  
 گرچه بزادیم ز بحر عدم  
 نسبت<sup>(۵)</sup> این گنج به کاری<sup>(۶)</sup> در<sup>(۷)</sup> است  
 نسبت این گنج به تعمیر ماست  
 گر خرفی از تو شود<sup>(۸)</sup> نور یاب  
 این گهر از نور عطا بر فروز  
 برگ و بر باغ فتوحم بده  
 ضعف چه ضعفی که ز جسم نزار  
 گر به ضمیرم نهد اندیشه پای  
 ور بفشارد<sup>(۱۱)</sup> قدمی در دلم  
 شمع حیا<sup>(۱۲)</sup> چون بدل آرم درون  
 چون به ضمیرم بپرد مرغ راز  
 مرغ سکون رم کند از دام من<sup>(۱۴)</sup>

۱- ن ۱۱، ۱۷، ۲۹ = برین؛ ن ۲، ۵، ۸ = بران؛ ن ۲۸ = درین

۲- ن ۹، ۱۱، ۲۹ = زنی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = زن

۳- ن ۱۱ = زین؛ ن ۹، ۲۸، ۵، ۱۸ = برون بین؛ ن ۲ = برد بین

۴- ن ۲ = ارنی؛ همه نسخ دیگر = ازلی

۵- در نسخ ۱، ۵ این بیت بعد از دو شعر است

۶- ن ۱۷ = نگاری؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = بکاری

۷- ن ۱۱ = تر؛ ن ۹، ۲۸، ۱۷، ۵، ۸، ۱۰ = در (در ن ۹ این بیت نیست)

۸- ن ۵، ۱۱ = بود؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = شود

۹- ن ۵ = باز گرانیم؛ ن ۱، ۱۱ = باز گرانیم؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = باز گرانیم

۱۰- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = نه جنب؛ ن ۵، ۹، ۱۱ = بجنب

۱۱- ن ۱، ۵ = فشاری؛ ن ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = فشارد

۱۲- ن ۱۱، ۲۸ = رضا؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = حیا؛ ن ۱۱ = جهان

۱۳- ن ۲۸ = از چه وی روی وی؛ همه نسخ دیگر = از همه سونور وی

۱۴- ن ۲۸ = ما؛ دیگر نسخ = من

۱۵- ن ۲۸ = ما؛ دیگر نسخ = من

وز<sup>(۱)</sup> ارنسی چرب زبانی کنم  
 بر سرِ مَجْنُونِ<sup>(۳)</sup> دلم آشیان  
 هر سر مویم صنمستان شود  
 سکه اصلیش برافروز باز  
 اسمِ تو بر لوحِ مسمای ما  
 وین ثمر از باغِ تو بلبل اندکیست  
 هر دو جهان از نفسش مشکبوست  
 هست گلوگیر همه دوستان  
 حوصله سنجانِ ترا این بس است  
 نغمه شایسته نریزد برون  
 تا بکشایم به هوای تو بال  
 نغمه مستانه گشاید لبم  
 زمزمه سنجدلِ شایستگی  
 کشمکش دیو ازو باز<sup>(۱۱)</sup> دار  
 وز<sup>(۱۳)</sup> عدم آباد جهان بگذرد

جلوه به معراج معانی کنم  
 طایرِ معنی کند<sup>(۲)</sup> از باغِ جان  
 وصلِ توام رهزن<sup>(۴)</sup> ایمان شود  
 این زر اندوده بنه در گداز  
 تا نگیرد چشم تماشای ما  
 از ثمراتِ تو محمد یکبست  
 اندکی، اما<sup>(۵)</sup> گلِ مقصود<sup>(۶)</sup> اوست  
 اندکی از میوه این بوستان  
 حوصله با لذتِ او نارس است  
 وای که در باغِ تو این مرغِ دون  
 کو<sup>(۷)</sup> پر جبریلی<sup>(۸)</sup> و گلزارِ حال  
 میکده<sup>(۹)</sup> راز شو و مشریم  
 باز شود قفلِ زبان بستگی  
 رحمتِ خود بر دلِ عرفی گمار<sup>(۱۰)</sup>  
 شام<sup>(۱۲)</sup> اجل کز درِ جان بگذرد

۱- ن ۱۱ = دراز نی؛ ن ۹، ۲۸، ۲، ۲۹ = در ارنی؛ ن ۱، ۵، ۸ = وز ارنی

۲- ن ۲، ۲۹ = کنم؛ ن ۱، ۱۱، ۵، ۸، ۱۷ = کند

۳- ن ۲، ۲۹ = بکنم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = دلم

۴- ن ۹ = روزن؛ ن ۲۸ = رهبر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹، ۱۷ = رهزن

۵- ن ۲ = از ما؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = اندکی اما؛ ن ۲۸ = اندک و اما

۶- ن ۹ = از اوست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = اوست

۷- ن ۹ = کو؛ ن ۱۱ = گو

۸- ن ۹، ۸ = جبریلی گلزار حال؛ ن ۲، ۲۹، ۱۱ = جبریلی و گلزار حال؛ ن ۲۸ = جبریلی به گلزار حال (در نسخ ۱، ۵ این بیت نیافته شد)

۹- این بیت هم در ن ۵، ۱ = نیافته شد

۱۰- ن ۲۹ = نگار؛ همه نسخ دیگر = گمار

۱۱- ن ۲۸، ۸ = دور؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = باز

۱۲- ن ۵، ۱ = اجل؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = اجل

۱۳- ن ۱، ۵، ۹ = از؛ ن ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = وز

از نفّس دور مکن جود را      نورِ شهادت بده این دود را  
مُژده گلزارِ مِخلّد بده      برگ ره از دینِ محمّد بده

### در صفتِ رسولِ اکرم<sup>(۱)</sup>

بوسهٔ اوّل که کلید اثر      زو<sup>(۲)</sup> بدرِ گنجِ بدایع گهر  
در گهر افشانی گنج آفرین      بود محمّد گهرِ اولین  
گشت محیطِ ازلی موج‌دار      تا گهرِ وی فکند بر کنار  
گر نه درش خیمه به ساحل زدی      موجِ قدم کی به سماع آمدی  
چون قلم<sup>(۳)</sup> صنع تحرّک نمود      در رقصِ دایره هست و بود  
دایره را نقطهٔ آغاز گشت      باز بوی دایره‌ای<sup>(۴)</sup> بازگشت

دایهٔ نه<sup>(۵)</sup> شاهدِ هستی فروش      بود ز پستانِ عدم شیر نوش  
کز پی آرامش<sup>(۶)</sup> او در وجود      جنبشِ مهدش زیدالله بود  
آنچه ازل گوشهٔ مهدِ وی است      وانچه ابد توشهٔ عهدِ وی است  
آنکه نقیض آید و برهان طلب      کنت نیّتاً کنمش مهر لب  
صورتِ او خرّم و معنی نژند      هم غم و هم شادی از و سر بلند  
سینهٔ درد از نفّسِ مست جوش      از لبِ اندوه تبسمِ فروش  
روی دل از شربتِ جان تافته<sup>(۷)</sup>      آبِ رُخ از چشمهٔ دل یافته  
جود بدریوزهٔ احسان او      لطفِ ازل مایدهٔ خوان او  
معتکفِ زاویهٔ اتحاد      عهدِ ازل را گره بی‌گشاد

۱- عنوانات تنها در نسخ چاپی (ن ۹، ۱۱) یافته شدند

۲- ن ۲۸ = زو طلبِ گنج؛ ن ۱۱ = زو بدو گنج؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹ = زو بدر گنج

۳- ن ۱ = قدم؛ ن ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = قلم

۴- ن ۱، ۵، ۹، ۲۸ = دایره‌ای بازگشت؛ ن ۲ = دایرهٔ راز؛ ن ۸، ۱۱، ۲۹ = دایره را بازگشت

۵- ن ۱۷ = دایهٔ شاهدِ گه هستی فروش؛ ن ۲۹، ۲ = دایهٔ نه شاهدِ هستی فروش؛ ن ۱، ۵، ۸ = دایهٔ نشاءِ گر هستی

فروش؛ ن ۱۱ = دایهٔ او شاهدِ هستی فروش

۶- ن ۸ = آرایش آن؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = آرامش او

۷- ن ۹ = یافته؛ ن ۲، ۱۱، ۸ = تافته؛ ن ۵، ۱۷، ۲۹، ۲۸ = یافته

روشنی دیده علم و عمل  
 شعله مهرش دل<sup>(۱)</sup> خود سوخته  
 رحمت او بال گشای امل<sup>(۳)</sup>  
 نامه آزادی اهل گناه  
 لاله آمرزش ازو آبناک<sup>(۶)</sup>  
 جامه کولاک بروتنگ درز<sup>(۸)</sup>  
 گیسوش<sup>(۹)</sup> آرایش حبل‌المتین  
 سبع مثنائی مگس شهد او  
 کوثر و تسنیم بدریوزهاش  
 خاک درش مست<sup>(۱۱)</sup> مناجات عشق  
 صیقل او جوهر آیینه دوست  
 گریه او شبنم باغ اثر  
 علم<sup>(۱۵)</sup> وی اندازه آثار<sup>(۱۶)</sup> اوست

گوهر گنجینه صنع ازل  
 شمع مرآت زوی افروخته  
 در<sup>(۲)</sup> چمن روضه لطف ازل  
 صید زیون وی<sup>(۴)</sup> از آن<sup>(۵)</sup> دامگاه  
 سنبل بخشایش ازو تابناک  
 زوگهر<sup>(۷)</sup> شرع گرانمایه طرز  
 سینه او عینک عین‌الیقین  
 نور وفا از نفس<sup>(۱۰)</sup> عهد او  
 چشمه حیوان نمی از کوزه‌اش  
 حسن وی آرایش مرآت عشق  
 دوستیش<sup>(۱۲)</sup> دل طلب و سینه دوست  
 خنده او مرهم داغ جگر  
 حیرت<sup>(۱۳)</sup> او زیور دیدار اوست<sup>(۱۴)</sup>

۱- ن ۹ = لب؛ ن ۲۸، ۲۹، ۱۱، ۸، ۵، ۱ = دل

۲- ن ۲۹ = از؛ ن ۲۸، ۱۷، ۱۱، ۹، ۸، ۵، ۱ = در

۳- ن ۹ = عمل؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = امل

۴- ن ۱، ۵، ۲۹ = دی؛ ن ۴ = دین؛ ن ۲۸ = رای؛ ن ۸ = روی

۵- ن ۲۸ = ازین؛ ن ۱ = ازل؛ ن ۵، ۲۹، ۱۱، ۸ = ازان

۶- بهار عجم = رنگ‌ناک؛ دیگر همه نسخ = آبناک

۷- ن ۲، ۹، ۸، ۱۱، ۲۹، ۱۷ = نهج؛ ن ۱، ۵، ۲۸ = گهر

۸- ن ۲۸، ۲۹، ۹، ۵ = درز؛ ن ۱۱ = ورز

۹- ن ۱، ۵ = گیسوی؛ ن ۲۹، ۲۸، ۱۱، ۹ = گیسوش

۱۰- ن ۹ = اثر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نفس

۱۱- ن ۱، ۵ = هست؛ ن ۹، ۱۱، ۲۹ = مست

۱۲- ن ۲۸ = دوستیش دل طلب سینه اوست؛ ن ۸ = صیقل او جوهر آیینه دوست. علم وی اندازه آثار اوست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹، ۱۱ = بطوری که نوشته شد

۱۳- در نسخ ۲، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ مصرع اولی مصرع ثانی و مصرع ثانی مصرع اولی است

۱۴- ن ۱۷ = بازار دوست؛ ن ۱۱، ۲۹، ۴۰ = دیدار دوست؛ ن ۲، ۲۸، ۵ = دیدار اوست؛ ن ۱ = دیوار اوست

۱۵- ن ۱۷، ۲۹، ۱۱، ۲، ۲۸، ۵، ۱ = علم وی اندازه؛ ن ۹ = معرفتش در خور

۱۶- ن ۱۷ = دیدار دوست؛ ن ۲، ۲۸، ۱۱، ۲۹، ۹ = آثار دوست؛ ن ۱، ۵ = آثار اوست

سایه تحت‌الشریش تاج عرش  
فصلی بهارِ ادب از باغ اوست  
طاعتِ او سلسله تابِ ادب  
لیک ادب سَدّ<sup>(۳)</sup> رو زادن است  
ساخت شفاخانه علم<sup>(۴)</sup> و عمل  
جمله به رنجور دلان برفشاند  
زان لب موسی ارنی سنج بود

این<sup>(۱۰)</sup> هنر افروز<sup>(۱۱)</sup> منزّه ز عیب  
زد علمِ دعوی پروانگی<sup>(۱۲)</sup>  
گفت که ای بی هنر آهسته تر  
سایه که پروانگیش کرد، سوخت  
سایه نور است ولی نورزای  
نور درین سایه تهی مایه است  
آنچه<sup>(۱۴)</sup> نه واجب بجهد از کمند

رفعتِ او عالمِ معراج<sup>(۱)</sup> عرش  
لذّتِ ناموسِ دل از داغ اوست  
روی وضو شسته بآبِ ادب  
از ارنی شوق وی<sup>(۲)</sup> آبستن است  
چون اثرِ لطفِ حکیم ازل  
داروی هر درد که بنشانده<sup>(۵)</sup> خواند  
حقّه معجون ادب<sup>(۶)</sup> گنج<sup>(۷)</sup> بود

در<sup>(۸)</sup> بر این شمع شبستانِ غیب<sup>(۹)</sup>  
روح امین با همه فرزاندگی  
راز گشاینده عیب و هنر  
شمع وصالش نتوان بر فروخت  
ظُلّ الهیست ولی ظُلّ زدای  
سایه آن نور که بی سایه است  
گر بگشاید<sup>(۱۳)</sup> عدم صید بند

۱- ن ۲۸، ۱۷؛ عرش؛ ن ۲، ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = فرش

۲- ن ۱۷ = دل؛ همه نسخه‌های دیگر = وی

۳- ن ۱۷ = بندیره؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = سدّ رو

۴- ن ۱۱ = حکم؛ همه نسخ دیگر = علم

۵- ن ۱۱ = خواند فشاند؛ ن ۲۹ = ننوشت خواند؛ ن ۹، ۱۷ = بنشانده خواند؛ ن ۸، ۲۸ = بنوشت خواند

۶- ن ۹ = ادبش؛ همه نسخ دیگر = ادب

۷- ن ۲۹، ۲۸ = او ربود؛ ن ۱، ۵، ۹ = گنج بود؛ ن ۸، ۱۱ = رنج بود؛ ن ۱۷ = ورنج

۸- ن ۱۱، ۲۹، ۲۸، ۲، ۱۷ = در بر؛ ن ۱، ۵ = بر در

۹- ن ۱۱ = عین؛ همه نسخ دیگر = غیب

۱۰- ن ۸ = ای؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۱ = این؛ ن ۱۷، ۲۸، ۲۹ = آن

۱۱- ن ۱۱ = امروز ترازیب و زین؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = افروز منزّه ز عیب؛ ن ۲۸ = افزوده منزّه ز عیب

۱۲- ن ۲۹ = دادی دیوانگی؛ ن ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = دعوی پروانگی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = دعوت پروانگی

۱۳- ن ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = بگشاید؛ ن ۱، ۵ = نگشاید

۱۴- ن ۹ = ز واجب؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = نه واجب

مایه<sup>(۱)</sup> تقدیر بدستِ وی است  
 و بربرد نقصِ عدم از عدم  
 چون نظرِ عقل ممیز شود  
 صیتِ جلالش زده بر<sup>(۳)</sup> عرش کوس  
 تکیه گهش بالش وحی جلیل<sup>(۵)</sup>  
 بوس<sup>(۷)</sup> لبِ عرش برین<sup>(۸)</sup> زیرِ کام  
 محرم آن پرده مستور بود  
 لیک بررد پردگی آن مقام  
 عرفی ازین زمزمه سیریت نیست  
 نعت سرایی ز لبِ کم مباد  
 هان جگرِ زمزمه را تازه کن  
 وصفِ شبی کن که کند اضطراب  
 بر درِ معنی سرِ بی تاج بر  
 تا دلِ اندیشه گذاری کنم<sup>(۱۲)</sup>

ابر قضا میل پرستِ وی است  
 ممکن و واجب شناسی<sup>(۲)</sup> ز هم  
 در ازلیت مستمیز شود  
 بر<sup>(۴)</sup> درِ او دستِ ادب سینه بوس  
 بالشی<sup>(۶)</sup> مملو ز پرِ جبرئیل  
 می شمرد معنی<sup>(۹)</sup> عزتِ حرام  
 کز قدمش بوس<sup>(۱۰)</sup> ادب دور بود  
 بانگ همی زد که درون تر خرام  
 هیچ محابا ز دلیریت نیست  
 بی ادبی چون تو به عالم مباد  
 بی ادبی را فلک آوازه کن  
 بهر فدا گشتن او آفتاب  
 تاجِ سر از معنی<sup>(۱۱)</sup> معراج بر  
 نامه معراج طرازی کنم

### معراج

۱- در ن ۱۷ مصرع اول بطور مصرع ثانی و مصرع ثانی بطور مصرع اول است - در دیگر نسخ بطور یست که نوشته شد

۲- ن ۱۱ = نه ستایی؛ ن ۲۹ = بشناسی؛ ن ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۷ = نه شناسی

۳- ن ۱۱ = زده بر عین گوش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = زده بر عرش کوس

۴- ن ۸ = در بر او؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = بر در او؛ ن ۱۱ = در بر دوستِ ادب؟

۵- ن ۲، ۱۱، ۲۹ = جلیل؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷ = خلیل

۶- ن ۱، ۲، ۸، ۵، ۱۱، ۲۹ = بالش؛ ن ۱۷ = بالشی

۷- ن ۱۷ = لبس؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = بوس؛ ن ۱۱ = توسن

۸- ن ۱۷، ۹ = برین؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = بران

۹- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = مفتی؛ ن ۹، ۱۱ = معنی

۱۰- ن ۱۷ = لبس؛ ن ۱، ۵، ۱۱ = بوس

۱۱- ن ۹، ۲۹ = عزت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = معنی

۱۲- ن ۱۱، ۲۹ = کنیم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = کنم

ساعتی اندوده<sup>(۱)</sup> به نورِ عطا  
مژده فشاندند<sup>(۲)</sup> به روح‌الامین  
کوسِ بشارت به لبِ بامِ بر  
نرم<sup>(۳)</sup> به بالینِ وی اندر شتاب  
هان نکنی<sup>(۵)</sup> کز پی<sup>(۴)</sup> بیدارش  
دمبدم آهسته بران<sup>(۷)</sup> باغِ جان  
خلوتیانِ حرمِ کبریا  
کای تو بشارت بر سلطانِ دین  
مژده به آرایشِ آرامِ بر  
تا نرمد<sup>(۴)</sup> ناگه از آغوشِ خواب  
لب بگشایی به طلبکاریش  
دامنِ ریحانِ عطا برفشان<sup>(۸)</sup>

کز<sup>(۹)</sup> اثرِ بوی که<sup>(۱۰)</sup> داند چه<sup>(۱۱)</sup> بوست  
چون مژده را نیم گشادی دهد  
عرضِ سلامی بده از<sup>(۱۲)</sup> ما به دوست  
بلبلِ وحیی بترنم در آی  
بر سرِ هر ذره که تازد<sup>(۱۵)</sup> سخن  
وانگه ازین شیوه عنان باز کش  
با نفسِ گرم بجوش و بگوی  
خود بگشاید مژده خوابِ دوست  
دیدۀ او عرضِ سوادِ دهد  
زانکه سلام چو تویی ننگِ اوست  
بر چمنش هر<sup>(۱۳)</sup> چه توان<sup>(۱۴)</sup> می‌سرای  
پیش رو نعت سرایی بکن  
رخت به آرامگه<sup>(۱۶)</sup> راز کش  
خیز که ایزد کندش جستجوی

۱- ن ۱ = ز؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۹، ۲۹ = بنور

۲- ن ۹ = رساندند؛ ن ۱۱، ۲۹، ۸، ۱۷، ۵، ۱ = فشاندند

۳- ن ۱۷ = نرم؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲، ۱۱، ۲۹ = نرم

۴- ن ۱۷، ۱۱، ۹ = نرزد؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۲۹ = نرمد

۵- ن ۱۷ = چکنی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = نکنی

۶- ن ۱۱ = گرمی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ و غیره = کز پی

۷- ن ۱۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = بران باغِ جان؛ ن ۹ = ترا باغِ جان؛ ن ۱۷ = تران؟

۸- ن ۱۱، ۹، ۲۹ = برفشان؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = می‌فشان

۹- ن ۹ = از؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = کز

۱۰- ن ۵، ۱ = چه داند؛ ن ۴، ۹، ۱۷ = که داند؛ ن ۲۹ = بداند؛ ن ۱۱ = کنانند

۱۱- ن ۱۱ = بوست؛ همه نسخ دیگر = بوست

۱۲- ن ۱۷ = از بار دوست؛ ن ۱، ۴، ۸، ۱۱، ۲۹ = اما از دوست؛ ن ۱، ۵ = از ما بدوست

۱۳- ن ۹ = آنچه؛ همه نسخ دیگر = هر چه

۱۴- ن ۸ = توانی سرای؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = توان می‌سرای

۱۵- ن ۱، ۵، ۸ = تازد؛ ن ۱۱، ۱۷ = نازد

۱۶- ن ۲، ۲۹ = ناز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱ = راز



امر چنین است ز<sup>(۱)</sup> جان آفرین  
 پس ز تو این زمزمه چون سر زند  
 پیش بر این مرکب گردون شتاب<sup>(۳)</sup>  
 غاشیه<sup>(۶)</sup> بر دوش بیاور<sup>(۷)</sup> عنان  
 روح امین برگی<sup>(۹)</sup> بشارت گرفت  
 کرد وداع فلک لاجورد  
 سایه طوبی طلبید از بهشت  
 وانگه از آن غالیه گون<sup>(۱۱)</sup> تار و پود  
 ز آن بطرازید<sup>(۱۳)</sup> شب عنبرین  
 تا نکنند دیده آلوده باز  
 لیک ز کامش که بود بوسه<sup>(۱۶)</sup> گیر  
 بسکه بزینت گریش میل بود  
 نوری از آن صبح جبین برگرفت

کز قدمش عرش شود<sup>(۲)</sup> بوسه چین  
 خیزد و دامن به میان بر زند  
 ترک ادب<sup>(۴)</sup> کرده بگیرش رکاب<sup>(۵)</sup>  
 باز همان از جلوش تا<sup>(۸)</sup> توان  
 بال بهم بر زد و رخصت گرفت  
 قاعده مژده‌بری پیشه کرد  
 مردمک دیده به حوران<sup>(۱۰)</sup> نوشت  
 بافت<sup>(۱۲)</sup> یکی نغز حریر کبود  
 برقع افکند<sup>(۱۴)</sup> بروی زمین  
 بهره نگیرد<sup>(۱۵)</sup> ز تماشای راز  
 برقع وی گردد<sup>(۱۷)</sup> از آن خوش حریر  
 دست بآرایش دیگر گشود  
 سنبل شب در<sup>(۱۸)</sup> ثمین برگرفت

۱- ن ۹ = بجان آفرین؛ همه نسخ دیگر = ز جان آفرین

۲- ن ۲، ۲۹ = عرش بود خوشه چین؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = عرش شود بوسه چین

۳- ن ۲، ۲۹ (اصل) = رکاب؛ ۲۹ (ترمیم)؛ ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸ = شتاب

۴- ن ۲۹ = گیر؛ همه نسخ دیگر = کرده

۵- در ن ۲۸ ورقی دارای اشعار از شماره ۲۷۴ تا ۳۰۷ افتاده است

۶- در ن ۱۷ مصرع اولی مصرع ثانی و مصرع ثانی مصرع اولی است

۷- ن ۲۸ = بیاور؛ ن ۹، ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = بیاور

۸- ن ۹، ۱ = ناتوان؛ ن ۱۱، ۲۹، ۲۸ = تا توان

۹- ن ۲ = ترک اشارت؛ همه نسخ دیگر = برگ بشارت

۱۰- ن ۹ = حورا؛ همه نسخ دیگر مثل ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = حوران

۱۱- ن ۹ = غالیه‌بو؛ در باقی نسخ = غالیه گون

۱۲- ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = یافت؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۹ = بافت

۱۳- ن ۱۷ = بطرازیده؛ ن ۲۹ = بطرازیده؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹ = بطرازید

۱۴- ن ۲۹، ۲۸، ۱۱، ۹، ۴ = افکند؛ ن ۱۷ = انداخت؛ ن ۱، ۵ = افکنده

۱۵- ن ۱ = یک روز؛ ن ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = نگیرد؛ ن ۲۸ = بگیرد

۱۶- ن ۲ = بود کاسه؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = بود بوسه گیر؛ ن ۲۸ = شود بوسه گیر

۱۷- ن ۸، ۲۹، ۲۸ = کرد ازان؛ ن ۱، ۵، ۱۱ = گردد ازان

۱۸- ن ۱، ۵، ۸ = در<sup>۱۸</sup> ثمین برگرفت؛ ن ۴، ۹، ۱۱، ۲۸ = در چمن تر گرفت؛ ن ۲۹ = در سمن برگرفت

بر سرِ بالینِ وی آمد فراز  
گشت بران باغِ ترنمِ فشان  
رقص در آموخت بآن<sup>(۱)</sup> تازه سرو  
آستین افشان بر توسن شتافت<sup>(۳)</sup>  
نامِ وی از عالمِ بالا بُراق  
آهوی و همش سگِ دنباله رو  
نرم عنان تر ز کلام فصیح

چون رهش آراست ز هر برگ و ساز  
داد به هنجار اشارت عنان  
عاریتی زمزمه آن تذرو  
خانه فروشانه برفتن شتافت<sup>(۲)</sup>  
توسنِ کرسی کفل<sup>(۴)</sup> عرش ساق  
چون نفسِ اهلِ درون<sup>(۵)</sup> گرم رو  
گرم روش تر ز دعای مسیح

گر بوی از جهل<sup>(۶)</sup> شود<sup>(۷)</sup> همعنان  
تب کند از علّت<sup>(۸)</sup> چابک روی  
فوت شود و هم برنج دوار<sup>(۱۱)</sup>  
دامنِ آرام<sup>(۱۲)</sup> و درنگ از شتاب  
تا به فلک بود سراسر خلا<sup>(۱۳)</sup>  
چشمه نور از دلِ ظلمت گشود<sup>(۱۴)</sup>  
زیرِ قدمِ عزّت<sup>(۱۵)</sup> معراجِ فرش

یک نفس اندیشه سرعت فشان  
گرچه مزاجیش بود معنوی  
گر بوی افتد<sup>(۹)</sup> نظرش در گذار<sup>(۱۰)</sup>  
کرد لبالب چو شد آرام یاب  
تا رود آسوده تر اندر هوا  
جاذبه نسبتِ دریای جود  
از درِ این صومعه تا اوجِ عرش

۱- ن ۱۷ = بران؛ ن ۱، ۵، ۸، ۴، ۲۹ = بآن

۲- ن ۱، ۵، ۸ = شتاب؛ ن ۴، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = شتافت

۳- ن ۱، ۵، ۸ = شتاب؛ ن ۴، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = شتافت

۴- ن ۹ = کفنِ عرش شاق؛ ن ۱۱ = کتلِ عرش ساق؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = کفلِ شاقِ عرش

۵- ن ۱۷ = صف؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = درون

۶- ن ۲۸ = جهد؛ همه نسخ دیگر = جهل

۷- ن ۵ = بود؛ همه نسخ دیگر = شود

۸- ن ۱۷، ۲۸ = غایت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۴، ۹، ۱۱، ۲۹ = علّت

۹- ن ۲۹ = افتدش نظر؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۱، ۲۸ و غیره = افتد نظرش

۱۰- ن ۹ = گذار؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = گذار

۱۱- ن ۹ = دراز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = دوار

۱۲- ن ۹ = دامنِ آرام و درنگ از شتاب؛ ن ۱۷ = دامنِ آرام و درنگ از شتاب

۱۳- ن ۹ = جلا؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = خلا

۱۴- ن ۱۷، ۲۸ = گشود؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = ربود

۱۵- ن ۵ = عزّت و معراج و فرش؛ ن ۱، ۹، ۱۷، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = عزّت معراج فرش

حزر عزیمت به عنان در دمید  
برد<sup>(۱)</sup> به میدانِ فلک ترکناز  
زد به<sup>(۲)</sup> علمگاهِ عطارد قدم  
زهرة رامشگر حوری نژاد  
کرد به میدانِ چهارم شتاب  
حلم وی از مهر دل کج نهاد  
مشتری آوازه وصلش شنف  
جعدِ معنیر به زحل برفشاند  
بر<sup>(۵)</sup> قدمش تا نهمین آسمان  
ز آن حملِ زینتِ تمغاش یافت  
ثور برون آمده از پر<sup>(۸)</sup> و بال  
بهر سـجود ره او توأمان  
چون سرطان بوسه زپایش ریود  
چون اسد آن شیر ژبان را بدید  
سایه آن جعد که دل می فشاند  
سایه<sup>(۱۲)</sup> حلمش<sup>(۱۳)</sup> چو بمیزان فتاد

رشته به هر چار گهر درکشید  
بست به توسن ز قمر طبل باز  
باز تراشید ز جورش قلم  
از نفش عود بر آتش نهاد  
مهر مسیحا ببرید آفتاب  
دشنه بهرام به<sup>(۳)</sup> شهد آب داد  
گردِ ره وی به مصلی برفت  
گوهر وی<sup>(۴)</sup> در ته عنبر نشانند  
ثابت و سیاره<sup>(۶)</sup> جواهرفشان<sup>(۷)</sup>  
با رمه او به چراگه شتافت  
رفته به قربانگه عید وصال<sup>(۹)</sup>  
صد سرش از هر سر مو<sup>(۱۰)</sup> شد عیان  
چشمه حیوان ز سرایش<sup>(۱۱)</sup> گشود  
دست بـدندانِ تحیر گزید  
در چمن سنبله سنبل فشاند  
در سفر تحت ثری رو نهاد

۱- ن ۸، ۱، ۹، ۱۱، ۲۸ = بُرد؛ ن ۵، ۱۷، ۲۹ = کرد

۲- ن ۹ = قدمگاه؛ ن ۱۱ = عملگاه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = علمگاه

۳- ن ۱۱ = به سهراب؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = بزیر آب؛ ن ۴، ۹، ۲۸، ۲۹، ۲ = به شهد آب

۴- ن ۲۸، ۹ = دل؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = وی

۵- ن ۹ = در؛ همه نسخه‌های دیگر = بر

۶- ن ۲۹، ۹ = سیاره؛ ن ۱، ۵، ۸ = سیار

۷- ن ۲۹، ۹ = نشان؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = فشان

۸- ن ۲۹، ۱۷، ۴ = پر و بال؛ ن ۲۸ = از مه و بال؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱ = تیر و بال؛ ن ۲، ۹ = هر دو بال

۹- در ن ۲۸ برگ افتاده است و اشعار تا ۳۳۷ نیافته شد

۱۰- ن ۲۹، ۹ = بن مو؛ ن ۱۱، ۵، ۸ = سر مو

۱۱- ن ۲۹، ۵، ۱ = سرایش؛ ن ۱۱، ۹ = سرایش

۱۲- در ن ۱۷ مصرع ثانی مصرع اول و مصرع اول مصرع ثانی است

۱۳- ن ۹ = جاهش؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = حلمش

بر اثرش راهِ نحوست بـبست  
کز جگر جـدّی سبک خیز جست  
شـربتـی از دلو نـنوشتـید<sup>(۲)</sup> راند  
وز الم تشـنـگی آسـوده شد  
بارگه عرش پُر از مژده گشت  
در ره آن مـرحـله رَقاص بود

تا بدرِ عرش چـنـین<sup>(۸)</sup> پیش رفت  
بر اثرِ روح سبک تـاز گشت  
غـوطـه زـنان عرش به دریای نور<sup>(۱۰)</sup>  
زان سوی هستی<sup>(۱۲)</sup> و برون از عدم<sup>(۱۳)</sup>  
وز قـدم نور لب<sup>(۱۵)</sup> سایه دور<sup>(۱۶)</sup>  
هستی خود هـشـته در اوّل قـدم<sup>(۱۷)</sup>

نیشِ ستم در دم<sup>(۱)</sup> عقرب شکست  
ناوکش از قوس چنان تیز جست  
بسکه به تعجیل فرس می جهاند  
حوت ازان چشمه نم آلوده شد<sup>(۳)</sup>  
از نهمین منظره چون برگذشت  
هر که به هودج<sup>(۴)</sup> بریش خاص بود

یک<sup>(۵)</sup> دو قدم با<sup>(۶)</sup> قدم خویش<sup>(۷)</sup> رفت  
مرغِ تنش عاشقِ پرواز گشت  
سدره سراسیمه ز غوغای نور<sup>(۹)</sup>  
ماند<sup>(۱۱)</sup> نه بر وجهِ مسافت قدم  
نیستی و هستی ازان پایه<sup>(۱۴)</sup> دور  
سود و زیان مانده ز طاق عدم

۱- ن ۱، ۵، ۸ = دم؛ ن ۲، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = دل

۲- ن ۱، ۵، ۸ = ننوشتید؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۹ = ننوشتید و

۳- ن ۲، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = شد (در نسخ ۱، ۵ = نیافته شد)

۴- ن ۱۷ = گریش؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = بریش

۵- ن ۱۱ = گرد قدم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = یکدو قدم

۶- ن ۲۹ = بر؛ ن ۱، ۹، ۱۱، ۵، ۸ = با

۷- ن ۱، ۵، ۸، ۱۱ = ریش؛ ن ۲، ۹، ۲۹ = خویش

۸- ن ۹ = برین؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = چنین

۹- ن ۱۱ = او؛ همه نسخ دیگر = نور

۱۰- ن ۱۱ = او؛ همه نسخ دیگر = نور

۱۱- ن ۱، ۴، ۵، ۱۱، ۱۷ = ماند؛ ن ۹، ۲۹ = مانده

۱۲- ن ۵، ۹، ۱ = هستی برون؛ ن ۲، ۸، ۱۱، ۴، ۱۷، ۲۹ = هستی و برون

۱۳- ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = عدم

۱۴- ن ۱۷، ۲۹ = مایه؛ ن ۵، ۸، ۹ = پایه؛ ن ۱۱ = نامه؟

۱۵- ن ۱۱ = نور و لب؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = نور لب

۱۶- این بیت در ۱ نیست

۱۷- این بیت در ۱ نیست

از می نابود مکان مست گشت  
 پای طبیعت ره دامن گرفت  
 از حرم ایزدی آمد ندا<sup>(۲)</sup>  
 آن<sup>(۴)</sup> بروش مرهم<sup>(۵)</sup> دلهای ریش  
 ریشه بر اندام ز تاب حیا  
 رفت و ببوسید لب آستان  
 برگِ روش زانسوی درگاه ماند  
 با نفسی از دل خود گرم تر  
 بنده نوازانه جوابیش گفت  
 عجز<sup>(۶)</sup> فشان رفت<sup>(۷)</sup> به نزدیک مهد  
 چهره بر آن ذروه<sup>(۱۰)</sup> و ناسودنی  
 لیک چو در وصل نگنجد حجاب  
 لیلی<sup>(۱۳)</sup> خود دید و بسی نغز دید  
 دیدنی از چشم و تماشا بری  
 صاف شراب ازلی<sup>(۱۴)</sup> در<sup>(۱۵)</sup> کشید

شعله بازار جهت<sup>(۱)</sup> پست گشت  
 مرغ تن افتاد و طپیدن گرفت  
 کای گهر گنج الهی در آ<sup>(۳)</sup>  
 عزم درون کرد ادب پیش پیش  
 شسته قدمها به گلاب حیا  
 رفت به مژگان ز درش گرد جان  
 گام ادب در حرم شاه ماند  
 کرد سلامی ز ادب نرم تر  
 تا بر مسند رهش از شرم رفت  
 عزت او<sup>(۸)</sup> بست به آن ذروه<sup>(۹)</sup> عهد  
 هر سر مو دیده<sup>(۱۱)</sup> و نگشودنی  
 یافت ز رؤیت چمن دیده آب<sup>(۱۲)</sup>  
 زان به تماشا نتوان مغز دید  
 لیک سراپا به تماشا گری  
 نوشی<sup>(۱۶)</sup> از آن لب که نه گویا<sup>(۱۷)</sup> شنید

۱- ن ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = بازار جهت؛ ن ۱، ۵ = بازار جهان؛ ن ۲ = بازارچه

۲- ن ۹ = ندای؛ دیگر نسخ = ندا

۳- ن ۹ = آی؛ دیگر نسخ = آ

۴- ن ۲ = او به روش؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = آن بروش؛ ن ۸ = آبروش

۵- ن ۹ = محرم؛ همه نسخ دیگر = مرهم

۶- ن ۹ = عطر؛ ن ۱، ۲، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = عجز

۷- ن ۱ = رفته؛ ن ۱۱، ۲۹ = رفت

۸- ن ۲، ۸، ۱۷ = او؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۱، ۲۹ = آن

۹- ن ۹ = دره؛ ن ۱، ۲، ۸، ۱۱، ۲۹ = ذروه

۱۰- ن ۱، ۸، ۵ = ذره ناسودنی؛ ن ۲۹ = ذروه و ناسودنی؛ ن ۱۱ = ذروه ناسودنی؛ ن ۹ = سدره ناسودنی

۱۱- ن ۱۱ = دیده نگشودنی؛ ن ۹ = دیده بگشودنی؛ ن ۱، ۲، ۸، ۵، ۲۹ = دیده و نگشودنی

۱۲- ن ۱۱ = خواب؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = آب

۱۳- ن ۹ = دیده؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = لیلی

۱۴- ن ۲ = قدمی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = ازلی

۱۵- ن ۱۱ = وا کشید؛ همه نسخ دیگر = در کشید

با همه مستی ز می لطفِ دوست  
 آنکه بود اُمّتش اَمّا بنام  
 مرحمتِ عام به جوش آمدش  
 دل چو ادب دست نشانِ حیا  
 هر صنی کز طلبش رو نمود  
 مرمی آورد فرا دردِ ما  
 معصیت از ما<sup>(۲۱)</sup> همه آسوده<sup>(۲۲)</sup> کرد  
 زمزمه انجمنِ کبریا  
 وه که سراسیمه شد اندیشه‌ام  
 عرفی ازین ذروه<sup>(۲۴)</sup> بیا، پر<sup>(۲۵)</sup> مناز  
 طبع بسی بی ادبی می‌کند  
 بی‌ادبی را گهر افروز گشت  
 ای به سخن گام زین اوجِ عرش  
 باز پس آ تا قدمت ریش نیست  
 در خور<sup>(۲۹)</sup> اندازه عنان گرم دار<sup>(۳۰)</sup>

داشت بیاد آنکه از آن سوی<sup>(۱۸)</sup> جوست  
 آنکه بود اُمّتی وی حرام  
 مرغِ شفاعت به خروش آمدش  
 لب چو اثر غوطه زنان در دعا  
 بوس<sup>(۱۹)</sup> اجابت ز لبش در<sup>(۲۰)</sup> ربود  
 ذیل گنه پاک شد از گردِ ما  
 لیک همان گوش بفرموده کرد  
 بهر تو آهسته بگویم، بیا  
 هرزه درانیست<sup>(۲۳)</sup> دگر پیشه‌ام  
 گرمِ عنانی<sup>(۲۶)</sup> تو بسی در معجاز  
 خلوتِ یزدان طلبی می‌کند  
 بانگ برو<sup>(۲۷)</sup> زن که ادب سوز گشت  
 پای تو بس نازک و الماس فرش  
 مرتبه خاک<sup>(۲۸)</sup> ازین بیش نیست  
 بوسه براهی که دهی<sup>(۳۱)</sup>، شرم دار

۱۶- ن ۹ = نویتی؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = نوشی؛ ن ۲ = حرف

۱۷- ۱۱ = همه زیبا؛ ن ۹ = لبِ گویا؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = که نه گویا

۱۸- ۱۸، ۲، ۱۷ = خوست؛ ن ۵، ۸، ۲۹ = جوست؛ ن ۱۱ = اوست

۱۹- ن ۱، ۵، ۱۱ = برگ؛ ن ۱۷ = کثر؛ ن ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = بوس

۲۰- ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸ = دور بود؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = در ربود

۲۱- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = معصیت از ما؛ ن ۲، ۹، ۲۸ = معصیتِ ما؛ ن ۲۹ = معصیت و ما؛ ن ۱۱ = معصیت اَمّا

۲۲- ن ۹ = آلوده؛ همه نسخ دیگر = آسوده

۲۳- ن ۲۹ = وگر؛ همه نسخ دیگر = دگر

۲۴- ن ۱، ۵، ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ذروه

۲۵- ن ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۱، ۲۸ = بر مناز؛ ن ۸ = پر مناز؛ ن ۱۷ = مکن ترکناز

۲۶- ۲۸، ۲ = عنانی تو بسی؛ ن ۹ = عنانی تو و بس؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = عنانی تو بس

۲۷- ن ۱۱ = بدن زن؛ ن ۹ = بر اوزن؛ ن ۲۸ = بر وزد؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = بردزن

۲۸- ۲۸، ۱۷ = خاک؛ ن ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = خاکی

۲۹- ن ۲۸ = اندیشه؛ همه نسخه‌های دیگر = اندازه

۳۰- ن ۱۱، ۲۹ = نرم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = گرم

ای قدم طبع بلغزیدن آی  
 شد گهر افشان و اجازت گرفت  
 چون به حرم رفت چنان<sup>(۳۳)</sup> باز گشت  
 گرم ترک یافت ز وقت وداع  
 معتنفی بوسه فشاندی به راه  
 بوسه به هر گام برافشانده<sup>(۳۴)</sup> بود  
 ز آن طلب دوست ربودش به<sup>(۳۶)</sup> عرش  
 تشنه<sup>(۳۸)</sup> پرواز بود مرغِ او  
 عرش در آمد ز درش سر زده  
 بسکه سبک رانده به آرامگاه  
 بود برنج از حرکت آستین  
 مانده نشان قدم اینک بین<sup>(۴۲)</sup>  
 گرم عنان شو، دو سه میدان بتاز  
 و نرسی، خود به تمنّا بمیر

مصلحت آن<sup>(۳۲)</sup> است که مانی بجای  
 چون شه دین تحفه خلوت گرفت  
 رُو بره آورد و سبکتاز گشت  
 بستر خود چون بنشست از سماع  
 هر قدمی تا در آرامگاه  
 روح امین نیز که وامانده بود  
 بود<sup>(۳۵)</sup> برآشفته ازین تیره فرش  
 گرنه بآن<sup>(۳۷)</sup> روضه ازین طرف جو  
 دامن خدمت<sup>(۳۹)</sup> به میان بر زده  
 آستین<sup>(۴۰)</sup> افشانده برین دامگاه  
 دردم آسایش روح الامین  
 عرفی اگر هست<sup>(۴۱)</sup> براقبت بزین  
 بر اثر رهرو<sup>(۴۳)</sup> معراج راز  
 گر به مقامی رسی آن جا بمیر

### در مدح نبی اکرم

- 
- ۳۱- ن ۱۷ = زنی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = دهی  
 ۳۲- ن ۸، ۹، ۲۸ = مصلحت این است؛ ن ۱۱ = مصلحتی نیست؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹ = مصلحت آن است  
 ۳۳- ن ۹ = همان؛ همه نسخه‌های دیگر = چنان  
 ۳۴- ن ۱۷ = فشاند؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = برافشانده  
 ۳۵- ن ۱، ۵، ۱۱ = بوسه؛ ن ۲، ۹، ۲۸، ۲۹ = بود  
 ۳۶- ن ۱۷ = ز عرش؛ همه نسخ دیگر = بفرش  
 ۳۷- ن ۲۹ = برین؛ ن ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸ = بآن  
 ۳۸- ن ۴، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = تشنه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = بسته  
 ۳۹- ن ۴، ۵، ۹، ۱۱ = خلوت؛ ن ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = خدمت  
 ۴۰- ن ۲۸ = بهر قدم نادره آرامگاه؛ ن ۵، ۱۷، ۲۹ = آستی افشانده؛ ن ۱، ۲، ۹، ۱۱ = آستین افشانده  
 ۴۱- ن ۴، ۲۹ = نیست؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = هست  
 ۴۲- ن ۱، ۵ = زمین؛ ن ۴ = پیک بین؛ ن ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بین  
 ۴۳- ن ۲ = زهره؛ دیگر نسخ = رهرو

ای نفس طبع ادب سوز شو  
نغمه روح اللّٰهیت ساز کن  
صدر نشین شو پیغمبری  
جوهر آینه طراز ضمیر  
صیرفی گوهر ارباب درد  
گوهر گنجینه معنی<sup>(۱)</sup> گشای  
جوهر او سینه تنگ آشنا  
گو<sup>(۳)</sup> چه شد آن سنگِ ستم خیز کو<sup>(۴)</sup>  
تاش بسایم به لگد زیر پای  
آن ز چه از خون<sup>(۷)</sup> جگر ریختن  
بلکه بسایم نه بکام ستم  
گوهر خود را به شکست آزمود  
یعنی اگر هست ترا گوهری  
جوهر معنی به دل تنگ ریخت  
یعنی ازان می خور، ازین<sup>(۹)</sup> می خراش  
چون خزفش عزّ گهر بوس<sup>(۱۰)</sup> یافت

نغمه زنی را گهر افروز شو  
زمزمه نعتِ شه آغاز کن  
جوهریان را به گهر جوهری  
شبه وی از روی عدم بوسه گیر  
برده ز بس رنج کشی آب درد  
جوهر آینه مولی<sup>(۲)</sup> نمای  
گوهر او آفتِ سنگ آشنا  
آن خزف<sup>(۵)</sup> در گهر آویز کو  
وانگه از آن<sup>(۶)</sup> دیده کنم شرمه سای  
وین ز چه در آن گهر آمیختن<sup>(۸)</sup>  
زانکه بخل می کندش از کرم  
جوهر او را به دو عالم نمود  
بشکن و از وی بنما جوهری  
گوهر صورت بره سنگ ریخت  
آن بستان، این بفشان، زودباش  
درج درش نسبت<sup>(۱۱)</sup> فانوس یافت

۱- ن ۹ = فیضی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = معنی

۲- ن ۹ = معنی؛ همه نسخه های دیگر = مولی

۳- ن ۱۱، ۲۸ = گر چه شد؛ ن ۹ = گو چه شد؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹ = گو چه شد؛

۴- ن ۱۱ = آن ترک ستم خیز او؛ ن ۹ = آن سنگ ستم خیز تو؛ ن ۲۸، ۲۹، ۱۷، ۵، ۸، ۱ = آن سنگِ ستم خیز کو؛ ن ۲ = او سنگِ ستم خیز کو

۵- ن ۱۱ = خزف و گوهر زر ریزاد؛ ن ۹ = خزف در گهر آویز تو؛ ن ۲۸، ۲۹، ۱۷، ۵، ۸، ۲، ۱ = خزف در گهر آویز کو

۶- ن ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ازو؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = ازان

۷- ن ۱۷، ۲۹ = خونِ جگر؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸ = از خون گهر

۸- ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = آویختن؛ ن ۱۷ = آمیختن

۹- ن ۵ = تراش؛ ن ۱، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = خراش

۱۰- ن ۲۸ = کوس؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = بوس

۱۱- ن ۲۸ = منصبِ پابوس؛ ن ۲۹ = منصبِ فانوس؛ ن ۱۷ = نسبتِ مانوس؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱ = نسبتِ فانوس



زانکه زُدَرِ جش چو گهر پا کشید  
وان شجرِ تر<sup>(۲)</sup> ثمر از نور داشت<sup>(۳)</sup>  
گنجِ معانی به ثنای خدای<sup>(۴)</sup>  
سنگ طلب کرد که با روی زرد  
سنگ مگر<sup>(۵)</sup> ترکی ادب می‌کند  
تا گهر وی تهی از رشته گشت  
بود ز بس تشنه لب خونِ خویش  
بسکه ز جوشیدن خون<sup>(۶)</sup> رنج داشت  
بسکه زهر زخمِ برد لذتی  
عرفی اگر گهر پاکیت هست  
گهرِ خود بشکن و عزت<sup>(۷)</sup> شمار

جای گهر پنجه<sup>(۱)</sup> مرجان دمید  
روضه<sup>(۲)</sup> یکی ده شجرِ طور داشت<sup>(۳)</sup>  
بسکه برافشانند نبودش سزای<sup>(۴)</sup>  
گهرِ خود<sup>(۵)</sup> بشکند از تابِ درد  
گهر او سنگ طلب می‌کند  
لعل به خونِ جگر آغشته گشت  
فته بشست از دُرِ مکنونِ خویش  
سنگ به فسادِ گهر گماشت  
بر گهرش سنگ نهد منتی  
لذت<sup>(۶)</sup> و منتِ ببر از هر شکست  
زمزمه اُمّتی<sup>(۷)</sup> از وی برآر

ای<sup>(۱۴)</sup> ز نو آرایش عصمت ز تو<sup>(۱۵)</sup>      شرع مگس را ن طبیعت ز تو<sup>(۱۶)</sup>

- ۱- ن ۱۷ = طره؛ ن ۱، ۸، ۵ = ریزه؛ ن ۲، ۱۱، ۲۹ = تره؛ ن ۲۸ = پنجه  
۲- ن ۱، ۸، ۵، ۱۱، ۲۹ = شجر تر ثمر از؛ ن ۱۷ = شجر پُر ثمر از؛ ن ۲۸ = شجرِ پر ثمری  
۳- ن ۱، ۸، ۵، ۹ = یافت؛ ن ۲، ۱۱، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = داشت  
۴- ن ۱۷، ۸ = روضه یکی و شجر؛ ن ۲۸ = روضه گیتی شجر؛ ن ۲۹ = روضه مکی؛ ن ۹، ۱۱ = روضه یکی در شجر؛ ن ۱ = روضه یکی ده شجر  
۵- ن ۱، ۸، ۵، ۹ = یافت؛ ن ۲، ۱۱، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = داشت  
۶- ن ۱، ۸، ۵، ۱۱ = خدا؛ ن ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = خدای  
۷- ن ۲ = جزا؛ ن ۱، ۵، ۱۱ = سزا؛ ن ۹، ۲۸، ۲۹ = سرای؛ ن ۱۷ = سزای  
۸- ن ۱، ۵ = از؛ ن ۹ = خو؛ ن ۲، ۱۱، ۸، ۲۹، ۲۸ = خود  
۹- ن ۹ = کجا؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱ = مگر؛ ن ۲، ۲۹ = گهر؛ ن ۲۸ = یکی؛ ن ۱۷ = یکی  
۱۰- ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = رنگ؛ ن ۲، ۱۱، ۸، ۱۷، ۲۹ = رنج  
۱۱- ن ۹ = لذتِ منت؛ ن ۱۱ = کذت و نیت؛ همه نسخ دیگر = لذت و منت  
۱۲- ن ۱ = لذت؛ دیگر نسخ = عزت  
۱۳- ن ۲۹، ۱۳۸، ۸، ۹ = اُمّتی؛ ن ۱۱ = هستی؛ ن ۵، ۱ = مستی  
۱۴- ن ۱، ۸، ۵، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = ز تو؛ ن ۱۷ = ز نو؛ ن ۴ = بتو  
۱۵- ن ۱۷، ۲۸ = ز نو؛ همه نسخ دیگر = ز نو

رنجِ محبّت بستو دل زنده است  
 عصمت ما سایه ناموس تو  
 تشنگیت<sup>(۱۹)</sup> چون نفسم آبدار  
 نوح تیمم کند از خاک<sup>(۲۰)</sup> دیر  
 روی تبسم نشناسد لب  
 کز مرزۀ شهد تو آگاه نیست  
 باز چشمد تلخی لب را<sup>(۲۴)</sup> نبات  
 از نفسِ مرگ<sup>(۲۷)</sup> مسیحا دهد<sup>(۲۸)</sup>  
 شعله به خرطوم رباید مگس  
 داغ طفیلِ تو به جانش نهند  
 جز به تمنای تو در بسته‌اند  
 جلوه شمشاد روانِ تو دید  
 چهره به جازوب کشی برگماشت  
 بادِ مسیح از چمنت بُرده طیب

حسنِ نبوت ز تو<sup>(۱۷)</sup> زببند است  
 ناصیه فقر<sup>(۱۸)</sup> زمین بوس تو  
 مرحمت چون گنهم بی شمار  
 گرنه هدایت ز تو آید به سیر  
 سوی<sup>(۲۱)</sup> طرب<sup>(۲۲)</sup> ره نبرد مشرب  
 خنده مگر سوی تواش راه نیست  
 لب بگشا<sup>(۲۳)</sup> تا بر آبِ حیات  
 گر لب افسون<sup>(۲۵)</sup> به مداوا دهد<sup>(۲۶)</sup>  
 ور به مگس گرم برانی نفس  
 هر چه سوی<sup>(۲۹)</sup> هست عنانش<sup>(۳۰)</sup> دهند<sup>(۳۱)</sup>  
 زیورِ نسبت ز تو بر بسته‌اند  
 بادِ سلیمان چو به باغت وزید  
 گوشه اورنگِ سلیمان گذاشت  
 باغِ ثرا روحِ امین عندلیب

۱۶- ن ۱۷، ۲۸ = زنو؛ همه نسخ دیگر = زتو

۱۷- ن ۱۷ = زنو؛ ن ۴، ۲۸ = به تو؛ دیگر همه نسخ = ز تو

۱۸- ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲ = فقر؛ ن ۱۷ = مخر

۱۹- ن ۱۷ = تشنگیم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = تشنگیت

۲۰- ن ۱، ۵ = آب؛ ن ۱، ۲، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = خاک

۲۱- ن ۲، ۸، ۲۹ = جوی؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = خوی؛ ن ۱۷ = سوی؛ ن ۱۱ = چون

۲۲- ن ۲۸ = هوس؛ دیگر همه نسخ = طرب

۲۳- ن ۹، ۲۸ = مگشا، ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹، ۱۷ = بگشا

۲۴- ن ۹ = از؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹

۲۵- ن ۱۷ = افیون؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹

۲۶- ن ۴ = کند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = دمد؛ ن ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = دهد

۲۷- ن ۱۷ = گرم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = مرگ

۲۸- ن ۴ = کند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = دمد؛ ن ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = دهد

۲۹- ن ۱۱ = سوی نیست؛ ن ۲ = سوائست؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = سوی هست

۳۰- ن ۱۷ = عنانش کند؛ ن ۴ = فناش دهند؛ ن ۱۱ = عنانش دهد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = عنانش دهند

۳۱- در نسخه ۱۷ مصرعه اول بطور مصرع ثانی و مصرعه ثانی بطور مصرع اول هست

آب<sup>(۱)</sup> مسیحا شده خاک رخت  
نالش<sup>(۳)</sup> من بی تو دل آشوب دهر  
از حرم راز برون مانده ایم  
یا بگشا در، همه در دست گیر  
نعت<sup>(۸)</sup> تو از آینه ام زنگ برد  
من کیم و جوهر طبعم کدام  
شوق من این بی ادبی می کند  
عقل که باغ صفت آرای تست  
فیض ترا نامیه مزدور باد  
ای که دهی گنج عطا رایگان  
ور گهرش نیست سزاوار<sup>(۱۲)</sup> گنج

تا بشتابد<sup>(۲)</sup> به تیمم گهت  
آه<sup>(۴)</sup> من از هجر تو آشوب زهر<sup>(۵)</sup>  
منفعل از اهل درون مانده ایم  
یا به<sup>(۶)</sup> درون راه ده و در پذیر<sup>(۷)</sup>  
ناخنه از دیده طبعم سترد  
تا برم از گوهر نعت تو نام<sup>(۹)</sup>  
دعوی حسان نسبی<sup>(۱۰)</sup> می کنند  
تشنه زینت گری رای تست  
باغ تو از فیض تو معمور باد  
ریزه<sup>(۱۱)</sup> گنجینه به عرفی فشان  
لطف تو می داند و ایثار گنج

ای نگران خفته هشیار مست<sup>(۱۳)</sup> شاهد هستی<sup>(۱۴)</sup> به عماری نشست

- 
- ۱- در نسخه ۱۷ مصرعه اول بطور مصرع ثانی و مصرعه ثانی بطور مصرع اول هست  
۲- ن ۲۹ = بشناسد؛ ن ۱، ۲، ۵ = بشناسد؛ ن ۸، ۹، ۱۱، ۱۷ = بشتابد  
۳- ن ۹ = نالیش این؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = من  
۴- ن ۱، ۵، ۸ = آه؛ ن ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = آب  
۵- ن ۱، ۵، ۱۱ = دهر؛ ن ۹، ۱۷، ۲۹ = زهر  
۶- ن ۲ = ز برون؛ همه نسخه های دیگر = بدرون  
۷- در نسخه چهارم چنان می نماید که اشعار منتخبه نوشته شده اند و یا تا وقتی که آن نسخه نوشته شده بود عرفی کم  
اشعار این مثنوی گفته بود بعد دران اضافه کرد  
۸- ن ۱، ۴، ۵ = (درست شده) = نعت تو ز آینه من؛ ن ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = نعت تو از آینه ام  
۹- ن ۱۷ = دام؛ دیگر نسخ = نام  
۱۰- ن ۱۱ = چندین نسبی؛ ن ۹ = چندین سببی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۷ = حسان نسبی؛ ن ۲۹ = حسان طلبی  
۱۱- ن ۹ = گوهر گنجینه؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = ریزه گنجینه  
۱۲- ن ۱۷۵ = نیست؛ ن ۱، ۲، ۹، ۲۹ = هست؛ ن ۱۱ = دست  
۱۳- ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۹ = خفته هشیار مست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = خفته هشیار و مست  
۱۴- ن ۱۱ = مستی؛ ن ۹ = معنی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = هستی

نافه<sup>(۱)</sup> و محمل به سماع آمده  
جمله خرابیم به تعمیر خیز  
گوهر ایمان شکند سنگ ما  
رو به حرمگاه عدم کرده ایم  
توشه به نزدیکی محمل فرست  
بر اثر<sup>(۵)</sup> شاهد ایمان رویم  
مایه<sup>(۶)</sup> ما گوهر ایمان و دین  
همره این قافله<sup>(۷)</sup> یک مرد نیست  
جنس خرابی به عمارت بریم  
وی ز تو قارون زمین گنج یاب  
نیست به گنجینه<sup>(۹)</sup> روا شب چراغ  
رنج محبت بری آرام چند  
وین گهر آرایش این دُرج نیست  
هر گهری را صدفی در خور است  
خیز و بیا در حرم دل نشین  
زیور این مژده<sup>(۱۲)</sup> به آوازه بند  
گوشه محمل بنما سوختیم

رقص کنان بهر وداع آمده  
خیز و دو روزیش عنان گیر خیز  
شرع<sup>(۲)</sup> ملامت برد از ننگ ما  
هر دو ازین صومعه رم کرده ایم<sup>(۳)</sup>  
شرح به همسایگی دل فرست  
تا بوجود آستین<sup>(۴)</sup> افشان رویم  
ما سفری راهزنان در کمین  
خیز که ما را سر این گرد نیست  
جمله متاع از پی غارت بریم  
ای تو عمارتگر مُشتِ خراب  
مجلس ما تیره تر<sup>(۸)</sup> است از دماغ  
مرغ<sup>(۱۰)</sup> تو آسوده درین دام چند  
این قمر از بهر چنین بُرج نیست  
گرچه صدف مخزن هر گوهر است  
حجره<sup>(۱۱)</sup> بپردازد به محمل نشین  
محمل آرام به جمّازه بند  
بسکه به ره شمع دعا سوختیم

۱-ن ۱۷، ۹، ۴ = نافه و محمل؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = نافه محمل

۲-ن ۲۹، ۱۷، ۹، ۴ = شرم؛ ن ۵، ۱ = شرع

۳-ن ۹ = رم کرده ایم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = رم کرده اند

۴-ن ۲ = آشتی؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = آستی؛ ن ۴، ۱۱، ۸، ۱۷ = آستین

۵-ن ۲۹، ۲ = هم جلو؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷ = بر اثر

۶-ن ۸، ۵، ۱ = این گوهر؛ ن ۴، ۹، ۱۷، ۲۹ = مایه ما گوهر؛ ن ۱۱ = مایه در گوهر؛ ن ۸ = مایه این گوهر

۷-ن ۹ = غافله؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = قافله

۸-ن ۲۹، ۱۷، ۱۱، ۹، ۲ = تیره؛ ن ۱، ۵، ۸ = تیر

۹-ن ۲ = گنجینه او؛ ن ۱۷ = گنجینه ره؛ ن ۲، ۸ = گنجینه روا؛ ن ۲۹ = گنجینه روان؛ ن ۹ = گنجی نه روا

۱۰-ن ۹ = شرع؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = مرغ تو

۱۱-ن ۲ = چهره؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = حجره بپرداز؛ ن ۱۱ = حجره پرواز

۱۲-ن ۱۷، ۹ = با آوازه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = بر آوازه

بسکه<sup>(۱)</sup> کنم یادِ لبت گریه ناک  
چشمِ من و چشمه حیوان یکیست  
صبحِ قیامت نفسش در گلوست  
بسکه شکستی به گلویش نفس  
تا یکی از منبرِ ظلمت نصیب  
خیز و تَرَنَم<sup>(۴)</sup> به لبش در شکن  
صومعه آراسته‌اند از ریا  
شرعِ ترا جمله در افزایشند  
بسکه در افزود<sup>(۷)</sup> برو برگ و ساز  
بسکه ستم دیده ز تزویر ناس<sup>(۹)</sup>  
گرچه ازین طایفه پنهان به است  
خیز و برافکن ز جبینش<sup>(۱۰)</sup> نقاب  
این زرِ بیفش که برد نام تست<sup>(۱۱)</sup>  
بر لبِ وی تازه کن این نام را  
ما همه رنجور و مسیحا تویی  
نیم دعا بهرِ دو عالم بس است

بیتو کشم جرعه روحی فداک  
آبِ من و خونِ شهیدان یکیست  
وز لبِ فرمانِ تو در جستجوست  
مرغِ وی آزاد نمای<sup>(۲)</sup> از قفس<sup>(۳)</sup>  
نغمه تزویر برآرد خطیب  
وز نفست موج به کوثر<sup>(۵)</sup> فکن  
شرع نواست<sup>(۶)</sup> این به تماشا بیا  
در صددِ زیـنت و آرایشند  
گر بنمایم، شناسیش باز<sup>(۸)</sup>  
در شده در سایه تو در لباس  
شرع تو چون تیغِ تو عریان به است  
تا بشناسیم شب از آفتاب  
دست بدست آمدنش سکه شست<sup>(۱۲)</sup>  
سکه تو زنِ زِ اسلام را  
داروی بیدردی دلها تویی  
بل ز تو آهنگِ دعا هم بس است

۱- در ن ۴ سیزده اشعار بعد این بیت موجود نیست (از بیت ۴۷۷ تا ۴۹۰)

۲- ن ۲۹، ۲ = نما؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱ = نمای؛ ن ۱۷ = بماند

۳- در ن ۲۸ و رقی دارای اشعار از ۴۲۷ تا ۴۶۰ افتاده است

۴- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بلش در شکن؛ ن ..... = به پیش در فکن؛ ن ۱۱ = به پیش در شکن

۵- ن ۹ = بگوهر فکن؛ ن ۱۷، ۲۸ = بکوثر فکن؛ ن ۱۱ = بکوثر بزن؛ ن ۲۹ = بکوثر شکن

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۸ = نواست؛ ن ۱۱، ۷ = نوشته

۷- ن ۹ = درد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = برو؛ ن ۹ = درو

۸- نظامی گفته: بسکه برو بسته شده برگ و ساز      گر تو نه بینی نه شناسیش باز

۹- ن ۱۷ = تزویر و یاس؛ ن ۵ = تزویر ناس؛ ن ۲۹ = تزویر و ناس؛ ن ۱۱، ۱ = تزویر یاس

۱۰- ن ۱۷ = جمالش؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = جبینش

۱۱- ن ۲۹ = بران؛ ن ۱۷، ۲۸ = درو؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱ = برو

۱۲- ن ۲۹ = بست؛ دیگر نسخ = شست

کان<sup>(۱)</sup> خس و خاشاک بروید<sup>(۲)</sup> ز روح  
کز ره ما رفته شود معصیت  
بر نفست<sup>(۵)</sup> روح اجابت خداست<sup>(۶)</sup>  
سهل بود بر تو چو ابر بهار  
ریزش نیشان عطا وامگیر<sup>(۸)</sup>  
رنگ خزان بوی بهارش ز تست  
سود و زیانش که بَرَد غم کراست  
چون تو شفیع، چه غم<sup>(۱۰)</sup>، آسوده‌ایم  
راحتی<sup>(۱۲)</sup> عنبر تو و ریش تست  
ذره به بال که پرد<sup>(۱۳)</sup> آفتاب  
مرهم ناسور نوازش بده

با نفس نایب طوفان نوح  
با نفس مستِ مییِ مرحمت<sup>(۳)</sup>  
دست<sup>(۴)</sup> برآور که محل دعاست  
شستن آرایشِ مِشتی غبار<sup>(۷)</sup>  
زین چمنِ کم بر نقصان پذیر  
برگی گل و نشترِ خارش ز تست  
حاصلی<sup>(۹)</sup> این باغ مسلم کراست  
گرچه به صد معصیت آلوده‌ایم  
سینه عرفی که<sup>(۱۱)</sup> غم اندیش تست  
تشنه مسلم ز چه ماند ز آب  
ره به شفا خانه رازش بده

### در صفت آفرینش<sup>(۱۴)</sup>

بلبلِ طبعم دهد این مژده<sup>(۱۵)</sup> باز  
کامدم اینک به چمن نغمه ساز  
در چمنِ نعت گلی دیده‌ام  
زمزمه تازہ برو چیده‌ام

۱-ن ۵=کای؛ ن ۱=کان؛ ن ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹=کین

۲-ن ۲۸، ۲۹=بروید؛ ن ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷=بشوید؛ ن ۲، ۹=بروید

۳-ن ۱۷=معرفت؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹=مرحمت

۴-اشعار از شماره ۴۹۵ تا ۴۹۸ و ۵۰۱ و ۵۰۳ و بعد ازان تا ۷۹۳ در نسخه چهارم یافته نشدند

۵-ن ۲۸=نفس روح؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹=نفست روح

۶-ن ۱، ۱۱، ۱۷=خداست؛ ن ۸=جداست؛ ن ۹=نواست؛ ن ۲۸، ۲۹=فداست؛ ن ۵=جداست

۷-ن ۹=مشت غبار؛ ن ۱۱=مست غبار؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹=مشتی غبار

۸-ن ۲۹، ۱۱=بر مگیر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸=وامگیر

۹-در نسخه ۲۹ مصرع اول بطور مصرع ثانی و مصرع ثانی بطور مصرع اولی

۱۰-ن ۴=زغم؛ دیگر همه نسخ = چه غم

۱۱-ن ۱۷=چو؛ ن ۵، ۹=که

۱۲-ن ۱۷=راحت غیر تو دلریش تست؛ ن ۱، ۵، ۲۹ و غیره =راحتی عنبر تو و ریش

۱۳-ن ۱، ۴، ۵، ۱۱، ۲۹=پرو؛ ن ۱۷، ۲۸=برو

۱۴-عنوان سنایق ن ۹

۱۵-ن ۲، ۲۹=عشوه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸=مژده؛ ن ۹=نغمه؛ ن ۱۱=مرده

می‌شمرم<sup>(۱)</sup> نغمه مستانه را  
 پرده ز اسرارِ درون می‌کشم  
 می‌کنم این دعوی عالی اساس  
 جمله برآنند که بی سایه است

رنگ نوی می‌دهم افسانه را  
 ظلّ شه از پرده برون می‌کشم  
 تا به کی این نغمه زخم در لباس  
 وین<sup>(۲)</sup> سخن از صدق تهی مایه است

سایه وی<sup>(۳)</sup> چون نگردد بی بصر  
 سایه این ذات نه ظل‌مانی است  
 نور بود سایه ماه تمام  
 سایه صورت طلب از آب و گل  
 سایه او صیقلی آفتاب  
 نور وی آرایش بود همه  
 سایه او بود که دریای جود  
 سیلی از و روی بهر گوشه کرد  
 سایه او بود کزو<sup>(۴)</sup> بحر زاد  
 لوح وجود از رقم فتنه شست  
 سایه او بود که در باغ ناز  
 آتش نمرود بر<sup>(۵)</sup> باغ بود  
 سایه او بود که زد کوس حسن

سایه او دیده<sup>(۴)</sup> ولی دیده ور  
 آب وی از چشمه نورانی است  
 سایه ما این عرض دود فام  
 سایه معنی نفدت جز به دل  
 نور درین سایه بسوزد نقاب  
 سایه او اصل وجود همه  
 داد بوی مایه بحر وجود  
 کشت تناسل ز<sup>(۵)</sup> نهچش خوشه کرد  
 وز نفسش چشمه طوفان<sup>(۷)</sup> گشاد  
 جنبش حرف از قلم فتنه شست<sup>(۸)</sup>  
 بود تماشایی گلهای راز  
 لاله فروش چمنش داغ بود<sup>(۱۰)</sup>  
 جامه بدل کرد به فانوس حسن

۱- ن ۱۷ = می‌شنوم؛ ن ۲۸ = می‌شمرم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = می‌شمرم

۲- ن ۱، ۵، ۸ = این؛ ن ۱، ۹، ۲۸، ۲۹ = وین

۳- ن ۵ = وی؛ ن ۲، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ورش؛ ن ۱ = وری

۴- ن ۱۱ = دیده بی دیده در؛ ن ۹، ۲۹، ۵، ۸، ۱ = دیده ولی دیده در

۵- ن ۱، ۲، ۵، ۸ = غمش؛ ن ۲۹ = غمش

۶- ن ۱، ۵، ۲۹ = کزو؛ ن ۱۱، ۹، ۸ = کران

۷- ن ۲، ۲۹ = حیوان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷ = طوفان

۸- ن ۱، ۵ = جست؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۱ = شست

۹- ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۹ = پرو؛ ن ۱۱ = بز؛ ن ۱، ۵، ۹ = بر

۱۰- ن ۹ = او؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = بود

زهرِ ملامت به زلیخا چشاند  
 داشت به راهِ ظلماتش چراغ  
 عمرِ ابد رخت بکوش<sup>(۲)</sup> کشید  
 گوهرش افتاده<sup>(۳)</sup> به دریای نور  
 حاملهٔ گوهر از آن سایه بود  
 با گهرِ ذات<sup>(۴)</sup> نمود آشنا  
 بر ز برِ باد<sup>(۶)</sup> هوا برنهاد  
 صفوه و شهباز هم آواز کرد  
 روح امینش گل فطرت گشود  
 چشمهٔ حیوان ز لبش می چکید  
 سایهٔ تو مطلعِ انوارِ دوست  
 ای<sup>(۹)</sup> صفت فاتحهٔ معجزات  
 معجزهٔ صنعِ الهی تویی  
 سایهٔ تو گوهرِ دریای نور  
 شهرِ ترا جمله عمارتگرند  
 روید<sup>(۱۱)</sup> ازو هرغش و آلالشی<sup>(۱۲)</sup>  
 جلوه کنی دروی و نبود حرام

دشنهٔ غم در<sup>(۱)</sup> دلِ یعقوب راند  
 سایهٔ او بود که نور سراغ  
 آبِ لبِ چشمهٔ حیوان مکید  
 سایهٔ او بود که از جیبِ طور  
 هر صدفِ سینه که بی مایه بود  
 دولتِ مابین که صدف‌های ما  
 سایهٔ او<sup>(۵)</sup> بود که اورنگ داد  
 زمزمهٔ معدلت آغاز کرد  
 سایهٔ او بود که در باغ جود  
 باد بهشت از نفسش می وزید  
 ای گهرت مبدأ<sup>(۷)</sup> اسرار<sup>(۸)</sup> دوست  
 سایهٔ ذات تو مقدم به ذات  
 جوهرِ آیینهٔ شاهی تویی  
 پایهٔ ایوانِ تو معراجِ طور  
 آدم و آن جمع که پیغمبر اند  
 هر یکی افزایش<sup>(۱۰)</sup> آرایشی  
 تانه عمارت شود این ده تعام

۱- ن ۹ بر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = در

۲- ن ۲۹ = بکوش؛ ن ۱۱ = بکوش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = بکوش

۳- ن ۱۱ = افشاند؛ ن ۱۷، ۲۹ = افتاد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = افتاده

۴- ن ۱، ۵، ۸، ۱۱ = گهر ذات؛ ن ۲، ۹، ۱۷، ۲۹ = گهر آن ذات

۵- ن ۲۹ = آن؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۹ = او

۶- ن ۹ = بر ز بر باد صبا پرگشاد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = بر ز بر باد هوا بر نهاد

۷- ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = مخزن؛ ن ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = مبدأ

۸- ن ۲، ۹، ۲۹ = آثار؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = اسرار

۹- ن ۱۷ = ای؛ ن ۲۹ = دی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱ = دین

۱۰- ن ۱، ۵ = افزایش آرایشی؛ ن ۱۱، ۱۷، ۲۹ = افزایش آرایشی

۱۱- ن ۱۷، ۹ = روید؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = روید

۱۲- ن ۱، ۵ = آرایشی؛ ن ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = آلالشی



### نعت حق سبحانه تعالی<sup>(۱)</sup>

بود تو مقصودِ وجود است و بس  
 کعبه تویی، آن همه راه تو اند  
 هر سخنی کز لب دین رانده اند  
 گر نبود مهر تو بر نامه ها  
 گرنه نسیم تو<sup>(۳)</sup> بر آدم وزد  
 گرنه<sup>(۴)</sup> ز مهر تو در دل زند  
 گرنه خلیل از تو پذیرد فراغ  
 گرنه دمی بر لب یوسف نفس  
 گرنه ز دست تو کشد خضر جام  
 گرنه لب فیض به یغما دهد  
 گرنه ز دیوان تو یابد نشان  
 گرنه فشانی به لبش ساز و برگ  
 اینهمه<sup>(۹)</sup> از فیض تو آراسته  
 من که نگنجم به حسابِ خدم<sup>(۱۱)</sup>  
 زمزمه نعت تو سنجم مدام  
 داغ درونم ز گلِ باغِ تست

جز تو همه گفت و شنود است و بس  
 چشم تویی، جمله نگاه تو اند  
 تازه پیامی ز تو بر خوانده اند  
 جمله بشویند<sup>(۲)</sup> بخون جامه ها  
 در چمنِ روضه لبِ غم گزد  
 نوح کجا خیمه به ساحل زند  
 کلفتِ آتشکده یابد ز باغ<sup>(۵)</sup>  
 تیز<sup>(۶)</sup> نجوشد به نباتش مگس  
 زهر شود آب حیاتش به کام  
 نیم زبانی که به موسی دهد  
 مور بتابد<sup>(۷)</sup> ز سلیمان عنان  
 از دم عیسی بچکد زهر<sup>(۸)</sup> مرگ  
 دست بدامان تو برخاسته<sup>(۱۰)</sup>  
 نیستم از فیض تو نومید هم  
 هست مرا بلبلِ باغِ تو نام  
 مرهم من تازگیِ داغِ تست

۱- عنوان تنها در ۹ یافته شد - در دیگر نسخ فقط فاصله گذاشته شده است -

۲- ن ۹ = بشویند؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = بشویند

۳- ن ۲، ۲۹ = به؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷ = بر

۴- ن ۹، ۱۷ = در؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = گر

۵- ن ۱، ۵ = چراغ؛ ن ۹، ۱۱ = ز داغ؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۹ = ز باغ

۶- ن ۱۷، ۲۹ = نیز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱ = تیز

۷- ن ۲ = بتابد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = بتابد

۸- ن ۲ = آب؛ همه نسخه های دیگر = زهر

۹- ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = این؛ ن ۱۱، ۱۷، ۲۸ = ای

۱۰- ن ۱، ۵، ۹ = برخاسته؛ ن ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = برخاسته

۱۱- ن ۱۷ = خدم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = عدم

مرهم توفیق به داغم رسان  
گر قفس آرا گلهت<sup>(۲)</sup> گر چمن  
تشنه ناسوری این داغ باش

بوی ازان گل به دماغم رسان  
عرفی اگر شادی<sup>(۱)</sup> اگر ممتحن  
نغمه طرازنده این باغ باش

مژده دو چشم تماشا پرست  
تا بنگارم بوی اسمای دین  
لیک به اندازه دین می‌کنم  
مست همه عشوه‌گر و دلستان  
جمله فرو هشته جبین را نقاب  
کاورد اینک همه را در میان  
مر<sup>(۵)</sup> همه را سوخته شرم آورد  
مهد<sup>(۶)</sup> نشین حرم لیلی است  
چشمه معنی همه در جام اوست  
رشته خونس به نفس می‌تنم  
چهره هر زشت پذیرد نقاب  
در دل خود ناخنی افکنده ام

آمد آینه معنی بدست  
از گهر شرع تراشم نگین  
طرح صنم خانه چین می‌کنم  
در<sup>(۳)</sup> حرم شرع بسی شاهدان  
لیک ز بیم نظر ناصواب  
مژده ز<sup>(۴)</sup> طبعم به تماشایان  
باد نقاب از دم گرم آورد  
شاهد طبعم که همه معنی است  
قطره خونم که سخن<sup>(۷)</sup> نام اوست  
نیشتری بر رگ دل<sup>(۸)</sup> می‌زنم  
تا مگر از جنبش<sup>(۹)</sup> رای صواب  
من<sup>(۱۰)</sup> که به آسودگی ارزنده‌ام<sup>(۱۱)</sup>

۱- ن ۹، ۱۱ = شاهی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = شادی؛ ن ۲ = شاد

۲- ن ۱، ۲، ۸، ۵ = آرا گله و گر چمن؛ ن ۱۱، ۹ = آراسته‌ای در چمن؛ ن ۱۷ = آرا گلت در چمن

۳- ن ۲۹ = از؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸ = در

۴- ن ۱، ۵، ۱۱، ۲۹ = مژده ز طبعم؛ ن ۸، ۱۷، ۲۸ = مژده طبعم

۵- ن ۱، ۱۷ = حوصله؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱ = مر همه؛ ن ۲۸ = بر همه؛ ن ۲۹ = زان

۶- ن ۲ = پرده؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹، ۹، ۱۱ = مهد

۷- ن ۱، ۵ = همه؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = سخن

۸- ن ۲۸، ۹ = جان؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۹ = دل

۹- ن ۱۷ = نصرت؛ ن ۱۱ = حیلش؛ ن ۲، ۸، ۹، ۲۹ = جنبش

۱۰- در نسخه ۱۷ ترتیب اشعار مختلف است

۱۱- ن ۱، ۲، ۵ = از رده؛ ن ۹، ۲۸، ۲۹، ۱۱ = ارزنده

این نفس مست فشاند<sup>(۲)</sup> به گل  
هیچ دلی معرفت اندیش نیست  
لیک به<sup>(۳)</sup> الماس نیارد<sup>(۴)</sup> ستیز  
سایه نشین غم دل بوده است  
باد هوا با نفسش بر مسنج  
باد مسیحت به سموم اندر است  
شاهد اگر زاده مسیحا دم است  
زاده این طبع زبون<sup>(۵)</sup> اصل نیست  
با غم لیلیش<sup>(۷)</sup> نسب می رود  
از اثر گرمی دل در تب است  
پیرهن از گریه یعقوب شُست  
عصمتی<sup>(۹)</sup> از حسن فزونش بین  
زمزمه ای از نفسی می شنو  
زنده برونی و درون مرده ای  
باغ<sup>(۱۳)</sup> نفس تشنه<sup>(۱۴)</sup> آب منست

حیف که لختی که<sup>(۱)</sup> تراشم ز دل  
هیچ درون آگه این ریش نیست  
تیغ کلام ز اثر هست تیز  
طبع من الماس به لب سوده است  
گر نفسش دل گزد از وی نرنج  
آب حیاتش به لب نشتر است  
طبع مرا معجزه مریم است  
این ثمر تازه به هر فصل نیست  
گر کس اهلی<sup>(۶)</sup> به طلب می رود  
گرچه مسیحا دم و نوشین لب است  
یوسف من کامده در جلوه چُست  
دامن<sup>(۸)</sup> آلوده به خونش بین  
بر<sup>(۱۰)</sup> نفس گرم گهی می گرو  
گر نه<sup>(۱۱)</sup> پذیری دم پژمرده ای  
من<sup>(۱۲)</sup> که سخن مست و خراب منست

۱-ن ۹ = نشانم؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = که تراشم

۲-ن ۹ = فشاند به گل؛ ن ۱، ۵ = ز گل؛ ن ۲ = ز دل؛ ن ۸، ۲۸ = فشاند بگل؛ ن ۲۹ = نشانم بگل

۳-ن ۲۹ = ز الماس؛ همه نسخ دیگر = به الماس

۴-ن ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۱۱، ۹ = نیارد؛ ن ۲ = بیارد؛ ن ۱ = ندارد

۵-ن ۲، ۲۹ = بجز؛ ن ۹ = بجز؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = زبون

۶-ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = اهلی؛ ن ۱۱ = اصلی

۷-ن ۱۱، ۲۸ = مولیش؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۹ = لیلیش؛ ن ۱۷ = اولیش نسب

۸-در ن ۱۷ این اشعار بعد از شعر ۵۶۴ یافته شدند

۹-ن ۱، ۵، ۸، ۹ = عصمت؛ ن ۱۱، ۱۷، ۲۹ = عصمتی

۱۰-در ن ۱۷ این اشعار بعد از شعر ۵۶۴ یافته شدند

۱۱-در ن ۱۷ این اشعار بعد از شعر ۵۶۴ یافته شدند

۱۲-در ن ۱۷ این بیت و اشعار مابعد تا بیت شماره ۵۹۰ قبل از اشعار ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳ یافته شدند

۱۳-۲۸ = تاب نفس؛ ن ۲ = باغ سخن؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = باغ نفس

۱۴-ن ۲، ۹، ۱۷، ۲۹ = تشنه آب؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = تشنه به آب

در چمنم تشنه بمیرد سمن<sup>(۱)</sup>  
 مرغِ معانی ز لبم در خروش  
 وز ثمرش عالمی انباشتم<sup>(۴)</sup>  
 شعله تزویر به خس می‌زنم  
 نیشتری<sup>(۶)</sup> بر دل و آسوده‌ام  
 لیک سوی کعبه کند رهبری  
 نفقه او کس نشمارد<sup>(۷)</sup> حرام  
 لیک دمش مرهم ناسور به<sup>(۹)</sup>  
 شاید اگر پاش<sup>(۱۲)</sup> در آید به سنگ  
 گر بسماعش نبردم<sup>(۱۴)</sup> دور نیست  
 لیک نیارد که تماشا کند  
 دیده خود<sup>(۱۶)</sup> را نبود جز غبار<sup>(۱۷)</sup>  
 رمزی ازین بر تو فشانم برون

گر نه به جویم رود آب سخن  
 ای ز دمم<sup>(۲)</sup> سینۀ معنی بجوش  
 در چمن زمزمه دل<sup>(۳)</sup> کاشتم  
 گرچه نه از کرده<sup>(۵)</sup> نفس می‌زنم  
 بشنو و منگر که من آلوده‌ام  
 قبله نما هست نه طاعت بری  
 مرغ خوش الحان که نداند مقام  
 سوزن عیسی همه<sup>(۸)</sup> بند و گره  
 آنکه نماید<sup>(۱۰)</sup> ره و گوید ملنگ<sup>(۱۱)</sup>  
 زمزمۀ من که کم از صور<sup>(۱۳)</sup> نیست  
 آینه هر عیب هویدا کند  
 سرمه دهد نور تماشا نگار<sup>(۱۵)</sup>  
 لیک بعمدا نروم واژگون

۱- ن ۲۸، ۱۷ = سمن؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = سخن

۲- ن ۱۷ = دلم؛ ن ۱، ۵، ۹، ۲۸، ۲۹ = دم

۳- ن ۲۹ = گل؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = دل

۴- ن ۲۹ = انگاشتم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸ = انباشتم

۵- ن ۹ = نه از کوره؛ ن ۱۱ = اثر کرده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = نه از کرده

۶- ن ۲۹، ۹ = نیشتر بر دل آسوده؛ ن ۲۸ = نیشتر دل که بر آسوده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱ = نیشتری بر دل آسوده

۷- ن ۱، ۲، ۵ = نه شناسد؛ ن ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۱ = نه شمارد

۸- ن ۲۸ = ز چه؛ همه نسخ دیگر = همه

۹- ن ۱۱، ۱، ۲۸، ۹، ۲، ۵، ۸ = ده؛ ن ۱۷ = به (در ن ۲۹ در مصرع اول "بنده کرد" و در مصرع ثانی "ناسوده کرد" است که مطلقاً غلط است)

۱۰- ن ۱ = نیاید؛ همه نسخ دیگر = نماید

۱۱- ن ۲، ۲۹ = ملنگ؛ ن ۲۸ = به تنگ؛ ن ۸، ۱۷ = پلنگ؛ ن ۱، ۵ = پلنگ؛ ن ۱۱ = بلیک؟

۱۲- ن ۱۱ = باش بر آید لیبیک؛ همه نسخ دیگر = پاش در آید به سنگ

۱۳- ن ۱۱، ۹، ۲۹، ۲ = صور؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = سور

۱۴- ن ۲ = نه برم؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نروم؛ ن ۸ = بزدم؛ ن ۲ = نه برم

۱۵- ن ۱، ۵، ۸ = بکار؛ ن ۱۱ = بتو؛ ن ۲، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نگار

۱۶- ن ۱۱ = دیده بخود ساخت مجلا؛ ن ۱، ۹، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دیده خود را نبود جز

۱۷- ن ۱، ۵ = نگار؛ ن ۱۱ = بتو؛ ن ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = غبار

راهنمائی که برون از ره است  
 آنکه ره کعبه نماید به کور  
 گرچه قدم سوده<sup>(۲)</sup> و رو تافته  
 افتان<sup>(۳)</sup> خیزان به نشان می‌رسم  
 ای که ز اندیشه سبک‌و تری  
 راه حرم گیر و سبکتاز باش  
 گر<sup>(۵)</sup> نروم من تو عنان نرم<sup>(۶)</sup> دار  
 ای رگی جان بردم شمشیر تیز  
 عرفی ازین نشأه<sup>(۷)</sup> مثالی<sup>(۸)</sup> بیار  
 پاش گمست ار<sup>(۱)</sup> نه زره آگه است  
 دیده همانا که ببندد بزور  
 باطنم از کعبه نشان یافته  
 گر دهم عمر<sup>(۴)</sup> امان، می‌رسم  
 بر قدم خویش چرا نشتری  
 هر قدمی محرم صد راز باش  
 نی ز من، از راهروان شرم دار  
 طبلِ عدم زمزمه برداشت، خیز  
 تا بکنند اهل شعور اعتبار

هر<sup>(۹)</sup> نفس این زمزمه سنجد سپهر<sup>(۱۰)</sup>  
 هرچه درین دایره جنبش نماست  
 حامله نطفه زیب توام  
 فتنه ویرانی و آبادیم  
 گاه دهم جلوه به فرش زرت<sup>(۱۲)</sup>  
 کای ادب آموخته ماه و مهر  
 شعبده پرده<sup>(۱۱)</sup> دستان ماست  
 آینه باغ فریب توام  
 رهبر غم، راهزن شادیم  
 گاه ز خاشاک دهم<sup>(۱۳)</sup> بسترت

۱- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = پاش کم است ار نه؛ ن ۱۷، ۲۸ = پاش گمست ور نه؛ ن ۱۱ = پاس کم است ار نه  
 ۲- ن ۱، ۵ = قدم سود وران تافته؟؛ ن ۲، ۹ = قدم سوده و رو تافته؛ ن ۸، ۱۷ = سوده و ره تافته؛ ن ۲۸، ۲۱ = قدم سوده و  
 ره یافته

۳- ن ۱۱، ۲۹ = افتان و خیزان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۸ = افتان، خیزان

۴- ن ۲۸ = بدهد عمر؛ ن ۲ = دهم مرگ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۹، ۱۱ = دهم عمر

۵- ن ۲ = گرم روم من؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = گر نروم من

۶- ن ۱، ۵، ۱۷ = گرم؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = نرم

۷- ن ۲۸ = پرده؛ همه نسخه‌های دیگر = نشأه

۸- ن ۲، ۱۷ = نشانی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = مثالی

۹- ن ۱۱ = هر کس ازین؛ همه نسخ دیگر = هر نفس این

۱۰- ن ۱۱ = گهر؟

۱۱- ن ۸ = شعبده پرورده دستان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۱، ۲۹ = شعبده پرده دستان؛ ن ۲۸ = پرده از شعبده

۱۲- ن ۲۸ = رخت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = زرت

که نفیس اهلِ رشادت<sup>(۱۴)</sup> کنم  
 گاه فروشم به سلمِ عطری باغ  
 گسه کنم آوازه امید ساز  
 ناله<sup>(۱۶)</sup> نو سازِ تظلم<sup>(۱۷)</sup> کنم  
 خنده فروشم<sup>(۱۸)</sup> به فریبِ لب  
 صبحِ جبین آورم و شامِ زلف  
 صافی لذت به تکلمِ دهم  
 عشوه بگویم که عروسی کند  
 تا به تماشای فریب و فسون  
 نیست فریبنده تر از من کسی  
 ای ز دلِ اهلِ وفا<sup>(۲۱)</sup> ساده تر<sup>(۲۲)</sup>  
 نورسِ باغچه<sup>(۲۳)</sup> چرخ<sup>(۲۴)</sup> کهن  
 تفرقه آموزِ نشیب و فراز  
 حسنِ مجاز آتشِ افسرده است  
 لذت هر میوه غذای دل است  
 که مگسِ شهدِ فسادت<sup>(۱۵)</sup> کنم  
 گاه شکنم بوی سمن در دماغ  
 گاه شوم نغمه حرمان نواز  
 فتنه عنان تاب ترّحم کنم  
 گریه نشانم به کمینِ شبت  
 در تب<sup>(۱۹)</sup> لرز افکنم اندام زلف  
 مغزِ حلاوت به تبسمِ دهم  
 غمزه لب عربده بوسی کند  
 تورِ دل از دیده تراود برون  
 عمر ببازیچه سپردم<sup>(۲۰)</sup> بسی  
 وز عَلمِ عقلِ من اُفتاده تر  
 فاخته عشوه<sup>(۲۵)</sup> این سرو بُن  
 نامزدِ حیلۀ این عشوه ساز  
 دل که بدو زنده بود مرده است  
 وین<sup>(۲۶)</sup> ثمرِ بی مزه آب و گل است

۱۳-ن ۱۷ = کنم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۵، ۲۸ = دهم

۱۴-ن ۲۹ = اشارت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷ = رشادت

۱۵-ن ۲ = حسادت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = فسادت؛ ن ۱۲ = مسادت

۱۶-ن ۹ = نغمه نوا؛ ن ۱۱ = ناله نو؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = ناله نوا

۱۷-ن ۵، ۱ = ترنم؛ ن ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = تظلم

۱۸-ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = فروشم؛ ن ۲، ۵، ۸، ۲۹ = فرستم

۱۹-ن ۱، ۹ = تب و لرز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = تب لرز

۲۰-ن ۱۷ = سپردم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹ = بدزدم؛ ن ۲۹ = ببازم

۲۱-ن ۹ = وفا؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = فنا

۲۲-ن ۹، ۱۱، ۲۹ = ساده؛ ن ۱، ۲ = تازه

۲۳-ن ۱ = باغچه؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = بازیچه

۲۴-ن ۱۷ = جمع؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = چرخ

۲۵-ن ۹ = عشون ده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = عشوه این

۲۶-ن ۵، ۱ = وی؛ ن ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = وین

عمر ببازچه گر و می کنی  
 باصره مصلحت نیست حیف  
 سلسله در گردن ایمان منه  
 پا<sup>(۲)</sup> به زنی کوش و به<sup>(۳)</sup> مردی مناز<sup>(۴)</sup>  
 هوش پذیرنده تعبیر نه<sup>(۷)</sup>  
 زین مرضت بیم وفات دل است  
 نوش<sup>(۸)</sup> دل زهر نصیت منم  
 مرگِ هوسهات علاج است و بس  
 تا<sup>(۱۰)</sup> ز کجا بانگِ هوس بشنود  
 بر<sup>(۱۱)</sup> اثرِ نفس بتازی، خطاست  
 عیدِ دی آبستنِ صد ماتم است  
 درد<sup>(۱۴)</sup> کش ماتمِ او عید ماست  
 دیده امید سبل برگرفت  
 گوهر این بحر گران رنگ نیست  
 گوهر بی آب و صدف آبدار

خوشه بی دانه درو می کنی  
 ذایقه معرفت نیست حیف  
 دل به خم زلفِ پریشان منه<sup>(۱)</sup>  
 لعبت بازی مکن ای عشوه ساز  
 عقل تو<sup>(۵)</sup> از رعشه<sup>(۶)</sup> عنان گیر نه  
 فکرِ دوا کن که مرض هایل است  
 گوش به من کن که طبیعت منم  
 نیستی<sup>(۹)</sup> اصلاح مزاج است و بس  
 نفس تو لبیک زنان می رود  
 گر تو درین ره که فریب آشناست  
 آنکه<sup>(۱۲)</sup> به نفس آشتیش محکم است  
 و آنکه<sup>(۱۳)</sup> به خونریزی نفس آشناست  
 تا فلک اسبابِ حیل برگرفت  
 نغمه این ساز خوش آهنگ نیست  
 جامِ زر<sup>(۱۵)</sup> اندوده می ناگوار

۱- ن ۹، ۱۷ = منه؛ ن ۲۹ = بده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = مده

۲- ن ۱۷ = تا؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = یا

۳- ن ۲۹، ۸ = کوش و بمردی؛ ن ۱، ۵ = کوش به مردی

۴- ن ۸ = مناز؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = مناز

۵- ن ۹ = عقل ترا؛ ن ۱، ۱۷، ۲۹ = عقل تو از

۶- ن ۱، ۵ = رشته؛ ن ۲، ۹، ۱۷، ۲۹ = رعشه

۷- ن ۵، ۱۷، ۲۹ = نه؛ ن ۹ = نی

۸- ن ۱، ۵، ۲۹ = نوش دل زهر نصیت منم؛ ن ۸، ۱۷، ۹ = نوش دل و زهر نصیت منم

۹- در نسخه دوم هفده اشعار پیشین تا این شعر مختلف دارد و بین اشعار ۱۰۷ و ۱۰۸ یافته می شوند

۱۰- ن ۹ = تازگی بانگِ هوس؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = تا ز کجا بانگِ هوس

۱۱- ن ۵، ۸ = درد کشی ماتمِ او عید؛ ن ۵ (حاشیه)، ۹، ۱۷، ۲۹ = بر اثر نفس بتازی خطاست

۱۲- تنها در نسخ ۱۷ یافته شد

۱۳- تنها در نسخ ۲، ۹، ۱۷، ۲۹ = یافته شد

۱۴- ن ۹، ۱۷، ۲۹ = درد کش ماتمِ او عید ماست؛ ن ۲ = بیم ز شیرینی قندش کجاست

۱۵- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = می؛ ن ۹، ۲۹ = زر

بیع مکن با گهرش سود نیست  
 زهر ازین منجله<sup>(۱)</sup> بیرون دهند  
 حرف مراد از ورق<sup>(۲)</sup> بر تراش  
 آنکه بود نشئه می در سرش  
 الفت غمجو که کند سینه تنگ  
 طبع کس<sup>(۳)</sup> ار<sup>(۴)</sup> تلخی زهر<sup>(۵)</sup> آشناست  
 و آنکه بود عادت طبعش به قند<sup>(۷)</sup>  
 نغمه امید<sup>(۸)</sup> و هزاران نفس  
 تلخ دهانی گله سازی مکن  
 من هم ازین می قدحی می کشم  
 سایه مرا لازم و لازم نقیض  
 خنده که از چشمه نوش آمده  
 نغمه کزو کام حلاوت برد  
 می که برو بی غمی آمد حلال  
 گر شود از تشنگیم دل کباب

حاصل این شمع بجز دود نیست  
 باده نمایند ولی خون دهند  
 مست ملامت شود آسوده باش  
 تلخی می شهد نماید برش  
 ورنه دلی را به طرب نیست جنگ  
 بیم ز شیرینی قندش کجاست<sup>(۶)</sup>  
 زهر فرستد به مزاجش گزند  
 مایده<sup>(۹)</sup> یاس ندارد مگس<sup>(۱۰)</sup>  
 لب مگشا<sup>(۱۱)</sup>، نغمه طرازی مکن  
 وز مزه اش آب دهان می چشم  
 بر اثر<sup>(۱۲)</sup> صحت<sup>(۱۳)</sup> و صحت مریض  
 بر لب من زهر فروش آمده  
 ذوق مرا نزد ملامت<sup>(۱۴)</sup> برد  
 بردل من چیده بساط ملال  
 عهد رطوبت شکنند طبع آب

۱- ن ۵، ۱ = مرحله؛ ن ۹ = ازین ساغر؛ ن ۱۷، ۲۹ (لفظ منجله اصلاً متعلق به زبان سانسکرت است به معنای میوه نوعی ..... بکار می رود و منجلی به همین مفهوم در زبان فارسی استعمال شده است)

۲- ن ۹ = ۲، ۸، ۱۷، ۲۹ = ورق

۳- ن ۹ = گر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = کس

۴- در همه نسخ مثل ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۹، لفظ از هست ولی "از" درست تر می نماید

۵- ن ۲ = غم؛ همه نسخ دیگر = زهر

۶- در ن ۲۸ ورق دارای اشعار از شماره ۱۲ تا ۶۴۷ افتاده است

۷- ن ۱، ۵ = چو قند؛ ن ۸، ۲۹، ۹ = به قند

۸- ن ۸، ۲۹ = امید و هزاران؛ ن ۹، ۱، ۲، ۵، ۱۷ = امید هزاران

۹- ن ۹ = فایده؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = مایده

۱۰- ن ۹ = یکس؛ ن ۱، ۲۹، ۸، ۱۷ = مگس

۱۱- ن ۲۸، ۹، ۲۹ = بگشا؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷ = مگشا

۱۲- ن ۸، ۲۹ = اثرم؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸ = اثر

۱۳- ن ۸، ۲۸ = صحبت و صحت؛ ن ۱۷، ۲۹ = صحت و صحت؛ ن ۱، ۲، ۵ = صحبت و صحبت

۱۴- ن ۲۹ = جماعت؛ همه نسخ دیگر = ملامت



غم که به من عهد وفا بسته است  
گل که بود نشاء ذوقش<sup>(۱)</sup> بلند  
برگ مرادش اگر<sup>(۳)</sup> آماده بود  
از لب<sup>(۴)</sup> آلايش تلخی بشوی  
چشمه کوثر که همه خنده است  
یا بهل این غمکده عشوه سنج  
این همه آلايش دامن و دست<sup>(۶)</sup>  
آتش این سوختگی خامی است  
داغ رضانه به دل هر غمی  
درد به طنازي درمان فرست  
مرهم صد داغ کن آن ریش را  
من که دلم تازه کند زخم نیش  
زنده درونی که بدرد آشناست  
ریش کزان خون نرود ریش نیست  
ریش تو پژمرده و بی غم<sup>(۸)</sup> به است  
آن که ندارد سر این ماجرا  
ای به رو تشنه لبی در شتاب  
آب تو در چشمه ناکامی است

از اثر صحبت من خسته است  
می چکدش خون ز لب<sup>(۲)</sup> نوشند  
لوح وی از خون جگر ساده بود  
وانکه ازو شهید تبسم بجوی  
فرش به دارالفجر افکنده است<sup>(۵)</sup>  
یا بکش این زهر و ز تلخی مرنج  
خیز و بشو، چشمه تسلیم هست  
مرهم این داغ ز ناکامی است  
ریش فروشوی زهر مرهمی  
مرگ به سرچشمه دیوان فرست  
کز غم مرهم بستد خویش را  
مرهم<sup>(۷)</sup> ریشم چه بود؟ باز ریش  
مرهم گوید نمکش مدعا است  
راحت ازو نیم قدم پیش نیست  
گرنه بری منت مرهم به است  
بس بودش ننگ سلامت چرا<sup>(۹)</sup>  
تشنگی آموز مزاج سراب  
صاف تو در جام تهی جامی است

۱- ن ۱، ۱۷، ۲۹ = شوقش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸ = ذوقش

۲- ن ۱، ۹، ۱۷، ۲۸ = شیر خند؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = نوشند؛ ن ۸ = زهر خند

۳- ن ۱۷ = همه؛ همه نسخ دیگر = اگر

۴- ن ۱ = لبش؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = لب

۵- در نسخه چاپی نولکشور (ن ۱۱) اشعار از شمار، ۶۲۴ تا ۶۶۱ نیافته شد

۶- ن ۹ = دوست؛ همه نسخ دیگر = و دست

۷- با آنکه در تمام نسخ لفظ اول مصراع دوم (مرهم) است اما درین صورت مصراع سکنه می شود. پس اگر این لفظ را (مرحمی) بخوانیم نه تنها وزن درست می شود بلکه از لحاظ معنی نیز تفاوتی پیش نمی آید و ممکن است این شکستگی در مصراع سکنه ملیح باشد که درینصورت جایز است

۸- ن ۱۷ = دل هم به است؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = و بی نم به است

۹- ن ۹ = جزا؛ دیگر همه نسخ = چرا

هان نجشی، زین عمل<sup>(۱)</sup> اندیشه کن  
 شهید بیفشان<sup>(۲)</sup> و مگس ران مگیر<sup>(۳)</sup>  
 وانگه<sup>(۴)</sup> ازان مرگ<sup>(۵)</sup> بزی جاودان  
 منع دل و طبع هوس پیشه کن  
 در جگر چشمه حیوان بمیر  
 یاد کن از عرفی معنی فشان

### حکایت

صبحدمی شعبده بازی که هست  
 گفت که ای مطرب بزم مجاز  
 گوهر عمر<sup>(۸)</sup> و خرد اهل هوش  
 زهره به بازیچه دری باز کرد  
 نغمه زنان جام و صراحی بدست  
 مست<sup>(۹)</sup> خیالی به سماع آمدند  
 تیز روی بود و حیا تیز<sup>(۱۰)</sup> بود  
 زخمه لب عود چنان می‌گزید  
 شاهد غم در پس زانوی خویش  
 خنده گشای لب شادی ملال  
 حیل<sup>(۶)</sup> نیرنگ به ناهید بست  
 انجمن لهو و لعب<sup>(۷)</sup> می طراز  
 می‌خر و می‌دزد و به من می‌فروش  
 انجمن عشوه‌گری ساز کرد  
 جرعه فشان گشت به هشیار و مست  
 هوش و خرد را به وداع آمدند  
 انجمن آلوده مان نیز<sup>(۱۱)</sup> بود  
 کز لب وی خون جگر<sup>(۱۲)</sup> می‌چکید  
 عطسه زنان عاقبت از بوی خویش  
 بلکه تبسم به لب غم حلال

۱-ن ۵، ۱= عمل؛ ن ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹= عسل

۲-ن ۲، ۱۷= میفشان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹= بیفشان

۳-ن ۲، ۱۷، ۵، ۸، ۱۷= مگیر؛ ن ۹، ۱۱، ۲۸= بگیر

۴-ن ۱، ۲، ۹، ۵= وانگه ازین؛ ن ۸، ۱۷، ۲۹= وانگه ازان؛ ن ۱۱= وانگهی از

۵-ن ۱۷= برگ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹= مرگ

۶-ن ۹، ۲۹= حیل؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸= حیل

۷-ن ۱۷= را طراز؛ ن ۹= گرم ساز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹= می طراز

۸-ن ۵= گوهر عمر و خرد و اهل هوش؛ ن ۱۱= گوهر عمر خرد اهل هوش؛ ن ۱، ۱۷، ۲۹= گوهر عمر و خرد اهل

هوش؛ ن ۲۸= گوهر عمری خرد، از اهل هوش

۹-ن ۱۱، ۲۸= مست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹= مش

۱۰-ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹= نیز

۱۱-ن ۱، ۹، ۱۱، ۲۹= تیز؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹

۱۲-ن ۸، ۹= جگر؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹= شکر

شعله زنان نغمه به<sup>(۱)</sup> هوش همه<sup>(۲)</sup>  
 نغمه ده و نغمه ستان در سماع  
 خسته<sup>(۴)</sup> دلی بود در آن انجمن  
 روی بوی کرد یکی هرزه سنج  
 چند کسی مُهرِ نفس نشکند<sup>(۷)</sup>  
 نغمه بگو تا بگشاید متاع  
 ورنه سماعی و نریزی خروش  
 گفت: چگوریم<sup>(۹)</sup>، نفست گرم باد  
 من که طلاقِ طیران داده‌ام  
 رویم ازین باده بیفروختند<sup>(۱۰)</sup>  
 خنده مستانه کبکم هواست  
 حیف که شیرینی خونِ جگر  
 میل برافشاندنِ دستیم هست  
 حیف که هر نغمه که لب جویدش  
 خنده زخمِ لیک بر آسودگان  
 آنکه<sup>(۱۱)</sup> دهد لختِ جگر شکرش

سالم ازان پنبه بگوش همه<sup>(۳)</sup>  
 عمر فروشان همه ازان متاع  
 دست<sup>(۵)</sup> و لبش قفلِ سماع<sup>(۶)</sup> و سخن  
 کای به صفت کار گه درد و رنج  
 عهدِ طرب نیست که کس نشکند  
 خیزو در آ چرخ<sup>(۸)</sup> زنان در سماع  
 نیم تبسم به طبر زد فروش  
 دست و لبِ چرب و زبان نرم باد  
 بال و پرم نیست که افتاده‌ام  
 صوت و سماعِ نَوْمِ آموختند  
 لذتِ پزِ مردگیِ دل بلاست  
 هر دو لبم دوخته بر یک دگر  
 لیک ندانم که کدام است دست  
 تشنگیِ نغمه فرو شویدش  
 دست برافشانده‌ام اما بجان  
 زهر بود شهیدِ تبسمِ برش

۱- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹؛ ۱۱ = نغمه به هوش

۲- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱ = پنبه ؛ ن ۲۸ = پنبه بگوش

۳- ن ۲۸ = آمده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹

۴- ن ۱، ۵ = زنده دلی؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = خسته دلی

۵- ..... دست و دلش؛ ن ۲، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = دست و لبش

۶- ن ۲۹ = فعلِ سماع و سخن؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = قفلِ سماع و سخن؛ ن ۱ = قفلِ متاع

سخن

۷- ن ۱، ۲، ۸، ۲۸، ..... ؛ ن ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = نشکند

۸- ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = موج؛ ن ۱، ۵، .....

۹- ن ۱، ۲، ۵، ۲۹ = چگوریم؛ ن ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = چگوریم

۱۰- ن ۹، ..... ؛ ن ۵، ۸، ۱۱، ۲۸ = نیفروختند؛ ن ۲ = برافروختند

۱۱- ن ۱۷ = بود؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = شود

چشمه <sup>(۱)</sup> زمزم دهندش تلخ بود	تشنه لبم بوسه ز هر لب ربود
داغ مرا طاقبت مرهم کجاست	برگی طرب را چه کنم غم کجاست
بر اثرش رغبت مرهم مباد	سایه داغ از سر دل کم مباد
در دلم آید که درین داستان	عرفی ازین <sup>(۲)</sup> دود <sup>(۳)</sup> حلاوت فشان
این حد من نیست همانا تویی	یا منم آن سوخته دل یا تویی

#### غفلت<sup>(۴)</sup>

وی اثر رنج طلب کام <sup>(۵)</sup> تو <sup>(۶)</sup>	ای گهر گنج ادب نام تو
بسته دامی <sup>(۷)</sup> ز چه وارسته ای	در طلب آویز چه بنشسته ای
کرده به نگشودنش ابرامها <sup>(۸)</sup>	گر چه فلک بسته در کامها
قفل شکاف در ابرام اوست	تیر <sup>(۹)</sup> کلیدی که طلب <sup>(۱۰)</sup> نام اوست
راه نماینده امیدهاست	رو به طلب کن که مراد آشناست
ناله شب‌دیز به گلگون رسان <sup>(۱۲)</sup>	تحفه فرهاد به شیرین فشان <sup>(۱۱)</sup>
دست ادب گیر و بفرموده رو	راه طلب جوی <sup>(۱۳)</sup> و نه بیهوده رو
طایر باغ حرم <sup>(۱۴)</sup> آری بدام	تا رسی از دیر به بیت الحرام

۱- ن ۹ = چشمه کوثر زدمش تلخ بود؛ ن ۱، ۵، ۸ = چشمه حیوان دهندش تلخ بود؛ ن ۲، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = چشمه زمزم دهندش تلخ بود

۲- ن ۱۱، ۲۸ = ازان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = ازین

۳- ن ۹، ۲۸ = درد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = دود

۴- همه عناوین مطابق ن ۹ داده شده‌اند

۵- ن ۱۷ = کام؛ ن ۹ = نام؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = دام

۶- ن ۱۷ = او؛ ن ۲۸ = تو؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = ما

۷- ن ۲۹ = دامن؛ همه نسخه‌های دیگر = دامی

۸- ن ۵، ۱ = آرامها؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = ابرامها

۹- ن ۱، ۲۹ = تیر؛ ن ۱۷، ۲۸ = نیز؛ ن ۵، ۱۱ = تیز

۱۰- ن ۱۷ = ادب؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = طلب

۱۱- ن ۱۷ = فشان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = فشان

۱۲- ن ۱۷ = رسان؛ دیگر نسخ = رساند

۱۳- در ن ۱، ۵، ۲۹، و او عطف نیست

۱۴- ن ۲۹ = ارم؛ دیگر نسخ = حرم

فوجِ طیور از همه سو نغمه سنج  
 مرغِ مراد آمده صد ره بدام  
 بلکه زامنیت و انیس مکان  
 بیضه هم آورد برون و شکست  
 باز شعورِ تو همان بسته بال  
 پای تو برداشته صد زخمِ مار  
 این<sup>(۴)</sup> دلِ بی بهره<sup>(۵)</sup> ناهوشمند  
 هیچ گمان برده<sup>(۷)</sup> این رنجِ نی<sup>(۸)</sup>  
 گنج فشاند طلب از آستین  
 روی شعورِ تو به می شسته‌اند  
 چون تو به این صید نه ارزنده‌ای  
 بر<sup>(۱۲)</sup> تو حرام<sup>(۱۳)</sup> است مر این گنج کام  
 مستی و از فیضِ طلب رسته‌ای  
 مستی غفلت نسیذیرفته‌اند  
 هوش درین راه و روش مستی است  
 هوش به سیلاب ده و مست رو

دامِ ترا<sup>(۱)</sup> خنده زنان برشکنج  
 بسکه بدام آمده گردیده رام  
 بر زیرِ دام گرفت آشیان  
 بچه<sup>(۲)</sup> او با طیران عهد بست  
 بخت تو در خواب که خوابش حلال  
 گنج هم<sup>(۳)</sup> از کویش پایت فکار  
 وین<sup>(۶)</sup> نظر سرمه غفلت پسند  
 هیچ تماشایی<sup>(۹)</sup> این گنج نی  
 لیک دریغ از نظر گنج بین  
 جلوه لیلیت ز<sup>(۱۰)</sup> حی شسته‌اند<sup>(۱۱)</sup>  
 بهر چه دامِ طلب افکنده‌ای  
 راهِ طلب بیش میالا به گام  
 بی‌اثری را به طلب بسته‌ای  
 ورنه به مستی همه دُر سفته‌اند  
 نغزترین تحفه تهی دستی است  
 تحفه برافشان و تهی دست رو

۱- ن ۱۱ = طبع؛ ن ۸ = مرا؛ نسخ دیگر = ترا

۲- ن ۱۷ = باطیران بچه او؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = بچه او باطیران

۳- ن ۱۷ = تو؛ همه نسخ دیگر = هم

۴- ن ۹، ۸ = دین؛ ن ۵، ۲۹، ۱۱ = ای؛ ن ۱۷ = زین

۵- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۱۱ = بی بهره؛ ن ۱۷ = بی بهره و

۶- ن ۱۷ = زین؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱ = دین

۷- ن ۱۷، ۹، ۲۹، ۱۱ = برده ازین؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = برده این

۸- ن ۱۷ = نی؛ همه نسخ دیگر = نه

۹- ن ۹ = تماشایی ازان گنج؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۹ = تماشایی این گنج

۱۰- ن ۹، ۲۹، ۱۱، ۱ = ز می؛ ن ۲ = زخی

۱۱- ن ۹، ۱۱ = بسته؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = شسته

۱۲- ن ۹، ۲۹ = حرام ابد این؛ ن ۱۱ = حرام آمده این؛ ن ۱، ۵ = حرام است مر این؛ ن ۱۷ = حرام آمده این

۱۳- ن ۹، ۲۹ = حرام ابد این؛ ن ۱۱ = حرام آمده این؛ ن ۱، ۵ = حرام است مر این؛ ن ۱۷ = حرام آمده این

تَحْفَةُ او جنبش امیدهاست  
 أَبْلَةُ پای طلبکار اوست  
 بر نفس گنج ورن گوش دار  
 گرم روی وام ز اندیشه کن  
 هر قدمی چشمه‌ای از زهر هست  
 تشنگیت رفع بیاقوت ساز  
 آب ستان بهر لب جرعه دوست  
 بره بریان همه<sup>(۴)</sup> در سینه هست  
 لیک ره راست یکی زان شمار  
 مست و سراسیمه نماند<sup>(۵)</sup> نگاه  
 تا در گنجینه ترا خوانده‌اند  
 قاعده رهروی آغاز کن  
 سوی گهر ریزه بری دست از  
 تا شوی از رنج طلب گنج یاب  
 بر تو فشانند در و بام الحذر  
 در شو و مگذار عنان طلب  
 مغز وی از زهر و ز الماس پوست<sup>(۱۱)</sup>

آنکه برآرنده امید<sup>(۱)</sup> ماست  
 مردمک دیده دیدار<sup>(۲)</sup> دوست  
 گر طلب گنج کنی هوش دار  
 شیوه جوهر طلبان پیشه کن  
 صد ره و صد کوچه درین شهر هست  
 هست درین راه به آیت<sup>(۳)</sup> نیاز  
 یعنی ازان لعل که دل نام اوست  
 و بر به طعمی کنی آلوده دست  
 کوچه و راهست هزاران هزار  
 تا به نگاهی شوی آگه ز راه  
 ریزه گوهر بره<sup>(۶)</sup> افشاندند  
 دیده بر بسته<sup>(۷)</sup> ز هم باز کن  
 هان نکنی کز ره حرص و نیاز  
 شرم کن از همت و برتر شتاب  
 بر در گنجینه چو آری گذر  
 هیچ میندیش<sup>(۸)</sup> و بکام ادب  
 بر سر هر گنج<sup>(۹)</sup> که ماری<sup>(۱۰)</sup> بر اوست

۱- ن ۱۷، ۹، ۲۹ = امید هاست؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = امید ماست

۲- ن ۱، ۲، ۸، ۵ = اوست؛ ن ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = دوست

۳- ن ۲۹ = بآیت؛ ن ۱۱ = بیایست؛ ن ۱، ۵ = آیت

۴- ن ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = تو؛ ن ۱، ۲، ۵ = همه؛ ن ۱۷ = هم

۵- ن ۹، ۱۱ = نماند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = نماید

۶- ن ۹ = بلبل؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = بره

۷- ن ۲۹ = در بسته؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱ = بر بسته

۸- ن ۹ = میندیش بکام؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = میندیش و بکام

۹- ن ۹ = بر سر گنج آی؛ ن ۸، ۲، ۵ = بر سر هر گنج که؛ ن ۲۹ = بر سر گنج آی که

۱۰- ن ۵، ۱ = در دست؛ ن ۲، ۸، ۹، ۲۹ = بر دست

۱۱- در ن ۲۸ ورق که دارای اشعار از شماره ۷۱۵ تا ۷۴۹ هست، افتاده است

گرچه نتابد<sup>(۱)</sup> اجل او را عنان  
پای منه بر دُم<sup>(۲)</sup> آن قهرناک  
وانگه ازان گنج ببر مزد رنج  
ای برهت دست طلب گنج ریز  
رو که به اعجاز طلب می توان  
بر سر او کوب که گردد هلاک  
نفسز در آویز بدامان گنج  
برگِ ره آنست و ره اینست خیز

## داستان

جوی طراز چمن بیستون  
بود بامر صنم دلپذیر  
تیشه بر آن بوسه که بر سنگ داد  
تیشه هر آن داغ که بر سنگ ماند  
تیشه بر آن نغمه که بر می کشید  
ریزه سنگیش که از تیشه جست  
مرغ شرر چون طیران می نمود  
جنبشی از تیشه نرفتی بکار  
هرزه درایی ز ملامت گریز  
گفت کزین<sup>(۸)</sup> شیوه مراد تو چیست  
می بری این<sup>(۱۰)</sup> رنج بفرموده ای  
زمزمه برداشت که ای دلخراش  
آن<sup>(۳)</sup> به بهشت غم شیرین درون  
مست<sup>(۴)</sup> بر آراستن جوی شیر  
چشمه خونین ز دل او گشاد  
لذت آن بر دل وی ریشه راند  
از لب وی ناله فرو می چکید  
نیشتن آسا<sup>(۵)</sup> بدلش برنشت  
گرم به شهباز دلش<sup>(۶)</sup> می ربود  
کز دل<sup>(۷)</sup> وی بر نزدودی قرار  
تیغ زبان کرده به بیهوده تیز  
کام دل<sup>(۹)</sup> و رنج نهاد تو چیست  
یا ز جنون طالب بیهوده ای  
مرهم داغم به طبرزد تراش<sup>(۱۱)</sup>

۱- ن ۲۹ = نتابد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸ = نتابد

۲- ن ۹، ۲۹ = او؛ همه نسخ دیگر = آن

۳- ن ۲۹ = او؛ ن ۹، ۱۱، ۲۸ = آن

۴- ن ۹ = در پی آراستن؛ ن ۱، ۲، ۵، ۲۹ = مست بر آراستن

۵- ن ۹ = نیشتن آن؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نیشتن آسا

۶- ن ۲۹ = دلم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = دلش

۷- ن ۲۸، ۸ = او؛ ن ۱۱، ۲۹، ۵، ۱۷، ۹، و غیره = وی

۸- ن ۲۹، ۹ = درین؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸ = کزین

۹- ن ۱۱، ۹ = دل رنج؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = دل و رنج

۱۰- ن ۹ = ای؛ دیگر نسخ = این

۱۱- ن ۲۸ = شناس؛ ن ۹، ۱۱، ۵، ۸، ۲۹ = تراش

کز طلبش رنج شمارم بسی  
وز لب شیرین دهنان زهر نوش  
داده قـرارـی به من بـیقرار  
گنج وصالش به (۲) جزا می دهد  
تا مگر (۳) از بهر دل رنج دوست  
زان بکنم (۶) بیع متاع وصال  
وز (۸) طلب گنج (۹) در آشوب (۱۰) و رنج  
کس گهر عمر نیابد به زر  
شربت کوثر به حبابی که داد؟  
باغ بهشتی که به جویی دهد؟  
وز من و (۱۳) رنج منت آرم باد  
از طلب گنج شاید نشست  
گنج نیابم چو (۱۵) طلب کرده ام  
گر نبرم گنج همینم بس است

می برم این رنج به امر کسی  
مایه نوشی غم دوری فروش  
منعم ازین شیوه مکن کان (۱) نگار  
رنج مرا مُزد وفا می دهد  
می برم این رنج من گنج دوست  
مزدی ازین (۵) رنج بیابم حلال  
گفت که ای ساده دل تیشه (۷) سنج  
کس ز (۱۱) صدف ریزه نجوید گهر  
چشمه حیوان به سرابی که داد  
جمله عروسی که به مویی دهد  
گفت ز فیض طلبت شرم باد (۱۲)  
گر همه (۱۴) دانم که نیاید بدست  
پیروی حسن ادب کرده ام  
نام طلب نقش نگینم بس است

۱- ن ۲۹ = کاین؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۸ = کان

۲- ن ۹ = به بها؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = به جزا

۳- ن ۱، ۵، ۲۶ = مگر

۴- ن ۱، ۵ = دل؛ ن ۱، ۵ = من

۵- ن ۸ = مزد وی این؛ ن ۱، ۱۷، ۲۸ = مزدی ازین؛ ن ۹، ۲۹ = مزد ازین

۶- ن ۸ = نکنم؛ ن ۱، ۲، ۵ و غیره = بکنم

۷- ن ۱۱، ۱۷ = پیشه؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۲۹ = تیشه

۸- ن ۱، ۱۱، ۱۷ = در؛ ن ۹، ۲۸، ۲۹ = و در

۹- ن ۱۷ = و در؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = در

۱۰- ن ۱۷، ۲۸ = آشوب رنج؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = آشوب و رنج

۱۱- ن ۱۷ = ز صدف؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۷، ۲۹ = به صدف

۱۲- ن ۱، ۵، ۱۱ = دار؛ ن ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۱ = باد

۱۳- ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸ = وز من دوز رنج من؛ ن ۲۹ = از من و از رنج من؛ ن ۹، ۱۷ = وز من و رنج منت

۱۴- ن ۵ = گر همه که گنج؛ ن ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = گر همه دانم؛ ن ۱۱ = گر چه بدانم

۱۵- ن ۹، ۱۱ = ز طلب؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = چو طلب؛ ن ۲۸ = بطلب؛ ن ۲۹ = نی طلب



بوم و هما بر لبِ هم نغمه ریز  
 بر اثرِ جذبِ طلب در شتاب  
 بر لبِ جورانده تماشا کنان  
 صاف عنایت ز بیانش چکید  
 وز نم<sup>(۷)</sup> تسنیم غبارش<sup>(۸)</sup> نشانند<sup>(۹)</sup>  
 آن گهر و گنج که بایست داد  
 نیشِ ملامت به لب<sup>(۱۰)</sup> اندر شکست  
 هست گمانم که به جایی رسید  
 خار ز پا<sup>(۱۱)</sup> برمکش و می شتاب  
 بس گهر و گنج درین رنج هست

زین<sup>(۱)</sup> طرف این زمزمه طعنه<sup>(۲)</sup> خیز  
 زان<sup>(۳)</sup> طرف آن طعنه زنِ آفتاب  
 پنجه تائیرِ طلب بر<sup>(۴)</sup> عنان  
 آمد و آوازه<sup>(۵)</sup> آن رنج<sup>(۶)</sup> دید  
 گوهر تحسین بکنارش فشاند  
 دست به ایثار وفا برگشاد  
 طعنه فروشنده لب از هرزه بست  
 راهروی<sup>(۱۱)</sup> راه<sup>(۱۲)</sup> طلب برگزید  
 عرفی ازین جاده عنان بر متاب  
 رنج طلب بر<sup>(۱۴)</sup> که در و گنج هست

### نعت

پیشتر<sup>(۱۵)</sup> از جلوه آثار بود<sup>(۱۶)</sup>

کز جگرِ شمع نمی خواست<sup>(۱۷)</sup> دود

۱- ن ۲، ۲۹، ۱۱ = زان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸ = زین

۲- ن ۲۹ = نغمه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸ = طعنه؛ ن ۱۱ = طعن

۳- ن ۲۹ = زین؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۱۱ = زان

۴- ن ۱، ۵، ۱۷ = در؛ ن ۲، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹، ۱۱ = بر

۵- ن ۱۷ = اندازه؛ همه نسخ دیگر = آوازه

۶- ن ۱ = گنج؛ همه نسخ دیگر = رنج

۷- ن ۹ = غم؛ همه نسخ دیگر = نم

۸- ن ۱۷ = غباری؛ دیگر همه نسخ = غبارش

۹- ن ۲، ۱۱، ۹ = نشانند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نشانند

۱۰- ن ۱۷ = به دل؛ همه نسخ دیگر = به دل

۱۱- ن ۸، ۲۹ = رهروی؛ ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۹، ۲۸ = راهروی

۱۲- ن ۱۷ = راز؛ همه نسخ دیگر = راه

۱۳- ن ۱، ۲، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = برمکش و می شتاب؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = برکش و ره می شتاب؛ ن ۱۱ = بر مکن و من شتاب

۱۴- ن ۹، ۲۹ = به؛ دیگر همه نسخ = بر

۱۵- ن ۹، ۱۱ = پیشتر؛ ن ۱، ۲، ۸، ۲۸، ۲۹ = پیشتر

۱۶- ن ۱، ۲، ۸، ۵ = بود؛ ن ۴، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = جود

شمع ازل چهره برافروختی

نور فشاندی دلِ خود سوختی

حسن تماشایی خود بود و بس

بانگ نمی‌زد<sup>(۱۸)</sup> به تماشای کس

دوستی خود به دلش کرد<sup>(۱۹)</sup> زور

نعمت<sup>(۲۰)</sup> رازش به گلو گشت شور

نغمه مستانه ز دل ساز کرد

زمزمه مهر خود آغاز کرد

زان نفس گرم که از دل گشاد

نور تعلق بمآثر فتاد

بر دل هر ذره اثر نامه رفت

عشق به آرایش هنگامه رفت

مژده دل داد به هر سینه‌ای

نور فشان کرد هر آینه‌ای

تشنه در و نان سراب<sup>(۲۱)</sup> عدم

سیر<sup>(۲۲)</sup> مکینند ازین چشمه نم

آب حیات از نم آن چشمه زاد

چشمه کوثر<sup>(۲۳)</sup> هم از آن نم گشاد

روح بود گوهری از کان عشق

مرگ بود نشاء حرمان عشق

۱۷- ن ۴، ۱۱، ۲۹ = خاست؛ ن ۵، ۹، ۱۷، ۲۸ = نمی خواست

۱۸- ن ۱۷ = همی زد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = نمی زد

۱۹- ن ۵، ۱ = گرم؛ ن ۲، ۴، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = کرد

۲۰- ن ۲۹ = نغمه؛ همه نسخ دیگر = نعمت

۲۱- ن ۱۷، ۱۱ = شراب؛ ن ۱، ۴، ۵، ۲۸، ۲۹ = سراب

۲۲- ن ۲ = تیز؛ ن ۴، ۱۷ = شیر؛ ن ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = سیر

۲۳- ن ۹ = گوهر؛ ن ۱۷ = حیوان؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = کوثر

آمد و رفت نفس اهل زیست  
 جنبش عشقت و دگر هیچ نیست  
 زنده جاوید و شهید آمدیم  
 حُسن<sup>(۱)</sup> و محبت همه را داده‌اند  
 لیک نقاب همه نگشاده‌اند  
 حُسن<sup>(۲)</sup> یکی سایه فروش نقاب  
 حُسن<sup>(۳)</sup> یکی نور ده آفتاب  
 جمله بمعنی ثمر جتیم  
 لیک نه بر یک روش و عادتیم  
 بعضی ازین<sup>(۴)</sup> میوه جوشان بخون  
 تلخ برون آمد و شیرین درون  
 ما<sup>(۵)</sup> ز برون مغز و درون پوستیم  
 بسته دروغی که درون دوستیم  
 گردِ سرِ پوست شود مغزِ ما  
 ننگِ فلنا زیستنِ نگرِ ما  
 از پس این پرده مجو آفتاب  
 جمله نقاب است بروی نقاب  
 هستی<sup>(۶)</sup> ما را چه شمارد کسی  
 رو که نیریزیم<sup>(۷)</sup> به مُشتِ خسی

۱- ن ۹ = حسن و محبت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = حسن محبت

۲- در ن ۱۷ مصرع ثانی مصرعه اول و مصرع اول مصرع ثانی است

۳- ن ۹، ۱۱ = ازان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۲۸ = ازین

۴- ن ۲۸ = جوشان خون؛ ن ۱ = ز خون؛ ن ۲، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹، ۱۱ = بخون

۵- ن ۹، ۱۱ = باز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = باز؛ ن ۸ = نار؟

۶- ن ۹، ۱۱ = هستی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸ = غیره = هستی

۷- ن ۹ = نیرزید؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نیرزیم

آتش و بادی بهم آمیخته

مشتِ گلی بر سرِ شان ریخته

در گره این رسن پیچ پیچ

چون بکشایند چه نسبت<sup>(۱)</sup> به هیچ

مایه هستی چو<sup>(۲)</sup> تهی دستی است

نیستی ار<sup>(۳)</sup> نیست، چه خوش هستی<sup>(۴)</sup> است

توده صحرای عدم تاجِ ما

هیچ تر از هیچی معراجِ ما

نیستی از هستیِ ما برده ننگ

تیز ترای مرگ، بس است این دو رنگ

هر که به این<sup>(۵)</sup> درد گران مبتلاست

داروی بیهوشی مرگش دواست

ابرِ عطا بر لبِ ما جرعه ریز

ما به ره<sup>(۶)</sup> تشنه لبی گرم خیز

حُسنِ ازل چون غم دل پرده سوز

ما چو حیا<sup>(۷)</sup> بهرِ نظر پرده دوز<sup>(۸)</sup>

دیده ما تنگ و تماشا فراغ

چون دل ازین غم نشود شاخ شاخ

دل به زبان رفت و زبانم بسوخت

شعله این زمزمه جانم بسوخت

۱- ن ۱۱ = نسبت به هیچ؛ ن ۹، ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸ = بست است هیچ

۲- ن ۲۸، ۱۱ = چه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = چو

۳- ن ۲۹ = نیستی از نیست؛ ن ۲۸ = نیست تر از نیست؛ ن ۱، ۵ = نیستی ار هست؛ ن ۱۱ = نیستی از مست

۴- ن ۵، ۱ = هستی؛ ن ۱۱، ۸، ۲۹، ۲۸ = هستی

۵- ن ۹ = درین؛ ن ۱۷، ۲۹ = برین؛ ن ۱، ۴، ۵، ۱۱، ۸، ۲ = باین

۶- ن ۸، ۵، ۱ = مایده؛ ن ۲، ۹، ۴، ۱۱، ۲۹ = مابره؛ ن ۲۸ = مابلَب

۷- ن ۱، ۵، ۸ = صبا؛ ن ۹، ۱۱، ۲۹، ۱۸ = حیا

۸- ن ۲۸ = سوز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۳، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = دوز

لَذَّتْ اَيْن نغمه<sup>(۱)</sup> به کام<sup>(۲)</sup> آشناست

خضر رهى كو كه نشانم دهد

تالِب ازان چشمه شود مست كام

معني<sup>(۶)</sup> دل نغز<sup>(۷)</sup> هويدا شود

كو دل گرمى كه ثنائش كنم<sup>(۸)</sup>

كو دل آسوده ز تشوير<sup>(۱۰)</sup> پوست

كو دل آغشته به خون جگر

اين هوس افشان كه درين سینه است

نام دل از مشبِ گلى دور به

چشمه اَيْن شهد ندانم كجاست

بر لبِ آن<sup>(۳)</sup> چشمه امانم<sup>(۴)</sup> دهد

تشنگى<sup>(۵)</sup> سینه بشویم تمام

بر سر مو چشمه دل وا شود

صد گهر جان بفدائش كنم<sup>(۹)</sup>

صاف تر از نغمه مُرغانِ دوست

از جگر نزع خراشیده تر

دل نبود مرده دیرینه است

وز علف اَيْن بتكده معمور به

۱-ن ۲۹ = لقمه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ و غیره نغمه

۲-ن ۹ = دل؛ همه نسخه های دیگر = کام

۳-ن ۱۷ = اَيْن؛ همه نسخ دیگر = آن

۴-ن ۹ = روانم؛ همه نسخه های دیگر = امانم

۵-ن ۱۷ = تشنگی اَيْن سینه بسوزد تمام؛ ن ۲۸، ۲۹، ۱۱، ۹ = تشنگی سینه بشویم تمام؛ ن ۸ = تشنگی سینه بشوید

تمام؛ ن ۱، ۲، ۵ = تشنگی سینه بسوزم

۶-ن ۱، ۵ = اَيْن؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = دل

۷-ن ۸ = مغز؛ همه نسخ دیگر = نغز

۸-ن ۸ = كنیم؛ همه نسخ دیگر = كنم

۹-ن ۸ = كنیم؛ همه نسخ دیگر = كنم

۱۰-ن ۱، ۵، ۲۹ = تشویر؛ ن ۱۱، ۱۷، ۲۸ = تشویش

آب و علف چند درین گل رود

تشنه لبی بر اثرِ دل رود

وای که تعمیرِ صدف می‌کنم

دُرُ گران مایه تلف می‌کنم

کعبه دل و بارِ<sup>(۱)</sup> شکم می‌کشم

مزبله بر<sup>(۲)</sup> روی حرم می‌کشم

دل حرم و دیر<sup>(۳)</sup> بود روح پاک

تن چه بود؟ هیچ، یکی مشتِ خاک

مانه<sup>(۴)</sup> به دل شیفته و نی به روح

مانده به هیچیم، کجا روفت نوح

یارب از آن چشمه که دل نامِ اوست

صافِ معانی همه در جامِ اوست

آن قدری<sup>(۵)</sup> بخش که لب<sup>(۶)</sup> ترکنم

چاشنی شربتِ کوثر کنم

نی غلطم، چشمه تمامم بده

کز جگر تشنه گشاید<sup>(۷)</sup> گره

تا من<sup>(۸)</sup> ازان چشمه به یاران دهم

وز غم در یوزۀ عرفی رهم

۱- ن ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ناز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱ = بار

۲- ن ۱، ۲، ۵، ۸ = در؛ ن ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بر

۳- ن ۱، ۲، ۵، ۸ = دیو؛ ن ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۱۱، ۲۹ = دیر

۴- در ۴ اشعار از شماره ۸۳۷ تا ۸۴۲ نیافته شدند. اشعار از ۸۴۷ تا ۸۸۶ هم نیستند

۵- ن ۴، ۲۸ = قدرم؛ همه نسخ دیگر = قدری

۶- ن ۴ = دل؛ همه نسخ = قدری

۷- ن ۱۷ = گشایم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = گشاید

۸- ن ۲۸ = نم ازین؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = تا من ازین؛ ن ۹، ۲۹ = تا من ازان؛ ن ۱۱ = تا من این؟

### حکایتِ حضرتِ رابعه<sup>(۱)</sup>

بود یکی انجمن آرای عشق      رنج شمارنده سودای عشق  
 سایه نشینِ علم دوستی      بر دل او فتنه<sup>(۲)</sup> غم دوستی  
 در حرم دوستی آورد<sup>(۳)</sup> مهد<sup>(۴)</sup>      در<sup>(۵)</sup> غم دل<sup>(۶)</sup> با دل غم بسته عهد  
 برده به همسایگی دوست دل      دل که در آن<sup>(۷)</sup> سایه بود، اوست دل  
 گر زدی<sup>(۸)</sup> از مستی غم زهرخند      مست شدی بی غمی هوشمند  
 لوح وی از نقشِ خودی<sup>(۹)</sup> ساده بود      با الم دوست در اُفتاده بود  
 بسکه محبتِ دلش افکار کرد      رنج محبت به دلش کار کرد  
 پنجه نابود<sup>(۱۰)</sup> عنانش گرفت      گرد فنا دامنِ جاننش گرفت  
 مژده<sup>(۱۱)</sup> آزادیش آمد ز مرگ      داد به یغمای رضا ساز و برگ  
 نزع<sup>(۱۲)</sup> گلوگیر و نفس تنگ بود<sup>(۱۳)</sup>      عودِ نفس ریشِ دل آهنگ بود<sup>(۱۴)</sup>  
 تازگی<sup>(۱۵)</sup> اما<sup>(۱۶)</sup> ز گلشن رو<sup>(۱۷)</sup> نتافت      منع تبسم به لبش ره<sup>(۱۸)</sup> نیافت

۱- عنوان مطابق نسخه نولکشور (ن ۱۱).

۲- ن ۱، ۵، ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = فتنه

۳- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸ = آورد؛ ن ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = آورده

۴- ن ۹ = عهد؛ ن ۲ = جهد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مهد

۵- ن ۹، ۲۹ = وز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = در

۶- ن ۱، ۲، ۵، ۹ = با غم دل؛ ن ۱۱، ۱۷، ۲۸ = با دل غم؛ ن ۲۹ = با دلِ خود

۷- ن ۹، ۲۹ = درو؛ ن ۸ = درون؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = دران

۸- ن ۹ = گه زدی از هستی غم؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۸ = گه زدی از هستی غم؛ ن ۲۹ = گر زدی از مستی غم؛ ن ۲۸ = گه زدی از  
مستی غم

۹- ن ۹ = رویی؛ ن ۲۹ = منی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۱ = خودی؛ ن ۲۸ = فنا

۱۰- ن ۱، ۵، ۸ = ناموس؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نابود

۱۱- ن ۵ = مژده از آزادیش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مژده آزادیش

۱۲- ن ۹ = نغمه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نزع

۱۳- ن ۱، ۵، ۹، ۲۹ = بود؛ ن ۸، ۱۱، ۱۷ = شد

۱۴- ن ۱، ۵، ۹، ۲۹ = بود؛ ن ۸، ۱۱، ۱۷ = شد

۱۵- ن ۱، ۱۷، ۲۹، ۲۸ = نازکی؛ ن ۹، ۱۱، ۵، ۸ = تازگی

۱۶- ن ۱، ۵ = آمد؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = اما

۱۷- ن ۲، ۲۹ = ره نیافت؛ ن ۱، ۱۱، ۵ = روشتافت؛ ن ۸، ۹، ۲۸ = رو نتافت؛ ن ۱۷ = رو بتافت

۱۸- ن ۹ = در نیافت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ره نیافت

ای همه آرایش این بوستان  
 با منش اندیشه بازار هست  
 زود به یغمای متاعم رسید<sup>(۴)</sup>  
 میوه ریودند ز بستان او  
 گفت که ای نغمه سرا عندلیب  
 در عجبم از لب خندان تو  
 چون چمن آینه مه و شان  
 تازه ازو<sup>(۷)</sup> روی عروس بهار  
 مستی و در حالت خمیازه‌ای  
 ذوق تبسم به نفس داد و گفت  
 بی خبر از مژده دیدار<sup>(۹)</sup> دوست<sup>(۱۰)</sup>  
 صاحب<sup>(۱۱)</sup> دل را چه غم از جان بود  
 دل بود آینه‌ای، سلمی بدست<sup>(۱۴)</sup>

زمزمه برداشت که ای دوستان  
 هر که به بستان منش کار هست<sup>(۱)</sup>  
 می‌روم اینک<sup>(۲)</sup> به وداعم رسید<sup>(۳)</sup>  
 جمله رسیدند به احسان او  
 بی دل و دستی ز ثمر بی نصیب  
 بوسه بلب می‌شمرد جان تو  
 روی تو در این دم ماتم فشان<sup>(۵)</sup>  
 عیش فروزنده‌تر<sup>(۶)</sup> از لاله‌زار  
 این دم<sup>(۸)</sup> پژمردن و بس تازه‌ای  
 چون لب وی این دُر بی آب شفت  
 ای قدمت دور ز بازار دوست  
 گوهر جان بی حد و ارزان بود  
 جان بود آرایشی<sup>(۱۲)</sup>، هستی<sup>(۱۳)</sup> پرست

۱- ن ۱، ۵، ۱۷ = نیست؛ ن ۱، ۲، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = هست

۲- ن ۹ = اکنون؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = اینک

۳- ن ۲، ۱۱ = رسید؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = رسید

۴- ن ۲، ۱۱ = رسید؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = رسید

۵- ن ۸، ۲۹ = ماتم نشان؛ ن ۱، ۲، ۵ = ماتم فشان؛ ن ۲۸ = ما را نشان؟

۶- ن ۹، ۲۹، ۲۸ = عیش فروزنده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷ = عیش فروزنده

۷- ن ۲، ۹، ۲۸ = تازه تر از؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = تازه ازو

۸- ن ۱۷ = همه؛ ن ۱، ۲۸، ۱۱، ۵، ۸، ۲، ۱ = دم

۹- ن ۱، ۵ = گلزار؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = دیدار

۱۰- ن ۱۱، ۱۷ = اوست؛ دیگر همه نسخ = اوست

۱۱- ن ۲ = جان؛ همه نسخ دیگر = دل

۱۲- در همه نسخ مثل ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = آرایش

۱۳- ن ۲، ۵ = مستی؛ همه نسخ دیگر مستی

۱۴- با آنکه در نسخ موجود در مصراع اول (آرایش هستی پرست) و در مصراع دوم (آینه سلمی بدست) بشکلی اضافه یعنی کلمه "آرایش" بر لفظ "هستی" و کلمه "آینه" بر لفظ "سلمی" بطور اضافه نگاشته شده اما آن طوریکه از مفهوم شعر معوم می‌شود باید در اخیر کلمه "آرایش" و همچنان لفظ "آینه حرف (ی) نکره و وحدت را اضافه کرد



آن بفروش، این بستان رایگان  
 آب وی از چشمه مهر دل است  
 مهر کی از چشمه کس جوید آب  
 جنبش دل آوردش در کمند  
 دوری از آمیزش بیگانه به  
 از اثر دل بود، از روح نیست  
 ورنشیند به<sup>(۳)</sup> غم شاد باد  
 زان دم مردن نفسم روشن<sup>(۴)</sup> است  
 زندگی اهل محبت به اوست  
 گو بستان مایه مهلت ز مرگ  
 تحفه دیگر به اجل می دهیم  
 هر چه نه دل، از غم آن باز گرد  
 روشنی دیده محفل بود  
 گوهر جان بر قدم<sup>(۱۱)</sup> دل فشان  
 سینه بدریوزه منصور بر  
 شعله زند نور انالحق ز خس<sup>(۱۲)</sup>  
 نام دلت صدر شهیدان کند

ارزش دل بیشتر آمد<sup>(۱)</sup> ز جان  
 روح یکی ذره بی حاصل است  
 ذره بود تشنه لب آفتاب  
 جان دو سه روزی که بود شهر بند  
 چون بگشاید ز کمند این گره  
 زندگی آنکه به غم شاد زیست  
 گر برود از الم<sup>(۲)</sup> آزاد باد  
 دل که بود شمع رضا با من است  
 دل که بود چشمه سودای دوست  
 آنکه دهد روح بوی ساز و برگ  
 ما<sup>(۵)</sup> نفسی کز<sup>(۶)</sup> غم جان می زنیم<sup>(۷)</sup>  
 عرفی از اندیشه جان باز گرد  
 شمع که سر تا<sup>(۸)</sup> بقدم دل بود  
 چهره<sup>(۹)</sup> برافروز<sup>(۱۰)</sup> و غم دل فشان  
 دل بطواف حرم طور بر  
 تا لمن الملک برآرد نفس  
 کفر تو آرایش ایمان کند

۱- ن ۹، ۱۱، ۲۹، ۲۸، ۸ = آمد؛ ن ۱، ۵، ۲، ۱۷ = آید

۲- ن ۲، ۲۹، ۲۸ = دلم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱ = الم

۳- ن ۱، ۵ = به غم؛ ن ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ز غم

۴- ن ۵ = با من است؛ همه نسخ دیگر = روشن است

۵- ن ۱۱، ۲۸ = با؛ ن ۱۷ = تا؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = ما

۶- ن ۱۱ = گر؛ ن ۲۹، ۲۸، ۱۷، ۵، ۸، ۱، ۲ = کر

۷- ن ۱، ۵، ۸ = زنیم؛ ن ۲۸ = دهم؛ ن ۲، ۱۷ = رهم

۸- ن ۱۷ = تا سر بقدم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = سر تا بقدم

۹- ن ۱۷ = مهر؛ همه نسخ دیگر = چهره

۱۰- ن ۱، ۵، ۹ = افروز و غم دل؛ ن ۲، ۸، ۹ = افروز و ز غم دل؛ ن ۱۱، ۲۹ = افروز، غم دل

۱۱- در قدم دل نشان؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸ = بر قدم دل فشان؛ ن ۱ = بر قدم دل نشان

۱۲- ن ۹ = ز پس؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ز خس

عافیت انگیز ملامت فگن<sup>(۱)</sup>  
 برگِ فرح<sup>(۳)</sup> ساز چو طبع بهار  
 تشنه آسودگی و سیرِ غم  
 روی هوس شسته بصد مدعا  
 گریه کند طفل هوس مست شیر  
 تاب به کی این دایگی مدعا  
 خونِ جگر حیض<sup>(۶)</sup> طبیعت شمار  
 چشمه حیوان همه خونِ دل است  
 وز جگر درد بر آ چون اثر  
 دل که درو سوز نه، مثنی<sup>(۹)</sup> گل است  
 سرد شود، توده خاکستر است  
 روح بود گوهر از کانِ عشق  
 در جگر قطره خونی در است  
 دل چه بود مغزی<sup>(۱۱)</sup>، گدازنده پوست  
 بی گهری اصل حمادیت است  
 جمعیتش<sup>(۱۲)</sup> فرع پریشانی است  
 گوهرِ دلها نبرد گنج گنج

ای هوس آرای محبت شکن  
 عید صفت صورت<sup>(۲)</sup> شادی نگار  
 منع اثر کرده شمشیر غم  
 زهر عدم کرده به جام حیا<sup>(۴)</sup>  
 ناله<sup>(۵)</sup> گشاید نفس ز مهر پر  
 تاب به کی این زمزمه غم زدا  
 گرز مجاز است درونت فگار  
 ور<sup>(۷)</sup> دلت از زخم دگر بسمل است  
 در<sup>(۸)</sup> دهن تیغ در آ چون گهر  
 نورِ دل از پرتو سوزِ دل است  
 اخگر سوزان بصفای گوهر است  
 مرگ بود نشاءِ حرمانِ عشق  
 گنج دو عالم که گران گوهر است  
 قطره خون چیست<sup>(۱۰)</sup> دل، رنج دوست  
 بی گهر آن دل که نه در محنت است  
 برگِ عمارت بر ویرانی است  
 چشم بتان گر نبود مستِ رنج

۱- ن ۲۹ = کفن؛ همه نسخ دیگر = فگن

۲- ن ۲ = شاهی؛ ن ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۱ و غیره = شادی

۳- ن ۹ = طرب؛ همه نسخه‌های دیگر = فرح

۴- ن ۲۹ = هوا؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = حیا

۵- ن ۵، ۱ = ناله؛ ن ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ناله

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = حیض طبیعت؛ ن ۲ = راز طبیعت

۷- ن ۲۹ = گر؛ ن ۱ = در؛ ن ۵، ۸، ۲۸ = ور

۸- ن ۵، ۱ = از؛ ن ۷، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = در

۹- ن ۱۱، ۲۸ = مثنی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = مُثنی

۱۰- در همه نسخ (دل) ولی (دل بهتر می‌نماید)

۱۱- در همه نسخ (مغز) ولی (مغزی) درست‌تر می‌نماید

۱۲- ن ۹ = جمعیت از؛ ن ۲، ۲۸، ۲۹، ۱۱ = جمعیت او؛ ن ۱، ۵، ۸ = جمعیتش؛ ن ۱۷ = جمعیت

کی گهراندوز دل و جان بود  
 عشق در گریه نریزد برون<sup>(۲)</sup>  
 گنج خرابی که<sup>(۴)</sup> نه معمور درد  
 سیر شو، آخر هوس نوش چند<sup>(۶)</sup>  
 داغ نه سینه مرهم شوی  
 عنبر اندوده<sup>(۸)</sup> کافور گشت  
 جوهر<sup>(۹)</sup> فیروزه به گنجینه مُرد<sup>(۱۰)</sup>  
 باز پس آمد ز وداع صفا  
 وز نفست موج زنان<sup>(۱۴)</sup> ز مهریر  
 طبع تو بی بهره ز تعمیر<sup>(۱۵)</sup> غم  
 ریش سفیدیت زدم سردی است  
 نیم<sup>(۱۶)</sup> گشانه بودم هنوز

سنبل شان گرنه پریشان بود  
 حُسن<sup>(۱)</sup> اگر چهره نشوید به خون  
 مفلس راحت که<sup>(۳)</sup> نه رنجور درد  
 ای مگس شهد طرب جوش چند<sup>(۵)</sup>  
 گر مزه گیر از شکر غم شوی  
 بر<sup>(۷)</sup> چمننت فصلی جوانی گذشت  
 شاهد دل در حرم سینه مُرد  
 سینه برون<sup>(۱۱)</sup> کرد متاع صفا<sup>(۱۲)</sup>  
 ظلمت دل مایه فشان<sup>(۱۳)</sup> بر ضمیر  
 روح تو آسوده ز تأثیر غم  
 بی غمیت مایه رو زردی است  
 من که در آغاز وجودم هنوز

۱-ن ۱ = عشق؛ همه نسخ دیگر = حسن

۲-ن ۲، ۲۹ = نریزد برون؛ ن ۲۸ = بریزد برون؛ ن ۱، ۵، ۸ = بجوید بخون

۳-ن ۱۷ = نه که؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = که نه

۴-ن ۱۷ = نه که؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = که نه

۵-ن ۱، ۲، ۵، ۸ = خند؛ ن ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = چند

۶-ن ۱، ۲، ۵، ۸ = خند؛ ن ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = چند

۷-ن ۹ = درد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = بر

۸-ن ۲۹ = آلوده؛ ن ۱۱ = از دوده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸ = اندوده

۹-ن ۱، ۵، ۱۷ = گوهر؛ ن ۱، ۲، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = جوهر

۱۰-ن ۲۸، ۹ = بُرد؛ همه نسخ دیگر = مُرد

۱۱-ن ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹ = برون ماند؛ ن ۱، ۵ = برومند؛ ن ۱۱ = برون کرد

۱۲-ن ۱، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = صفا؛ ن ۱، ۵، ۲ = وفا

۱۳-ن ۱۱ = مایه نشان؛ همه نسخ دیگر = مایه فشان

۱۴-ن ۱، ۵ = موج فشان؛ ن ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = موج زنان؛ ن ۱۱ = مایه نشان

۱۵-ن ۱، ۵، ۱۱ = تأثیر؛ ن ۹ = تدبیر؛ ن ۲۸، ۲۹، ۸ = تعمیر

۱۶-ن ۹ = نیمه گشا؛ همه نسخ دیگر = نیم گشا؛ ن ۲۸ = نیم کش

بل صدفی<sup>(۱)</sup> بی دُرِ ناسفتهام<sup>(۲)</sup> شوق نیفکنده<sup>(۴)</sup> نگاهم به حُسن عقل مرا قافله راهی شده بسکه درین غمکده لاجورد از دلِ شب تا به لب<sup>(۸)</sup> صبحدم در ازل این مزرع غم کشته‌اند عشوہ نما شاهد<sup>(۱۲)</sup> هستی طلب<sup>(۱۳)</sup> بلکه عدم نیز چنین<sup>(۱۵)</sup> در نقاب کین دلِ بد خولب<sup>(۱۶)</sup> غم می‌مکید مایه لذت ز بلا می‌گرفت مرغِ الم نغمه برو می‌سرود زمزمه سور<sup>(۱۷)</sup> به لب می‌شکست طرّه آشوب طرازنده بود

صورتِ معنی نپذیرفتهام<sup>(۳)</sup> فاش نگردیده گناهم<sup>(۵)</sup> به حُسن زورقِ اندیشه تباهی شده ناله فشانم<sup>(۶)</sup> ز<sup>(۷)</sup> دلِ مست درد ناله فرو ریخته بر<sup>(۹)</sup> روی هم حُلّه<sup>(۱۰)</sup> حورم ز الم<sup>(۱۱)</sup> رشته‌اند بود ز بوسِ عدم آلوده<sup>(۱۴)</sup> لب بر اثرِ جوهرِ خود در شتاب صافِ حلاوت ز الم می‌کشید مرغِ ملامت ز هوا می‌گرفت شاهدِ غم بوسه ازو می‌ربود پیش<sup>(۱۸)</sup> ملامت به ادب می‌نشست برقِ تشویش برافکنده بود

- ۱- ن ۱۷ = صدفم؛ ن ۲۸، ۹ = صدفی؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۱۷ = صدف  
 ۲- ن ۱، ۵، ۱۷ = است؛ ن ۲، ۸، ۱۱، ۹، ۸، ۲۹ = ام  
 ۳- ن ۱، ۵، ۱۷ = است؛ ن ۲، ۸، ۱۱، ۹، ۸، ۲۹ = ام  
 ۴- ۲۹ = بیفکنده؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۲۹ = کند مدّ نگاهم  
 ۵- ن ۱، ۵، ۲۸ = نگاهم؛ ن ۲۹، ۸، ۱۱ = گناهم  
 ۶- ن ۹ = فشانم؛ همه نسخ دیگر = فشانم  
 ۷- ن ۱، ۵، ۲ = ز لب؛ ن ۱، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = ز دل  
 ۸- ن ۸ = دم؛ ن ۱، ۵، ۲۸، ۲۹، ۹ = لب  
 ۹- ن ۱، ۵، ۲ = در؛ ن ۸، ۱۷، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = بر  
 ۱۰- ن ۲، ۲۹ = جبه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۱۱ = حُلّه  
 ۱۱- ن ۹ = ازل؛ ن ۳، ۵، ۸، ۲۸، ۱۷، ۲۹ = الم  
 ۱۲- ن ۲۹ = مستی ز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = هستی  
 ۱۳- ن ۱، ۵، ۲۹ = لقب؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = طلب  
 ۱۴- ن ۸، ۱۱، ۹، ۲۸، ۲۹ = آلوده؛ ن ۱، ۵، ۲، ۱۷ = آسوده  
 ۱۵- ن ۹ = نیز چنین؛ ن ۱۱ = تیره چنین؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = نیز چنین  
 ۱۶- ن ۲۸، ۲۹ = لب خود؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = لب غم  
 ۱۷- ن ۱۱ = شور؛ ن ۱، ۵، ۲۸ = صور؛ ن ۸، ۹، ۲۹ = سور  
 ۱۸- ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۹ = نیش؛ ن ۱۱، ۲۹، ۲۸ = پیش

فتنه در آغوش و بلا در کنار  
فیض فراغ<sup>(۲)</sup> از عدم آورده‌ایم  
هستیت<sup>(۴)</sup> آغشته سودا بود  
حیف که از مصرف<sup>(۵)</sup> شان غافل  
صوت غمت مونس لب می‌کند  
روی<sup>(۶)</sup> به هر مطلب پست آوری  
بر سر بیگانه بری ترکاز  
می‌کندت<sup>(۷)</sup> بر دگری رهبری  
پی ببری بر سر گنج مراد  
وای به حالت که تسلی شوی  
مغز بدست آر و بینداز پوست  
دیده عرفان بگشا<sup>(۹)</sup> در لباس  
دوست طلب دوست، دگر هیچ هیچ  
لذت شان بود ز تأثیر بیش<sup>(۱۱)</sup>  
زمزمه انجمن از مغز بود  
سوخته داغ و فنا نام داشت

با دلم آنسان به سلامت شمار<sup>(۱)</sup>  
پیش خرید غم دل کرده‌ایم  
در تو هم این نشاء مهتا<sup>(۳)</sup> بود  
چشمه عشقی و جهان دلی  
عشق ترا مست طلب می‌کند  
لیک ندانی چه بدست آوری  
در غم بپهوده شوی نوحه ساز  
لاجرم از هر چه بدست آوری  
تازه و دیرینه‌ات<sup>(۸)</sup> آید بیاد  
گر نه غبار در لیلی شوی  
کفر بود گر طلبی غیر دوست  
سبحه و زئار ز هم و اشناس  
جز طلب دوست مرو<sup>(۱۰)</sup> پیچ پیچ  
عهدی ازین پیش که دل‌های ریش  
رابعه در انجمن نفز بود  
هر که در آن انجمن آرام داشت

۱- ن ۹ = شعار؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = شمار

۲- ن ۵، ۱ = فروغ؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۸، ۱۱، ۲۹ = فراغ

۳- ن ۹ = سویدا؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مهتا

۴- ن ۱ = مستیت؛ همه نسخ دیگر = هستیت

۵- ن ۲۹ = حرف نشان؛ همه نسخ دیگر = مصرف شان

۶- ن ۲۸ = می‌کندت با دگری رهبری؛ همه نسخ دیگر = روی به هر مطلب پست آوری

۷- ن ۲۸ = روی به هر مطلب پست آوری؛ همه نسخ دیگر = می‌کندت بر دگری رهبری

۸- ن ۲ = چو؛ همه نسخ دیگر = ات

۹- ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = مگشا؛ ن ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = بگشا

۱۰- ن ۹ = مرد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ره

۱۱- ن ۱، ۵، ۸، ۱۱ = بیش؛ ن ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نیش

نغمه‌ای از صوتِ محبتِ سرود<sup>(۲)</sup>  
 کای<sup>(۳)</sup> همه زین باغِ نهان در فروش  
 لذتِ این میوه ز هر کام نیست  
 کوز ستم مُرد و شکیش بجاست  
 زو<sup>(۵)</sup> مشنو<sup>(۶)</sup> دعویِ سودای دوست  
 لیک به دل کم زده درد<sup>(۷)</sup> عشق<sup>(۸)</sup>  
 صبر گواه است ز فریاد و آه  
 وز جگر سرد<sup>(۹)</sup> نشان آوری  
 صبر کن ای از غمِ دل دور گرد  
 گریه<sup>(۱۱)</sup> پرداخته و آه سرد  
 شیره کافور فشاندن بس است  
 گریه تهی مغزتر از خنده چند  
 لاف زد از قوتِ بازوی حرف  
 عیب و هنر باز ندانی زهم  
 وز هنرم<sup>(۱۳)</sup> دادِ سخن می‌دهی  
 تا ز ستم دوست نگردد خجل

بلبلِ هر کس<sup>(۱)</sup> که ترنم نمود  
 گفت یکی داغِ محبتِ فروش  
 داغِ دل اندازۀ هر خام نیست  
 دعویِ این شیوه کسی را رواست  
 آن که نسازد<sup>(۴)</sup> به ستمهای دوست  
 ای بـزبان غمزده درد عشق  
 دعویِ بیهوده مکن کو گواه  
 آتشِ دوزخ بـه زبان آوری  
 دعویِ تو عشق<sup>(۱۰)</sup> و دلیلِ آه سرد  
 چند فروشی و خرنده اهلِ درد  
 زمزمه سور<sup>(۱۲)</sup> فشاندن بس است  
 ناله نهانی اثر افکنده چند  
 آنکه بوی داشت نهان روی حرف  
 گفت که ای بیخبر از ذوقِ غم  
 نسبتِ عیسی که بمن می‌دهی  
 زان نفسِ سرد برآرم ز دل

۱- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = سرکش؛ ن ۲، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = هر کس

۲- ن ۱، ۵، ۱۱ = سرود؛ ن ۲۸ = فزود؛ ن ۲۹ = ربود

۳- ن ۱، ۵، ۸ = کاین؛ ن ۱۱، ۱۷، ۲۸ = کای

۴- ن ۵، ۱۱ = بسازد؛ ن ۴، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نه سازد

۵- ن ۱، ۵، ۸ = زان؛ ن ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۱ = زو

۶- ن ۱۱ = شنود؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مشنو

۷- ن ۲، ۲۹ = نرو؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = درد

۸- پانزده شعر آینده در نسخه‌های دوم و بیست و نهم موجود نیست

۹- ن ۱ = جگر گرد؛ ن ۵، ۱۱ = جگر سرد؛ ن ۲۸ = جگر سوده

۱۰- ن ۲۸ = عیش؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۱ = عشق

۱۱- ن ۱۱ = گریه پرداخته؛ ن ۱، ۵، ۸ = گریه پرداخته

۱۲- ن ۱، ۷، ۲۸، ۵ = صور؛ ن ۱۱ = شور؛ ن ۸ = سور

۱۳- ن ۸ = سخنم؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = هنرم

ورنه<sup>(۱)</sup> دم شعله مرادیم هست  
بر اثر ناله بتازد<sup>(۲)</sup> بهشت  
در گلوی صبح نفس بشکند  
از نفس گرم چه منت برم  
زان که مرا کام همان لذت است  
کز ستم دوست نه<sup>(۸)</sup> نامی بکس  
این همه مغز آمده وان<sup>(۱۰)</sup> جمله پوست  
گر بزنند<sup>(۱۲)</sup> لاف محبت رواست  
کز ستم دوست نه لذت برد  
سوده الماس بود مرهمش  
لذت الماس دهد راحتش  
گر نشکافیش، بنانخن بخار

زین نفس سرد مُرادیم هست  
سرد هم از ناله دوزخ سرشت  
مرغِ فغانم<sup>(۳)</sup> چو قفس بشکند  
از ستم یار چه<sup>(۴)</sup> لذت برم  
موانع تأثیر<sup>(۵)</sup> فغان لذت است  
مرتبه<sup>(۶)</sup> عشق تو<sup>(۷)</sup> این است و بس  
من<sup>(۹)</sup> همه لذت برم از جورِ دوست  
آن<sup>(۱۱)</sup> که غمش چشمه لذت گشاست  
آن<sup>(۱۳)</sup> بچه رو نامِ محبت برد  
زخم که از دوست بود در غمش  
راحتِ مرهم شکند لذتش  
زخمِ دلی گر بودت زینهار

۱- ن ۲۸ = ورنه دم شعله نهاده‌یم؛ ن ۵ = ورنه دم شعله مرادیم؛ ن ۱۱، ۸ = ورنه دم شعله مرادیم؛ ن ۱ = ورنه دلم شعله مرادیم

۲- ن ۱۱، ۲۸ = بتازد؛ ن ۱، ۵، ۸ = بنازد

۳- ن ۲۸ = قضایم؛ ن ۱۱، ۱، ۵، ۸ = فغانم

۴- ن ۸ = پارچه؛ ن ۱۱ = بار چو؛ ن ۱، ۵ = مایه چو؛ ن ۲۸ = یار چو (در ن ۸ مصرعه اول مصرع ثانی و مصرع ثانی مصرع اول است)

۵- ن ۸ = تأثیر؛ ن ۲۸ = ما بهر؛ ن ۱، ۵، ۱۱ = مانیز

۶- در ن ۲، ۲۹ مثنوی باز ازین سفر آغاز می‌شود

۷- ن ۲۸ = همین است؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = تو این است

۸- ن ۱۷، ۵، ۴ = نه نابی؛ ن ۱، ۲۸ = نه تاب؛ ن ۲۹ = نه مانی

۹- در ن ۱۲ این ابیات بعد از بیت بر شماره ۹۴۴ اما در ن ۱۷ و ۲۹ این اشعار بعد از شعر ۹۵۹ هست چنانکه نوشته شد - در نسخ ۱، ۵، ۱۱ ابیات ۹۶۰، ۹۶۱ و ۹۶۲ نیافته شد

۱۰- ن ۱۷ = دین؛ ن ۱، ۲، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = و آن

۱۱- در ن ۱۲ این ابیات بعد از بیت بر شماره ۹۴۴ اما در ن ۱۷ و ۲۹ این اشعار بعد از شعر ۹۵۹ هست چنانکه نوشته شد - در نسخ ۱، ۵، ۱۱ ابیات ۹۶۰، ۹۶۱ و ۹۶۲ نیافته شد

۱۲- ن ۲۸ = نزنند؛ ن ۱، ۲، ۱۱، ۲۹، ۸ = بزنند

۱۳- در ن ۱۲ این ابیات بعد از بیت بر شماره ۹۴۴ اما در ن ۱۷ و ۲۹ این اشعار بعد از شعر ۹۵۹ هست چنانکه نوشته شد - در نسخ ۱، ۵، ۱۱ ابیات ۹۶۰، ۹۶۱ و ۹۶۲ نیافته شد

- سوده الماس<sup>(۱)</sup> بران می‌فشان<sup>(۲)</sup> قطره زهری به لبش می‌چکان<sup>(۳)</sup>  
 گرنه جمادی<sup>(۴)</sup> ره راحت مجوی ورنه عروسی، گل زینت مجوی  
 دشنه فرو نوش که آسایش است چهره بخون شوی که آرایش است  
 رابعه کین زمزمه از دل شنفست داغ کُهن را بخراشید و گفت  
 کوسر هنگامه فرو چیدنم کبودل بر بیهده خسندیدنم  
 گرچه دلت مرده و در ماتی هم تو<sup>(۵)</sup> فروخند که بس بی غمی  
 یا قدری خنده بوامم بده کین دل غمگین بگشاید گره  
 ای تو محبت ز هوس ناشناس جلوه ده طعن نصیحت لباس  
 این چه<sup>(۶)</sup> خنزف را به گهر خواندنست وین<sup>(۷)</sup> چه به دل نیشتر افشاندنست  
 روی کنایت<sup>(۸)</sup> به<sup>(۹)</sup> نصیحت مشوی<sup>(۱۰)</sup> آنچه تو باید شنوی خود بگوی  
 من به چه زینت بودم دسترس مقنعه‌ای<sup>(۱۱)</sup> دارم و دلقی و بس  
 رشته این<sup>(۱۲)</sup> مقنعه را تار و پود گشته هم از دود درونم کبود  
 جامه ازان بر نشکافم به تن تا نرود غم بدر از پیرهن  
 حال برون گوهر هوش تو سفت حال درون خود نتوانی شنفست<sup>(۱۳)</sup>  
 بوی دلم گر<sup>(۱۴)</sup> وزدت بر دماغ پنجه الماس بتابی<sup>(۱۵)</sup> به داغ

۱- ن ۱، ۲، ۸، ۱۱، ۷ = بران

۲- ن ۱، ۲، ۵، ۸ = فشانند؛ ن ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۱۱ = فشان

۳- ن ۱، ۲، ۵، ۸ = می‌چکاند؛ ن ۴، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = می‌چکان

۴- ن ۱۱ = جماد؛ همه نسخ دیگر = جمادی

۵- هم توئی فروخنده که بس بی غمی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = هم تو فروخند که بس بی غمی

۶- ن ۲، ۲۸ = آنچه؛ ن ۲۹، ۱۷، ۸، ۱۲۵، ۱ = این چه

۷- ن ۲، ۱۱، ۵، ۱۷ = وین چه؛ ن ۲۹، ۸ = این چه؛ ن ۲۸ = وانچه

۸- ن ۲۹ = کنایت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۱۱ = کنایت

۹- ن ۲۹ = ز؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = به

۱۰- ن ۱۷ = بشوی؛ ن ۱۱ = مجوی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = مشوی

۱۱- ن ۱۱ = مقنعه طرازییم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مقنعه‌ای

۱۲- ن ۲۸ = رشته غم؛ همه نسخ دیگر = رشته این

۱۳- ن ۲۹ = نهفت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸ = شنفست

۱۴- ن ۱۷ = رسدت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = وزدت

۱۵- ن ۱۷ = بیابی؛ ن ۱۱ = نیابی؛ ن ۲، ۸، ۲۸، ۲۹ = بتابی



گر کشم آهی ز دلِ مضمحل  
بر کشم از این نفسِ دودمند  
قطره<sup>(۳)</sup> خونی که تراود ز داغ  
طی<sup>(۴)</sup> کنم این حرفِ منِ تنگ ظرف  
رد کنم این دعوی بیهوده ات<sup>(۵)</sup>  
گفتی ازان لاف<sup>(۶)</sup> محبتِ رواست  
داغِ محبتِ ز دلت دور باد  
تن زن و برتابِ عنانِ نفس  
من هم ازین شیوه بلاقم بساز  
راه<sup>(۱۰)</sup> روش بر تو شمارم که چیست  
آنکه چو بر دوست گشاید نظر  
لذتِ هر کام ز کامش رود  
آنکه ز لذتِ اثیری یافته  
آنکه<sup>(۱۲)</sup> نه مفتونِ هوس بینی است  
مستم و آگاه ز مستی نیم  
لذتم از کام فرو شسته اند

شمع<sup>(۱)</sup> ز لب شعله بدزدد<sup>(۲)</sup> به دل  
گریه تلخ از جگرِ نوش خند  
دودِ دلِ مآش بکآود دماغ  
تا<sup>(۵)</sup> نشود عمر به افسانه صرف  
تا بشناسی<sup>(۷)</sup> دلِ آسوده ات<sup>(۸)</sup>  
کش غمِ دلِ چشمه لذتِ گشاست  
زخمِ هوس داروی ناسور باد  
این نه محبت، هوس است این هوس  
آبله دل بشکافم بساز  
رهرو دل با تو نمایم که کیست  
شادی و غم را شناسد<sup>(۱۱)</sup> اثر  
باده توحید به جامش رود  
از دلش ایمن نشاء عنان یافته  
بیخبر از تلخی و شیرینی است  
آگه از آوازه هستی<sup>(۱۳)</sup> نیم  
وز دلم آرام فرو شسته اند

۱- ن ۱۱ = شعله ازان شعله؛ ن ۲۸ = شمع ز تن شعله؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ = شمع ز لب شعله

۲- ن ۱۱ = بدوزد؛ ن ۵ = ندرد؟؛ ن ۱ = ندارد؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۵ = بدزد

۳- ن ۲۹ = طره؛ همه نسخ دیگر = قطره

۴- ن ۲۸ = حل کنم؛ همه نسخ دیگر = طی کنم

۵- ن ۱۱، ۲۸، ۲۹ = ۸ = ورنه شود؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲ = تا نشود

۶- ن ۱، ۸ = است؛ ن ۱۱، ۲۸، ۲۹ = ات

۷- ن ۲ = که دل آسوده؛ ن ۱۱، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = دل آسوده

۸- ن ۱، ۵، ۸ = است؛ ن ۱۱، ۲۸، ۲۹ = ات

۹- ن ۱، ۵ = وقت؛ ن ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = لاف

۱۰- ن ۱، ۵، ۱۱، ۲۹ = راه روش؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۸ = راه و روش

۱۱- ن ۲۹ = بشناسد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = بشناسد

۱۲- ن ۵، ۲۸، ۲۹ = وانکه؛ ن ۱، ۸، ۱۱، ۱۷ = آنکه

۱۳- ن ۵ = هستی

بر<sup>(۱)</sup> دلم این داغ ندانم ز کیست  
یافتن حالت<sup>(۳)</sup> رنج و حضور  
مرهم و الماس شناسم بنام  
عرفی ازین نشأه نصیب<sup>(۴)</sup> تو نیست  
مرحمت<sup>(۵)</sup> عشق ادیب<sup>(۶)</sup> تو باد  
ای همه چون معصیت آلودگی  
چهره گشای صورِ معصیت  
گام زنِ اوج سراسیمگی  
جمعِ عروسِ عملت<sup>(۹)</sup> بی شکنج  
بر نفسم جوش، که افسرده‌ای  
عود هوا<sup>(۱۱)</sup> سوخته<sup>(۱۲)</sup> در محفلت  
شمعِ دلت مرده ز بادِ گناه  
مرده دلی از دلت افسر گرفت

مرهم و الماس نیام<sup>(۲)</sup> که چیست  
فرع شعور است، درِیغ از شعور  
گر نیم این طور همینم حرام  
طفلی و تعلیم ادیبِ تو نیست  
مستی این باده نصیبِ تو باد<sup>(۷)</sup>  
عمرِ تو آرایش<sup>(۸)</sup> بیهودگی  
گرم عنان بر اثرِ معصیت  
مُشتِ خیس موجِ سراسیمگی  
چون نفس بی هنران باده‌سنج  
ماتمِ دل گیر که دل مرده‌ای<sup>(۱۰)</sup>  
عطسه غفلت زده مغزِ دلت<sup>(۱۳)</sup>  
چهره عذر<sup>(۱۴)</sup> تو زدودش<sup>(۱۵)</sup> سیاه  
دوش فنا<sup>(۱۶)</sup> نعش<sup>(۱۷)</sup> دلت برگرفت<sup>(۱۸)</sup>

۱-ن ۵=از؛ ن ۱، ۸، ۱۷، ۱۱، ۲۸، ۲۹=بر

۲-ن ۲، ۲۸، ۲۹=ندانم؛ ن ۱، ۸، ۱۱، ۱۷=نیام؛ ن ۵=نیالم؟

۳-ن ۲۸=غایت رنج و حضور؛ ن ۲۹=حالت و رنج حضور؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷=حالت رنج و حضور

۴-ن ۱۱، ۲۸=نشأه نصیب تو نیست؛ ن ۲، ۲۹=شیوه نصیبت هست؛ ن ۱، ۵، ۸=نشأه نصیبت نیست

۵-ن ۲، ۲۹=مرتبه؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸=مرحمت

۶-ن ۲، ۲۹=نقیب؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸=ادیب

۷-اشعار از شماره ۹۳۵ تا ۱۰۰۱ در نسخه نهم موجود نیست

۸-ن ۲، ۲۹، ۹۰=آرایش؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸=آرایش

۹-ن ۹=عملت؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹=عملت؛ ن ۸=علمت

۱۰-این بیت فقط در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ یافته شد

۱۱-ن هوی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹=هوا

۱۲-ن ۴، ۸، ۱۱=ساخته؛ ن ۱، ۲، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹=سوخته

۱۳-ن ۵=محفلت؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹=محفلت

۱۴-ن ۱=درد؛ همه نسخ دیگر=غذر؛ ن ۲۸=عجز

۱۵-ن ۱۱، ۲۸=ز دوش سیاه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹=ز دودش

۱۶-ن ۹=نفس؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹=فنا

۱۷-ن ۱۱=نقش؛ ن ۸، ۲۸=نقش؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۷، ۲۹=نعش

۱۸-در نسخ ۵، مصرع ثانی بطور مصرعه لول و مصرع اول بطور مصرعه ثانی است

رنجه مشو زين سخن دل خراش  
می‌دهم<sup>(۱)</sup> الماس بداغش بنه  
ای که چو خود هرزه درا دانی‌ام  
نفیس تو در عمر گدازی در است  
بسکه تو مدهوش فراموشی  
بهر تو ای مستی<sup>(۳)</sup> غفلت فروش  
راحله عمر به چندین شتاب  
خواب مکن، قافله راهی نگر  
بس رقص آموزی لوح و قلم  
خامه<sup>(۴)</sup> ز تحریر گنه سوده گشت  
نفیس غیور تو ز عهد شباب  
شحنه<sup>(۷)</sup> عصیان<sup>(۸)</sup> به ندامت مکش<sup>(۹)</sup>  
شاخ<sup>(۱۰)</sup> نفس را ثمر ناله ده  
ناله سبک خیز رو بندگی  
رو به دل آور ز معاصی خجل

زهر مریز از لب دعوی تراش  
آینه بستان به دماغش بنه  
ریش بلدزد<sup>(۲)</sup> از نمک افشانیم  
عمر تو در بیهده تازی در است  
شیفته مستی و بیهوشی  
خواب شعور آورد و مرگ هوش  
می‌بردت سوی عدم، مست خواب  
در نگردد نامه سیاهی نگر  
لوح و قلم سیر شد از این رقم  
راقم<sup>(۵)</sup> این شغل دل<sup>(۶)</sup> آسوده گشت  
گرم عنان تر به رو ناصواب  
فتنه فردای قیامت مکش  
گریه بسرون از جگر لاله ده  
گریه عرق ریز ز شرمندگی  
کای دل غفلت زده بیمی بدل<sup>(۱۱)</sup>

۱- ن ۱، ۵، ۲۸ = مرهم الماس؛ ن ۲، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = می‌دهم الماس

۲- ن ۹، ۲۹ = بلدزد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = بلدزد

۳- ن ۱۷ = مستی و غفلت؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = مستی غفلت

۴- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = خامه ز تحریر گنه؛ ن ۹، ۲۸ = خامه تحریر گنه

۵- ن ۲۸ = ارقم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۴، ۱۷، ۲۹ = راقم

۶- ن ۹، ۲۸، ۲۹ = هم؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = دل

۷- ن ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = شحنة عصیان؛ ن ۹ = دامن عصمت؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = شمة عصیان

۸- ن ۹، ۲۸، ۵، ۱۱ = عصیان به ندامت؛ ن ۱، ۵، ۲۹ = عصیان به ندامت

۹- ن ۲۹ = بکش؛ همه نسخ دیگر مکش

۱۰- ن ۱، ۵ = شاخ ثمر را نفیس ناله ده؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = شاخ نفس را ثمر ناله ده

۱۱- ن ۸ = نی نی بهل؛ ن ۹ = نی نی چه دل؛ ن ۱۱ = نی نی به دل؛ ن ۱، ۲۹ = بیمی به دل؛ ن ۵ = بیمی نه دل

برهمین<sup>(۱)</sup> دیرِ مناهی<sup>(۲)</sup> و ظن  
چند توان خُفت درین دیوسار  
میوه بیداریت افشانده آب  
کرده<sup>(۳)</sup> دل و دیده عرفی مگر<sup>(۴)</sup>  
نی غلطم، کز پی اهلِ سرور  
مجمَل هستیت گران از هلاک  
عمر در آغوشِ ممات آمده  
عزم تو هر دم به گناهِ دگر  
این دو سه دم برگِ رهی ساز کن  
کحلِ شعوری بکش این دیده را  
پنبه غفلت بدر آور ز گوش  
چون رسد از قافله بانگِ جرس  
یوسف از چاه برون آورند  
رو به سر چشمه حیوان<sup>(۱۱)</sup> نشان  
عرش روان از طیرانند مست  
دامنِ شان بهر تو حبل‌المتین

مَرده دیرینه تابوتِ تن  
صور دمیدند یکی سر برآر  
زندگیِ مردگیت مستِ خواب  
خوابِ غرور تو برنجِ سحر<sup>(۵)</sup>  
مایه خواب از تو ستاند غرور  
روی وداع از لب جان بوسه<sup>(۶)</sup> ناک  
نزع ببالین حیات آمده  
چون نفس بازسین تیز تر  
قاعده رهروی آغاز کن  
تا نگری راه پسندیده را  
تا رسد از محملیانت<sup>(۷)</sup> خروش<sup>(۸)</sup>  
بانگ برآور<sup>(۹)</sup> که به جذبِ نفس  
جامه<sup>(۱۰)</sup> نیالوده به خون آورند  
خشک لبی بر<sup>(۱۲)</sup>، به سرِ خوان نشان  
ذیل فرو هشته به امید دست  
خواب کنان دستِ تو در آستین

۱- ن ۸، ۲۸، ۱۲ = برهمی؛ همه نسخ دیگر = برهمین

۲- ن ۵، ۲۸ = مناهی دلخن؛ ن ۱۷، ۲۹ = مناهی و تن؛ ن ۸ = منادی و تن؛ ن ۲ = مناهی و من؛ ن ۹ = منادی تن؛ ن ۱۱ = مناهی و شن؟

۳- ن ۱، ۲۹، ۲۹ = کرد؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۲۸ = کرده

۴- ن ۱، ۲، ۱۱ = مگر؛ ن ۹، ۲۸ = ثمر؛ ن ۲۹ = سپر

۵- ن ۱، ۲، ۱۱، ۵، ۲۹ = غرور تو برنج سحر؛ ن ۹ = غرور تو بر اورنج سر؛ ن ۲۸ = غرور تو برنج شهر

۶- ن ۱، ۵، ۱۱ = از لب جان تو پاک؛ ن ۴، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = از لب جان بوسه ناک؛

۷- ن ۹ = محلیانت؛ ن ۱۱ = مجلسیانت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = محملیانت

۸- ن ۹ = سرور؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = خروش

۹- ن ۹ = برآور؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = برآور

۱۰- ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = خامه نیالوده بخون؛ ن ۲۹ = جامه آلوده بخون

۱۱- ن ۹، ۲۸ = حیوان نشان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = حیوان نشان

۱۲- ن ۵، ۱۱ = ؛ ن ۹، ۲۸، ۲۹ = بر

قفلِ درونی که دران<sup>(۱)</sup> گنجهاست  
 روشنی هر گهر سینه تاب  
 رو، بگشا این درو گنجی ببر  
 گنج که امید به وی زنده است  
 گام ریاضت به در<sup>(۴)</sup> گنج نه  
 بوسه به قفلش ده<sup>(۷)</sup> و در باز کن  
 نسبت خود<sup>(۸)</sup> با گهر او بین  
 دست دران مستور کن  
 زمزمه عشقِ ازل<sup>(۱۰)</sup> تازه ساز  
 تا چو ازین دیر فنا بگذری  
 گر بگشایی<sup>(۲)</sup> به کلید آشناست  
 داغ نهد بر جگر آفتاب  
 ورنه بری، لذت رنجی ببر  
 بر اثر رنج شتابنده<sup>(۳)</sup> است  
 گنج ستان<sup>(۵)</sup>، در کنف رنج نه<sup>(۶)</sup>  
 چشم تماشا به گهر باز کن  
 رنج کشیدی، ثمر او بچین<sup>(۹)</sup>  
 جیب و کنارت همه معمور کن  
 کوس بلندی فلک آوازه ساز  
 نفس<sup>(۱۱)</sup> تو با عرش کند همسری

### حکایت

عابدی از شمع هدی نور یاب  
 نسیم شبش واقعه‌ای رو نمود  
 گشت شبی مرغ دلش صید خواب  
 دید که بر فوق<sup>(۱۲)</sup> سپهر کبود

۱- ن ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = درد؛ ن ۱، ۵ = دران

۲- ن ۹ = گو بگشاید که؛ ن ۱، ۵، ۱۷ = گر بگشایی به؛ ن ۲، ۴، ۸، ۱۱، ۲۹ = گر بگشایی که؛ ن ۲۸ = چون بگشایی که

۳- ن ۱، ۵، ۲ = نشانده؛ ن ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = شتابنده

۴- ن ۲۹، ۲۸، ۱۱، ۹ = بره؛ ن ۱، ۵، ۲۹، ۱۱ = در

۵- ن ۱۱ = ستان؛ همه نسخ دیگر = ستان

۶- ن ۱، ۵، ۲۹ = دز کنف رنج به؛ ن ۲۸ = از کنف رنج نه؛ ن ۹ = در کنف رنج به

۷- ن ۱، ۵ = نه؛ ن ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ده

۸- ن ۹ = او؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = خود

۹- ن ۱۱، ۱۷، ۲۹، ۲۸ = به بین؛ ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۹ = بچین

۱۰- ن ۹ = ازان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = ازل

۱۱- ن ۹ = جان تو؛ ن ۲۸، ۲۹ = نفس تو؛ ن ۸ = نفس تو؛ ن ۱، ۵، ۲ = نقش تو

۱۲- ن ۹ = فرق؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = فوق

جایگه<sup>(۱)</sup> عرشِ برین دوش اوست  
صبح که مُرغِ دلش از جای<sup>(۵)</sup> جست  
دمبدم از دافعهٔ نیمشب  
وسوسه پای بدلش<sup>(۶)</sup> برفشرد<sup>(۷)</sup>  
ساخت وضویی و عبادات کرد  
کای تو پذیرنده<sup>(۹)</sup> طاعاتِ ما  
نیستم آگاه ز تعبیرِ خواب  
با دلی اندر کفِ حیرت<sup>(۱۰)</sup> زیون  
دید که ماتم زدهٔ دردناک  
نوحه کنان، اشک فشان<sup>(۱۱)</sup>، سینه کوب  
آمد و برداشت سرش از زمین  
گفت که ای مردِ برآشفته حال  
غلغلِ شیون کدهٔ غم ز تو  
گوهر اشکِ تو وفاتِ که سفت؟  
شمعِ شبستانِ امل بایزید  
عابد دلسوخته چون این شنید

منظره<sup>(۲)</sup> عرش نشین<sup>(۳)</sup> هوش<sup>(۴)</sup> اوست  
چشم بمالید و بزانو نشست  
داشتی انگشتِ تحیر به لب  
دست سوی<sup>(۸)</sup> مطهره آب برد  
دست برآورد و مناجات کرد  
وی تو برآرندهٔ حاجاتِ ما  
باز نما صورتِ تاثیرِ خواب  
رفت ز معبدِ مستحیر برون  
مضطرب افتاده چو ماهی بخاک  
چهره زمین سای و مژه خاک روب  
اشک فشانند از مژه‌اش ز آستین  
صورت و معنی همه حُزن و ملال  
گرمی هنگامهٔ ماتم ز تو  
دست بزانو زده نالید و گفت  
صدرِ شهان<sup>(۱۲)</sup>، جانِ ازل بایزید  
گشت دلش خون و ز مژگان چکید

۱- ن ۲، ۹، ۲۹ = خواب گه؛ ن ۱۱، ۲۸، ۱، ۵، ۸ = جای گه؛

۲- ن ۱۷ = منظره

۳- ن ۱۷ = نشین؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = برین

۴- ن ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = دوش؛ ن ۲، ۲۹ = گوش؛ ن ۱، ۵ = هوش

۵- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = جای؛ ن ۲، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = دام؛ ن ۹ = خواب

۶- ن ۹، ۱۱ = وسوسه پای بدلش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۲۸ = وسوسه پای دلش

۷- ن ۹ = برفشرد؛ همه نسخ دیگر = می فشرد

۸- ن ۱، ۹، ۱۷ = سوی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = بر

۹- ن ۹ = برآرنده؛ دیگر همه نسخ = پذیرنده

۱۰- ن ۲، ۹، ۵ = حسرت؛ ن ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = حیرت

۱۱- ن ۲۹ = اشک ده و؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = اشک فشان

۱۲- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = صدرِ شهنشاه ازل؛ ن ۹ = صدرِ شهان، جانِ ازل

راه حـریم حـرم او سپرد  
آمدش از نـعش ندایی<sup>(۲)</sup> بگوش  
شب که ترا مستی غفلت ربود<sup>(۳)</sup>  
در نگر این صورتِ تاثیر اوست  
روحش ازین زمزمه پرواز کرد  
گفت که نفس تو خود کیستی  
نقش<sup>(۴)</sup> یکی دعویِ عرشی کند  
آن همه عز، این همه ذلت ز چیست  
شرمت ازین مرتبه<sup>(۵)</sup> پست باد  
نقش<sup>(۶)</sup> یکی مرده بود عرش تو  
عرفی ازین دایره بر گیر پای  
میل کش دیده امید باش

دوش ادب را به ته نقش<sup>(۱)</sup> برد  
کی ز شرف پایه عرشت بدوش  
واقعهای بوالعجبی<sup>(۴)</sup> رو نمود  
جلوه ده معنی تعبیر<sup>(۵)</sup> اوست  
عربده با نفس خود آغاز کرد  
وین همه بیهوده چه می‌زیستی  
در ته آن دوش تو<sup>(۷)</sup> فرشی کند  
خود بده انصاف که تقصیر کیست<sup>(۸)</sup>  
شرمت<sup>(۱۰)</sup> ازین غفلت پیوست باد  
کوش که تا عرش بود فرش تو  
تا شودت پای طلب عرش سای  
نفس بکش، زنده جاوید باش<sup>(۱۲)</sup>

اول اول گه شیون صفات  
طفل<sup>(۱۳)</sup> اثر تشنه لب شیر بود

بود نهان در تنق عین ذات  
صبح ازل نیز نفس گیر بود

۱- ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = نعش؛ ن ۱۷ = نفس؛ ن ۲ = عقل

۲- ن ۲، ۹ = از عرش صدایی؛ ن ۱۱، ۲۹، ۱۷ = از نعش ندایی؛ ن ۱، ۵، ۸ = از نعش صدای

۳- ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱ = فرود؛ ن ۱۷، ۲۹ = ربود

۴- ن ۲، ۹، ۱۱ = بوالعجبی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = بوالعجبی

۵- ن ۲۹ = تدبیر؛ ن ۱ = تفسیر؛ ن ۲ = تأثیر؛ ن ۵، ۸، ۱۱، ۹ = تعبیر

۶- ن ۱، ۱۷ = نفس؛ ن ۲، ۵، ۹، ۱۱، ۲۹ = نعش؛ ن ۸ = نقش

۷- ن ۲، ۲۹ = چه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷ = تو

۸- در نسخ ۱، ۵، ۸، ۱۱ این بیت قبل از بیت پیشین است ولی در نسخ ۹، ۱۷، ۲۹ بطوری هست که نوشته شد

۹- ن ۹ = زمزمه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = مرتبه

۱۰- ن ۲، ۲۹ = ننگت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱ = شرم

۱۱- ن ۱۷ = نفس؛ ن ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = نعش

۱۲- اشعار از شماره ۱۰۵۱ تا ۱۰۸۰ در نسخه چهارم نیستند

۱۳- ن ۱، ۵، ۸ = طفل اثر؛ ن ۲۹ = طفل ادب

چون ازل آورد ز هستی نشان  
جلوه آثار دگرگون نبود  
طفل<sup>(۱)</sup> نه بکر عدم<sup>(۲)</sup> آزاده بود  
نافه<sup>(۴)</sup> ز آلودگی نیفه<sup>(۵)</sup> دور  
روح شکر همنفس تنگ<sup>(۸)</sup> به<sup>(۹)</sup>  
طبع می<sup>(۱۲)</sup> از مستی<sup>(۱۳)</sup> بی بهره بود  
عشوه شکاری فگن و خود شکار  
ناله جگر دوخته تیر خویش  
مشک پریشان<sup>(۱۵)</sup> ننمودی نفس  
نراز منزه ز قبولِ نیاز  
ناگه<sup>(۱۷)</sup> از ابرام تقاضای حُسن

بود همین جلوه وحدت عیان  
شکلِ درون صورتِ بیرون نبود  
جمع نه اما شکن آماده<sup>(۳)</sup> بود  
بی اثری<sup>(۶)</sup> شمع فروزنده نور<sup>(۷)</sup>  
مرغ گهر<sup>(۱۰)</sup> در قفس<sup>(۱۱)</sup> سنگ نه  
باز<sup>(۱۴)</sup> به خمیازه کشی شهره بود  
غمزه به دل نیش زن و خود فگار  
سینه غم ریش ز تأثیر خویش  
خود نفس خود بشنیدی<sup>(۱۶)</sup> و بس  
بود سراسیمه اثرهای ناز  
وز اثرِ جلوه سیمای حسن

- 
- ۱- ن ۲، ۲۹، ۸، عقلی؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷ = طفل  
۲- ن ۱۱ = نه دیگر عدم زاده؛ ن ۲۹ = نه دیگر ز عدم زاده؛ ن ۸ = نه بکر عدم آوازه؛ ن ۲ = نه دیگر نه عدم زاده؛ ن ۵، ۱ = نه بکر عدم آزاده  
۳- ن ۲۹ = شکن افتاده؛ ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۱۱ = شکن آماده  
۴- ن ۱، ۱۱ = نافه؛ ن ۵، ۲۹ = نافه  
۵- ن ۱۱، ۱، ۵، ۲، ۸ = آلودگی نیفه دور؛ ن ۲۹ = آلودگی می فزود  
۶- ن ۸ = نی؛ ن ۱، ۵، ۲، ۲۹، ۱۱ = بی  
۷- ن ۲۹ = بود؛ ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۱۱ = نور  
۸- ن ۵، ۱۱ = تنگ؛ ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۱۷، ۲۹ = تنگ  
۹- ن ۱۷ = نی؛ ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۱۱، ۲۹ = نه  
۱۰- ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۱۱، ۱۷ = گهر؛ ن ۲۹ = سحر  
۱۱- ن ۱۱، ۲۹، ۵، ۱، ۸ = تنگ؛ ن ۸، ۱۷ = سنگ  
۱۲- ن ۱۷ = من؛ ن ۱، ۵، ۲، ۸، ۱۱، ۲۹ = می  
۱۳- ن ۲۹ = هستی؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = مستی  
۱۴- ن ۱۷ = باز؛ ن ۴، ۸ = باده؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۲۹ = باد  
۱۵- ن ۴ = بریشان؛ ن ۸ = برایشان؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = پریشان  
۱۶- ن ۲، ۱۱، ۱۷ = نشنیدی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = بشنیدی  
۱۷- ن ۱۱ = تاکه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = ناگه؛ ن ۲۹ = ماکه؟



آینه عکس<sup>(۱)</sup> تجلی گرفت  
 زندگی آمیخت در آب حیات  
 صوت حرم گاه ترنم نمود  
 باغ تکلم ثمرانگیز کرد  
 کرد عیان بحر محیط شرف  
 نافه که خود را به نفس می نواخت  
 فقر به آرایش<sup>(۴)</sup> افلاس رفت  
 پای شکر در جگر نی شکست  
 ناله علمداری دلبزر گرفت  
 نافه<sup>(۶)</sup> دوانید نفس بر دماغ  
 حسن به آرایش بازار رفت  
 شعله که بود از دل خود جلوه گر  
 هر طرف از شعله شراری دوید<sup>(۸)</sup>  
 مایه ظلمت همگی نور گشت  
 باز درین دیر فریبده نام  
 نامه آلودگی انشا شود  
 کم شود از شورش و هر امتیاز  
 صورت<sup>(۲)</sup> اندازه<sup>(۳)</sup> معنی گرفت  
 ریخت حلاوت به گلوی نبات  
 لب چمن آرای تبسم نمود  
 داغ تبسم نمک آمیز کرد  
 تا گهر اندر فکند در صدف  
 در شکم نیفه نفس گیر ساخت  
 صبر به خاییدن الماس رفت  
 مرغ فرح بر شجر<sup>(۵)</sup> نی نشست  
 دل ره بیماری دل بزر گرفت  
 نور جهانید فرس بر<sup>(۷)</sup> چراغ  
 عشق به دروزه دیدار رفت  
 از جگر شمع برآورده سر  
 هر شرری بر شب تاری<sup>(۹)</sup> دوید<sup>(۱۰)</sup>  
 عنبر سارا همه کافور گشت  
 چون شود آرایش هستی تمام  
 مایه آشوب مهیا شود  
 آب و هوا طبع ندانند باز

۱-ن ۲۸ = حسن؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹، ۱۱ = عکس

۲-ن ۲۹ = صورتی؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = صورت

۳-ن ۱۱ = اندازه؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = اندازه

۴-ن ۵، ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = آرایش

۵-ن ۱، ۸، ۱۷ = بر شجر می شکست؛ ن ۵ = بر شجر می نشست؛ ن ۲ = بر شجر نی شکست؛ ن ۲۸ = بر شجری

می نشست؛ ن ۲۹ = در شجر نی شکست

۶-ن ۴، ۱۱ = نافه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نافه

۷-ن ۲۹ = در؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۱۱، ۲۸ = بر

۸-ن ۱۱ = دوند؛ همه نسخ دیگر = دوید

۹-ن ۲، ۲۹ = بر سر ناری؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = بر شب تاری

۱۰-ن ۱۱ = دوند؛ همه نسخ دیگر = دوید

جمله طبایع ز اثر<sup>(۱)</sup> بی نصیب  
 بانگ برآید ز درون و برون  
 منع<sup>(۲)</sup> زرانده مس کثرتست  
 قلب زرانده پذیرد گداز  
 جمله<sup>(۴)</sup> به مقصوره وحدت برند<sup>(۵)</sup>  
 برشکند قیصرِ قصرِ بدن  
 تا همه<sup>(۶)</sup> مرغانِ پریشان قفس<sup>(۷)</sup>  
 بال گشایند ترنم کنان  
 گوهر و دُر صف به<sup>(۹)</sup> صف از هر طرف  
 لاله زند جامِ مرصع به سنگ  
 نغمه بچینند<sup>(۱۰)</sup> ز دستانِ زاغ<sup>(۱۱)</sup>  
 جمع شود هر چه پریشان بود  
 بود<sup>(۱۲)</sup> و نبود آیت وحدت شنود

بر اثر طبع بتازد ادیب  
 کای همگی شیفته چند و چون  
 جلوه گری از محک وحدت تست  
 مس به مس و زر به زر آرند<sup>(۳)</sup> باز  
 خلوتیان باز به خلوت برند  
 باز شود غرقه زندان تن  
 نادره<sup>(۸)</sup> سنجانِ مروحِ نفس  
 باز گرایند به یک آشیان  
 باز رود در دهن یک صدف  
 طبع چمن باز دهد آب و رنگ  
 شعله بشویند ز دود چراغ  
 وین سخن از جمله ایشان بود  
 بود عدم گشت و عدم عین بود

- ۱- ن ۲ = خرد؛ همه نسخ دیگر = اثر  
 ۲- ن ۲، ۲۹ = قلب زرانده زر کز تست؛ ن ۱، ۸، ۱۱، ۱۷ = منع زرانده مس کز تست؛ ن ۴ = تیغ زرانده مس کز تست (در ن ۲۸ = این شعر نیست)  
 ۳- ن ۴ = انداز؛ همه نسخ دیگر = آرند  
 ۴- ن ۱، ۲، ۸، ۱۱ = جمله به مقصوره وحدت؛ ن ۲۸ = جمله به مقصد ره وحدت؛ ن ۲۹ = جمله مقصوره وحدت  
 ۵- ن ۴ = روند؛ همه نسخ دیگر = برند  
 ۶- ن ۲۸ = ناله؛ همه نسخ دیگر = تا همه  
 ۷- ن ۲۸، ۱۱ = نفس؛ ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۷، ۲۹ = قفس  
 ۸- ن ۱۱ = نادره و مروحه جنبان؛ ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = نادره سنجان مروح  
 ۹- ن ۱۷ = صف زند از هر طرف؛ ن ۱، ۲، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = صف به صف از هر طرف  
 ۱۰- ن ۲۹ = نه چینند؛ ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = به چینند  
 ۱۱- ن ۱۱ = داغ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = زاغ  
 ۱۲- ن ۲۸، ۲۹ = بود نبود؛ ن ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۱، ۱۷ = بود و نبود

در نگر<sup>(۱)</sup> این یک عدد<sup>(۲)</sup> از صد هزار  
 یک دو به تکرار اشارت نمود  
 ای که به زندان مجاز اندری  
 سیر تو در دیر مجاز اندر است  
 کوش که مستغنی از آلت شوی  
 این رسد<sup>(۵)</sup> ایزد نه به بازیچه بست  
 بر سر این راز بهل دامنم  
 این دُر اندیشه که عرفی بُسفت  
 نیست<sup>(۳)</sup> جز این<sup>(۴)</sup> یک، همگی اعتبار  
 ورنه جُز آن یک نبود در وجود  
 جهد بکن تا بگشایی دری  
 عالم روحانی ازان سوتر است  
 تا به تماشا گه وحدت شوی  
 حکمتی آرایش این پرده<sup>(۶)</sup> است  
 به که نزیاید لب آبستم  
 خود نفسی داده برون، خود شفت<sup>(۷)</sup>

### حکایت

انجمن<sup>(۸)</sup> آرای درون با یزید  
 محفلی آرایش<sup>(۹)</sup> صحن فلک  
 نور فشاندۀ تر از جام جم  
 دود چراغش<sup>(۱۲)</sup> چه کند در دماغ  
 چهره برافروخته از شرم عشق  
 محفلی آراست بجمعی مرید  
 فرش حریمش ز جناح ملک  
 کرده<sup>(۱۰)</sup> شبستانی و شمعی<sup>(۱۱)</sup> بهم  
 انجمنی کش<sup>(۱۳)</sup> بود آن<sup>(۱۴)</sup> شب چراغ  
 مست سماع از نفس گرم عشق

۱-ن ۲، ۲۹ = نگر این؛ ن ۱، ۵، ۸، ۴، ۱۱، ۱۷ = نگری

۲-ن ۴ = عدد از صد هزار؛ ن ۲۹ = عدد صد هزار؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = عدد و صد هزار

۳-ن ۴، ۲۹ = نیست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = هست؛ ن ۲۸ = مست؟

۴-ن ۱، ۱۷ = جز این؛ همه نسخ دیگر = جز آن

۵-ن ۸، ۲۸ = رصد؛ ن ۲، ۱۱، ۸، ۲۹ = رسد؛ ن ۱، ۵ = سد؟

۶-ن ۱۷ = هرچه؛ همه نسخ دیگر = پرده

۷-در نسخه نهم (چاپ تهران) اشعار از ۱۰۸۵ تا ۱۱۳۱ نیافته شد - ولی آنها در همه نسخه‌های دیگر موجود نیست

۸-این حکایت در ن ۴ نیست

۹-ن ۲ = آراست چو صحن فلک؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = آرایش صحن فلک

۱۰-ن ۹، ۱۷، ۲۹ = کرده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸ = کرد؛ ن ۱۱ = گرد

۱۱-ن ۱۷ = جمعی؛ همه نسخ دیگر = شمعی

۱۲-ن ۲ = و باغش؛ همه نسخ دیگر = چراغش

۱۳-ن ۹ = کو؛ همه نسخ دیگر = کش

۱۴-ن ۹ = بودش؛ همه نسخ دیگر = بود آن

کرد<sup>(۱)</sup> به مستی ز<sup>(۲)</sup> لبش هرزه جوش<sup>(۳)</sup>  
 رازِ درون پُرسیده گشایی گرفت  
 گفت که: می‌گویم، و نبود گناه  
 جلوه‌گر از جامهٔ هستی منم  
 در حرم و دیر منم جلوه‌گر  
 رشتهٔ هر دامِ زمن پیچ پیچ  
 چون دلش از نشاء<sup>(۴)</sup> توحید رست  
 جملگی آن میوه که افشانده بود  
 از اثرِ لذتِ آن لب مکید  
 گفت که این دعویِ قدوسی است  
 گر دگر این نغمه سراید لبم<sup>(۵)</sup>  
 تیغ برآرید و هلاکم کنید  
 چون می توحید و گر نوش کرد  
 هرزه دوشینه درآمد<sup>(۶)</sup> بجوش

هرزه نگویم، که نیم<sup>(۷)</sup> ز اهل هوش  
 نورِ نفسِ اوج گرایبی گرفت  
 نیست درین جامه بغیر<sup>(۸)</sup> از آله  
 معنیِ هشپاری و مستی منم  
 کافر و دیندار مرا سجده بر  
 هر چه بجز هستی من هیچ هیچ  
 رشته ز آمیزش وحدت گست  
 باز فشاندند بران باغِ جود  
 نی غلطم، لب ز ندامت گزید  
 از<sup>(۹)</sup> لبِ ما نغمهٔ ناقوسی است  
 گر<sup>(۱۰)</sup> به چنین هرزه بنماید<sup>(۱۱)</sup> لبم  
 گنج<sup>(۱۲)</sup> نهانخانهٔ خاکم کنید  
 می زد و اندیشه<sup>(۱۳)</sup> فراموش کرد  
 لیک بران هرزه فدا عقل و هوش

۱- ن ۹، ۲۸، ۱۱ = کرده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹، ۱۷ = کرد

۲- ن ۹ = ز مستی به لبش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۱۷، ۲۹ = به مستی ز لبش

۳- ن ۱۷ = نوش؛ همه نسخ دیگر = جوش

۴- ن ۲، ۲۹ = نگویم، نیم از اهل هوش؛ ن ۹، ۲۸ = نگویم که نیم اهل هوش؛ ن ۱ = هرزه نگویم که نیم اهل هوش؛ ن ۵، ۸، ۱۱ = نگویم که نیم ز اهل هوش

۵- ن ۲۹ = بغیر اله؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = بغیر از اله (اشاره بگفته معروف بایزد: لیس فی جبتی سوی الله یعنی نیست اندر جبهه ام غیر از خدا)

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۱۱ = نشاء؛ ن ۲، ۹ = رشته؛ ن ۱۷ = شاهد

۷- ن ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = وز؛ ن ۱، ۵، ۲، ۱۷ = از

۸- ن ۲ = لبیت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۱، ۹ = لبم

۹- ن ۹ = یا؛ ن ۱، ۵، ۲، ۱۱ = گر؛ ن ۸ = ور

۱۰- ن ۲۹ = برزه درآید؛ ن ۹ = هرزه گراید؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = هرزه برآید

۱۱- ن ۲ = لبیت؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۱، ۹ = لبم

۱۲- ن ۹ = گنج نهانخانه بخاکم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۱ = گنج نهان خانه خاکیم

۱۳- ن ۲۹، ۱۱ = انداز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷ = اندیشه

۱۴- ن ۱۷ = برآمد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = درآمد

تخم عدم خیزی خود کاشتند  
 تافته<sup>(۱)</sup> رو تیغ و بخونش نشاند<sup>(۲)</sup>  
 فرصت لیلی زده هر محملی<sup>(۳)</sup>  
 دست و زبانی ز کمر بسته تر  
 تا چه برون آید از آن گنج راز  
 زمزمه دعوی هستیش<sup>(۷)</sup> سوخت  
 لاله<sup>(۹)</sup> فشان دید سمن زار بزم  
 کز ورق گل چمن کربلاست  
 خواند بران بلبل معنی سرود  
 سوختن وی نبود جرم کس  
 مرگ برون تا<sup>(۱۲)</sup> زدش از آستین  
 چهره گشای صبنم دلفریب<sup>(۱۴)</sup>  
 حسن سبک بازوی<sup>(۱۵)</sup> غیرت گشاد  
 گشت به صحرای عدم رهبرش  
 اوست که آن نغمه تواند گشاد

مستمعان تیغ برافراشتند  
 هر که به عضویش سبک تیغ راند  
 گریه کنان زخم به هر بسملی  
 بود یکی زان همه آهسته تر  
 بسته<sup>(۴)</sup> به بر دست و<sup>(۵)</sup> نظر کرده باز  
 دید که هوش آمد<sup>(۶)</sup> و مستیش سوخت  
 دیده<sup>(۸)</sup> بیاراست به دیدار بزم  
 گفت چه باد از ره<sup>(۱۰)</sup> این روضه خاست<sup>(۱۱)</sup>  
 صورت آن حال برنگی که بود  
 گفت چو با شعله ستیزد مگس  
 هر که به معشوق کشد تیغ کین  
 کوهکن<sup>(۱۳)</sup> آن در غم دل ناشکیب  
 تیشه چو بر صورت جانان نهاد  
 تیشه ریود از وی و زد بر سرش  
 آن نه منم کز لبم آن نغمه زاد

۱- ن ۸، ۹؛ زو؛ ن ۱۱؛ زد؛ ن ۲، ۵؛ رو؛ ن ۱۷؛ زان

۲- ن ۵، ۲۹؛ نشاند؛ ن ۱۱، ۲؛ فشانند

۳- ن ۱۱؛ محمل؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹؛ محملی

۴- ن ۹؛ بست به بر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹؛ بسته بر

۵- ن ۹؛ زبان کرد؛ ن ۱۱، ۲۹، ۵، ۸، ۱۷؛ نظر کرده

۶- ن ۹؛ هوش دل و دستیش؛ ن ۲۹؛ هوس که مستیش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۱؛ هوش آمد و مستیش

۷- ن ۱۱، ۹، ۱۲، ۵، ۱۷، ۱؛ هستیش؛ ن ۱۱، ۲۹؛ مستیش

۸- ن ۲۹؛ دید و؛ همه نسخ دیگر = دیده

۹- ن ۱۱؛ لاف؛ همه نسخ دیگر = لاله

۱۰- ن ۱۷؛ بر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹؛ ره

۱۱- ن ۱۱، ۹، ۲۹؛ خاست؛ ن ۱، ۵، ۱۷؛ خواست

۱۲- ن ۹؛ آردش؛ ن ۱۷؛ باردش؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹؛ تازدش

۱۳- ن ۲۹؛ کوهکنی؛ ن ۲ = گر بکنی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷؛ کوهکن آن؛ ن ۱۱؛ کوهکن

۱۴- ن ۲؛ عندلیب؛ همه نسخه های دیگر = دلفریب

۱۵- ن ۸؛ بازی؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۲۹؛ بازوی

این<sup>(۱)</sup> منم از هر نفسی بسته لب  
عرفی ازین زمزمه لب را مسوز  
بر نفس و لب زده مُهر ادب  
هان نه<sup>(۲)</sup> تراود نفست<sup>(۳)</sup>، لب بدوز  
حوصله معرفت بیش باد  
راز خرد خور که دلش، ریش باد

### مقام سخن

نیشِ قلم چون رو کاوش گرفت  
قطرهٔ اول که نم<sup>(۴)</sup> از پرده داد  
چشمهٔ آثار تراوش گرفت  
آبِ سخن بود کزان چشمه زاد  
نایره بگشود<sup>(۵)</sup>، بهر سودوید  
سیلی از و<sup>(۷)</sup> رفت به باغ بهشت  
هر دو قدم باغ طرازی که بود  
شهرت یک حوض به تسنیم داد  
نایره<sup>(۸)</sup> فیض به عالم گشود  
تا نگشود از لبِ این چشمه آب  
در چمن<sup>(۱۱)</sup> باغ ثمر<sup>(۱۲)</sup> زای کن  
برگ به برگ و ثمر اندر ثمر  
چشمهٔ آثار تراوش گرفت  
آبِ سخن بود کزان چشمه زاد  
میوه<sup>(۶)</sup> فشان طوبی جان بردمید  
برگ و برِ وی به حلاوت سرشت  
حوضی ازان آب لبالب نمود  
نام یکی چشمهٔ کوثر نهاد  
چشمهٔ حیوان هم<sup>(۹)</sup> ازین نم<sup>(۱۰)</sup> گشود  
بود ملوث گهر آفتاب  
چشمهٔ هر<sup>(۱۳)</sup> آب سخن<sup>(۱۴)</sup> دان سخن<sup>(۹)</sup>  
از نم این چشمه بود بهره‌ور

۱- ن=۲؛ آن؛ ن=۵، ۱۱=ای؛ ن=۲۹، ۱۷، ۹=این

۲- ن=۲، ۱، ۵، ۲۹، ۹=نه؛ ن=۱۱، ۸=به

۳- ن=۲۹، ۲، ۹=نفست؛ ن=۱، ۵، ۸=نفسی؛ ن=۱۱=نفس

۴- ن=۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۱=نم از پرده داد؛ ن=۴، ۱۱=نم پرده داد

۵- ن=۲، ۳، ۵، ۲۹=بگشود و؛ ن=۱۱، ۸، ۱۷=بگشود

۶- ن=۲۹=میوهٔ طوبی ز چنان بردمید؛ ن=۱۷=میوهٔ فشان طوبی جان بر امید؛ ن=۴، ۹، ۱۱=میوهٔ فشان طوبی جان

بردمید؛ ن=۱، ۵، ۸=میوهٔ فشان طوبی جان را دمید؛ ن=۲=میوهٔ فشان طوبی خود بردمید

۷- ن=۵، ۱=ازان؛ ن=۲، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹=ازو

۸- ن=۲۸=مایدۀ فیض؛ ن=۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹=نایرهٔ فیض؛ ن=۴=نایزه فیض

۹- ن=۲۹، ۲=ازان؛ ن=۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸=ازین

۱۰- ن=۵=یم؛ همه نسخ دیگر =نم

۱۱- ن=۱، ۹=چمن و باغ؛ ن=۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹=چمن باغ

۱۲- ن=۲، ۹، ۲۸، ۲۹=ثمر زای؛ ن=۱، ۵، ۸، ۱۷=زار؛ ن=۱۱=زان

۱۳- ن=۱۱=پر آب؛ ن=۱، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹، ۲۸=هر آب

۱۴- ن=۲، ۲۸، ۲۹=سخن رای کن؛ ن=۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷=سخن دان سخن

ذوق دگر یافته هر کام ازو  
 شهید بیان<sup>(۲)</sup> چشمه کوثر گشاد  
 زمزمه عشق بود خون چکان  
 مرغ چمن زد نفس<sup>(۳)</sup> تابناک  
 حسن سمن یافته صد آبروی  
 از نم این چشمه صفائش هست  
 دست بدست آورد از باغ<sup>(۴)</sup> جان  
 خار کهن<sup>(۵)</sup> گلبن بستان اوست  
 وحی ز فرزندى او مست ناز  
 میوه نشان طوبی گلزار غیب  
 در حرم معنویان عود سوز  
 شاهد دل در حرمش منزوی  
 تب<sup>(۱۰)</sup> شکن صبر جگر خستگان  
 منصب<sup>(۱۱)</sup> جبریلی<sup>(۱۲)</sup> ازو مرتفع  
 بستکده را نفقه انجیل سنج  
 آیینه صورت معنی نما

صاف دگر رفته<sup>(۱)</sup> به هر جام ازو  
 از نم این چشمه صافی نهاد  
 از نم این چشمه آتش فشان  
 از نم این چشمه ریزان بخاک  
 از نم این چشمه لب تشنه جوی  
 هر بر و برگى که نمائش هست  
 هر بر و برگى که صفیر زیان  
 فضله خاشاک گلستان اوست  
 معنی از آمیزش<sup>(۶)</sup> او<sup>(۷)</sup> عشوه ساز  
 فاتح<sup>(۸)</sup> گنجینه اسرار غیب  
 شمع خرد شعله دانش<sup>(۹)</sup> فروز  
 آب و هوای چمن معنوی  
 نفقه گشای لب دل بستگان  
 جهد پریشانی ازو مجتمع  
 دردم آرایش قندیل سنج  
 نفقه طراز چمن مدعا

۱- ۲، ۲۸ = رفت؛ ن ۱۷ = بهره؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = رفته

۲- ن ۱۱ = بنان؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = بتان

۳- ن ۱، ۵، ۹، ۱۷ = تابناک؛ ن ۲، ۸، ۱۱، ۲۹ = آبناک

۴- ن ۹، ۱۱ = مرغ؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = باغ؛ ن ۲۸ = آنچه

۵- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = کهن؛ ن ۹، ۱۱ = کنی

۶- ن ۲۸ = آمیزش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = آمیزش

۷- ن ۱، ۵، ۲ = آن؛ ن ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = او

۸- ن ۲۸، ۲۹، ۱۱ = فاتحه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷ = فاتح

۹- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = دانش؛ ن ۸، ۹، ۱۱ = آتش

۱۰- ن ۱، ۱۱، ۱۷ = بت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = تب

۱۱- ن ۱۱ = معنی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = منصب

۱۲- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = جبریل؛ ن ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = جبریلی

داروی بیهوشیِ مستانِ هوش  
 مرغِ زیانانِ سلیمانِ فریب  
 ناطقه از رازفروشانِ وی  
 آتشِ او چشمه کوثر نشین  
 سینه خراشیده<sup>(۲)</sup> چو تشویشِ داغ  
 چهره<sup>(۳)</sup> او یافته نور حیا  
 تاب ده طُره او دردِ دل  
 دامنِ عصمت به میان بر زده  
 نخلِ معانی ثمرافشانِ ازو  
 مستی هر باده که هست، ازو یست  
 مغزِ خرد تشنه کاوشِ ازوست  
 مرغِ سخن گرنه خوش آهنگ بود  
 وحیِ نژادی لبِ روح‌الامین  
 ناله<sup>(۴)</sup> برآرد<sup>(۵)</sup> ز دلِ گرمِ خون  
 آینه معنی ازو روشن است  
 تاجر<sup>(۶)</sup> کش ساز تجارت نداشت  
 کین صنم از لاله چمن شسته بود

سامعه گوهر غیبت<sup>(۱)</sup> فروش  
 در هوسِ نغمه او ناشکیب  
 سامعه از حلقه بگوشانِ وی  
 آبِ وی آتشکده در آستین  
 راه نماینده چو نور چراغ  
 حُله او یافته حورِ صفا  
 خالی لبش داغِ نمکسودِ دل  
 سر ز دلِ عرشِ روان بر زده  
 گنجِ الهی گهرافشانِ ازو  
 بوی ازین نشأه نصیبِ ویست  
 چشمه حکمت بتراوشِ ازوست  
 سینه الهام بسی تنگ بود  
 گر نکشیدی سخنش آستین  
 نغمه چکاند ز لبِ ارغنون  
 انجمنِ افروزِ ضمیرِ من است  
 باغِ ازل برگِ عمارت نداشت<sup>(۷)</sup>  
 سنبلِ گیسو به سمن<sup>(۸)</sup> شسته بود

۱- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = غیبت؛ ن ۲، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = غیبی

۲- ن ۲، ۴، ۲۹، ۱۱ = خراشند؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = خراشیده

۳- ن ۹ = چهره ازو؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = چهره او

۴- ن ۲۸ = لاله؛ ن ۹، ۱۱، ۲۹، ۵، ۸، ۲، ۴ = ناله

۵- ن ۱، ۴، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = برآرد؛ ن ۱۱، ۲۹ = برآورد

۶- ن ۹ = تاجرکان؛ ن ۱، ۵، ۱۱، ۱۷ = تاجرکش؛ ن ۲، ۸، ۲۹ = تاجرکش

۷- در نسخه پنجم یازهم این بیت با چهار بیت آینده به شکل یک بند جداگانه نوشته شده‌اند - در نسخه بیست و نهم ازین بیت تا بیت ۱۰۴۲ و بطوریک بند است و همین طور در نسخ ۸، ۲ هم است - در نسخه اول و بیست و هشتم تقسیم بند با مطلقاً نیست - در نسخه نهم (چاپ تهران این بیت با سه ابیات آنند جزو بند پیشین است و بند دیگر از بیت ۱۲۱۴ آغاز می‌شود -

۸- ن ۱۷، ۵، ۸، ۱۱ = گیسو به سخن؛ ن ۱، ۵، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = گیسو به سمن؛ ن ۱۱ = گیسوی سخن



لیک<sup>(۱)</sup> بر آنسم که ز خونِ جگر  
رنگی جوانی دهم این باغ را  
ای ز دلم نخل معانی بلند  
وز نفس<sup>(۲)</sup> طبع مسیحا اثر  
جامه طاووس دهم زاغ را  
وز گل و سنبل قلم نخلبند

نغمه طبعم که دم از اوج زد  
عشوه حوران<sup>(۴)</sup> سحرگاه من  
کو<sup>(۵)</sup> صنی پسته لبی عشوه دان  
دل دهی<sup>(۶)</sup> و عشوه ستانی کند  
رفتم و کیشتم به ریاض سخن  
برگی گلش چیدم و بستم به دل  
آن بدلِ مرحمِ راحت طلب  
بناثرِ راحتِ آن<sup>(۸)</sup> باغها  
طوبی و خاشاک درین باغ نیست<sup>(۹)</sup>  
هر طلبی برگ و بری می برد  
آنکه خوش بند کند آستین  
وانکه بود بر ثمرش دسترس  
وز<sup>(۳)</sup> نفس روح امین موج زد  
هست گواهِ دلِ آگاهِ من  
تا دهم از حُسن یکایک نشان  
فهم یکی مرغِ زبانی<sup>(۷)</sup> کند  
بر خس و خاشاک گل و یاسمن  
نیشِ خطش نیز شکستم به دل  
دین بدلِ لذتِ کاوش نسب  
در جگرِ لذتِ این داغها  
نغمه بلبل، نفسِ زاغ نیست<sup>(۱۰)</sup>  
برگی مراد از شجری می برد  
از سر طوبی نشود میوه<sup>(۱۱)</sup> چین  
دامنِ همت نگذارد به خس

۱- ن ۲۹، ۲ = نیک؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸ = لیک

۲- ن ۲۹، ۹ = اثر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = نفس

۳- ن ۲۹ = در؛ ن ۱۷، ۲۸، ۱۱، ۸، ۹، ۱۲، ۵، ۱ = وز

۴- ن ۹ = حورای؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = حوران؛ ن ۲۸ = جوزای

۵- ن ۹ = گو بلب تشنه لبی عشوه ران؛ ن ۱۱ = که بلبی تشنه لبِ عشوه دان؛ ن ۵، ۲ = کو صنی پسته لبی عشوه دان؛ ن

۱، ۲۹ = کو صنی پسته لب عشوه دان

۶- ن ۲، ۲۹ = دل دهد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۱۷ = دل دهی

۷- ن ۱، ۲۹ = زبانی؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = زبانی

۸- ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۱۱ = آن؛ ن ۲، ۲۸، ۲۹ = این؛ ن ۹ = او

۹- ن ۲، ۲۹، ۹ = هست؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = نیست

۱۰- ن ۲، ۲۹، ۹ = هست؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = نیست

۱۱- ن ۲ = خوشه؛ ن ۲۹، ۲۸، ۱۷، ۱۱، ۵، ۸، ۱ = میوه

یا<sup>(۱)</sup> همه نشتر شکنم در دماغ  
 خسته دلان را که نه‌د مرهمی  
 گه جگر مرغ چمن می‌گزم  
 مرغی ازو برگ و نوائیش نیست  
 مایده نار سمندر خورد  
 بی‌نمکیها ز نمک شور تر<sup>(۴)</sup>  
 شاد<sup>(۶)</sup> به دریوزه زهر نبات  
 لذت ناموس ندانسته است  
 شعله کند دست فشان<sup>(۸)</sup> نفس  
 دامن این شعله نگیرد کسی  
 رشته خورش به نفس می‌تم  
 چهره هر زشت پذیرد نقاب  
 هیچ دلی معرفت اندیش نیست  
 لیک به الماس نیارد ستیز  
 طایر ارزنده کم آفتد<sup>(۱۰)</sup> به دام  
 دیر نشین زود مخیز از کمین

گر همه طوبی بنشانم بباغ  
 راحتیان را که چشاند غمی  
 گاه نسیمی به سمن می‌وزم  
 هر چمنی آب و هوائیش نیست<sup>(۲)</sup>  
 مرغ بهشتی رطب تر خورد  
 هست<sup>(۳)</sup> درین باغ ملامت ثمر  
 تشنه لب<sup>(۵)</sup> زهر من آب حیات  
 آنکه چشیدن نتوانسته است  
 طبع من آنجا که بود مُشت خس<sup>(۷)</sup>  
 حیف که دودم نپذیرد کسی  
 نیشتری بر رگ دل می‌زنم  
 تا مگر از جنبش رای صواب  
 هیچ درون آگه از این ریش نیست  
 تیغ<sup>(۹)</sup> کلام ز اثر هست تیز  
 عرفی اگر نیست شکار به کام  
 دام مروّت ز چمن بر مچین

۱- ن ۱، ۲، ۱۷، ۲۸ = با؛ ن ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = یا

۲- ن ۹، ۲۹، ۱۱ = هست؛ ن ۲۸ = بیست؟؛ ن ۱، ۵، ۲ = نیست

۳- ن ۲۸ = نیست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = هست

۴- سی و شش اشعار آینده در ن ۲۸ = نیافته شد

۵- ن ۱۱ = لب و زهر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = لب زهر دوز؛ ن ۹ درین بله اشعار ۱۲۱۸، ۱۲۲۸، ۱۲۳۱، ۱۲۳۳، ۱۲۳۶،

۱۲۳۹، ۱۲۴۰ نیافته شد - همین طور در بندهای دیگر هم اگر اشعار موجود نیست - اکثر بند با هم وجود ندارد

۶- ن ۲۹ = لیک به الماس نیارد نبات؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = شاد بدریوزه زهر نبات

۷- ن ۱۱ = مُشت خس؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۹ = مُشت خس

۸- ن ۲، ۲۹ = نشانِ نفس؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = نشانِ مگس؛ ن ۹، ۱۱ = نشانِ نفس

۹- این بیت تنها در نسخ ۲، ۱۱، ۲۹ یافته شد

۱۰- ن ۲، ۲۹ = افتد؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = آید

صید زغن<sup>(۲)</sup> هست و هما<sup>(۳)</sup> نیز هست

دام فرو گستر<sup>(۱)</sup> و شو پای بست

### حکایت

تافتن و بافتنِ عنکبوت  
کای هوس اندیشه کوته کمند  
تا مگسی را بر بانی مگر  
از تو رود<sup>(۴)</sup> وام مگس را بکار  
پیش بر، این<sup>(۵)</sup> رشته تنیدن میبچ  
صید تو معلوم که چنندش<sup>(۶)</sup> بهاست  
دام طرازنده بجوشید و گفت  
گر نگزی لب دل کس را<sup>(۹)</sup> مگز  
نیست غم ار کوتاهش آفتد کمند  
کوتهی ار هست، بر باغِ ثست  
شرمی<sup>(۱۲)</sup> ازین جنبش منصور کن  
کرد رسولِ عربی را شکار  
طوطیِ باغ قدمش بود صید

دید یکی باشه دراج قوت  
ریخت ببافندگیش زهر خند  
شربتِ دل ریزی و خونِ جگر  
حیف که سرمایه این بود و تار  
وام چنین صید نیرزد به هیچ  
رشته این دام تنیدن خطاست  
طعنه کنان<sup>(۷)</sup> چون خرف هرزه سفت  
کای<sup>(۸)</sup> قصبِ بیهده را رنگ رز  
آنکه بود جذبِ کمندش بلند  
خود<sup>(۱۰)</sup> ثمرِ کوتهی این<sup>(۱۱)</sup> جا نرُست  
این دمِ سرد از جگرم دور کن  
دام من آن است که در جوفِ غار  
بارِ الهیش در آمد به قید

۱-ن ۲ = فرو گیر و مشو؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = فرو گستر و شو

۲-ن ۹ = هما؛ ن ۲، ۲۹ = زغن؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷ = مگس؛ ن ۱۱ = مکن (مگس)؟

۳-ن ۹ = زغن؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = هما

۴-ن ۹ = بود؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = رود

۵-ن ۹ = آن؛ همه نسخ دیگر = این

۶-ن ۱۱ = بندش بیاست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = چنندش بهاست

۷-ن ۱، ۹ = طعنه زنان؛ ن ۲، ۵، ۱۱، ۱۷ = طعنه کنان؛ ن ۸ = طعنه کشان؛ ن ۲۹ = طعنه کشا [ن]

۸-ن ۲ = این؛ ن ۱، ۲۹ = ای؛ ن ۲، ۵ = کای

۹-ن ۲، ۸ = دل کس را؛ ن ۱، ۵، ۱۷، ۱۱ = دل کس خود

۱۰-ن ۱۱ = شجر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = ثمر

۱۱-ن ۱، ۹ = آنجا؛ ن ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = اینجا

۱۲-ن ۲، ۲۹ = شرم؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷ = شرمی

سایه او مرغ پر انداخته  
 طایر سر حلقه مُرغانِ دوست  
 سایه فکن بر سرِ طاووس<sup>(۵)</sup> و زاغ  
 و رفتش، \* ..... نخجیر نیست  
 طعنِ مگس گیری ازو دور دار  
 در کنفش داشته است آشیان  
 کس چه کند؟ طالعش آورده است  
 حیف بر آن است که در<sup>(۷)</sup> قید نیست  
 حبلی متین رشته او تافته  
 رشته بندش گرو بی گشاد  
 خرّم و آزاد برآید چو سرو  
 خواننده ز مکتوبِ خزان لاتخف<sup>(۸)</sup>

طوطی هستی<sup>(۱)</sup> شکر انداخته  
 نغمه طرازنده بستان<sup>(۲)</sup> دوست  
 سایه<sup>(۳)</sup> نیفکنده درین<sup>(۴)</sup> چار باغ  
 دام چنین صید<sup>(۶)</sup> مگس گیر نیست  
 شرمی ازین دام همایون شکار  
 دام من آن است که طاووس جان  
 گر مگسی بسته این پرده است  
 عرفی اگر دام ترا صید نیست  
 دام کلامت که خرد بافته  
 بسته این دام کلید مراد  
 بسته او گر زغن و گر تذرو  
 سرو که آزادیش آمد به کف

### حسن و عشق<sup>(۹)</sup>

ای به صفا انجمن آرای حُسن  
 جعدِ سمن سای تو آشوب زای  
 آهوی صیاد تو رضوان شکار  
 حُسن ترا سایه نشین آفتاب  
 حُسن ز رویت به تماشای حُسن  
 لعلِ گهر زای تو یاقوت سای  
 سایه بالای تو طوبی نگار  
 آب سمن ز آتش رویت کباب

۱- ن ۲، ۲۹، ۱۷ = هستی؛ ن ۵، ۸، ۱۱ = مستی

۲- ن ۲، ۲۹ = طرازنده به بستان؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۸ = طرازنده بستان

۳- ن ۱۱ = نیفکنده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹ = نیفکنده

۴- ن ۱۰، ۱۱، ۹ = برین؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ = درین

۵- ن ۲، ۲۹، ۱۱ = طاووس و زاغ؛ ن ۸، ۹ = طاووس و زاغ؛ ن ۱، ۵ = طاووس و باغ

۶- ن ۱۱ = مکن؛ همه نسخ دیگر = مگس

۷- ن ۹ = بر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = در

۸- اشعار از شماره ۱۲۶۸ در نسخه چهارم نیست

۹- عنوان مطابق نسخه جواهری (تهران)

\* در نسخه دستنویس مصحح کلمه خوانا نیست.

وز نگهت زنده فنای<sup>(۱)</sup> مسیح  
 سلسله برهم شکنِ عنبر است  
 از رویش نخلِ تو پا در گل است  
 می‌کند<sup>(۲)</sup> از باده نازت صبح  
 عجز به محرابِ وی اندر نماز  
 سجده کنان در حرمِ روی تو  
 راحت<sup>(۳)</sup> و رنجوری او رنج و ناز  
 مایه مخموری و مستی گرفت  
 داغ طبرزد نمک افشان کنم  
 نسبتِ جعدِ تو فشانند عبیر  
 برشکنی سُنبلِ تر بر سمن  
 نور شود سایه شکن<sup>(۵)</sup> بر جبین  
 دشمنی آرای<sup>(۶)</sup> عداوت گرای  
 عشوه پی<sup>(۷)</sup> ماتم او نخلبند  
 عریبه آرایش تابوت ساز  
 غمزه نشانی به کمین نگاه  
 بر سر<sup>(۱۱)</sup> مویی رود عالم گره

پیش لب مرده دعای مسیح  
 هندوی زلفت که ختن منظر است  
 سحر که سرو چمنِ بابل است  
 فتنه سرچشمه طوفانِ نوح  
 طاقِ دوا بروی تو محرابِ ناز  
 طاعتیانند دو ابروی تو  
 چشمِ تو گوهر شکنِ گنج راز  
 نرگس ازو رنج پرستی گرفت  
 چون صفتِ آن لب خندان کنم  
 بر شکنِ سُنبلِ عنبر اسیر  
 چون به حریمِ چمنِ یاسمن  
 در<sup>(۴)</sup> هوس سلسله عنبرین  
 حسن ترا اهلِ عمل فتنه زای  
 غمزه روان سوزِ دل مستمند  
 صلح<sup>(۸)</sup> شهیدِ ستم آرای ناز  
 بسکه<sup>(۹)</sup> به هر گوشه چشمِ سیاه  
 ابروت از ناز کمان<sup>(۱۰)</sup> کرده زه

۱- ن ۱، ۱۱ = قبا؛ ن ۲۹، ۲۸، ۵، ۱۷ = فنای

۲- ن ۲۹ = می‌کشد؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱ = کند

۳- ن ۴، ۲۹، ۱۷ = راحت رنجوری و در رنج ناز؛ ن ۱، ۵ = راحت در رنجوری او رنج و ناز؛ ن ۸ = راحت رنجوری او

رنج و ناز

۴- ن ۹ = از؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = در

۵- ن ۲ = شو سایه شکن؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱ = شود سایه شکن؛ ن ۲۹ = شود سایه فکن

۶- ن ۱، ۵، ۸، ۲۸، ۱۱ = آرای و عداوت گرای؛ ن ۲۹، ۱۷ = آرای عداوت گرای؛ ن ۹ = آرای و عداوت گزای

۷- ن ۵، ۱۷ = عشوه پی؛ ن ۱، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = عشوه بی

۸- ن ۲، ۲۹ = صبح؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸ = صلح

۹- ن ۲۸ = زیر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۱۱، ۲۹ = به بر

۱۰- ن ۱، ۵ = ناز کمین؛ ن ۲، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = ناز کمان

۱۱- ن ۱، ۵، ۸ = بر سر هر موی و دو عالم گره؛ ن ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = بر سر مویی و دو عالم گره؛ ن ۲۸ = بر سر موی و دو عالم گره

چشمِ تو بیمارتر از عبهر است  
شاهدِ حُسنِ تو تغافل پسند  
تکبیه گنو یاسمنت آب و رنگ  
سوی تو صد نوبت اگر بنگرم  
ای دلت آسوده غمخوارگی<sup>(۳)</sup>  
در<sup>(۴)</sup> چمنی کز ویت این رنگ و بوست  
صد ورقِ گل به گیاهی دهند  
رنگی<sup>(۵)</sup> ازان با گُلِ رعنائی تست  
این چمنِ لاله که پرورده‌ای<sup>(۶)</sup>  
لاله مپوشان که ز باغ تو نیست  
حسنِ هوادار<sup>(۸)</sup> تماشایی<sup>(۹)</sup> است  
گر گهرِ حسن به<sup>(۱۱)</sup> جیبِ تو بود  
گر نبود عشقِ هواگیر<sup>(۱۲)</sup> حُسن  
سنگدلی مایه دل سردی است  
نرم دلی شـورفزای دل است  
دل مشکن، عهدِ وفا تازه کن  
حسینِ تو مغرور به آوازه چند

بسکه برو<sup>(۱)</sup> غمزه هجوم آور است  
حجله نازِ تو بغایت بلند  
حسینِ تو از نکته<sup>(۲)</sup> نازک بستنگ  
نیم نگاه است چو جمع آورم  
خار مـنه در رو نظارگی  
اصل بهارِ چمننت فر اوست  
دامنِ دامن به نگاهی دهند  
بـوی ازان یاسمن آرای تست  
عاریت از باغ کسی کرده‌ای<sup>(۷)</sup>  
وین چمن از بهر فراغ تو نیست  
ناز تو سوزنده<sup>(۱۰)</sup> بینایی است  
طبع وی آلوده به عیبِ تو بود  
کو هنر عشق و چه تأثیر حُسن  
غنچه غم را سببِ زردی است  
موجبِ لفزیدنِ پای دل است  
می مکش، اندازه خمیازه کن  
ناز تو بیگانه ز اندازه چند

۱-ن ۱۷ = پس برو غمزه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = بسکه برد غمزه

۲-ن ۱۷، ۲۹، ۱۱ = نازت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = نازک

۳-ن ۱۷، ۹، ۱ = آسوده غمخوارگی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = آسوده ز غمخوارگی

۴-ن ۹، ۴ = از؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = در

۵-ن ۲۸ = رنگ؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = رنگی

۶-ن ۱۷ = پرورده‌اند؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = پرورده‌ای

۷-ن ۱، ۸ = کسی بُرده‌ای؛ ن ۲۸ = کس آورده‌ای؛ ن ۹، ۱۱، ۹ = کسی کرده‌ای

۸-ن ۱۱، ۱۷، ۲۸ = هوادار؛ ن ۲، ۲۹ = نمودار؛ ن ۱، ۵، ۸ = وفادار

۹-ن ۲۸ = تماشای اوست؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = تماشایی است

۱۰-ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹ = سوزنده بینایی؛ ن ۲۸ = بیننده بینای

۱۱-ن ۲۸ = به جیب؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲، ۲۹ = ز جیب

۱۲-ن ۲۸ = عشقِ هوادار حسن؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = هواگیر

برگی و رعنائیِ باغت<sup>(۱)</sup> خطاست  
 رنگِ جوانی ز چمن شسته گیر  
 آه که این نامه بغایت رسید  
 بادِ خزان میلِ وزیدن کند<sup>(۵)</sup>  
 آبِ لب<sup>(۸)</sup> لاله بچیند نسیم  
 یاسمن از سبزه پریشان شود  
 برگ و برِ حُسن به یغما رود  
 حسن برافشانده<sup>(۱۰)</sup> متاع از کساد  
 بی ادبی از می<sup>(۱۲)</sup> اُمید مست  
 طنز<sup>(۱۳)</sup> کنان بانگِ زند کای صنم  
 آینه بستان و نگاهی بکن  
 باغِ ترا کو اثر از آب و رنگ  
 جلوه‌گری‌های لبِ بام کو<sup>(۱۵)</sup>  
 باغ چنان<sup>(۲)</sup>، برگ چنین<sup>(۳)</sup> کی رواست  
 سنبلِ شب گون ز سمن<sup>(۴)</sup> شسته گیر  
 فصل بهاران به نهایت رسید  
 آب<sup>(۶)</sup> چمن عزم<sup>(۷)</sup> چکیدن کند  
 در حرم غنچه بمیرد شمیم  
 سنبلِ زلف اَمّت<sup>(۹)</sup> ریحان شود  
 روح شهیدان به تماشا رود  
 گوهر<sup>(۱۱)</sup> دل داده خرد را مراد  
 وز ثمرِ لطف تو کوتاه دست  
 ای<sup>(۱۴)</sup> گهر حُسن به دُرَجِ عندم  
 یاد جوانی کن و آهی بکن  
 شهید ترا کو بنوازش درنگ  
 نیم نگاهی به صد ابرام کو<sup>(۱۶)</sup>

۱- ۸ = باغت؛ ۹ = باغ از؛ ۱۱، ۲۸ = باغ؛ ۱، ۵، ۲۹ = باغی

۲- ۲، ۲۹ = چنان؛ ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = چنین

۳- ۲، ۲۹ = چنین؛ همه نسخ دیگر = چنان

۴- ۲۸ = بچین شسته گیر؛ ۲۹ = به سخن رشته گیر؛ ۱۷ = ز سمن رسته گیر؛ ۲ = به سمن رسته گیر؛ ۱، ۵ = ز چمن شسته گیر؛ ۱۱ = ز سمن شسته گیر؛ ۸ = به سمن شسته گیر؛ ۹ = سمن شسته گیر

۵- ۲۸ = گرفت؛ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = کند

۶- ۲۸، ۲۹، ۸ = سمن؛ ۱، ۲، ۵، ۱۱، ۱۷ = چمن

۷- ۲۸، ۱، ۲، ۵، ۸ = عزم؛ ۹، ۲۹ = میل

۸- ۵، ۱ = آب لب نامه؛ ۹، ۱۱، ۲۹، ۸ = آب لب لاله

۹- ۲۹ = اَمّت؛ ۲، ۵، ۸ = است؛ ۲۸ = روح شهیدان به تماشا رود

۱۰- ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = برافشانده متاع؛ ۲ = برافشاندن ناز؛ ۲۹ = برافشاندن ناز؛ ۱ = حسن برافکنده متاع

۱۱- ۱۷ = گوهر دل داده خرد را مراد؛ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = گوهر دل غوطه زنان در مراد؛ ۲۸ = گوهر دل غوطه زنان بر مراد؛ ۲۹ = گوهر دل غوطه زند در مراد

۱۲- ۲۸ = بی امید بست؛ ۱، ۵، ۸ = از می امید هست؛ ۲، ۹، ۱۱، ۲۹ = از می اُمید مست

۱۳- ۹ = طره گشا؛ ۱۱ = طره کناه؛ ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = طنز کنان

۱۴- ۹ = وی؛ همه نسخ دیگر = ای

۱۵- ۲۸ = لب نام تو؛ ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = لب بام کو؛ ۱۱ = لب بام و کو

۱۶- ۲۸ = لب نام تو؛ ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = لب بام کو؛ ۱۱ = لب بام و کو

نخل ترا ریزش خوبی کجاست  
 حرفی<sup>(۲)</sup> و آرایش صد ناز کو  
 ریزد ازین گونه سخنها ی تلخ  
 این ثمر کج روشیهای تست  
 نغمه بلبل چمن آرای باغ  
 بلبلِ دستان زن باغت منم  
 ره<sup>(۶)</sup> که برون از روش افتاده است  
 نغمه<sup>(۹)</sup> گشای چمن صوتِ زاغ  
 جلوه که<sup>(۱۰)</sup> سبزه به خس داده ای  
 حُسن در آغوشِ هوس تا به کی؟  
 گو چمن صوتِ کلاغی مدار<sup>(۱۳)</sup>  
 در چمن روضه خسی گو مباش  
 مهر نیابد<sup>(۱۵)</sup> دلِ اهل هوس  
 صد مگس شیفته انگبین  
 آتش اگر شعله فروزد هزار

کو ثمر افشانی<sup>(۱)</sup> و طوبی کجاست  
 نازش<sup>(۳)</sup> و تعمیر<sup>(۴)</sup> صد اعجاز<sup>(۵)</sup> کو  
 غرّه شرم و ادب آرد به سلخ  
 ورنه کرا طاقتِ ایذای تست  
 گل به تبسم طلبد صوتِ زاغ  
 زیب ده سینه به داغت منم  
 چشمه<sup>(۷)</sup> بی آبی از آن زاده<sup>(۸)</sup> است  
 عطسه زن از بوی گلت هر دماغ  
 منصبِ طوطی<sup>(۱۱)</sup> به مگس داده ای  
 عزتِ<sup>(۱۲)</sup> عنقا به مگس تا به کی؟  
 باغ تو گو نغمه زاغی مدار<sup>(۱۴)</sup>  
 چند نمک بر جگر بی خراش  
 دوستی شعله نداند مگس  
 رم کنند از جنبش یک آستین  
 جوشش پروانه بود برقرار

- ۱- ن ۲۹ = افشانی و طوبی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = افشانی طوبی
- ۲- ن ۲۸ = حرفی وی؛ ن ۲، ۸، ۹، ۲۸ = حرفی و آرایش؛ ن ۱، ۵ = حرفی از؛ ن ۱۱ = عرفی و
- ۳- ن ۱۷ = نازش؛ ن ۱۱ = ناری؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = نازی و
- ۴- ن ۵، ۱ = تعمیر؛ ن ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = تعمیر
- ۵- ن ۱۷ = اعجاز؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = اعجاز
- ۶- ن ۲۹ = رو؛ دیگر همه نسخ = ره
- ۷- ن ۲۹ = چشمه بی آبی از؛ ن ۱۷، ۲۸، ۱۱ = چشمه بی آب از؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = چشمه بی آبی از آن
- ۸- ن ۱۱ = داده؛ همه نسخ دیگر = زاده
- ۹- ن ۱۷ = چشمه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸ = غنچه؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۹ = نغمه
- ۱۰- ن ۲۹ = جلوه گر = همه نسخ دیگر = جلوه که
- ۱۱- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = طوطی؛ ن ۹، ۲۸، ۲۹ = طوبی
- ۱۲- ن ۱، ۲۸، ۹ = غیرت سیمرخ و مگس؛ ن ۸، ۱۱ = غیرت سیمرخ مگس؛ ن ۲، ۲۹ = عزت عنقا به مگس
- ۱۳- ن ۹، ۱۱، ۲۹ = بدار؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷ = مدار
- ۱۴- ن ۹، ۱۱، ۲۹ = بدار؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷ = مدار
- ۱۵- ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = نیابد؛ ن ۸، ۱۷ = نتابد



در قدم شمع بود سوز و ساز<sup>(۱)</sup>  
 زانکه مرادش ز تو ناکامی است  
 هست<sup>(۳)</sup> ز مومش طمع<sup>(۴)</sup> انگبین  
 شعله مدار از پر و بالش دریغ  
 لیک<sup>(۶)</sup> بود شربت من سودمند  
 زهر نمائست فروشنده شهد  
 وین نفس تلخ پسندیده‌ای<sup>(۸)</sup>  
 گر نکنی<sup>(۱۰)</sup> آشتی از<sup>(۱۱)</sup> خود مرنج  
 صلح نجویم، نگریم ز جنگ  
 جنگ ترا صلح فدا می‌کنم  
 چون<sup>(۱۳)</sup> حرم خاک شود منزلت؟  
 از<sup>(۱۴)</sup> جگرم چینه و بیرون دهد  
 بی ادبیهاست، تو معذور دار  
 عود مجازت عدم آهنگ باد  
 بوی مَیت نازده مستی که چه

مقصد پروانه هستی، گداز  
 شعله به وی در زدن از خامی است  
 وز مگس آید<sup>(۲)</sup> بر شمع از کمین  
 تلخ شو از شعله<sup>(۵)</sup> برافراز تیغ  
 در عرق الماس گدازم نه قند  
 این<sup>(۷)</sup> نفس بسته به ناموس عهد  
 وای که بس بیهده رنجیده‌ای  
 تلخ<sup>(۹)</sup> من اول به مذاقت بسنج  
 نیستم از ناز و غرورت به تنگ  
 تلخ سخن شو که دعا می‌کنم  
 حیف که هر خون که کنی<sup>(۱۲)</sup> در دلم  
 لاله که رنگ ورق از خون دهد  
 زین سخنان ننگی<sup>(۱۵)</sup> غرض دور دار  
 عرفی ازین زمزمهات ننگ باد  
 صورت آینه پرستی که چه

۱- ن ۲۸ = بسوز و گداز؟؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۹، ۱۷، ۲۹ = بود سوز و ساز

۲- ن ۱۷، ۲۹، ۱۱ = آید؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۸ = آمد

۳- ن ۲۸، ۹ = هست؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = هست

۴- ن ۱۷ = طرح؛ ن ۱۱ = طمع؛ ن ۱، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = طمع

۵- ن ۱۱ = از شعله برافروز؛ ن ۱، ۵، ۸، ۲۸ = از شعله برافروز؛ ن ۲، ۲۹ = از حمله برافراز

۶- ن ۸ = بو که؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = لیک

۷- ن ۱۹، ۸، ۱۱، ۲۸ = این؛ ن ۱، ۲، ۵، ۲۹ = ای

۸- ن ۱۹ = پسندیده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸، ۲۹ = نه سنجیده؛ ن ۱۱ = به سنجیده

۹- ن ۲۹، ۹، ۲ = تلخ دم من؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = تلخ من اول

۱۰- ن ۵ = بکنی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = نکنی

۱۱- ن ۹ = آشتی از خود؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = آشتی خود

۱۲- ن ۲۹، ۹، ۲ = بود؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸ = کنی

۱۳- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹، ۹ = چون حرم خاک شود؛ ن ۲۸ = خون حرم خاک

۱۴- ن ۱۷ = در؛ همه نسخ دیگر = از

۱۵- ن ۲ = رنگ؛ همه نسخ دیگر = ننگ

آن که زدی آینه صورت پذیر  
وای اگر چهره برد<sup>(۱)</sup> در نقاب  
هر چه درین دایره<sup>(۳)</sup> صورت پذیر  
گرنه طبیعی ست ثباتش نیست  
دل به کسی ده که بخود قائم است  
عرفی ازین نغمه زنی شرم دار  
مصلحت کار چه دانیم ما؟  
چهره نمای تو به صورت اسیر  
باز دهد آینه این رنگ<sup>(۲)</sup> و آب  
هر که درین مرحله آرام گیر  
ورنه بخود زنده حیاتش نیست  
جلوه معشوقی او دایم است  
عهد طلب بشکن و دل گرم دار<sup>(۴)</sup>  
تخم تمنا چه فشانیم ما

### محفل اُنس<sup>(۵)</sup>

نیم شبی بادو سه داستان طراز  
تَهْمَتیان غم عشق صنم  
جمله<sup>(۷)</sup> بذیل نفس آویخته  
بر دل خود بسته یکایک<sup>(۸)</sup> طراز  
گنج<sup>(۹)</sup> مصیبت کده‌ای داشتیم  
جمله تهی مایه و گوهر فروش  
نازده می چهره برافروخته  
مایه بیدردی و لاف ملال  
محرم دل با همه بیگانگی  
کرده به افسون در افسانه باز  
چون من و عرفی همه افسون<sup>(۶)</sup> و دم  
هر نفسی رنگِ نوی ریخته  
پرده ز آرایش خود کرده باز  
تخم نه<sup>(۱۰)</sup> اندوخته می‌کاشتیم  
تشنه لب و چشمه کوثر فروش  
خام چو شادی و چو غم سوخته  
از طیران مست<sup>(۱۱)</sup> و فرو بسته بال  
با مِگسی دعوی پروانگی

۱-ن=۹=بود؛ ن=۱، ۲، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹=برد

۲-ن=۱، ۵=رنگ و تاب؛ ن=۱، ۲، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹=رنگ و آب

۳-ن=۲۸، ۸=آینه؛ ن=۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹=دایره

۴-این اشعار تنها در نسخ ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۹ یافته شد

۵-عنوان مطابق ن ۹

۶-ن=۹=افسون دم؛ ن=۱، ۲، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹=افسون و دم

۷-ن=۹=جمله؛ ن=۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹=جمله

۸-ن=۸=سراسر؛ ن=۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۹=یکایک

۹-ن=۱۱=(نولکشور)=گنج؛ ن=۹(جواهری)=گنج (دیگر همه نسخ=گنج

۱۰-ن=۱، ۵=نه اندوخته؛ ن=۱، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹=نه اندوخته

۱۱-ن=۲۸، ۱۱=مست فرو بسته؛ ن=۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۹=مست و فرو بسته

سوخته‌ای<sup>(۱)</sup> داخل آن جمع بود  
 از طیران بسته پر عرض حال  
 سردی از آن جمع درو کار کرد  
 تیغ ملامت به بلاغت کشید  
 کنج مصیبت<sup>(۴)</sup> کده شمعی بود  
 گفت که ای زایر ایوان شمع  
 ز اوّل شب تا به گه صبحدم<sup>(۷)</sup>  
 تخم<sup>(۹)</sup> شداید به هوا کاشتی  
 تا بکی ای هدهد مشکین نفس  
 در غم این دیده نغفوده شو  
 خود چه کند شمع مگس ران ما  
 نایره حسن نگهبان اوست  
 شمع ندارد به مگس ران نیاز

کش همگی سوخته<sup>(۲)</sup> چون شمع بود  
 شعله نهان ساخته در زیر بال  
 نغمه رمزی به نفس یار<sup>(۳)</sup> کرد  
 طنز در آغوش کنایت کشید  
 ریخت به پروانه او شمع<sup>(۵)</sup> دود  
 گرد تو ننشسته<sup>(۶)</sup> بدامان شمع  
 دیده شب هیچ نماندی<sup>(۸)</sup> بهم  
 پاس رخ شمع نمی‌داشتی<sup>(۱۰)</sup>  
 بال و پر افشانی و رانی مگس  
 آخر ازین شعله برآسوده شو  
 سایه ببر از سر<sup>(۱۱)</sup> این خوان ما  
 مروحه جنبان و مگس ران اوست  
 بال مرنجان و بهرور<sup>(۱۲)</sup> نیاز؟<sup>(۱۳)</sup>

۱- ن ۹ = سوخته‌ای؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸ = خسته پری؟؛ ن ۲۸ = خسته بری؛ ن ۱۱ = خسته تری (در ن ۲۹ اشعار از شماره ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ نیافته شد)

۲- ن ۲۸، ۹ = سوخته شمع؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷ = سوخته چون شمع

۳- ن ۱۷ = بار؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۲۸، ۹ = یار

۴- ن ۱۷ = ملامت کده؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸ = مصیبت کده

۵- ن ۱۷، ۱۱ = ریخته پروانه او مست دود؛ ن ۲، ۹ = ریخت بیروانه او مشت دود؛ ن ۲۸، ۸ = ریخت به پروانه او شمع دود؛ ن ۵، ۱ = ریخت بیروانه آن شمع دود

۶- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = ننشسته؛ ن ۹، ۲۹ = ننشسته

۷- ن ۱۷ = به دم صبحدم؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = به گه صبحدم؛ ن ۹ = تا دم صبح امید

۸- ن ۹ = هیچ نماندی سفید؛ ن ۲۸ = سلح نماید بهم؟؛ ن ۲، ۲۹ = سخ نماندی بهم؟؛ ن ۱۱ = دیده لبث هیچ نماندی بهم

۹- ن ۸، ۱۱ = تخم شداید به هوا کاشتی؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۲۸، ۲۹ = تخم شد آمد به هوا کاشتی

۱۰- ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۸ = همی؛ ن ۵ = نمی

۱۱- ن ۵، ۱ = از سر این خوان؛ ن ۲۸ = از سر شمع ای هوا؛ ن ۹ = از سر ایوان ما؛ ن ۲ = از سر شمع این هما؛ ن ۸ = از سر این خوان هما

۱۲- ن ۲۹، ۱۱، ۵، ۱۰ = بهر؛ ن ۲، ۵، ۲۸ = ببر

۱۳- ن ۲۹، ۲۸، ۱۱، ۲، ۵ = نیاز؛ ن ۵ = بناز (به هر دو طور مصراع درست نیست)

نی<sup>(۱)</sup> ز مگس، از مگسی کرده قوت  
 بر مگسی دام کشیدن که چه؟  
 بلکه تو شو طعمه آتش چو خس  
 نسبت بیگانگیت بر دوام  
 در شکن این جنبش ناقص ببال  
 جنبش<sup>(۴)</sup> از بالِ تو کامل تر است<sup>(۵)</sup>  
 بر قدم قند بود بوسه ریز  
 بر تنِ خود<sup>(۸)</sup> لرزد و گردد ز دور  
 مطلبِ پروانه خود سوختن  
 ورنه در آتش رو و خرسند باش  
 سوخت لب؟ مرهمش از شعله ده<sup>(۹)</sup>  
 شعله به فانوسی خود بر گمار  
 کی بودت در دلِ معشوق راه؟  
 داغِ سمندر ننهی بر جگر  
 مستِ حمیت شو و پرواز کن

ای بزوایای هما عنکبوت  
 رشته پرواز تنیدن که چه؟  
 قوتِ خود از شعله کن ای بنوالهوس  
 نعمتِ دمسازی شمع حرام  
 بر گذر از طوف<sup>(۲)</sup> حریم وصال  
 بالِ مگس نیز به جنبش در است<sup>(۳)</sup>  
 گر<sup>(۶)</sup> برو کام بود گرم خیز  
 نی چو<sup>(۷)</sup> تو محروم بود در حضور  
 کامِ مگس لب به شکر دوختن  
 گر مگسی، بر اثر قند باش  
 تشنه لبی؟ لب به لبِ شعله نه  
 غوطه در آتش زن و کوثر<sup>(۱۰)</sup> شمار  
 گرنه در آتش بودت جایگاه  
 وه که به ناموس<sup>(۱۱)</sup> نه ای راهبر  
 دیده به آمیزش<sup>(۱۲)</sup> او باز کن

۱-ن ۱، ۵، ۸، ۱۱ = نی زمگس؛ ن ۱۷ = بی مگسی؛ ن ۹ = کم زمگس؛ ن ۲۹ = نه زمگس

۲-ن ۲، ۹ = طرف؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = طوف

۳-ن ۱۱ = نخستین درشت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۷، ۲۸ = به جنبش در است

۴-ن ۱۱ = مستی از؟؛ دیگر همه نسخ = جنبش از

۵-ن ۱۱ = سرشت؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = تر است

۶-ن ۱۷ = کو؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۲۹ = گر

۷-ن ۸ = نی که چو؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۹، ۲۸ = نی چو تو

۸-ن ۱۱ = بر تن خود زد گره دور دور؛ ن ۱۸، ۱۷، ۸ = بر تن خود لرزد و گردد ز دور؛ ن ۱، ۵ = بر تن خود گردد و لرزد ز دور؛ ن ۲۹ = بر تن خود لرزد و گردد بدور

۹-ن ۱ = به؛ ن ۲، ۵، ۱۷ = نه؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = ده

۱۰-ن ۲۸ = گوهر؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = کوثر

۱۱-ن ۲، ۱۷، ۲۹ = معشوق؛ ن ۱، ۵، ۸، ۱۱ = ناموس

۱۲-ن ۲۸ = به آمزش؛ ن ۱، ۲، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹ = آمیزش

تا<sup>(۱)</sup> جگرِ شعله عنان بزم‌دار  
تا رودت شعله‌ای<sup>(۲)</sup> در مغز و پوست  
عرفی ازین ذروه<sup>(۳)</sup> چسان بر شوم  
ورنه هنوزم هوسی در سر است  
بر<sup>(۵)</sup> اثر رهرو معراج راز  
گر به مقامی رسی، آنجا بمیر  
بلکه درون تر شو و جا گرم دار  
تا بکند هر چه کند میل دوست  
جای قدم نیست که برتر شوم  
مایه<sup>(۴)</sup> پرواز بسبال اندر است  
گرم عنان شو، سر میدان بتاز  
ور نرسی، خود به تمنا بمیر

### داستانِ رابعه<sup>(۶)</sup>

رابعه آن مریم معنی مسیح  
هر سرِ مویش ز می<sup>(۸)</sup> عشق مست  
مستی او بر سرِ ناموس تاج  
چون در اندیشه<sup>(۱۰)</sup> به معنی گشاد  
نیستری بر<sup>(۱۲)</sup> دلِ ریش خلیل  
ناله‌اش آتش به دلِ اوج زد  
آن چو لبِ دلبرِ کنعان ملیح  
شرع ز کیفیت او می‌پرست  
میکده عصمت<sup>(۹)</sup> ازو با رواج  
دیده به معموره<sup>(۱۱)</sup> هوشش فتاد  
خونِ دل از دیده به رویش دويد  
گریه به دریای<sup>(۱۳)</sup> دلش موج زد  
در اثر از نفقه داوود بیش  
ناله تلخی اثر افشان ریش

۱- ن ۵، ۸، ۲۹، ۱۱ = با؛ ن ۲، ۱ = بر؛ ن ۲۸ = تا

۲- ن ۲۸، ۱۱ = شعله؛ ن ۲، ۱، ۵، ۸، ۲۹ = مشغله

۳- ن ۲۹، ۲۸، ۱۷، ۱۱، ۵، ۸، ۱ = ذروه؛ ن ۲، ۹ = ذره

۴- ن ۱، ۵، ۹ = نامه؛ ن ۱، ۲، ۱۱، ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = مایه

۵- این ابیات فقط در ن ۱، ۵، ۸، ۲۹ یافته شد. ترتیب اشعار از شماره ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ در نسخ مختلف جدا گانه هست

۶- عنوان مطابق ن ۹

۷- ن ۱، ۲، ۵ = او؛ ن ۴، ۹، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = آن

۸- ن ۹ = غم عشق؛ ن ۱، ۲، ۱۱، ۸، ۵، ۹، ۱۷، ۲۸، ۲۹ = می عشق

۹- ن ۲۸ = عصمت او؛ ن ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = ازو

۱۰- ن ۱، ۲، ۵، ۱۷ = معنی؛ ن ۴، ۹، ۸، ۱۱، ۲۸، ۲۹ = مستی

۱۱- ن ۲۹ = معموری؛ همه نسخ دیگر = معموره

۱۲- ن ۲۸، ۱۱، ۱۷، ۵، ۸، ۱ = بر دل ریش؛ ن ۲، ۲۹ = بر رگ جان؛ ن ۹ = در دل ریش

۱۳- ن ۱، ۵ = گریه تلخ از جگرش؛ ن ۲، ۹، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۸ = گریه به دریای دلش

گریه ز دل برگی شیبخون گرفت<sup>(۲)</sup>  
 خنده لیلش<sup>(۳)</sup> گدای نمک  
 کاین همه زاری ز چه داری، بگو  
 وین گهر افشانی گنجینه سوز  
 موجب طوفان<sup>(۵)</sup> ملال تو چیست  
 لعل<sup>(۶)</sup> بر افشاند ز مژگان و گفت  
 منفعل از روی رسولم بسی  
 وین دل بجز دوست فراموش کن  
 آنچه بیادش نبود یاد اوست<sup>(۸)</sup>  
 هستی او گرد ضمیرش نگشت  
 نام دلم بنده آزاد اوست  
 ورنه<sup>(۱۲)</sup> بلد مستی معذور باد  
 هر چه بجز دوست فراموش کن  
 کم ز زنی<sup>(۱۳)</sup> خود نتوان بود چند  
 خاطر از کشمکش آرام یافت<sup>(۱۴)</sup>

ناله ز لب<sup>(۱)</sup> تحفه گردون گرفت  
 گریه گرمی به صفای ملک  
 همفشی کرد ز وی جستجو  
 تا منم<sup>(۴)</sup> این زمزمه سینه سوز  
 یاد ندارم ز تو حال تو چیست  
 چون لب ساحل گهر نغمه سفت  
 حوصله ام تنگ و ملولم بسی  
 منفعل<sup>(۷)</sup> زین دل می نوش کن  
 بسکه بود مست تماشای دوست  
 در<sup>(۹)</sup> همه عمر که بر وی گذشت  
 آنچه نفهمید<sup>(۱۰)</sup> دلم یاد اوست  
 از<sup>(۱۱)</sup> غم او یارب معذور باد  
 عرفی ازین می قدحی نوش کن  
 زیش فزون کن غم بیهوده چند  
 شکر که این نامه سرانجام یافت

۱-ن ۹=ز شب؛ ن ۸، ۵، ۲، ۱=ز لب

۲-در نسخ ۵، ۱ مصرع اول مصرع ثانی و مصرع ثانی مصرع اول است

۳-ن ۹=لعلش؛ ن ۲۸=خنده دلش؛ ن ۲، ۱، ۸، ۵، ۱۱، ۱۷، ۲۹=لیلیش

۴-ن ۲۸=یافتم؛ ن ۲، ۱، ۸، ۵، ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۹=تا منم

۵-ن ۱۱، ۲۸، ۲۹=۹ موجب طوفان ملال تو؛ ن ۱، ۴، ۵، ۸، ۲=موجب طوفان و ملال تو

۶-ن ۱۷=لعل تر افشاند؛ همه نسخ دیگر=لعل بر افشاند

۷-ن ۱۷=زین دل غم نوش کن؛ ن ۱، ۸، ۵، ۱۱، ۲، ۴، ۲۹=کاین دل می نوش کن؛ ن ۲۸=کای دل می نوش کن

۸-ن ۲۸، ۲۹=دوست؛ ن ۱، ۲، ۸، ۵، ۱۱، ۱۷=اوست

۹-ن ۱۱=همگی؛ ن ۱، ۲، ۸، ۵، ۲۸، ۱۷=همه

۱۰-ن ۲۹=بفهمید؛ ن ۱، ۲، ۸، ۵، ۱۷، ۲۸=نه فهمید

۱۱-ن ۱۷، ۲۹=در؛ ن ۱، ۲، ۸، ۵، ۹، ۱۱، ۲۸=از

۱۲-ن ۲۸، ۲۹، ۱۱=نه هلد؛ ن ۸=نه دهد؛ ن ۹=نه نهد

۱۳-ن ۲۸=کم زن. خود را؛ ن ۱، ۹، ۲۹، ۲، ۸، ۵=کم ز زنی خود نتوان

۱۴-این بیت تنها در ن ۱۱ (نسخه چاپی نولکشور) یافته شد و الحاقی می نماید زیرا که مثنوی ناتمام می نماید

مثنوی

در هجوِ شعرای معاصر

می‌نهم بر زبان و صوت جلا  
شاید از طبع‌شان رود خامی

می‌کنم هجوِ شاعرانِ گدا  
تا بکوبند طبلِ بد نامی

### مثنوی در هجوِ شعرای معاصر<sup>(۱)</sup>

آمدم چون دوا شفیق و نقیض	صحت <sup>(۲)</sup> آموز دوستان مریض
حیرت <sup>(۳)</sup> انگیز داروی در مُشت	کان شفا بخش، تلخ و تیز و درشت
در برص وار شورش <sup>(۴)</sup> اندازد <sup>(۵)</sup>	بر صش ریش کرده به سازد
می‌کنم هجو <sup>(۶)</sup> شاعران گدا	می‌نهم بر زبان صوت و جلا <sup>(۷)</sup>
تا بگویند <sup>(۸)</sup> طبلِ بد نامی	شاید از طبع شان رود خامی
مورد هجو <sup>(۹)</sup> اگر چه مشترک است	من نه زان جمعم این نه جای شک است
من چو سر جوش خم <sup>(۱۰)</sup> برآمده صاف	وین فرو مایگان چکیده لاف
مرحبا سنج و حبذا <sup>(۱۱)</sup> پرداز	ویحک آرای و لوحش الله ساز
همه دست آشنا چو طایرِ دام	همه عیدی طلب چو کودکی خام
همه نسابه قبیله آژ <sup>(۱۲)</sup>	بدعت آموز، عاملانِ نیاز
همه انشا طرازِ نامه طعن	خادمان <sup>(۱۳)</sup> مزار حاتم و معن
همه حجاج کعبه آمد	خارِ دامان قاصدان <sup>(۱۴)</sup> نوید

۱- این مثنوی فقط در چند نسخ یافته شد و از روی متن‌های نسخ ۸ (نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی تهران)، ن ۱۷ (نسخه کتابخانه دانشگاه عثمانیه، حیدرآباد)، ن ۲۶ (نسخه ذخیره سبحان الله، کتابخانه دانشگاه علی‌گره) ن ۲۷ (نسخه ذخیره قطب‌الدین، کتابخانه دانشگاه علی‌گره)، ن ۲۸ (نسخه کتابخانه موزه برطانیه) درست شده انتشار می‌یابد

۲- ن ۲، ۲۶، ۲۷، ۱۷ = صحبت آموز؛ ن ۲۸ = صحت آموز

۳- ن ۱۷، ۲۸ = چرب؛ ن ۲۶، ۸ = حیرت

۴- ن ۱۷ = شورش؛ ن ۲۶، ۲۷، ۲۸ = شورش

۵- ن ۱۷ = اندازم؛ ن ۲۶، ۲۷، ۲۸ = اندازد

۶- ن ۲۶ = عیب؛ ن ۲، ۸، ۱۷، ۲۷، ۲۸ = هجو

۷- ن ۱۷ = صوت و جلا؛ ن ۲۶ = صوت و صدا؛ ن ۲۷ = صوت ندا؛ ن ۲۸ = صوت صدا

۸- ن ۱۷، ۲۸ = بگویند؛ ن ۲۸ = نکوبند

۹- ن ۲۷ = عیب؛ ن ۱۷، ۲۸ = هجو

۱۰- ن ۲۸ = خوش؛ دیگر همه نسخ = خم

۱۱- ن ۲۸ = خند و ابرودار؟؛ ن ۱۷، ۲۶، ۲۷ = چندا پرداز

۱۲- ن ۲۶، ۲۷ = ژاژ؛ ن ۸، ۱۷، ۲۸ = آژ

۱۳- ن ۲۸ = خادمان؛ ن ۲۶، ۲۷ = زایران

۱۴- ن ۲۶، ۲۷، ۲۸ = قاصدان؛ ن ۸، ۱۷ = غنچه‌های



همه ور بیشه تمنّا<sup>(۱)</sup> گم  
 همه در پیچش طمع در تاب  
 چون هیولا همه پذیرنده  
 دُرد نوش<sup>(۲)</sup> قلدح کشان وجود  
 همچو<sup>(۳)</sup> کفش و عصا نعال نشین  
 معدن خشکی دماغ گله  
 تهمت آلود عشق محبوبان  
 جفای معمر های اندیشه  
 کهنه فرش بساط وعده جود  
 در ره وعده گرد<sup>(۴)</sup> خورده بیم  
 متشر کرده رقعہ های نیاز  
 طبع بی قید شان فجورستان  
 زاده این چنین فساد آباد  
 خانه زادی که در خراباتست<sup>(۵)</sup>  
 دفتری کرده از فسانه سیاه  
 این چه دیوان حضرت اخوند  
 کرده انگور آرزو در خم  
 لیک در سایه امید در خواب  
 پای تا سر چو دام گیرنده  
 گرد دامن فشان<sup>(۶)</sup> قاصد جود  
 دشمن مردمان صدر گزین  
 بذله<sup>(۷)</sup> گوی و مدد<sup>(۸)</sup> رسان صله  
 قصه خوان کرشمه خوبان  
 شوم ساز همای اندیشه  
 لقمه دیر هضم معده جود  
 همچو ترسنده در مصاف غنیم  
 کس ندیده گدا و دست دراز<sup>(۹)</sup>  
 چون عذب<sup>(۱۰)</sup> خانه چراغ کشان  
 پدر اولش که دارد یاد  
 پدرش یافتن کراماتست<sup>(۱۱)</sup>  
 خجلت افزای تر ز لوح گناه<sup>(۱۲)</sup>  
 که ازو یادگار خواهد ماند

۱- ن ۸ = بیشه تمنّا؛ ن ۱۷ = شیشه تمنّا؛ ن ۲۶، ۲۷ = نشه تمنّا؛ ن ۲۸ = نشاء تماشا

۲- ن ۲۸ = نوشان؛ دیگر همه نسخ = نوش

۳- ن ۱۷، ۱۸، ۲۸ = فشان؛ ن ۲۷ = کشان؛ ن ۲۶ = عنان

۴- ن ۱۷، ۲۶ = همچو؛ ن ۸، ۲۷، ۲۸ = همه

۵- ن ۱۷، ۲۶ = بذله؛ ن ۲۶، ۲۷ = هرزه؛ ن ۲۸ = بذل

۶- ن ۲۶، ۲۷، ۲۸ = پدرسان؛ ن ۸، ۲۸ = مدرسان؛ ن ۱۷ = مددرسان

۷- ن ۱۷، ۱۸، ۲۶ = گرد خوره بیم؛ ن ۲۷ = کرده با خود بیم؛ ن ۲۸ = کرم خوردیم؟

۸- ن ۲۸ = گدا و دست دراز؛ ن ۱۷ = گدای دست انداز؛ ن ۸، ۲۶ = گدا دوست انداز؛ ن ۲۷ = گدای و دست انداز

۹- ن ۲۸ = عصب خانه چراغ کشان؛ ن ۱۷ = عربخانه و چراغ کشان؛ ن ۸ = عرب خانه چراغ کشان؛ ن ۸ = عرب خانه

چراغ کشان؛ ن ۱۷ = عذب خانه چراغ کشان؛ ن ۲۶ = چون عذب خانه چراغ کسان

۱۰- ن ۲۶، ۲۷ = خراباتش؛ ن ۸، ۱۷، ۲۸ = خرابات است

۱۱- ن ۲۶، ۲۷ = کراماتش؛ ن ۸، ۱۷، ۲۸ = کراماتش

۱۲- ن ۲۸ = سپاه؛ ن ۸، ۱۷، ۲۶، ۲۷ = گناه

بهر دیوان افصح الفصحا  
 نه‌دهد این ز<sup>(۴)</sup> غایت ظنّت<sup>(۵)</sup>  
 جمله فرزندا رشید و حلف  
 یک روی نو خط و دگر ساده  
 کرده در یوزۀ کرشمه و ناز  
 حُسنِ شان هیچ نی و صد عاشق  
 حُسنِ داماد هم بهشتی نیست  
 اصل پاکیزگی و عصمتِ اوست  
 به که داماد نشنود تهمت  
 کرده تفتیش این سخن داماد  
 مرده زانند اکثر از مادر  
 زاد، لختی گریست، وان گه مُرد  
 از دلم<sup>(۱۱)</sup> خشک شد دماغ سخن  
 بلبل و هجو<sup>(۱۲)</sup> بلبل، این چه نواست  
 گوش گل خالی از سخن باشد

ابلهان در ره شمال<sup>(۱)</sup> و صبا  
 مستبَح<sup>(۲)</sup> جوید<sup>(۳)</sup> آن بصد منّت  
 خوش به ترتیب زاده<sup>(۶)</sup> با زده صف  
 همه فرزندا زهم زاده  
 سادگان از بتان چین<sup>(۷)</sup> و طراز  
 سادگانی<sup>(۸)</sup> به عشق نالایق  
 بخت اگر هست غم ز زشتی نیست  
 حُسن<sup>(۹)</sup> منکوحه جزو زینت اوست  
 تهمت است آنکه نیستش عصمت  
 غلط است این که بی بکارت زاد  
 بسکه بودند زار و خسته جگر  
 وانکه در<sup>(۱۰)</sup> زندگی قدم افشرد  
 ای هم آوازگانِ باغ سخن  
 شکوه‌ای سر کنید کاین چه جفاست  
 گر نه بلبل درین چمن باشد

۱- ن ۲۸ = شمال صبا؛ ن ۱۷، ۸، ۲۶، ۲۷ = شمال و صبا

۲- ن ۲۸ = مطبخی؛ ن ۸، ۱۷ = متبَح

۳- ن ۱۷ = خواهد؛ ن ۸، ۲۶، ۲۷، ۲۸ = جوید

۴- ن ۲۸ = رعایت؛ ن ۱۷، ۲۶ = ز غایت

۵- ن ۸ = طینت؛ ن ۱۷، ۲۶، ۲۸ = ظنّت

۶- ن ۱۷، ۲۸ = زاده‌ها زده صف؛ ن ۸ = زاده‌های دو صف

۷- ن ۲۸ = چین طراز؛ ن ۸، ۱۷، ۲۶ = چین و طراز

۸- در همه نسخ (سادگان)

۹- حسن نیکو چو جزو زینت اوست؛ ن ۲۸ = حسن منکوحه جزو زینت اوست؛ ن ۱۷ = حسن نیکو چو جزو زینت

اوست؛ ن ۲۶ = حسن منکوحه خبر زینت اوست

۱۰- ن ۸ = از؛ ن ۱۷، ۲۶، ۲۷، ۲۸ = در

۱۱- ن ۲۸ = دم؛ ن ۱۷، ۲۶، ۲۷ = دم

۱۲- ن ۲۶ = طعن؛ ن ۸، ۱۷، ۲۷ = هجو؛ ن ۲۸ = همجو

بر دلِ خود منه چنین داغی  
 نغمهٔ بلبلان نه این نمط است  
 نغمه زن صد قبیله در چمن است  
 زغن و ساری و تذرو و کلاغ  
 بلبل اندر میان یگانه کس است  
 زاغ داند که این چه بستان است  
 برفشانم کنون نمک بر داغ  
 زشت نامند<sup>(۵)</sup> بلبلان بهشت  
 سیر<sup>(۶)</sup> ایشان در آستین سخا<sup>(۷)</sup>  
 قلزم از قطره آرزو دارند  
 در بساط گرم نماند<sup>(۹)</sup> گرد  
 شاخ شاخ است آستین کرام  
 اخذ بیت‌الله از خلیل کنند  
 مار ضحاک و آره جمشید  
 گوش بر حکم نفس داشته‌اند  
 تا که ممدوح خواهد از اشرار<sup>(۱۲)</sup>

توهم<sup>(۱)</sup> از بلبلان این باغی  
 تا بگویم که شکوه‌تان غلط است  
 روی این نغمه‌ها<sup>(۲)</sup> به نغمه زن است  
 بلبل و قمری و چکاوک و زاغ  
 هر یکی را به حد خود نفس است  
 بلبل آرایش گلستان است  
 داغ<sup>(۳)</sup> کردم بتازه سینهٔ زاغ  
 زین<sup>(۴)</sup> زغن سیرتان زاغ سرشت  
 طوف ایشان در آستان عطا  
 گریه فقر در گلو دارند  
 چون طمع<sup>(۸)</sup> را کنند گرم نبرد  
 بسکه بازند پنجهٔ ابرام  
 طمع پر ز جبریل کنند  
 حرز برجیس و نغمه<sup>(۱۰)</sup> ناهید  
 همه در آستین گذاشته‌اند  
 تا که مذموم خواهد از احرار<sup>(۱۱)</sup>

۱- ن ۸، ۲۶، ۲۸ = تا بگویم؛ ن ۱۷ = من نگویم

۲- ن ۲۷ = نغمه زن؛ ن ۲۸، ۱۷، ۲۶، ۸ = نغمه‌ها

۳- ن ۲۷ = باغ؛ ن ۸ = زاغ؛ ن ۱۷، ۲۶، ۲۸ = داغ

۴- ن ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۷ = وین؛ ن ۲۷ = زین

۵- ن ۲۷، ۸ = نامید؛ ن ۱۷، ۲۶، ۲۸ = نامند

۶- ن ۱۷ = سر؛ ن ۸، ۲۶، ۲۸ = سپر

۷- ن ۱۷، ۸، ۲۶ = سخا؛ ن ۲۸ = خطا

۸- ممکن است که این مصرع باین طور باشد: «طمع را چون کنند گرم نبرد» ولی در همه نسخه‌ها بطوریکه نوشته شد یافته شد (در ن ۲۷ بجای طمع «طبع» هست)

۹- ن ۸، ۱۷، ۲۸، ۲۶ = نمائد گردد؛ ن ۲۷ = نشانند مرد

۱۰- ن ۱۷ = نغمه؛ ن ۸ = لجه؛ ن ۲۶ = لهجه؛ ن ۲۸ = پنجه

۱۱- ن ۲۸ = احرارم؛ ن ۱۷، ۲۶ = از احرار؛ ن ۸ = از ابرار؛ ن ۲۷ = ابرارم

۱۲- ن ۲۷ = اشرارم؛ ن ۸، ۱۷، ۲۶ = از اشرار؛ ن ۲۸ = سازد اسرارم

حذر<sup>(۱)</sup> از نفس این ستم کیشان  
 نکنم مدح و گر کنم املا  
 ور<sup>(۳)</sup> به هجوی اگر کنم مفتوح  
 نام ممدوح قافیه مدح است  
 بسکه<sup>(۶)</sup> ممدوح بوده مدح گرم  
 هر کرا شبهه‌ای درین سخن است  
 ور ت جاهل کند عدد، که کدام<sup>(۸)</sup>  
 نه به تیغش زبان کنم پاره  
 نام ممدوح قافیه مدح است<sup>(۱۰)</sup>

فاش گویم حکیم ابوالفتح است

دوش در فیض خانه سحری  
 ملکی<sup>(۱۱)</sup> در رسید و گفت ای مست  
 گوهری<sup>(۱۲)</sup> سفته خواهم از لب تو  
 بعد توحید ایزد و صلوات  
 نام ممدوح خود بگو که به زر  
 مست بودم ز جام مدح‌گری  
 که ندانی ورق ز خامه و دست  
 که بنود<sup>(۱۳)</sup> سفتی به مثقب تو  
 جای اسم است مانده در دعوات  
 بنویسم به ذیل این دفتر

۱- در مضمون دکتر نعیم‌الدین که در مجله اسلامک کلچر، ماه نوامبر ۱۹۵۹ میلادی چاپ شده بود، این مثنوی به این بیت به اختتام می‌رسد

۲- ن ۲۸ = زانشان؛ ن ۱۷، ۸، ۲۶ = رینشان

۳- ن ۲۸ = ور به هجوی؛ ن ۸ = در هجوی؛ ۲۶ = درد نمی؟

۴- در ن ۲۶، ۸ یا این شعر بخش دوم این منظومه که بطور ترجیع‌بند است آغاز می‌یابد - همین طور در ن ۲۸ این بخش دوم از بیت ۶۴ آغاز می‌شود

۵- ن ۲۶، ۲۸ = مدح؛ ن ۸ = فاش

۶- ن ۱۷، ۸ = بسکه؛ ن ۲۶، ۲۸ = من که

۷- ن ۲۸ = زمان؛ ن ۲۶ = زبان

۸- ن ۲۸ = مدام؛ ن ۱۷، ۸، ۲۶ = کدام

۹- ن ۱۷، ۸، ۲۶ = کای؛ ن ۲۸ = ای

۱۰- ن ۲۸ = مدح گویم؛ ن ۲۶ = مدح گوید؛ ن ۸ = فاش گویم

۱۱- ن ۲۶ = و یکی؛ ن ۲۸، ۸ = ملکی

۱۲- ن ۲۶ = گوهر؛ ن ۱۷، ۲۸، ۸ = گوهری

۱۳- ن ۲۸ = سفتنی که بود؛ ن ۱۷، ۸، ۲۶ = که بود سفتنی

پس کنم نقل آن<sup>(۱)</sup> بدست دعا گفتمش کی محیط فهم و ذکا

نام ممدوح قافیه مدح است

فاش گویم حکیم ابوالفتح است

مدح جز وی نکردم و نکنم	گرچه گیرد <sup>(۲)</sup> عداوت سخنم
ور به مدح کسی دهد فرمان	همه اوصاف او دهم بزبان
مدح <sup>(۳)</sup> آن کس چنان کنم به نفاق	که ازان مدح مشتبه <sup>(۴)</sup> مصداق
در حیرت به وهم باز کنم	حیله <sup>(۵)</sup> گوید من امتیاز کنم
مرجع مدح چون نماید <sup>(۶)</sup> فاش	نام بی نسبتی دران <sup>(۷)</sup> کر باش
نام ممدوح قافیه مدح است	فاش گویم حکیم ابوالفتح است
جغد <sup>(۸)</sup> اندیشه را دهم تصدیع	بهر بسط و گشاد این ترجیع
دل <sup>(۹)</sup> اندیشه خون <sup>(۱۰)</sup> کند سخنم	تا <sup>(۱۱)</sup> گریزی مناسبی بزمن <sup>(۱۲)</sup>
بگریز از کجا شدم محتاج	می نمایان شود ز خُسم <sup>(۱۳)</sup> زجاج

نام ممدوح قافیه مدح است

فاش گویم حکیم ابوالفتح است

داوری از ثنا گرامی تر تاجداری ز تاج نامی تر

۱- ن ۲۶ = زن؛ ن ۲۸ = آن

۲- ن ۸، ۲۸ = گوید؛ ن ۸ = گیرد

۳- این بیت تنها در ن ۲۶، ۲۸ = یافته شد

۴- ن ۲۸ = مشتبه؛ ن ۲۶ = چشمه

۵- ن ۲۶، ۸ = صله؛ ن ۲۶ = حیله

۶- ن ۲۸، ۲۶ = نماید؛ ن ۸ = نماند

۷- ن ۸ = نیستی درو؛ ن ۲۶ = نسبتی دران؛ ن ۲۸ = نیستی دران

۸- ن ۸، ۲۶ = چند؛ ن ۲۸، ۱۷ = جغد

۹- در ن ۸ بیت بر شماره ۸۶ پیش این بیت یافته شد

۱۰- ن ۲۸، ۸ = خون؛ ن ۲۶ = چون

۱۱- در همه نسخ لفظ "تا" هست - ممکن است این "تا" باشد

۱۲- ن ۲۶، ۸ = بزمن؛ ت ۲۸ = نزنم

۱۳- ن ۲۸ = جسم؛ ن ۲۶ = چشم؛ ن ۸ = خم

مضطرب آفتاب مطلع شوق  
حکمت<sup>(۲)</sup> افروز معرفت پرداز  
شهر بند علوم جالینوس  
صله در آستین مژده راز<sup>(۳)</sup>  
چون رجا تکیه گاه هر مردود  
حکم او تاج چرخ و زیب زمین  
لطف او گازر گلیم سیاه  
خوشه چینش به کشته رحمت  
نهی اش<sup>(۷)</sup> ار افکند در آتش عود  
گربه سنگش قدم نهاده شود  
سایلی<sup>(۱۰)</sup> پیش آن خلاصه جود  
بسکه نشمرده اش نهد در<sup>(۱۲)</sup> مشت  
گریه در آستین نشانه<sup>(۱)</sup> ذوق  
معنی اندوز و اصطلاح انداز  
ده نشین ولایت ناموس  
گله اندیش کاهلی انباز<sup>(۴)</sup>  
چون دعا پایمرد<sup>(۵)</sup> هر مقصود  
علم<sup>(۶)</sup> او مرگ شک و جان یقین  
عفو او رخنه بند عذر گناه  
کرده عزل فرشته رحمت  
برنخیزد زوی نه بوی و نه دود  
دود<sup>(۸)</sup> آتش به دل زیاده شود<sup>(۹)</sup>  
با<sup>(۱۱)</sup> انامل شمارد از مقصود  
همه بر مدعا نهد انگشت  
نام ممدوح قافیه مدح است<sup>(۱۳)</sup>

فاش گویم حکیم ابوالفتح است

عرفی از نغمه یک نفس باز آی گوش کن طعن زاغ، لب مگشای<sup>(۱۴)</sup>

۱- ن ۸ = نشاند؛ ن ۲۸، ۱۷ = نشانه؛ ن ۲۶ = نشای؟

۲- در ن ۲۸ مصرع اولی مصرعه ثانی و مصرع ثانی مصرعه اولی ست - در ن ۸، ۲۶ بطوری هست که نوشته شد -

۳- ن ۱۷، ۸ = راز؛ ن ۲۸، ۲۶ = آز

۴- ن ۱۷، ۲۶، ۲۸ = نیاز؛ ن ۸ = انباز

۵- ن ۲۸، ۸ = پایمرد؛ ن ۲۶ = پای مزد

۶- ن ۸ = علم مرگ شک است؛ ن ۱۷، ۲۶، ۲۸ = علم او مرگ شک

۷- ن ۲۶ = هیبتش؛ ن ۱۷، ۸، ۲۸ = نهی اش

۸- ن ۲۸ = دود آتش؛ ن ۱۷، ۸، ۲۶ = دروی آتش

۹- ن ۲۸ = زیاده؛ ن ۱۷، ۸، ۲۶ = پیاده

۱۰- این بیت تنها در نسخ ۲۸، ۲۶ یافته شد

۱۱- ن ۸ = با انامل؛ ن ۲۶ = تا به مایل

۱۲- ن ۲۸ = در مست؛ ن ۱۷، ۸، ۲۶ = در مشت

۱۳- در نسخ ۸، ۱۷ این بیت بند است ولی در نسخ ۲۸، ۲۶ این بیت وجود ندارد

۱۴- ن ۲۸ = بگشای؛ ن ۲۶ = نگشای

گویدت بلبلان<sup>(۱)</sup> بس این دستان  
 بیت<sup>(۲)</sup> سربند بارِ قافیه نیست  
 وه چه دستانِ دلنواز است این  
 ای<sup>(۴)</sup> ز جهل تو مغزِ قافیه پوست<sup>(۵)</sup>  
 دال با تا به مخرج است قریب  
 آن که در علم قافیه مثل است  
 چند بیتی ادا کنم زین دست  
 هر که بر عرفی اعتراض کند  
 آنکه مغنون<sup>(۹)</sup> قافیه بحر است  
 نه که آنرا توان شمرد عبس<sup>(۱۰)</sup>

گوشِ گلزار را مزن سوهان  
 مدح و فتح<sup>(۳)</sup> آنکه کرده قافیه نیست؟  
 چه وقوف و چه امتیاز است این  
 قربِ مخرج هم از قواعد اوست  
 قافیه گر شوند، نیست غریب<sup>(۶)</sup>  
 جزو سهوش مگو که در بغل است  
 که<sup>(۷)</sup> کند شعر گرسنه<sup>(۸)</sup> پیوست؟  
 شعر بروی زبان دراز کند  
 نوش معنی به کام او زهر است  
 هنرِ شاعر<sup>(۱۱)</sup> این نباشد و بس<sup>(۱۲)</sup>

نام ممدوح قافیه مدح است

فاش گویم حکیم ابوالفتح است

- 
- ۱- ن ۲۸ = گویدت بلبلان این دستان؛ ن ۲۶ = گویدت بلبلاش این دستان؛ ن ۱۷، ۸ = گویدت بلبلان بس این دستان  
 ۲- ن ۲۸ = لبست سربند بار قافیه؛ ن ۸ = بیت سربند ما ز قافیه نیست؛ ن ۳۶ = مدت سیر بند بار قافیه بست؟؛ ن ۱۷ = بیت سربند باز قافیه نیست  
 ۳- ن ۲۸ = مدح و فتح کرده قافیه نیست؛ ن ۱۷، ۸ = مدح و فتح آنکه کرده قافیه نیست؛ ن ۲۶ = مدح افنج آن که کرد قافیه یکبست؟  
 ۴- ن ۲۸ = آن؛ ن ۲۶، ۸، ۱۷ = ای  
 ۵- ن ۲۸ = اوست؛ ن ۲۶، ۸ = پوست  
 ۶- ن ۸ = فریب؛ ن ۲۸، ۱۷، ۲۶ = غریب  
 ۷- ن ۲۸ = گر کند؛ ن ۲۶ = که کند  
 ۸- ن ۲۶ = پسند؛ ن ۲۸ = سند  
 ۹- ن ۲۸، ۸، ۱۷ = مفتون؛ ن ۳۶ = معشوق  
 ۱۰- ن ۸ = هوس؛ ن ۲۶، ۲۸ = عبس  
 ۱۱- ن ۲۸ = هنر شاعران؛ ن ۲۶، ۸ = هنر شاعرین  
 ۱۲- این بیت تنها در ن ۸ یافته شد - در دیگر نسخ نظم به بیت پیشین به اختتام رسید.

## اشعارِ متفرقهِ مثنویاتِ ناتمام

«و حالا که شهورِ ۹۹۶ ست و تسعین و تسمائه هجری ست، در  
سلکِ هم صحبتانِ جالینوس الزمانی، مقرب حضرت الخاقانی،  
حکیم ابوالفتح گیلانی انتظام دارد و همیشه سخنانِ بی نظیر ازو  
سر می زد -

پنج کتاب همچو خمسۀ نظامی بنیاد کرده می گوید و سه کتاب از  
آن گفته و الحق نیکو گفته»

نفایس المآثر نسخه خطّی محفوظ در کتابخانه مولانا آزاد  
"علی گره"

اثر

میر علاءالدوله کامی



## اشعارِ متفرقه مثنویات ناتمام

«و حالا که شهورِ ۹۹۶ ست و تسعین و تسعمائه هجری ست، در  
 سلکِ هم صحبتانِ جالینوس الزمانی  
 «کتاب همجوِ خمسۀ نظامی بنیاد کرده می گوید و سه کتاب از آن  
 گفته و الحق نیکو گفته»

نفایس المآثر (نسخۀ خطی کتابخانۀ دانشگاه اسلامی، علی گره)

### مثنوی ناتمام<sup>(۱)</sup>

ای نادره طبع وحی پرداز	جبریل جناح عرش پرواز
گنجور خزینه الهی	مفتاح تراش گنج شاهی
داری به کف آشنا کلیدی	دندان شکن هلال عیدی
خرم شجر بهشت تأیید	یعنی که کلید گنج توحید
وادید و [نه] جای بازدید ست	دست تو نه باب این کلید است
آن دست بر این کلید باید	کش فتح ز آستین برزاید
دندانۀ این کلید در سنج	از جنبش او گزد لب گنج
هر سو به نوای عاشقانه	صد قافله در کند روانه
در زانکه به فتح باب جستی	چابکتر ازین در آ که پستی
برخیز گرت خزینۀ ای هست	معموری گنج سینه ای هست
بگشا در گنج لایزالی	دامن دامن فشان زلالی
در ریم درین هوس مهیا	صد جیب تهی پُر از تمنا
بر خیز کزین امید مستیم	یک مشت گدای تنگ دستیم
بگشا در جاودانه گنجی	بسم الله اگر نه باد سنجی
ای چشمۀ آبروی معنی	آیین دکان حُسنِ لیلی
اندازه دِه جمالِ موزون	زنجیر فرست عشق معجون
گوهر شکن کلامِ مستان	آیینۀ حُسنِ خود پرستان
ای نامه نویس بی گناهان	شوینده لوح دل سیاهان
آیینۀ طرازِ ماه و خورشید	پاتابه گشای بیم و امید
پیمانه فروش می گساران	خمیازه خرِ خمار داران
اندیشه فروزِ دود ایران	مهمان کده ساز دود خیران
ای عشقِ تو شهرِ سینه آرا	جاروب کشِ حریم دلها

۱- این اشعارِ مثنوی تنها در نسخه‌ای که در ۱۰۵۷ هجری قمری از قلم سید کرم الله ولید سید احمد رقم شده بود و در ذخیره شیفته در کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامیۀ علی‌گره محفوظ است، یافته شد - این نسخه خطی در اثرِ حاضر بطور نسخه بیست و سوم بکار برده شده است

زیـورده معبد سعادت  
 آهنگ غلط پذیر ناقوس  
 کفر از تو قدم شکسته دیر  
 ذکر تو گهر فشان تأیید  
 علم تو به حصر خویش قادر  
 مجنون برهنه تو تجرید  
 طفل ازلت ز خانه زادن  
 ای چشمه سلسیل توحید  
 شانت به عروج مرتفع نه  
 بعد از احدیت انقیام است  
 [۹] لب نغمه بستن اولی  
 زین زمزمه زبان گزیدن  
 کاسوده شود ز جوشش خون  
 زاغ تو کدو نوای بلبل  
 بر بند لب و شکسته دل باش  
 ای نسخه مجمل و مفصل  
 ای میوه رسان باغ هستی  
 ای چشمه آفتاب بینش  
 ای نه فلک آشیانه جاهت  
 ای غنچه گلبن تأمل  
 ای درد و دوی عشق ورزان  
 پر مایه تر از محیط همت  
 قندیل گشای طوق دعوی  
 در باغ متاع استطاعت  
 گیسوی تو دلکش این چه دام است  
 ای سنبلت از حرم دمیده

دامن به میان زن عبادت  
 محرومی بخش کفر مایوس  
 دست طلب از تو آستین سیر  
 نام تو جگر فروش توحید  
 عشق تو به جان خود مجاور  
 تنها رو کوچه تو توحید  
 قفل حرمت ز بی گشادان  
 هم مسئله هم دلیل توحید  
 بحر تو ز قطره مجتمع نه  
 این بحر یگانگی نام است  
 این نغمه به لب شکستن اولی  
 خون دلش آن گهی مکیدن  
 وین نغمه بریزد از حد افزون  
 وانگه به هوای مدحت گل  
 وز نغمه ناسزا خجل باش  
 طوفان پسین و موج اول  
 گوهر شکن دراز دستی  
 تاریخ صلاهی آفرینش  
 همسایه و تکه کلاهت  
 وی سوسن روضه توکل  
 ای درد کزان دوی ارزان  
 بی سایه تر از نهال وحدت  
 مشکات حرم سرای معنی  
 بازچه فروش اهل طاعت  
 نام تو محمد، این چه نام است  
 نامت لب خوشتن مکیده

پرتو فکن از دریچه نور	خورشید رُخت به سینۀ طور
چون نورِ مه از دریچه تنگ	ریزد ز گلی تو در دلم رنگ
اعجازِ مسیح لب گزان است	بادِ نفست کجا وزان است
آبت ز گُل وفا چکیده	بادِ تو بباغ دل وزیده
امید شهید را مسیحا	افسونِ شفاعتِ تو فردا
باید که کنی ز لوٹ پاکم	دانی که من از کدام خاکم
در بندِ ظلومی و جهولی	ماییم و شکنجه ملولی

(ناتمام)

### مثنوی ناتمام دیگر<sup>(۱)</sup>

جگر از داغ ریاضت <sup>(۲)</sup> ریشی	روزی از کوچه ما درویشی
نفسش داغ نه آبِ حیات	تشنگی را لبِ او داده <sup>(۳)</sup> حیات
لذت از گرسنگی هم بُردی	اشتها بسکه هجوم آوردی
طمع آساره در یوزه گرفت	معه را قفل زد و روزه گرفت
چون درِ روزی خود دید فراز	پیش هر در که درآمد به نیاز
بدرِ قصرِ امیری برسد	بعدِ صد در که فرو بسته بدید
چون دهان طمع از خمیازه	دید بگشاده یکی دروازه
حاصلِ جمله ز یک در دادند	گفت اگر هیچ <sup>(۴)</sup> دری نگشادند <sup>(۵)</sup>
حاجتِ خویش به هر در نبرم	به <sup>(۶)</sup> که روزی ز یکی در بخورم
کز طلب تحفه برد پیش کرم	گفت <sup>(۷)</sup> و دردم بدرون ماند قدم

۱- این مثنوی ناتمام فقط در نسخ (شماره ۲۳، ۲۷) یافته شد و این در کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامی علی‌گره محفوظ‌اند

۲- ن ۲۳ = قناعت؛ ن ۲۷ = ریاضت

۳- این بیت اگر واقعاً به همین طور است که یافته شد، دارای عیب قافیه است

۴- ن ۲۳ = هیچ؛ ن ۲۷ = چند

۵- ن ۲۳ = بگشادند؛ ن ۲۷ = نگشادند

۶- این ابیات در ن ۲۳ نیافته شد

۷- این ابیات در ن ۲۳ نیافته شد

منظری دید چو ایوانِ بهشت  
 همه با اهلِ طلبِ کینه او  
 سفره بگشاده و آن مستِ هوس  
 بخرد<sup>(۱)</sup> گوهرِ بخلش می‌سُفت  
 این که بر سفره فرو چیده طعام  
 دودِ شرم از نفسِ گرم برفت  
 ای گشاینده هر بسته گره  
 بر سرِ سفره منعش بنشانند  
 باز گردید به صد گونه حجاب  
 آبرو داد و ستد گونه زرد  
 کای گشاینده درهای نیاز  
 قدم ما ز تردد خسته  
 گر ز صد خانه یکی در باز است  
 رشته عمری این عقده<sup>(۳)</sup> دهند  
 عارفِ خشک لب این حرف شنید  
 گفت کای گمره عاری ز ادب  
 روی برتاب، رو دیگر هست  
 رو به او کن طلب آغاز مکن  
 رو بسوی در او کن نفسی  
 گر به اعزاز درونت بزنند  
 نشانند گهر در قدمت  
 فتنه انگیز دماغِ گله شو

ساکنش لیک یکی دیو سرشت  
 گوهر بخل ز گنجینه او  
 بر سرِ مایده مانندِ مگس  
 وز طمع خورده<sup>(۲)</sup> فریبی می‌گفت  
 بهر مرغِ طلب آراسته دام  
 بعد صد گونه ثناخوانی گفت  
 قسمتی دارم ازین سفره بده  
 زهر بر تشنه لب او بفشانند  
 کشتِ امید همان تشنه آب  
 نا امیدانه مناجاتی کرد  
 وی فشاننده هر نعمت و ناز  
 همه درهای عنایت بسته  
 کرم آن جا به عدم انباز است  
 این عنایت به تهی دستان چند  
 از لبِ معرفتش روح چکید  
 وز زیونان رعایای طلب  
 داور و بارگه دیگر هست  
 آبرو زانِ تو، لب باز مکن  
 که نگوید<sup>(۴)</sup> سخنِ تلخ کسی<sup>(۵)</sup>  
 پرده فقر برونِت نسدرد  
 بنشانند به خوانِ کرمِت  
 مرغِ دستان زین باغِ گله شو

۱- ن ۲۳ = بحر؟؛ ن ۲۷ = بخرد

۲- ن ۲۳ = خورده؛ ن ۲۷ = خرده

۳- ن ۲۳ = عقده و بند؛ ن ۲۷ = عقده بند

۴- در نسخه لفظ (بگوید) هست

۵- این بیت تنها در ن ۲۳ یافته شد

لیک در لحظه که گشتی مهمان  
وام کن حوصله هفت فلک  
لب فرو بند که جای گله نیست  
غرض از عجز نه بیچارگی است  
زان سبب داده به هر کوچه سرت  
که فتد چشم تو بر منظر او  
بکشی شرمه و بینا گردی  
ای خوش آن گمره آشفته عنان  
ره نماید به فروغ نگهش  
عرفی از رهبریت منع خطاست  
سرور جمله آگاهان تو

نه<sup>(۱)</sup> بری دستِ هوس بر لبِ خوان  
بعد از آتش بچش از سفره نمک  
هیچ تقصیر و رای گله نیست  
غرض از فقر نه آوارگی است  
کرده در کوی طلب دریدرت  
سرمه گیری ز غبارِ درِ او  
بعد ازان محو تماشا گردی  
که بود دوست به سویش نگران  
دهد آرام به آرام گهش  
که بود راه تو چون طبع تو راست  
رهنمای همه گمراهان تو

(ناتمام)

### اشعارِ مثنوی ناتمام دیگر<sup>(۲)</sup>

عندلیبی در قفس دارد خروش  
نغمه سنجی می‌کند، گوشِ بکن  
سوسنش از وصفِ گل آستن است  
سینه لبریز ترنم موج خیز  
شعله آرایبی نماید نغمه‌اش  
نغمه خون آلود می‌ریزد برون  
نغمه سنجی می‌کند کای بلبلان  
در بهار و در خزان افغان کنید  
گر نه گردد گل ز حجله آشکار

عشق گلزارش زند در سینه جوش  
یادِ گلزار فراموشی بکن  
نوعرویس نغمه‌اش در زادن است  
کی تواند تا نگرده نغمه ریز  
سینه غم می‌گشاید نغمه‌اش  
می‌کند روی ترنم لاله گون  
ای بلند آوازگانِ باغ جان  
نغمه سنجی را متاع ارزان کنید  
نسبتی افشاند گل در جیبِ خار

۱- ن ۲۳ = پیری؛ ن ۲۷ = نه‌بری

۲- این مثنوی نام هم تنها در دو نسخ که در کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامیّه علی‌گره محفوظاند، یافته شد. یکی نوشته کرم‌الله هست (ماخذ ۲۳) و دیگر از قلم عبدالجبار هست (ماخذ ۲۷) -

ناکسی کو نام دارد عندلیب  
 زان<sup>(۱)</sup> که گر فارغ ز گل و ز لاله است  
 عندلیبی، ناله گرمی بکن  
 ارزش این فصل این مقدار هست  
 بوی گل اینک طلبکار مشام  
 آشیان در خانه گل می‌کند  
 من که دایم در قفس دارم نشست  
 گل فشاند بر سرم دست خزان  
 آب و گُلل دارد دلِ شوریده‌ام  
 هم ز رنگین نغمه‌ام گل می‌دمد<sup>(۲)</sup>  
 شب‌نم روی گل از آب منست  
 آب من هیچش<sup>(۴)</sup> به آتش جنگ نیست  
 بلبل، یعنی همه داغ گلم  
 نسبتِ بلبل به گل سرمایه ایست  
 ای وجود بلبلان گلزار گل  
 طمع بیماری هم از گل هست رنج  
 عاشق و معشوق و عشق آمد یکی

در خزان نبود زبانش بی نصیب  
 در همه فصلی حریص ناله است  
 در خزان [هم] نغمه شرمی بکن  
 بوی گل با هر خس و هر خار هست  
 گر دماغی هست، بی رنج ز کام  
 نام خود را نیز بلبل می‌کند  
 بوی گل می‌دارم مدهوش و مست  
 در قفس دارم هزاران بوستان  
 گریه می‌ریزد گلاب از دیده‌ام  
 هم ز دود سینه سنبل می‌دمد  
 آنچه<sup>(۳)</sup> از گل گویم از باپ منست  
 فهم کن، میدانِ معنی تنگ نیست  
 در بهار و در خزان باغ گلم  
 نسبتِ گل با گل از وی سایه‌ایست  
 نسبتِ بلبل به گل بیمار گل  
 گل هم از تأثیرِ خود در دستِ رنج  
 احولان<sup>(۵)</sup> را کو درین باشد شکی

قاسم انوار و بستان سنج عشق  
 طوف بحرِ عشق را احرام بست

گوهر جوهر فروش گنج عشق  
 خنده بر<sup>(۶)</sup> لب، نیش غم در دل شکست

۱- ن ۲۳ = زانکه گر؛ ن ۲۷ = زاغ تو

۲- ن ۲۳ = می‌دمد؛ ن ۲۷ = می‌دهد

۳- ن ۲۳ = هر چه؛ ن ۲۷ = آنچه

۴- ن ۲۳ = می‌چس؛ ن ۲۷ = بیچش

۵- ن ۲۳ = بی‌غمان؛ ن ۲۷ = احولان

۶- ن ۲۳ = بر؛ ن ۲۷ = در

قوت روح از ضعفِ تن می‌کرد ساز  
 دستِ اندیشه به لمسش یافتی  
 وادی امید را در می نوشت  
 هر دمش کم کردی و معذور بود  
 باز گردید از رو معنی به حی  
 میوه افشاند از نو بر دمید  
 گریه می بست و تبسم می‌گشود  
 کای پریشان صورت و آشفته حال  
 عافیت را از چه رو بگزیده‌ای؟  
 آن روش را از چه رو بگذاشتی؟<sup>(۴)</sup>  
 سینه از دودِ غم معمور کو؟<sup>(۶)</sup>  
 در جواب وی تبسم کرد و گفت  
 تا ز طوبی بر تو افشانم گهر  
 این زمان معشوقم و در نوشند  
 این زمان بر می‌دهم از طبعِ باغ  
 مستم اکنون هم، ولی از جامِ ناز  
 لیک یابم لذتِ ندام و نعیم  
 تلخ شیرینی ست، رنج آسایش است

آمد از بیماری دل در گداز  
 بسکه ضعف از قوتش رو تافتی<sup>(۱)</sup>  
 گر<sup>(۲)</sup> نسیم وهم بر وی می‌گذشت  
 غم که عین ذاتِ آن رنجور بود  
 کرد راو عشقِ لیلی جمله طی  
 شمع را طبعِ نهال آمد پدید  
 رنج می‌افشاند و راحت می‌درود  
 رهروی طناز کرد از وی سؤال  
 رنج و راحت گر بهم سنجیده‌ای  
 پیش ازین طور اسیران داشتی<sup>(۳)</sup>  
 کو نشانهای دل رنجور کو؟<sup>(۵)</sup>  
 این حدیث تلخ چون از وی شنفت  
 بس<sup>(۷)</sup> دلیری، در جواب آهسته تر  
 پیش ازین بودم اسیر و گریه مند  
 پیش ازین بر می‌تراویدم<sup>(۸)</sup> ز داغ<sup>(۹)</sup>  
 مست بودم از می عجز و نیاز  
 این زمان هم شعله نوشم از حجیم<sup>(۱۰)</sup>  
 این<sup>(۱۱)</sup> خرابیها کنون آرایش است

۱- ن ۲۳ = یافتی؛ ن ۲۷ = تافتی

۲- این بیت تنها در ن ۲۳ یافته شد

۳- ن ۲۳ = داشتن؛ ن ۲۳ = داشتی

۴- ن ۲۳ = داشتن؛ ن ۲۳ = داشتی

۵- ن ۲۳ = تو؛ ن ۲۷ = کو

۶- ن ۲۳ = تو؛ ن ۲۷ = کو

۷- تنها در ن ۲۳ یافته شد

۸- ن ۲۳ = می‌تراویدم؛ ن ۲۷ = می‌سزاریدم؟

۹- ن ۲۳ = ز باغ؛ ن ۲۷ = ز داغ

۱۰- ن ۲۳ = از حجیم؛ ن ۲۷ = ز نیم؟

۱۱- ن ۲۳ = این؛ ن ۲۷ = آن



مشت<sup>(۲)</sup> خاشاکش رباید موج حُسن  
چشمه حیوان چکد از مرگی عشق  
آستین افشان در آید در نعیم  
آب و خاک وی شود جنت سرشت  
بر بلندیا کمند انداختی  
آتشین پرواز بادا بالِ تو  
هم غنیمت می‌شمر دُرِ سفتنی  
شاید آری دامنِ معنی بدست  
بلبلی آخر، نه زاغِ هرزه سنج  
هستیش گلزارِ درد و داغِ باد<sup>(۶)</sup>

عشق گل سر<sup>(۱)</sup> می‌کشد بر اوج حُسن  
چون به حُسن افشاند گرد برگی عشق  
آنکه شویندش ز هر<sup>(۳)</sup> غش در جحیم  
وانکه<sup>(۴)</sup> از دوزخ درآید<sup>(۵)</sup> در بهشت  
مرحبا عرفی چها پرداختی  
گر ترا حالیست، ای خوش حالِ تو  
ورنداری بهره غیر از گفتنی  
می‌زن این دستان بهر صورت که هست  
ور نیایی دست بر دامنِ گنج  
یارب این بلبل بهشتی باغ باد

خویشتن را در میان .....؟  
گر تویی بیگانه پس کو آشنا  
با شمارِ دیگران کارم نبود  
نیستش بیگانگی با او ز کس  
می نفهمد دعوی بیگانگی  
آیتی نشنیده‌ام، افسانه هم  
ز آشنا رو بودند آرم باد  
گرنه در بیگانگی افتادمی

عارفی بیگانگان را می‌شمرد  
گفتم ای با جذبه او آشنا  
گفت گر بیگانگی یارم نبود  
آنکه شد با آشنایی هممنفس  
وانکه یابد دولتِ همخانگی  
آشنایش نیستم، بیگانه هم  
[عارفی] از بیگانگیّت شرم باد  
دادِ تلخی در ملامت دارمی

۱- ن ۲۳ = عشق کامل برکشد؛ ن ۲۷ = عشق گل سر می‌کشد

۲- ن ۲۳ = خاشاکی؛ ن ۲۷ = خاشاکش

۳- ن ۲۷ = ز برغش؛ ن ۲۳ = ز مرغش

۴- ن ۲۳ = وانکه؛ ن ۲۷ = آنکه

۵- ن ۲۳ = آید؛ ن ۲۷ = آمد

۶- در ن ۲۳ اشعار این مثنوی به این بیت باختمام می‌رسد - اشعار مابعد تنها در ن ۲۷ یافته شد

دیدگان با روزگارِ خود شقیق  
 هفته‌ای بگذشت و او زینگونه زیست  
 هفته‌ای در جوع نتوان زیستن  
 روح حیوانی ز خود شاکِی مدار  
 شکرِ این بر خویش واجب داشتن  
 لیک نباید وقت نان خاییدنم  
 نان خورم، ناگه شود فرصت تمام  
 روح حیوانی شو از غم گو هلاک  
 روح انسانی گرسنه کی رواست  
 لختِ دل نان است و خونِ دیده آب  
 هادی و ره‌توشه‌ات، این نکته بس  
 این حکایت را بخوان با نفسِ خویش

هوشمندی بود در کوی شفیق  
 لختِ نانی خشک در کف میگریست  
 گفت آخر چند ازین بگریستن  
 خویش را چندان به غمناکی مدار  
 باید این نا پاره را پرداختن  
 گفت آری، در محل بگزیدنم  
 مایهٔ عمر اندک است و کار خام  
 لخت نان در دست کو شد مشّت خاک  
 روح حیوانی سزاوارِ غذاست  
 تا ز کارِ خود نگردم کامیاب  
 [عرفی] اینک راه و این بانگِ جرس  
 هر که از جوعت رسد بر زخم نیش

### اشعارِ مثنویِ ناتمام دیگر<sup>(۱)</sup>

که آمد جگر گوشهٔ آفتاب  
 که شمع آمد و آفتاب شب است  
 که فرزندی آفتابش حلال  
 که لایق به تعظیم شاه‌اکبر است  
 که شد قبله خورشید و محراب شمع  
 که خورشید بخشیده است افسرش  
 مقیمانِ زیرِ زمین سینه ریش  
 که [؟] من بدیدار شمع  
 که تعظیم شمع است تعظیم من

شتاب آورید ای عزیزان شتاب  
 به حرا بگوید کاندلر تب است  
 ز نورِ الهی ست روشن جمال  
 مگر عشقِ خورشیدش اندر سر است  
 ازان روی در شمع دارند جمع  
 ازان نور بخش است تاج سرش  
 چو دید آفتاب از جدایی خویش  
 خرد رفت و گفت این عبارت به جمع  
 شنیدم ز خود بارها این سخن

۱- این اشعار تنها در یک نسخهٔ خطی که در ذخیرهٔ ..... در کتابخانهٔ مولانا آزاد نگهداری می‌شود، یافته شد و مربوط به مثنویِ ناتمام متعلق به شهنشاه اکبر می‌نماید - چون عرفی بقول علاءالدوله کامی خسته در جواب خسته نظامی آغاز کرده بود ممکن است که در جواب سکندرنامه؛ اکبر نامه سرودن آغاز کرده باشد و این اشعار مربوط به همان مثنوی باشند

یکی کرم شب تاب دان شمع را  
مگو شعله شمع والا گهر  
به انگشت اشارت کند سوی شاه  
به بزم شهنشاه فرخنده کیش  
رُخ شمع ازان رو بود نور یاب  
کسی کو کند مدح شمع اختیار  
ز شمع آنچه گویم بدان از چراغ  
دو تخم اند لیکن ز یک خوشه اند  
الهی جهان را برفع حجاب  
شب و روز شه غرقه نور باد

که خورشید جمع آورد جمع را  
به جنبش درآمد ز بادِ سحر  
که طاووس خورشید در شامگاه  
بیفشاند گلها به دنبالِ خویش  
که مالیده بر دامن آفتاب  
زیانش چو عرفی بود نور بار  
که یک بو رسد زین دو گل بر دماغ  
شه روشنان را جگر گوشه اند  
که شب شمع خواهد ز روز آفتاب  
ز فیض مه و مهر در نور باد

مپندار<sup>(۱)</sup> کز دستگاه تمام  
فرومایه تر نیست از من کسی  
که هر روزم از طعنه تازه ای  
بدان مایه آن روز شادی کنم  
که از گنج توفیق بی دایه ای  
خسیس و فرومایه و ناکس است  
نیا ای شناسای قدرِ لال  
نباشد درین شهر بینش وری  
اگر گویم آهنگ را تیز کن  
روانی بود گر بلند اختری  
منادی کنان هر طرف می شتاب  
خدایا مکن دشمنم تلخ کام  
صفا یابد از سرزنش گوهرم

نصیحت نیوشی کنم صبح و شام  
دلی دارم از خیل دشمن بسی  
نهد در کف از دانش اندازه ای  
در اُفتم به شهر و منادی کنم  
ریوده ست در گران مایه ای  
به اندازه آن گهر نارس است  
ز چنگش برآور به نرخِ سفال  
ز اعمی به اعمی رسد گوهری  
ز بازیچه نفس پرهیز کن  
رود دست بر دست تا جوهری  
که بینش وران را برآری ز خواب  
که شیرین زبانم زدی صبح و شام  
ز سنگش بلندی پذیرد سرم

۱- این اشعار در نسخه ۲۳ بعد از اشعار پیشین یافته شد - ممکن است که این هم پاره مثنوی پیشین باشد ولی امکان هم است که این اشعار که در آیین مثنوی پیشین گفته شده اند اشعار مثنوی ناتمام دیگر باشند

یکی سوی مجنون عنان نرم کرد	ز روی محبت نفس گرم کرد
بگفتا که مجنون ز حال تباه	ز حرمان جانکاه و روز سیاه
به لیلی پیامی که داری بریز	که اینک به حی کرده ام عزم تیز
چو مجنون ز وی این ترنم شفت	تبسم کنان رو بوی کرد و گفت
ندانم که اند این دو معذور دار	که من گاه مستم گهی در خمار
بگو کیستند این دو جنت سرشت	که از نامشان خاست بوی بهشت
زهی خام طبع سراسیمه رای	ز آیین زنگی کهن برزدای
قرین مسمی نه اند این دو اسم	عدم گنج و این هر دو اسمش طلسم
ز لیلی و مجنون نشان هیچ نیست	دو لفظ اندو مفهوم شان هیچ نیست
کدام است لیلی و مجنون کدام	دو معدوم را کرده گیتی دو نام
اگر هست مجنون بجز عشق نیست	بجز حُسن لیلی ندانم که کیست
اگر مقصدت این دو اختر بود	کزیشان دو عالم منور بود
دویی در صفات است اینجا نه ذات	دو نام است و یک ذات الوان صفات

گر این جا بود جای قول و سماع  
بگو تا بریزم که دارم متاع

فهرست رباعیات در کلیّات موجوده

و

چند دیگر نسخه‌های خطّی



[illegible]





[illegible]

## شماره نسخه

ردیف	ردیف	شماره نسخه	مصرع اول ریاضی در کلیات موجوده	ردیف	ردیف
۲۳	۲۰	۷۱۰۳۲	در داکه دگر سخن ز فراوانگی است	۲۳	۲۰
۲۴	۲۱	۵۱۰۳۰	دی محتسب آمد و بسی تند نشست	۲۴	۲۱
۲۵	۲۲	۷۱۰۳۲	شیراز که دریای معانی گهر است	۲۵	۲۲
۲۶	۲۳	۸۱۰۳۳	منّج شیدم که یکی زرق به بست	۲۶	۲۳
۲۷	۲۴	۸۱۰۳۳	این لاله که با داغ است آمده است	۲۷	۲۴
۲۸	۲۵	۸۱۰۳۳	عرفی سخت گریچه مصما رنگ است	۲۸	۲۵
۲۹	۲۶	۸۱۰۳۳	از دیده ما پیچر جیا هوایان بالات	۲۹	۲۶
۳۰	۲۷	۸۱۰۳۳	حسن از طلب نگاه ما بسته لب است	۳۰	۲۷
۳۱	۲۸	۸۱۰۳۳	عرفی سر صفحۀ صفا سنبل عاست	۳۱	۲۸
۳۲	۲۹	۸۱۰۳۳	زیسان که کمان شدت وی به زه است	۳۲	۲۹
۳۳	۳۰	۹۱۰۳۴	در عالم معنی که نه کوه است و نه رشت	۳۳	۳۰
۳۴	۳۱	۹۱۰۳۴	تا در زده ام به دایم عفر قو دست	۳۴	۳۱
۳۵	۳۲	۹۱۰۳۴	با سال و مهم دقیقه و ساعت نیست	۳۵	۳۲
۳۶	۳۳	۹۱۰۳۴	عرفی که همیشه در سلالت رو داشت	۳۶	۳۳

[illegible]

## شماره نسخه

ردیف	شماره نسخه	مضامین	مضامین	ردیف
۵۸	۷۱	پار آمده و در صدد دلداریت	مضامین اول ریاضی در کلیات موجوده	۵۸
۵۹	۷۲	گر چشم و دلم ز ناله و گریه جداست		۵۹
۶۰	۷۳	تا عمر مرا فلک به خم پیمود است		۶۰
۶۱	۷۴	در باغ و دل شکارگاه شیر است		۶۱
۶۲	۷۵	در دشت محبت که سراسر شیر است		۶۲
۶۳	۷۶	پاران دگر انگشت نما خواهم گشت		۶۳
۶۴	۷۷	در دیده تو بروشنی شرم به است		۶۴
۶۵	۷۸	گفتم که تلاش ناز و نعمت حیب است		۶۵
۶۶	۷۹	این شور که آن مضر و این شافی چیست		۶۶
۶۷	۸۰	از هجر نت که طبع ازو نسیان یافت		۶۷
۶۸	۸۱	عرفی که خلاف مودعی بد دانست		۶۸
۶۹	۸۲	آن روز که عشق بیخ پیداد گرفت		۶۹
۷۰	۸۳	عرفی دل ما بسکه بریشان نظر است		۷۰
۷۱	۸۴	نادان به صهارت بدن مشغول است		۷۱

شماره نسخه

[illegible]



شماره نسخه

[illegible]

۱- این رباعی در پیاض ۱۰۵۰ (بانکی پور) ۱۹۹۵ (بانکی پور) ۵۷/۲۵۲ (علی گره) و غیره هم یافته شد.

۲- این ریاضی در ریاض ۱۰۸۸ (بانکی پور) ۸۹۱ (علی گڑھ) ۱۰۹۰ (بانکی پور) ۱۹۹۵ (بانکی پور) ۲۵۲/۵۰ علی گڑھ هم یافته شد







## شماره نسخه

ردیف	شماره نسخه	ردیف	مصرع اول رباعی در کلیات موجوده	ردیف
۱۵۲	۱۹	۱۵۲	در باغ دلم که روضه نبش گوید	۱۹
۱۵۳	۲۰	۱۵۳	خوش آنکه شراب هفتیم مست کند	۲۰
۱۵۴	۲۱	۱۵۴	عرفی نه مرا حاصلی کان می باید	۲۱
۱۵۵	۲۲	۱۵۵	عرفی لب معشوقم از نور زرد	۲۲
۱۵۶	۲۳	۱۵۶	عشق تو خرابات نشین می باشد	۲۳
۱۵۷	۲۴	۱۵۷	در داکه اجل رسید و درمان نرسید	۲۴
۱۵۸	۲۵	۱۵۸	از زهر سبزه خوی او می شویند	۲۵
۱۵۹	۲۶	۱۵۹	وقت است که یاران بگلستان ریزند	۲۶
۱۶۰	۲۷	۱۶۰	عرفی شمع آنکه در زخم تب شکند	۲۷
۱۶۱	۲۸	۱۶۱	اکون که فسر دگان بر آتش تازند	۲۸
۱۶۲	۲۹	۱۶۲	بخت تو عروس زهره راز وچ آمد	۲۹
۱۶۳	۳۰	۱۶۳	شاهی که فلک هم گهر او نشود	۳۰
۱۶۴	۳۱	۱۶۴	عرفی دل و طبع و ستمکار بیاد	۳۱
۱۶۵	۳۲	۱۶۵	آنکس که نه راو تقسم بست کند	۳۲

شماره نسخه

[illegible]

تعارف و دستخط

ردیف	ردیف	تاریخ	تاریخ	مصارف اول ریاضی در کتابت موجوده	تاریخ	تاریخ
		۱۸۰	۲۷	گر شرم به قلم بریان اندازد	۱۸۰	۲۷
		۱۸۱	۴۸	آن است که در شور و ملال دارد	۱۸۱	۴۸
		۱۸۲	۴۹	بادوست دل که قرب جانی دارد	۱۲	۴۹
		۱۸۳	۵۰	پنجاه بهال سجده گاهت گرد	۱۸۳	۵۰
		۱۸۴	۵۱	ما را که بخوش هر قدم کاری بود	۱۸۴	۵۱
		۱۸۵	۵۲	در علم و عمل چو ذوقتون آید مرد	۱۸۵	۵۲
		۱۸۶	۵۳	توفیق گذشته گر بهما باز آید	۱۸۶	۵۳
		۱۸۷	۵۴	فردا که معاملان هر فن طلبند	۱۸۷	۵۴
		۱۸۸	۵۵	عرفی دل ما بپاکسی خوش دارد	۱۸۸	۵۵
		۱۸۹	۵۶	آنان که طرب شان سوری میخانه کند	۱۸۹	۵۶
		۱۹۰	۵۷	وقت است که دل ز هر هوا برچیزد	۱۹۰	۵۷
		۱۹۱	۵۸	چون عشق بکام مشتری کار کند	۱۹۱	۵۸
		۱۹۲	۵۹	شیرین بوغای کوهکن می نازد	۱۹۲	۵۹
		۱۹۳	۶۰	زیگرنه که دل به عقل زشتم طلبد	۱۹۳	۶۰





[illegible]





شماره نسخه

[illegible]



شماره نسخہ

[illegible]





سازمان

[illegible]

شماره نسخه

ردیف	شماره ثبت	تاریخ ثبت	شرح عملیات	مبلغ ثبت شده	تاریخ پرداخت	ردیف
۳۳۴	۳۹	۱۳۸۲/۰۷/۲۵	طابوس هوس به کنج باغی کشیم	۱۰۷۰	×	۳۳۴
۳۳۵	۴۰	۱۳۸۲/۰۷/۲۵	در بار کنسی ز جمله پُر بار ترم	۱۰۷۰	×	۳۳۵
۳۳۶	۴۱	۱۳۸۲/۰۷/۲۵	عرفی همه فریاد و فغان آمده ایم	۱۰۷۰	×	۳۳۶
۳۳۷	۴۲	۱۳۸۲/۰۷/۲۵	این مه که طلوع کرده از بُرج قدم	۱۰۷۰	×	۳۳۷
۳۳۸	۴۳	۱۳۸۲/۰۷/۲۶	این شال که داده صد کتان را الزام <sup>۱</sup>	۱۰۷۱	×	۳۳۸
نون	۱	۱۳۸۲/۰۷/۲۶	در دیر من و شیخ معظم صنعتان	۱۰۷۱	×	۳۳۹
۳۴۰	۲	۱۳۸۲/۰۷/۲۶	ناز در محنت کده دل ریشان	۱۰۷۱	×	۳۴۰
۳۴۱	۳	۱۳۸۲/۰۷/۲۶	عرفی منم و من سخن آرای جهان	۱۰۷۱	×	۳۴۱
۳۴۲	۴	۱۳۸۲/۰۷/۲۶	ای مایه حسن پاکبازها بین	۱۰۷۱	×	۳۴۲
۳۴۳	۵	۱۳۸۲/۰۷/۲۶	صبحی که ز مرغوله مرغانِ سوزین	۱۰۷۱	×	۳۴۳
۳۴۴	۶	۱۳۸۲/۰۷/۲۶	ای خُسن تو در صفای چو آبینه من	۱۰۷۱	×	۳۴۴
۳۴۵	۷	۱۳۸۲/۰۷/۲۷	ای نغمه گداز سینّه بسته لبان	۱۰۷۲	×	۳۴۵
۳۴۶	۸	۱۳۸۲/۰۷/۲۷	ای حسن بیا کرشمه ای بادین کن	۱۰۷۲	×	۳۴۶

۱- عبارات و نسخه‌های هشتم این رباعی بین رقصه عرفیه که در چند بابضها یافته می‌شود، هم وجود دارد.

## شماره نسخه

ردیف	تاریخ تألیف	تاریخ نسخه	۹	۲۶	۲۹	۷۸	۷۵	۷۳	۷۲	۱۷	۱۵	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	تاریخ تألیف	تاریخ نسخه	مصرع اول رباعی در کلیات موجوده	تاریخ تألیف	تاریخ نسخه	ردیف
	۳۲۷			x	x	x	x	x	x	x	x	x		x		x		x	x	x	x	x	x	x	۴۷	۱۰۷۲	رفیق به دل عاشق و سنگ آوردن	۳۲۷	۹	
	۳۳۸				x			x	x	x	x		x	x		x				x	x	x	x	x	۴۷	۱۰۷۲	ای سخن تو از دیده ادراک نهمان	۳۳۸	۱۰	
	۳۳۹			x	x	x	x	x			x			x		x				x	x	x	x	x	۴۷	۱۰۷۲	در خنک برین میوه طوری بودن	۳۳۹	۱۱	
	۳۵۰									x										x				x	۴۷	۱۰۷۲	بر من چه نهی ای فلک این درد نهمان	۳۵۰	۱۲	
نون	۳۵۱	۱۳													x					x			x	x	۴۷	۱۰۷۲	ای بندق شاه آتش خرمن برسان	۳۵۱	۱۳	نون
	۳۵۲	۱۴																		x				x	۴۷	۱۰۷۲	این عرصه بزم شاه والاست ببتین	۳۵۲	۱۴	
	۳۵۳	۱۵								x										x				x	۴۷	۱۰۷۲	تا بار گذردم کمر ناموسان	۳۵۳	۱۵	
	۳۵۴	۱۶								x										x				x	۴۸	۱۰۷۳	عروسی سفین تو هست میل از زبان	۳۵۴	۱۶	
	۳۵۵	۱۷								x										x				x	۴۸	۱۰۷۳	ای عشق تو مایه جیوه دل من	۳۵۵	۱۷	
	۳۵۶	۱۸								x										x				x	۴۸	۱۰۷۳	ای بر الهوس آتشی به هر حاصلی من	۳۵۶	۱۸	
	۳۵۷	۱۹																		x				x	۴۸	۱۰۷۳	همت چه بود به نیستی افزون	۳۵۷	۱۹	
	۳۵۸	۲۰								x										x				x	۴۸	۱۰۷۳	ای مرگ مرا ز بار شرمنده مکن	۳۵۸	۲۰	
	۳۵۹					x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	۴۸	۱۰۷۳	منصور کجاست تا بگویم دین کو	۳۵۹	۱	
	۳۶۰		x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	۴۸	۱۰۷۳	ای زلف عروس شادمانی شب	۳۶۰	۲	



شماره نسخه

[illegible]

## شماره نسخه

ردیف	تاریخ ثبت	تاریخ ثبت	م	۳۶	۲۹	۷۸	۷۵	۷۳	۷۲	۱۷	۱۵	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	تاریخ ثبت	تاریخ ثبت	مصرع اول رباعی در کلیات موجوده	تاریخ ثبت	ردیف
	۳۷۵																×						×		۵۰	۱۰۷۵	با حسن تو محورین بروشی شهره	۳۷۵	۸
های هوز	۳۷۶	۹																×					×		۵۰	۱۰۷۵	تا طبع من از شراب شد بیگانه	۳۷۶	۹
	۳۷۷	۱۰																							۵۰	۱۰۷۵	عرفی دم پیرست قدم دیده بنه	۳۷۷	۱۰
	۳۷۸	۱۱																		×			×		۵۰	۱۰۷۵	در فصل بهار چو ز شد این مرحومه	۳۷۸	۱۱
بای تحاتی	۳۷۹	۱				×			×	×	×			×		×					×	×	×	×	۵۱	۱۰۷۶	عرفی دل خود را به چه خوش داشتی	۳۷۹	۱
	۳۸۰	۲		×						×									×	×	×	×	×	×	۵۱	۱۰۷۶	ای ساکنی دل که شمع بالین شده ای	۳۸۰	۲
	۳۸۱	۳																		×	×	×	×	×	۵۱	۱۰۷۶	حاکم بدین چند پریشان کوفی	۳۸۱	۳
	۳۸۲	۴																							۵۱	۱۰۷۶	از گریه تلخ این اثر هیچ مگویی	۳۸۲	۴
	۳۸۳	۵																							۵۱	۱۰۷۶	عرفی تو کجا به عشق همدانه شوی	۳۸۳	۵
	۳۸۴	۶																							۵۱	۱۰۷۶	عرفی در معرفت گذردن تا کی	۳۸۴	۶
	۳۸۵	۷																							۵۱	۱۰۷۶	تا کس ز تو و تو از کس نخروشی	۳۸۵	۷
	۳۸۶	۸																							۵۲	۱۰۷۷	کی ملکی دلم پذیرد آزادی، کی	۳۸۶	۸
	۳۸۷	۹																							۵۲	۱۰۷۷	آزوده منم که سرگران من گذری	۳۸۷	۹
	۳۸۸	۱۰																							۵۲	۱۰۷۷	شادم که درون دل نهان می گردی	۳۸۸	۱۰

[illegible]

## رباعیات مشکوک یا مرودود

ردیف	شماره ردیف	شماره رباعیات	مصراع اول رباعی	صفحه کلیات	صفحه بخش سوم	نسخه ۳	نسخه ۷۸	سخن‌دان پارس	شمارالمجم	چونگی ۲۲۱۳ داننگ‌ساده
بهران										
دال	۱	۴۰۰	دوشنبه که برد برد بر دوشم بود	۱۰۷۹	۵۴			x	x	
نون	۲	۴۰۱	آمد بوجود از شهینشاه رمان	۱۰۷۹	۵۴	x	x			
دال	۳	۴۰۲	ای ز آمدنت خاطر عالم خشنود	۱۰۷۹	۵۴	x	x			
نون	۴	۴۰۳	المقتله که ز لطف سبحان	۱۰۷۹	۵۴	x	x			
میم	۵	۴۰۴	چون کبر همیشه سرنگونت بینم	۱۰۷۹	۵۴					x



فهرست مثنویات

در

کلیات موجوده و چند نسخه‌های دیگر

# فهرست مثنویات در کلیات موجوده و دیگر نسخه‌های مهم و شماره صفحات

شماره	اسم مثنوی و مصراع آغاز	شماره صفحه در جلد سوم	شماره صفحه در کلیات	تعداد اشعار در کلیات موجوده	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۱	ساقی نامه (یا ساقی افسانه را بر بسوز)	۵۵ ۶۴	۱۰۸۰ ۱۰۸۹	۱۹۵	۱۹۲	—	۷۰	—	۱۹۲	۱۹۲	۱۹۰	۲۸	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۲	خسرو شیرین (خداوند دلم بی نور تنگ است)	۶۵ ۸۸	۱۰۹۰ ۱۱۱۳	۲۳۶	۲۳۶	۲۳۰	۲۶۳	۳۲۷	۴۳۵	۴۲۵	۴۱۷	۲۳۵	—	۲۲۲	۲۲۲	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۳	مجمع الایکار (بسم الله الرحمن الرحیم)	۸۹ ۱۶۵	۱۱۱۴ ۱۱۹۰	۱۲۲۱	۱۴۰۸	۱۳۵۴	۱۴۷	۳۳۶	۱۴۰۳	۱۳۵۴	۱۴۰۹	۱۱۸۰	۱۳۶۲	۱۲۸۱	۱۲۰۲	۱۱۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
۴	مثنوی + ترجیع بند در هجو شعراي معاصر و مدح حکیم ابوالفتح کیلانی	۱۶۶ ۱۷۱	۱۱۹۱ ۱۱۹۷	۱۱۱	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—

- ۱- نسخه چاپی نورکشور  
۲- نسخه خطی سالار جنگ  
۳- نسخه خطی خدابخش  
۴- نسخه مآثر سیدخان الله کاباخانه  
۵- نوی گره





تا یکی شاهدِ معنی بکشد بندِ نقاب  
سالها بر در اندیشه اقامت باید

نسخه کلیات عرفی شیرازی پایان می‌رسد

گمان مبر که پایان رسید کارِ مغان  
هزار باده ناخورده در رگِ تاک است



## فهرست مأخذ

### الف - نسخه‌های خطی

#### ۱- آثار منظوم

شماره ردیفی	شماره مأخذ	اسم کتاب	اسم گوینده یا نویسنده	سال استنساخ	اسم خوشنویس	اسم کتابخانه دارای نسخه
۱-	I یکم	کلیات عرفی	عرفی شیرازی			کتابخانه نگور دانشگاه اکهنو
۲-	II دوم	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۱۰۷۰ هجری	محب علی بن حاجی یوسف شیرازی	ذخیره حبیب گنج کتابخانه آزاد دانشگاه علی گره
۳-	III سوم	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۱۰۵۷ هجری	سیدکرم‌الدین سیداحمد	ذخیره شیفته، کتابخانه آزاد دانشگاه علی گره
۴-	IV چهارم	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۹۹۷ هجری	—	کتابخانه شخصی دکتر ولی الحق انصاری
۵-	V پنجم	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۱۰۷۹ هجری	—	کتابخانه شخصی پروفیسور ولی الحق انصاری
۶-	VI ششم	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	—	—	کتابخانه مجلس شورای ملی، تبران (ایران نمره ۱۰۱۷)
۷-	VII هفتم	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	—	—	کتابخانه شخصی راجه محمودآباد، اکهنو (هند)
۸-	VIII هشتم	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	—	—	کتابخانه مجلس شورای ملی تبران (ایران نمره ۱۰۲۶)

## ب

شماره ردیفی	شماره مآخذ	اسم کتاب	اسم گزیده یا نویسنده	سال استنساخ	اسم خوشنویس	اسم کتابخانه دارای نسخه
۹-	X	دیوان عرفی	عرفی شیرازی	_____	_____	کتابخانه، بگورا، دانشگاه لکهنو (هند)
۱۰-	XII	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۱۰۶۴ هجری	مقصود علی شیرازی	کتابخانه موزه سالار جنگ، حیدرآباد
۱۱-	XIII	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	_____	_____	کتابخانه موزه سالار جنگ، حیدرآباد
۱۲-	XIV	قصاید عرفی	عرفی شیرازی	_____	_____	کتابخانه شریفیه مدراس (هند)
۱۳-	XV	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	_____	_____	کتابخانه آصفیه حیدرآباد (هند)
۱۴-	XVI	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	دراواخر قرن دهم	جمال الدین	کتابخانه رضا، رامپور (هند)
۱۵-	XVII	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	_____	_____	کتابخانه دانشگاه عمقمانی، حیدرآباد (هندوستان)
۱۶-	XIX	قصاید عرفی	عرفی شیرازی	_____	_____	ذخیره شخصی پرنسورولی الحق انصاری، لکهنو
۱۷-	XXII	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۱۰۳۶ هجری	عبدالصمد	کتابخانه مسلولانا آزاد، دانشگاه علی گره، علی گره (هند)
۱۸-	XXIII	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۱۰۲۹ هجری	از قلم نورالله	کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه علی گره (هند)
۱۹-	XXV	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۱۰۳۲ هجری	از قلم علام علی	کتابخانه خدابخش، پتیه (هندوستان)

<u>اسم کتابخانه دارای نسخه</u>	<u>اسم خوشنویس</u>	<u>سال استنساخ</u>	<u>اسم گوینده یا نویسنده</u>	<u>اسم کتاب</u>	<u>شماره مأخذ</u>	<u>شماره ردیفی</u>
ذخیرهٔ سبحان الله کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه علی‌گر	—	—	عرفی شیرازی	کلیات عرفی	XXXVI بیست و ششم	۲۰ -
کتابخانه مولانا آزاد، علی‌گر، هندوستان	عبدالجبار	۱۰۶۵ هجری	عرفی شیرازی	کلیات عرفی	XXXVII بیست و هفتم	۲۱ -
موزهٔ برطانیه، لندن	—	۱۰۶۲ هجری	عرفی شیرازی	کلیات عرفی	XXXVIII بیست و هشتم	۲۲ -
کتابخانهٔ مجلس شورای ملی، تهران (ایران)	—	—	عرفی شیرازی	کلیات عرفی	XXXIV بیست و نهم	۲۳ -
کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، تهران (ایران)	—	—	عرفی شیرازی	کلیات عرفی	XXXV سی و پنجم	۲۴ -
ذخیرهٔ شخصی پروفیسور محمدولی الحق انصاری، لکهنو	—	—	عرفی شیرازی	کلیات عرفی	XXXVI سی و ششم	۲۵ -
کتابخانهٔ مجلس سنا، تهران (ایران) شماره ۳۰۵	—	—	عرفی شیرازی	کلیات عرفی	XXXVII سی و هفتم	۲۶ -
کتابخانهٔ هراسوویتز، آلمان HARASSOWETZ BOOKS SELLERS, GERMANY)	—	—	عرفی شیرازی	کلیات عرفی	XL چهل	۲۷ -
کتابخانهٔ مجلس شورای ملی، تهران (ایران) (نمره ۹۹۵)	—	۱۰۵۰ هجری	عرفی شیرازی	کلیات عرفی	XLII چهل و یک	۲۸ -
کتابخانهٔ مجلس شورای ملی، تهران (ایران) (نمره ۲۵۹۶)	—	—	عرفی شیرازی	کلیات عرفی	XLII چهل و دو	۲۹ -

<u>شماره ردیف</u>	<u>شماره مآخذ</u>	<u>اسم کتاب</u>	<u>اسم گوینده یا نویسنده</u>	<u>سال استنساخ</u>	<u>اسم خورشیدپیر</u>	<u>اسم کتابخانه واری نسخه</u>
۳۰-	XLIII چیل و سه	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	_____	_____	کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران (ایران) (نمره ۳۳۸)
۳۱-	XLIV چیل و چهار	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	_____	_____	کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران (نمره ۶۷۸ ف)
۳۲-	XLV چیل و پنج	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۱۰۱۵ هجری	_____	کتابخانه ملکی، تهران (ایران) شماره (۵۵۸۱)
۳۳-	XLVI چیل و شش	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۱۰۲۲ هجری	_____	کتابخانه ملکی تهران ایران (نمره ۵۲۹)
۳۴-	XLVII چیل و هفت	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۱۰۱۰ هجری	محمدالکاتب	کتابخانه ملکی، تهران ایران شماره ۴۹۴۰
۳۵-	XLVIII چیل و هشت	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	_____	_____	کتابخانه آستان قدس، مشهد (شماره ۱۷۸۶۳)
۳۶-	XLIX چیل و نه	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۱۰۱۸ هجری	_____	کتابخانه موزه منی، دلیلی
۳۷-	L پینجاه	کلیات عرفی	عرفی شیرازی	۱۰۵۲	سید محمد بن محمود حسینی	کتابخانه دانشگاه مشهد

## ۲- تذکره ها

- ۳۸- پینجاه و یک  
تذکره پانزده رجب، راجع به روز گذشتن پانزده دانشگاه  
عرفی گزیده (چند)
- ۳۹- نقی الدین کاشانی  
خلاصه الاشعار

<u>اسم کتابخانه دارای نسخه</u>	<u>اسم خوشنویس</u>	<u>سال استنساخ</u>	<u>اسم گوینده یا نویسنده</u>	<u>اسم کتاب</u>	<u>شماره مأخذ</u>	<u>شماره ردیف</u>
کتابخانه خدابخش، پته			تقی اوحدی	عرفات الماشقین	پنجاه و دو	۳۹-
کتابخانه دانشگاه لکهنو (هند)			امین احمد رازی	هفت اقلیم	پنجاه و سه	۴۰-
کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه علی گره			علاءالدوله کامی	تفایس المآثر	پنجاه و چهار	۴۱-
کتابخانه خاوری ملی، مدراس (هند)			شاهنوازخان	بهارستان سخن	پنجاه و پنج	۴۲-
کتابخانه دانشگاه لکهنو			واله داغستانی	ریاض الشمره	پنجاه و شش	۴۳-
کتابخانه خاوری خدابخش، بانک پور، پته (هند)			سراج الدین علی خان آرزو	مجمع التفایس	پنجاه و هفت	۴۴-
کتابخانه تیگور، دانشگاه لکهنو			میر غلام علی آزاد بلگرامی	بد بیضا	پنجاه و هشت	۴۵-
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ایران)			بندر ابن خوشگرو	سفینه خوشگرو	پنجاه و نه	۴۶-
کتابخانه تیگور، دانشگاه لکهنو (هند)			رتن سنگو زخمی	انبیس الماشقین	شصت	۴۷-
کتابخانه آزاد			محمد صادق ناظم تبریزی	نظم گزیده	شصت و یک	۴۸-
دارالمضفین اعظم گره (هند)			احمد علی هاشمی ستدیلوی	مخزن الغرائب	شصت و دو	۴۹-
کتابخانه سلطان المدارس لکهنو (هند)			عشق عظیم آبادی	نشر عشق	شصت و دو	۵۰-

### ۳- نسخه‌های شرح قصاید عرفی

شماره ردیفی	شماره تأخذ	اسم کتاب	اسم گوینده یا نویسنده	سال استخراج	اسم خوشنویس	اسم کتابخانه دارای نسخه
۵۱-	شصت و سه	کارنامه فیض	شیخ سنجملی			ذخیره شخصی، پروفسور محمد ولی الحق انصاری، لکهنو
۵۲-	شصت و چهار	شرح انشراح جان افزا	عوض رای مسرت			ذخیره شخصی پروفسور محمد ولی الحق انصاری، لکهنو
۵۳-	شصت و پنج	شرح قصاید عرفی	سراج الدین علی خان آرزو			ذخیره شخصی پروفسور محمد ولی الحق انصاری، لکهنو
۵۴-	شصت و شش	شرح قصاید عرفی	ملا میر لاهوری			کتابخانه خدا بخش، پته
۵۵-	شصت و هفت	شرح قصاید عرفی	میراجان			کتابخانه خدا بخش، پته
<b>۴- سفینه‌ها و جنگها و غیره</b>						
۵۶-	شصت و هشت	بیاض نمره ۴۶۱				کتابخانه دانشگاه عمادیه، حیدرآباد
۵۷-	شصت و نه	بیاض نمره ۵۰/۱۶۷				کتابخانه مولای آزاد، دانشگاه علی‌گره، علی‌گره
۵۸-	هفتاد	بیاض نمره ۱۰۹۰				کتابخانه خدا بخش، پته



اسم کتابخانه دارای نسخه	اسم خوشنویس	سال استنساخ	اسم گوینده یا نویسنده	اسم کتاب	شماره مأخذ	شماره ردیفی
کتابخانه خدابخش، پته				بیاض نمره ۱۹۹۵	هفتاد و یک	۵۹-
کتابخانه، مولانا آزاد، دانشگاه علی گره، علی گره				بیاض نمره ۸۹۱/۵۵۲۸	هفتاد و دو	۶۰-
کتابخانه خدابخش، پته				بیاض نمره ۱۰۸۸	هفتاد و دو (۱)	۶۱-
کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه علی گره، علی گره				بیاض نمره ۵۰/۲۵۳	هفتاد و سه	۶۲-
ذخیره شخصی پروفیسور مسعود حسن رضوی، لکهنو و یابگانی ریاستی اترپردیش، لکهنو				بیاض باسطی	هفتاد و چهار	۶۳-
اسم کتابخانه دارای نسخه	اثر عرفی	اسم گوینده یا نویسنده	اسم کتاب و شماره فهرست	اسم کتاب	شماره مأخذ	شماره ردیفی
کتابخانه خدابخش، پته، هندوستان		محمد علی تمنا	تذکره محمد علی تمنا		هفتاد و پنج (۱)	۶۴-
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران	مجمع الانبار	صدرالدین محمد بهبهانی	کتورالشعراء (۲۴۲۸)		هفتاد و شش	۶۵-
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران	نامه عرفی به فیضی بر صفحه ۴۲۳		مجموعه (۲۴۶۴)		هفتاد و هفت	۶۶-
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران	نامه عرفی به حکیم ابوالفتح بر صفحه ۱۲۸		مجموعه (۲۴۶۵)		هفتاد و هشت	۶۷-
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران	انتخاب کلام عرفی بر صفحه ۸		مجموعه (۲۴۶۶)		هفتاد و نه	۶۸-

۱- بوقت درست کردن این فهرست اطلاعات متعلق به مأخذها و مجموعه‌ها که در کتابخانه‌های هندوستان دیدم گم کرده‌ام و نمی‌توانم که اینجا ذکر آنها بکنم.

شماره در فهرست	شماره ماخذ	اسم کتاب و شماره فهرست	اسم گوینده یا نویسنده	اثر عرفی	اسم کتابخانه دارای نسخه
۶۹-	هشاد	جنگ (۲۳۷۳)		فصاید و غزلیات و مقطعات و رباعیات عرفی	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران
۷۰-	هشاد و یک	مضامین شعرا (۲۵۰۴)		اثر عرفی بر صفحه ۱۷	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران
۷۱-	هشاد و دو	مجموعه (۲۵۹۱)	گردآورده محمد میثاقی در ۱۱۰۹ هجری	ترجمه الشرف، ۶۱۳ تا ۶۱۵ رفات عرفی به حسین ثنائی و خسانخانه و رقصه طهوری نه عرفی به صفحه ۲۵ و قصیده در منقبت بر صفحه ۲۷۸	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران
۷۲-	هشاد و سه	جنگ (۲۵۹۳)		انتخاب کلام عرفی	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران
۷۳-	هشاد و چهار	مجموعه (۲۹۳۱)		انتخاب عرفی بر صفحات ۱۶ و ۷۸، ۲۵	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران
۷۴-	هشاد و پنج	جنگ (۲۹۵۰)		قصیده، ترجمه الشرف صفحات ۷۵ تا ۷۷، رقصه خانجانیان به عرفی بر صفحات ۲۵۲ و ۲۵۳ مشنوی قریه‌اد و شیرین بر صفحات ۲۶۱ تا ۲۶۶	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران
۷۵-	هشاد و شش	جنگ (۲۹۷۸)		کلام عرفی بر صفحات ۷۱ و ۱۱۱	کتابخانه دانشگاه تهران، ایران

## خ

<u>اسم کتابخانه دارای نسخه</u>	<u>اثر عرفی</u>	<u>اسم گوینده یا نویسنده</u>	<u>اسم کتاب و شماره فهرست</u>	<u>شماره مآخذ</u>	<u>شماره ردیفی</u>
کتابخانه دانشگاه تهران، ایران	اشعار عرفی		بیاض (۳۴۴۶)	هشتاد و هفت	۷۶-
کتابخانه دانشگاه تهران، ایران	رقعه خانانان بصری و جراب عرفی صفحه ۲۸، رقه عرفی و ظهوری صفحه ۲۹۱ و ۵۴۳، راجیه عرفی صفحه ۲۵۰، اشعار عرفی صفحه ۱۱۶	فراسم آورده اصلان بن علی جنگ گیلاقی در ۱۰۸۳ - ۱۰۸۶	جنگ (۳۰۹۸)	هشتاد و نه	۷۷-
کتابخانه دانشگاه تهران، ایران	نامه عرفی بطهوری بر صفحه ۲۱۸		جنگ (۳۳۴۹)	نود	۷۸-
کتابخانه دانشگاه تهران، ایران	انتخاب غزلیات عرفی		جنگ (۳۳۵۳)	نود و یک	۷۹-
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران	نامه عرفی به یکی از اعزّه بر صفحه ۲۴۵، نامه عرفی به خانانان بر صفحه ۲۱۶		کلیات (۲۹۴۴)	نود و دو	۸۰-
کتابخانه آستان قدس، مشهد ایران	رقعه عرفی به فیضی صفحه ۷۳۸، رقه خانانان بصری صفحه ۷۳۳، خسرو شیرین، منتخب از قصاید و غزلیات		سفینه نظم و تنر (۴۴۹۳)	نود و سه	۸۱-
کتابخانه آستانه قدس مشهد، ایران	رقعه خانانان بصری و جراب آن (صفحات ۶۵ و ۶۶)		مجموعه دواوین و منتخبات (۳۹۵۱)	نود و چهار	۸۲-

شماره ردیفی	شماره تأخذ	اسم کتاب و شماره فهرست	اسم گوینده یا نویسنده	اثر عرفی	اسم کتابخانه دارای نسخه
۸۳-	نود و پنج	مجموعه (۳۹۵۲)		انتخاب کلام عرفی	کتابخانه آستان قدس
۸۴-	نود و شش	بیاض (۳۷۶۵)		انتخاب کلام عرفی از غزلیات بر صفحه ۶۸ کتابخانه تهران، ایران	
۸۵-	نود و هفت	جنگ (۳۸۵۷)		بخط شفیعی خراسانی و سیر زامحمد حسین انتخاب کلام عرفی بر صفحات ۱۷۶ تا ۱۷۶	کتابخانه دانشگاه تهران، ایران
۸۶-	نود و هشت	جنگ (۴۰۸۳)		انتخاب کلام عرفی صفحه ۶۸	کتابخانه دانشگاه تهران، ایران
۸۷-	نود و نه	مجموعه بوستان خیال (۳۱۹۹)		انتخاب عرفی	کتابخانه دانشگاه تهران، ایران
۸۸-	صد	جنگ (۴۲۱۳)		مجموعه بر صفحه ۲۰۲ و سه قطعه هزل	کتابخانه دانشگاه تهران، ایران
۸۹-	صد و یک	جنگ (۴۳۳۲)		هراس مماس عرفی بر صفحات ۲۷۵ تا ۲۷۷ و قصیده این بارگاه کیست	کتابخانه دانشگاه تهران، ایران
۹۰-	صد و دو	جنگ (۴۳۳۶)		نامه عرفی بخانه خان صفحه ۱۵۳	کتابخانه دانشگاه تهران، ایران
۹۱-	صد و سه	جنگ (۴۸۶۴)		نامه عرفی به فیضی (صفحه ۱۳) و نامه کتابخانه دانشگاه تهران، ایران عرفی بطهوری صفحه ۱۵، نامه خانخانیان به عرفی و پاسخ صفحات ۱۹ و ۲۰، منتخبات کلام عرفی از صفحه ۲۱۷ تا ۲۱۶	

اسم کتابخانه دارای نسخه	اثر عرفی	اسم گزینده یا نویسنده	اسم کتاب و شماره فهرست	شماره مآخذ	شماره ردیفی
کتابخانه دانشگاه تهران، ایران	هراس و مداس عرفی		جنگ (۴۹۸۰)	صد و چهار	۹۲-
کتابخانه دانشگاه تهران، ایران	نامه به ظهوری متعلق شال		جنگ ۳۶۸۹/۱۴	صد و پنج	۹۳-
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران	انتخاب قصائد		جنگ (۴۰۶۸)	یک صد و شش	۹۴-
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ایران	حقیقت‌آویزان است دارای ۸۶۵۰ شمار		مجموعه (۴۴۸۸)	یک صد و هفت	۹۵-
کتابخانه ملی، تهران	انتخاب اشعار عرفی		جنگ (۲۲۵) (رف)	یک صد و هشت	۹۶-
کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران ایران	انتخاب غزلیات		جنگ (۲۶۳) (رف)	یک صد و نه	۹۷-
کتابخانه مجلس شورای ملی تهران، ایران	انتخاب غزلیات		جنگ (۱۸۸) (شعر)	یک صد و ده	۹۸-
کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران ایران	انتخاب غزلیات		جنگ اشعار (۲۰۰) (رف)	یک صد و یازده	۹۹-
کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران (ایران)	انتخاب خسرو شیرین		جنگ اشعار (۱۰۱) (رف)	یک صد و دوازده	۱۰۰-
کتابخانه مجلس شورای ملی تهران، ایران	انتخاب قصاید عرفی		جنگ اشعار (۵۶۴) (ف)	یک صد و سیزده	۱۰۱-
کتابخانه مجلس شورای ملی تهران ایران	انتخاب اشعار عرفی		جنگ اشعار (۱۲۳۷) (ف)	یک صد و چهارده	۱۰۲-
کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران	انتخاب اشعار عرفی		تذکره اسحاق بیگ (۱۲۵۷) ف انتخاب کلام شعرای مختلف در یک زمین شعر)	یک صد و پانزده	۱۰۳-

شماره دبیره	شماره ناخذ	اسم کتاب و شماره فهرست	اسم گزیده یا نویسنده	اثر عرفی	اسم کتابخانه دارای نسخه
۱۰۴-	یک صد و شانزده	منشآت (۴۰)		نامه خواندگانان به ملاعرفی و جواب نامه از طرف عرفی	کتابخانه مجلس سنا، تهران ایران
۱۰۵-	یک صد و هفده	جنگ اشعار (۵۷)		انتخاب قصاید و غزلیات و رباعیات	کتابخانه مجلس سنا، تهران ایران
۱۰۶-	یک صد و هجده	جنگ نثر و نظم (۳۸۹)		انتخاب اشعار حافظ و عرفی شیرازی	کتابخانه مجلس سنا، تهران، ایران
۱۰۷-	یک صد و نوزده	مجموعه (۳۹۱)		انتخاب اشعار فیضی و عرفی	کتابخانه مجلس سنا، تهران
۱۰۸-	یک صد و بیست	جنگ (۳۳۵۷)		رقعه عرفی، به ملاطهوری بر صفحه ۱۶۶ کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران ورقه حکیم ابوالفتح به ملاعرفی	کتابخانه مجلس سنا، تهران
۱۰۹-	یک صد و بیست و یک	جنگ (۵۹۹۶)		انتخاب اشعار عرفی بر صفحات ۲۷، ۲۶	کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران
۱۱۰-	یک صد و بیست و دو	جنگ (۳۱۰۸)		انتخاب اشعار عرفی	کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران
۱۱۱-	یک صد و بیست و سه	مجموعه (۵۹۹۶)		قصیده عرفی در اند و مهرگ و دیو مرگ (این قصیده گفته عرفی نیست)	کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران
۱۱۲-	یک صد و بیست و چهار	جنگ (۳۳۲۷)		نامه خواندگانان به عرفی و جواب عرفی	کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران ایران
۱۱۳-	یک صد و بیست و پنج	جنگ (۳۳۴۰)		انتخاب اشعار عرفی	کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران ایران

اسم کتابخانه دارای نسخه	اثر عرفی	اسم گزیده یا نویسنده	اسم کتاب و شماره فهرست	شماره مأخذ	شماره ردیفی
کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران ایران	انتخاب اشعار عرفی از شیرین خسرو بر صفحه ۲۵۴	انتخاب اشعار عرفی از غزلیات (دو اشعار ناچور هم هستند)	مجموعه (۲۶۶۵)	یک صد و بیست و شش	۱۱۴-
کتابخانه مجلس شورای ملی تهران، ایران	انتخاب اشعار عرفی از غزلیات	انتخاب اشعار عرفی از غزلیات	مجموعه (۲۶۶۲)	یک صد و بیست و هفت	۱۱۵-
کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران	یک غزل نو بنام عرفی	یک غزل نو بنام عرفی	جنگ (۲/۰۸)	یک صد و بیست و هشت	۱۱۶-
کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران	انتخاب اشعار غزلیات عرفی	انتخاب اشعار غزلیات عرفی	بیاض (۳۳۴۰)	یک صد و بیست و نه	۱۱۷-
کتابخانه مجلس سنا، تهران	انتخابات از مجموع الیکار، شیرین خسرو، ساقی نامه و قصیده	انتخابات از مجموع الیکار، شیرین خسرو، ساقی نامه و قصیده	مجموعه ۱۳۷۰۲ ۱۳۰۴/۱۳	یک صد و سی	۱۱۸-
کتابخانه دانشگاه عثمانیه، حیدرآباد، هندوستان	انتخاب اشعار عرفی بر ورق ۵۴ب	انتخاب اشعار عرفی بر ورق ۵۴ب	مجموعه منشآت (م.م) ۸۰۸۰۶/۸۰۸۰۶	یک صد و سی و یک	۱۱۹-
کتابخانه شرقی خدابخش پته هندوستان	انتخاب اشعار عرفی	انتخاب اشعار عرفی	بیاض (۱۰۹۲)	یک صد و سی و دو	۱۲۰-
کتابخانه شرقی خدابخش پته، هندوستان	مخمسن عرفی نادر بر ورق ۳۸۸ و انتخاب اشعار بر ورق ۴۸۷	مخمسن عرفی نادر بر ورق ۳۸۸ و انتخاب اشعار بر ورق ۴۸۷	بیاض (۱۰۹۳)	یک صد و سی و سه	۱۲۱-
کتابخانه خدابخش پته، هندوستان			بیاض (۱۰۹۸)	یک صد و سی و چهار	۱۲۲-

شماره ردیفی	شماره مأخذ	اسم کتاب و شماره فهرست	اسم گوینده یا نویسنده	اثر عرفی	اسم کتابخانه دارای نسخه
۱۲۳-	یک صد و سی و پنج	بیاض (۱۱۰۰)	نام عروفی به فیضی بر ورق ۲۳ (الف)، نامه خانانان به عروفی و جواب نامه، ترجمه الشرف	کتابخانه خدا بخش، پته، هندوستان	
۱۲۴-	یک صد و سی و شش	بیاض (۱۱۰۳)	انتخاب عروفی از غزلیات	کتابخانه خدا بخش، پته، هندوستان	
۱۲۵-	یک صد و سی و هفت	بیاض (۱۱۰۴)	انتخاب از رباعیات عروفی بر ورق ۲۴۷ الف	کتابخانه خدا بخش، پته، هندوستان	
۱۲۶-	یک صد و سی و هشت	رساله در جواز شعر	دیناچه کلیات عروفی مرتبه سراجی	کتابخانه شخصی پروفیسور محمد ولی الحق انصاری	
۱۲۷-	یک صد و هشتاد و نه	مجموعه الشعراء	نیکارام تسلی	کتابخانه دانشگاه لکهنو	
۱۲۸-	یک صد و نود	مجموعه نثر غنا	محمد علی نمنا	کتابخانه خدا بخش	
۱۲۹-	یک صد و نود و یک	بیاض (۱۰۸۸)		رقعات عروفی	کتابخانه خدا بخش



## ب - نسخه‌های چاپی

### (i) آثار زبان فارسی

#### آثار منظوم

- ۱- نسخه یازدهم - دیوان عرفی شیرازی، چاپ نولکشور، لکهنو، (هندوستان)، سنه ۱۹۱۵ میلادی
  - ۲- نسخه سی و هشت دیوان عرفی (حقیقتاً کلیات) چاپ مطبع سپهر ناصری، بمبئی (هندوستان)، ۱۳۰۸ هجری مطابق سنه ۱۸۹۰ میلادی
  - ۳- نسخه نهم - کلیات عرفی شیرازی، نسخه غلام حسین جواهری، کتاب فروشی محمد علی علمی، تهران
  - ۴- نسخه سی ام - قصاید عرفی شیرازی، چاپ مطبع حسنی، لکهنو (هندوستان)، سنه ۱۲۶۰ هجری مطابق سال ۱۸۴۴ میلادی
  - ۵- نسخه بیست و چهارم - قصائد عرفی شیرازی، چاپ مطبع مرتضوی، لکهنو (هندوستان)، سنه ۱۲۶۱ هجری مطابق سال ۱۸۴۵ میلادی
  - ۶- نسخه سی و دوم - قصائد عرفی شیرازی، چاپ مطبع نولکشور، لکهنو، (هندوستان) سنه ۱۲۸۰ هجری مطابق سنه ۱۸۶۳ میلادی
  - ۷- نسخه هجدهم - قصائد عرفی شیرازی، چاپ مطبع قیومی، کانپور (هندوستان)، سنه ۱۳۲۲ هجری مطابق سنه ۱۹۰۴ میلادی
  - ۸- نسخه سی و سوم - قصائد عرفی شیرازی، چاپ مطبع رزاقی، کانپور (هندوستان) سنه ۱۳۲۲ هجری مطابق سنه ۱۹۰۴ میلادی
  - ۹- نسخه سی و یکم - قصائد عرفی شیرازی، چاپ مطبع مجیدی، کانپور (هندوستان) سنه ۱۳۳۴ هجری مطابق سنه ۱۹۱۶ میلادی
  - ۱۰- نسخه بیستم - قصائد عرفی شیرازی، چاپ مطبع نولکشور، (چاپ یازدهم) سنه ۱۳۶۳ هجری مطابق ۱۹۴۴ میلادی
  - ۱۱- نسخه بیست و یکم - چند قصاید نادر عرفی شیرازی
- (SOME UNKNOWN QASIDS OF URFI SHIRAZI) چاپ در سنه ۱۹۶۰ میلادی

- ۱۲- نسخه سی و چهارم - نسخه چاپ کلکته در سنه ۱۲۵۴ هجری مطابق سنه ۱۸۳۹ میلادی
- ۱۳- نسخه سی و نهم - مثنوی شیرین فرهاد، چاپ مطبع بوستان العاشقین در سال ۱۲۹۵ هجری قمری مطابق ۱۸۷۸ میلادی

### تذکره ها و کتب تاریخ

- ۱۴- مآخذ یک صد و سی و هشت : آئین اکبری تألیف ابوالفضل علامی، چاپ مطبع اسماعیل، دهلی (هندوستان)
- ۱۵- مآخذ یک صد و سی و نه : اکبرنامه تألیف ابوالفضل علامی، چاپ مطبع نولکشور، لکهنو (هندوستان)
- ۱۶- مآخذ یک صد و چهل : هفت اقلیم تألیف امین احمد رازی، رابل ایشیاتک سوسائیتی، کلکته (هندوستان)
- ۱۷- مآخذ یک صد و چهل و یک : مآثر رحیمی تألیف عبدالباقی نهاوندی، ایشیاتک سوسائیتی آف بنگال، کلکته (هندوستان)
- ۱۸- مآخذ یک صد و چهل و دو : میخانه تألیف عبدالنبی فخرالزمانی، چاپ لاهور و تهران
- ۱۹- مآخذ یک صد و چهل و سه : منتخب التواریخ تألیف ملا عبدالقادر بدایونی، چاپ کلکته
- ۲۰- مآخذ یک صد و چهل و چهار : طبقات اکبری تألیف نظام الدین احمد چاپ کلکته
- ۲۱- مآخذ یک صد و چهل و پنج : تذکره نصرآبادی تألیف میرزا محمد طاهر نصرآبادی، چاپ تهران، سال ۱۳۱۷ هجری شمسی
- ۲۲- مآخذ یک صد و چهل و شش : تذکره آتشکده تألیف لطف علی بیگ آذر، چاپ هندوستان
- ۲۳- مآخذ یک صد و چهل و هفت : مجمع الخواص تألیف صادقی افشار، چاپ تهران
- ۲۴- مآخذ یک صد و چهل و هشت : تذکره کلمات الشعراء تألیف محمد افضل سرخوش
- ۲۵- مآخذ یک صد و چهل و نه : تذکره نتایج الافکار تألیف قدرت الله گوپاموی، چاپ تهران
- ۲۶- مآخذ یک صد و پنجاه : تذکره منتخب اللطایف تألیف رحم علی خان ایمان، بکوشش آقای رضا جلالی و دکتر عابدی
- ۲۷- مآخذ یک صد و پنجاه و یک : گنج سخن (جلد سوم) تألیف دکتر ذبیح الله صفا
- ۲۸- مآخذ یک صد و پنجاه و دو : تذکره خزانه عامره تألیف غلام علی آزاد بلگرامی،

چاپ نولکشور پریس، کانپور

- ۲۹- مآخذ یک صد و پنجاه و سه : مجمع الفصحا تألیف رضاقلی هدایت  
 ۳۰- مآخذ یک صد و پنجاه و چهار : سمن زار تألیف پروفیسور ضیا احمد بدایونی

### شرح قصاید

- ۳۱- مآخذ یک صد و پنجاه و پنج : فیض بار اثر قطب الدین فارغ، چاپ و طبع نولکشور  
 ۳۲- مآخذ یک صد و پنجاه و شش : شرح قصاید عرفی اثر ملا احمد بن عبدالرحیم، چاپ کلکتہ

### فرہنگ‌ها

- ۳۳- مآخذ یک صد و پنجاه و ہفت : منتخب اللغات و چراغ ہدایت اثر سراج الدین علی خان آرزو، چاپ مطبع العلوم (سنہ ۱۸۵۶ میلادی)  
 ۳۴- مآخذ یک صد و پنجاه و ہشت : مصطحات و ارستہ اثر سیال کوتی مل و ارستہ، چاپ مطبع نامی (سنہ ۱۳۰۵ ہجری مطابق سنہ ۱۸۸۸ میلادی)  
 ۳۵- مآخذ یک صد و پنجاه و نہ : بہار عجم اثر تیک چند بہار (ہرد و جلد)، چاپ مطبع نولکشور، لکھنؤ سنہ ۱۳۳۴ ہجری قمری  
 ۳۶- مآخذ یک صد و شصت : مصطحات الشعرا، محشی با خلاصہ بہار عجم، چاپ مطبع نولکشور

### فہرست‌های کتابخانہ‌ها

- ۳۷- مآخذ یک صد و شصت و یک : فہرست کتابخانہ مجلس شورای ملی، تہران اثر ابن یوسف شیرازی، عبدالحسین حائری، محمد تقی دانش پڑوہ، علی نقی منزوی، یوسف اعتصامی، فخری راستکار، ایرج افشار، سعید نفیسی

- ۳۸- مآخذ یک صد و شصت و دو : فهرست نسخه های خطی فارسی اثر احمد منزوی
- ۳۹- مآخذ یک صد و شصت و سه : فهرست کتابخانه دانشکده ادبیات اصفهان
- ۴۰- مآخذ یک صد و شصت و چهار : فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی شیراز اثر  
علی نقی بهروزی
- ۴۱- مآخذ یک صد و شصت و پنج : فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار اثر  
ابن یوسف شیرازی
- ۴۲- مآخذ یک صد و شصت و شش : فهرست کتب خطی در کتابخانه آستان  
قدس رضوی، مشهد
- ۴۳- مآخذ یک صد و شصت و هفت : فهرست نسخه های خطی در کتابخانه مرکزی دانشگاه  
تهران اثر محمد تقی دانش پژوه و دیگران
- ۴۴- مآخذ یک صد و شصت و هشت : فهرست کتابخانه مجلس سنا، تهران
- ۴۵- مآخذ یک صد و شصت و هشت : فهرست کتابخانه ملک، تهران

### (ii) آثار زبان انگلیسی

46. Catalogue of the persian Manus cripts in the Brithish Museum by Dr. Riew (source 169)
47. Catalogue of the persian Manus cripts in the Bodleian library by sach as and Ethe.  
(souru 170)
48. Catalog of the persian Manus cripts in the office library by Ethe (soura 171)
49. Catalog of hte persian Manus cripts in the Khude Bakhsh Obental public library,  
Bankepur,(patne soura 172)
50. History of oltoman poetry by E.g.w Gibl. (Soura 173)
51. Librery History of persla by E.G Browne (soura 174)
52. Some Unkhowh Qasidas of urfi shirzi' ... Dr.s.naim udin (soura 21)

### (iii) آثار در زبان اردو

- ۵۳- ارمغان شیراز اثر پروفیسور یوسف حسین موسوی چاپ مطبع نظامی، لکھنؤ (مآخذ ۱۷۵)
- ۵۴- شعرالعجم، جلد سوم اثر مولانا شبلی نعمانی (مآخذ ۱۷۶)
- ۵۵- شرح مترجم قصاید عرفی اثر محمد ابوالحسن فرید آبادی چاپ مطبع نولکشور، لکھنؤ (مآخذ ۱۷۷)
- ۵۶- شرح عجیب و غریب اثر عبدالمجید خان، چاپ مطبع نولکشور (مآخذ ۱۷۸)

## ج - مجله‌ها

### فارسی

- ۱- ارمغان فارسی، تهران، شماره ۵، ۶، ۷، سال ۱۳۰۷ شمسی (مقاله محمد علی داعی الاسلام بر عرفی شیرازی) (مآخذ ۱۷۹)

### انگلیسی

2. Islamic Culture, Hyderabad, vol. 33, 1959 (An Unknown Masnawi of urfi shirazi)

## اردو

- ۳- ماهنامه برهان، دہلی شماره جنوری و فروری سنہ ۱۹۶۶ (مقالہ دکتر محمد ولی الحق بر تدوین کلیات عرفی شیرازی) (مآخذ ۱۸۱)
- ۴- ماهنامه برهان، دہلی شماره مارچ، اپریل، می، جون، جولای، اگست، ستمبر ۱۹۶۷ (مقالہ دکتر محمد ولی الحق بر زندگانی عرفی شیرازی) (مآخذ ۱۸۲)
- ۵- ماهنامه فروغ اردو، لکھنؤ، شماره می سنہ ۱۹۶۶ میلادی، (مقالہ دکتر محمد ولی الحق بعنوان «عرفی شیرازی کا ایک نادر مخمس» (مآخذ ۱۸۳)
- ۶- ماهنامه معارف، اعظم گرہ (ہند)، شماره نوامبر سنہ ۱۹۲۲ (مقالہ مولانا حبیب الرحمن خان شیروانی بر کلیات عرفی کہ در کتابخانہ اش نگہداری می شد). (مآخذ ۱۸۴)
- ۷- ماهنامه معارف، اعظم گرہ شماره اگست سنہ ۱۹۶۶ (مقالہ دکتر نذیر احمد بر



ظ

تذکره خلاصه الاشعار (مآخذ ۱۸۵)

۵۰- مقاله دکتر محمدولی الحق متعلق به شماره ماه اکتبر سنه ۱۹۶۹ (مآخذ ۱۳۷)

عبدالباقي نهاوندى (مآخذ ۱۸۶)

۹- مجله علوم اسلاميه، على گره، شماره جون سنه ۱۹۶۰ (مقاله دکتر نعيم الدين بر كلام نادر

عرفى شيرازى) (مآخذ ۱۸۷)

۱۰- مجله علوم اسلامى، على گره، شماره دسامبر سنه ۱۹۶۲ (مقاله دکتر نعيم الدين متعلق به

قطعات عرفى شيرازى) (مآخذ ۱۸۸)